



فرهنگ رضوی

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳



فصلنامه فرهنگ رضوی
علمی - پژوهشی

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)

مدیر مسئول: سیدجواد جعفری احمدآبادی

سر دبیر: جلال درخشه

مدیر اجرایی: محمدعلی ندائی

هیئت تحریریه:

سید محمدرضا احمدی طباطبایی	دانشیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)
جلال درخشه	استاد دانشگاه امام صادق ^(ع)
علی سروری مجد	استادیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)
مهناز شایسته‌فر	دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
محمود واعظی	استادیار دانشگاه تهران
محمدهادی همایون	دانشیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)
سیده راضیه یاسینی	استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

ویرایش و صفحه‌آرایی: مؤسسه داده‌گستر هور

چاپخانه: زمرد

دفتر نشریه:

مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب ۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)،

طبقه سوم، دفتر نشریه

تلفن: ۰۹ - ۳۲۲۸۳۰۴۴ - ۰۵۱ ایمیل نشریه: faslname@shamstoos.ir

بر اساس نامه شماره ۳/۱۸/۲۰۲۰۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ دفتر سیاست‌گذاری
و برنامه‌ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه فرهنگ
رضوی از شماره اول دارای اعتبار علمی - پژوهشی است.

● دربارهٔ مجله

فصلنامه فرهنگ رضوی، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت امام رضا(ع) می‌پذیرد.

● راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

– چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۱۵۰ کلمه) و واژگان کلیدی (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.

– یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام‌خانوادگی در پایان مقاله درج شود.

– در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه موردنظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آنها در پایین همان صفحه درج شود.

– نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه‌شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شوند.

– مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.

- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «فرهنگ رضوی» است.
- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی‌زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.
- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.
- «فرهنگ رضوی» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی دربارهٔ معارف و فرهنگ رضوی (امام رضا^(ع)) باشد.
- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، برعهده نویسندگان آنهاست.

● اشتراک

مبلغ اشتراک سالیانه در ایران ۱۶۰۰۰۰ هزار ریال است. علاقه‌مندان به اشتراک، این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۰۹۳۶۷۹۵۲۰۰۳ بانک ملی شعبه هاشمی‌نژاد واریز و اصل فیش را به نشانی مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب ۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)، طبقه سوم، دفتر نشریه ارسال کنند.

فهرست

- زخمه‌ای بر چنگ دل شعله خورشید خراسان بر مثنوی «مادر آهوان» احمد عزیزی
خلیل بیگزاده - رضا کیانی ۷
- نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) بر جامعه شیعه
حسین خاکپور - مرضیه محمودی - منصوره سعیدی گراغانی ۳۱
- جستاری بر جایگاه حدیثی امام رضا^(ع) در منابع فریقین (با محوریت فراوانی و گستردگی موضوعی روایت‌ها)
مصطفی احمدی‌فر - حمید حسین‌نژاد ۵۷
- تبارشناسی آزاداندیشی در سنت مردم‌سالاری دینی (مطالعه موردی: سیره رضوی)
غلامرضا خواجه‌سروی - سید جواد حسینی ۷۹
- سیره ارتباطی امام رضا^(ع) از مدینه تا مرو
کریم خان محمدی - محدثه یوسفی ۱۰۵
- تکثیر و تأثیر آن بر زندگی در سیره رضوی
محمدعلی طاهری‌نژاد ۱۳۷
- عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در گفتار و رفتار امام رضا^(ع)
علی خیاط - علی جانفزا ۱۶۱

زخمه‌ای بر چنگ دل

شعشعه خورشید خراسان بر مثنوی «مادر آهوان» احمد عزیزی

خلیل بیگزاده* - رضا کیانی**

چکیده

ادبیات شیعی با پرداختن به مضامین مذهبی و برخورداری از جایگاهی ویژه در نزد محبان خاندان عصمت و طهارت^(ع) به جریانی پویا و پرشور مبدل شده است تا آموزه‌های آیینی-ولایی را با نگاهی اخلاقی-تربیتی و با زبانی هنری و مؤثر به نسل‌های نیازمند به آشنخو علم و اخلاق معصومین^(ع) انتقال دهند و باورهای اهالی شیعه را به سوی آرمان‌های اصیل و متعالی این راهنمایان به کمال انسانی، بهتر و بیشتر رهنمون سازند. از این منظر، در غربت قرنی که فریاد رسای فغان از رنجوری، گنگ‌ترین آواز آدمی است و خوشه‌های امید در سکوتی تلخ، دم از ناباروری می‌زنند و تبخالی از پژمردگی بر لبانشان منقش است، احمد عزیزی دل به امامی بسته است که بارگاه مقدس او مأمن بی‌پناهانی است که آهوی دل دردمند خویش را در جلوه‌های بی‌خار ادراکش، رها کرده‌اند و از پس ابرهای نیایش، چشم به باران اجابتی دوخته‌اند که خشکسالی لبخند آنان را طراوت بخشد. این نوشتار با نگاهی توصیفی-تحلیلی به مثنوی «مادر آهوان» احمد عزیزی، به این پرسش پاسخ داده که سیمای امام رضا^(ع) در آیین اندیشه این شاعر متعهد چگونه بازتاب یافته است؟ بر اساس یافته‌های بررسی حاضر، این مثنوی نمادین، آوای سرگشتگی بی‌پناهانی است که هستی خویش را در تنگنای تنهایی و غربت به ضریح کرامت امام رضا^(ع) دخیل بسته‌اند تا سوز دل دردمند خویش را از ستم‌پیشگی خودکامگان روزگار، با آن حضرت در میان نهند.

واژه‌های کلیدی

امام رضا^(ع)، کفش‌های مکاشفه، احمد عزیزی، شعر رضوی، شعر معاصر

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۰۴

*. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

** دکتري زبان و ادبیات عرب و مدرس دانشگاه

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۵

kbaygzade@yahoo.com

rkiany@yahoo.com

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

ادبیات، جلوه‌گاه اندیشگی یک قوم و تصویری روشن و تمام‌نما از فرهنگ آن است که در اعماقش می‌توان به نظارهٔ باورهای معنوی و آرمانیِ تفکر آدمی نشست و زمینه‌های مشترک انسانی از قبیل حق‌پرستی، عدالت، آزادی، شهامت، جوانمردی و... را استخراج کرد. در این رهگذر، ادبیات ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سبب ماهیت مذهبی خود، زمینهٔ بروز و حضور دین و ارکان و جزئیات مربوط به آن را در عرصهٔ کلام منشور و منظوم فراهم کرده، به اقناع عواطف اعتقادی مردم پرداخته و ارزش‌های دینی، جزئی جدایی‌ناپذیر از حیات آنان شده است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت، هر متن منشور یا منظومی که به نوعی با احساسات مذهبی مردم پیوند داشته و تداعی گر جریان زندگی پیشوایان دینی باشد، برای مخاطبانی که چشم به این وادی دوخته‌اند، پسندیده می‌شود.

ادبیات آیینی از نظر ساختار بیرونی، نمای ظاهری و کاربرد انواع شگردهای هنری و آرایه‌های لفظی و معنوی، با دیگر گونه‌های ادبیات، تفاوتی ندارد. در حقیقت، آنچه ادبیات آیینی را از انواع دیگر ادب متمایز می‌سازد، مفاهیم معنوی و پیام درونی آن است. ماهیت ویژهٔ شعر آیینی که بیش از هر نوع ادبی دیگر، عرصهٔ ظهور عواطف و احساسات مذهبی شاعر است، موجب شده تا مسلمانان بیش از دیگر انواع ادبی، از آن استقبال کنند. از این منظر، پرداختن به موضوع سیمای ائمه^(ع) در آثار منظوم شاعران، از زیرمجموعه‌های ادبیات آیینی به شمار می‌رود.

شعر معاصر با تأثیر از آموزه‌های دینی، به قاموسی بی‌کران از واژگان مبدل شده که سیمای ائمه^(ع) و رخدادهای زندگی آنان را در پوشش زیباترین اوصاف عرضه می‌کند. این فرایندهای توصیفی در شعر امروز برخلاف گذشته، منحصر به اوصاف تکراری نیست، بلکه رفتار، کردار و منش مهرورزانة این بزرگان با رویکردی دیگرگون و تازه مورد تأکید و اشاره قرار گرفته است. به عبارت دیگر، شیوهٔ تصویرگری شاعران معاصر و نوع نگاهشان به خاندان عصمت و طهارت^(ع)، به سمتی رفته که با تصویرپردازی‌های مرسوم گذشته متفاوت

❖ زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۹

شده است. در حقیقت باید گفت که شاعران امروز با سوق دادن محورهای جدید صور خیال در خدمت سجایای بزرگان عصمت و طهارت^(۴)، سیمایی نوین از شخصیت آنان ارائه می‌دهند.

شعر احمد عزیزی گستره فریاد رسای فغان از رنجوری انسانی است که در پستوی هزارتوی زندگی ماشینی امروز اسیر شده و غم غربت، آوازه بی‌پناهی خویش را در پارچه سبزی به امامی دخیل می‌بندد که عطرآگینی سرزمین خراسان سرشار از کرامت‌های معنوی و فضائل اخلاقیش است. هنگامی که خوشه‌های امید، دم از ناباروری می‌زنند و تبخالی از پژمردگی بر لبان انسان معاصر منقش است، احمد عزیزی دل به امامی بسته که بارگاه مقدس او مأمن بی‌پناهانی است که آهوی دل دردمند خویش را به پناه امن حضورش سپرده‌اند و از پس ابرهای نیایش، چشم به باران اجابتی دوخته‌اند که خشکسالی لبخند آنان را طراوت بخشد. بررسی بازتاب جلوه‌هایی از سیمای امام رضا^(ع) در مثنوی «مادر آهوان» احمد عزیزی، شاعر متعهد معاصر، موضوع بررسی پیش رو است که نگارندگان با نیت و هدف گشودن پنجره‌ای بر روی محبان راستین امام هشتم^(ع)، انگیزه ادامه و تکمیل پژوهش‌هایی از این دست را فراروی اهالی ذوق، اندیشه و قلم قرار می‌دهند.

هدف این نوشتار، واکاوی شعر آیینی احمد عزیزی با تکیه بر «رضویات» شاعر است که اهمیت و ضرورت انجام چنین پژوهشی علاوه بر تبیین جلوه‌های فرهنگ معنوی رضوی در شعر شاعر و بازتاب نوع نگاه هنری و شاعرانه او به این موضوع در شعرش، دانش‌پژوهان نو قلم را به الگویی مناسب برای بررسی موضوع «شعر ولایی» شاعران معاصر که در باورهای مذهبی مردم جایگاه مهمی دارد، رهنمون خواهد بود.

روش

بررسی حاضر، با نگاهی توصیفی - تحلیلی به مثنوی «مادر آهوان» احمد عزیزی، به این پرسش پاسخ داده که سیمای امام رضا^(ع) در آیینه اندیشه این شاعر متعهد چگونه بازتاب

یافته است؟ بنابراین یافته‌ها گویای آن است که این مثنوی نمادین، گستره آوای سرگشتگی بی‌پناهان و نجوای جانسوز جویندگانی است که هستی خویش را در تنگنای تنهایی و غربت، به ضریح کرامت امام رضا^(ع) دخیل بسته‌اند تا سوز دل دردمند خویش را از ستمگران خودکامه روزگار، با آن حضرت در میان نهند. ارجاع درون‌متنی بیت‌های شاهد مثال در متن مقاله به مجموعه شعری *کفش‌های مکاشفه* احمد عزیزی به سال ۱۳۶۷ بوده، عدد سمت راست نمایشگر شماره صفحه و عدد سمت چپ نمایشگر شماره بیت است.

پیشینه

در گستره شعر احمد عزیزی، پژوهش‌هایی انجام شده است که عبارت‌اند از: «نگاهی به شعر احمد عزیزی» از مریم شعبان‌زاده (۱۳۹۰)؛ «فناوری در زبان امروز: جستاری در تأثیر تکنولوژی بر شعر احمد عزیزی» از مریم شعبان‌زاده (۱۳۹۲)؛ «کارکردهای هنری و بلاغی کنایه در *کفش‌های مکاشفه* احمد عزیزی، سبکی بدیع در مضمون‌آفرینی» از منوچهر اکبری و صدیقه غلام‌زاده (۱۳۹۱)؛ «بررسی سیمای زن در آثار احمد عزیزی» از سعید حاتمی و فاطمه محقق (۱۳۹۱)؛ «تحلیل زیبایی‌شناختی ساختار شعر احمد عزیزی بر اساس *کفش‌های مکاشفه*» از حسین آقاحسینی و زینب زارع (۱۳۹۰)؛ اما پژوهش در مثنوی نمادین «مادر آهوان» در مجموعه شعری *کفش‌های مکاشفه* شاعر مسکوت مانده است. امید که بررسی حاضر به کشف لایه‌هایی از زیبایی مفاهیم و واژگان نمادین این سروده نائل آمده باشد.

خلاصه زندگی احمد عزیزی و آثارش

احمد عزیزی در سال ۱۳۳۷ در شهرستان سرپل‌ذهاب به دنیا آمد. پدرش از شعرای کرمانشاه بوده و اشعاری در مدح ائمه اطهار^(ع) سروده است (ناطق، ۱۳۸۴: ۵). وی در کودکی، خواندن و نوشتن را بدون داشتن معلم و تنها از روی کنجکاوی، تأمل و دقت از نوشته‌های روی تابلوها و اسامی خیابان‌ها و... به‌خوبی فراگرفت. عزیزی، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به دعوت شمس آل‌احمد به تهران آمد و موفق به دیدار آیت‌الله مطهری

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۱۱

شد. وی با آغاز جنگ تحمیلی، همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و برای مدتی ساکن شهرستان «نور» شد، سپس در تهران اقامت گزید و به همکاری با روزنامه جمهوری اسلامی پرداخت و سرانجام شاعر جریان‌ساز شعر انقلاب اسلامی شد و آثار ارزنده‌ای در شعر در قالب غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، شعر نو و نیز آثاری در نثر به زبان شطح که همگی این آثار، جایگاه ویژه‌ای در ادب فارسی دارند.

جایگاه عزیزی را در شعر معاصر می‌توان مرهون مثنوی‌های پُرشور و شطحیات زیبای وی دانست. ذهنیت عزیزی در مثنوی‌هایش چون مولوی، سرشار از جلوه‌هایی است که دریایی از معانی را در ساحل نگاه مخاطبان می‌نمایاند. چنان‌که گفته شد، عزیزی آثار منظوم و مثنوی ادبی متعددی را آفریده و اشعارش آمیزه‌ای از مسائل عرفان اسلامی و کارکردهای اجتماعی است که تمجید و گرامیداشت سیمای اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) در بیشتر آثارش موج می‌زند و به تعبیری، «حوزه تداعی معانی در شعر او، متأثر از فضائمایی‌ها در حوزه اطلاعات عرفانی، ادبی، فلسفی و مذهبی است» (شعبان‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

عزیزی در اواخر سال ۱۳۸۶ تاکنون به علت بیماری در بیمارستان بستری شده است. برخی از آثار این شاعر جریان‌ساز انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: *باران پروانه*، *رودخانه رؤیا*، *خوابنامه و باغ تناسخ*، *ملکوت تکلم*، *ترجمه زخم*، *شرحی آواز*، *روستای فطرت*، *کفش‌های مکاشفه و سیل گل سرخ*.

نگاهی به شعر آیینی و قلمرو موضوعی آن در شعر معاصر

همان‌طور که اشاره شد، ادبیات شیعی با پردازش مضامین مذهبی و بهره‌مندی از جایگاهی ممتاز در نزد مردم، به جریانی پویا و پرشور مبدل شده که باورهای اهل تشیع را به‌سوی آرمان‌های اصیل و متعالی سوق داده است. از میان قالب‌های ادبی، داستان و شعر از برجسته‌ترین ابزارهایی به‌شمار می‌آیند که از دیرباز برای بازتاب مضامین مرتبط با ادبیات آیینی شیعه، کاربردی ویژه یافته‌اند.

۱۲ ❖ فرهنگ رضوی

در تعریف شعر آیینی اختلاف نظر وجود دارد. با این حال، اگر بخواهیم توصیفی جامع از این نوع ادبی داشته باشیم باید بگوییم، «شعر آیینی به گونه‌ای شعر متعهدانه گفته می‌شود که از جهت معنوی و محتوایی، صبغه کاملاً دینی دارد و از آموزه‌های وحیانی، فرهنگ عترت و ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه می‌گیرد» (اکرمی و خاکپور، ۱۳۹۰: ۳۸). به بیان دیگر، شعر آیینی، به شعری اطلاق می‌شود که دربردارنده آموزه‌های دینی، باورهای آسمانی، ارزش‌های اخلاقی و خصال رفتاری باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران،

خواست‌های انقلابیون که از تفکرات متفاوتی سرچشمه می‌گرفت، در کانونی به نام «جمهوری اسلامی» متمرکز گردید و «مذهب» به عنوان نماد اصلی این انقلاب، پیشرو جنبه‌های آرمانی و اعتقادی اجتماع انقلابی شد. در این روند، شعر نیز که از جمله مهم‌ترین قالب‌های ابراز تغییرات است، عرصه را برای پاسداشت اعتقادات آرمانی و ایدئولوژیک انقلاب مغتنم شمرد و شاعران تلاش خود را برای تبیین اهداف پیش روی این اجتماع مصروف داشتند (بهداروند، ۱۳۸۸: ۱۷۲).

در چنین فضایی، شاعرانی که با پایبندی به آموزه‌های اسلامی، به سرایش مضامین دینی گرایش یافتند، برای شعر آیینی یا مذهبی به لحاظ موضوع‌هایی که دنبال می‌کرد، انواع گوناگونی قائل شدند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. شعر «توحیدی» یا «کبرایی»؛ می‌توان آن را شعر «نیاشی» و «عرفانی» نیز نامید. چنین شعری، دربردارنده مضامین مرتبط با پرستش و نیایش ذات ربوبی است و به خالق هستی اختصاص دارد.

۲. شعر «ماورایی»؛ به توصیف مفاهیمی می‌پردازد که هویتی قدسی و فرازمینی دارند. از مضامینی که در این حوزه به سرایش درمی‌آیند می‌توان به موضوع‌هایی از قبیل: حکمت، معرفت، عدالت، بصیرت، فضیلت، کرامت، بردباری، معنویت، شرافت، متانت و... اشاره کرد.

۳. شعر «مقاومت» و «رهای»؛ شاعر در آن، به رهایی انسان از بند دشمن درونی یعنی «شیطان»، «نفس» و «هواهای نفسانی» و نیز آزادی از اسارت دشمنان بیرونی یعنی «دشمنان

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۱۳

سلطه‌گر و خودکامه» می‌پردازد. این گونه شعر را از آن جهت که با هدایت‌گری، انسان را از خاک به افلاک می‌کشاند، می‌توان در زمره شعر «ماورایی» به‌شمار آورد.

۴. شعر «ولایی»؛ از نظر موضوع، به خاندان عترت و طهارت^(۴) اختصاص دارد و سخنان و خصال اخلاقی آنان را بازتاب می‌دهد.

۵. آن گونه که دیده می‌شود در تعریف شعر آیینی اختلاف‌نظرهایی وجود دارد و در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت:

آن دسته از اشعاری که به مقوله‌های قدسی و ملکوتی از قبیل توحید، خداپرستی، توصیف ذات باری تعالی و نیایش و ستایش خداوندی می‌پردازد یا اشعاری که در قلمرو تزکیه و تهذیب نفس انسانی سروده و نیز سروده‌هایی که در مناقب و رشای معصومین^(۵) تحت عنوان شعر «ولایی» ساخته می‌شود، شعر «آیینی» یا «مذهبی» نام دارد (اکرمی و خاکپور، ۱۳۹۰: ۳۸).

با این حال، نگارندگان در این نوشتار، ضمن توجه به افتراق آراء، سروده‌های آیینی معاصر را بر مبنای اشعار «ولایی» و با تکیه بر دل‌گویه‌های رضوی احمد عزیزی در مثنوی «مادرِ آهوان» بررسی کرده‌اند.

درآمدی بر دردوازه‌های شاعرانه در مثنوی «مادرِ آهوان»

رهیافت‌های ذهنی احمد عزیزی در ابیات آغازین مثنوی «مادرِ آهوان»، همگام با درون‌مایه سایر بیت‌هایی که عصاره شیرین نام مبارک امام هشتم^(۶) را در کام مخاطبان فرو می‌ریزند، حرکت می‌کند. در این مسیر، قابلیت نمادین پاره‌ای از واژگان، چشم‌اندازهای حسرت‌آمیزی را از دردوازه‌های شاعری رنجور ارائه می‌دهد که با تمسک به وجود مقدس امام رضا^(۷)، در پی آن است تا اندکی از اندوه جانکاه خویش را بکاهد. این مثنوی از منظر تأویلی، حدیث دل‌خستگی‌های امروزمین شاعری است که در تلاطم عاطفی واژگان با کاربرد ایجازهای هنری، گستره‌ای پهناور از دل‌بستگی و تعلق‌خاطر خویش را نسبت به آفتاب هشتم آسمان ولایت در معرض نگاه خوانندگان قرار می‌دهد.

❖ در سکوت تلخ لحظه‌های سنگین غربت، غریو دلتنگی‌های احمد عزیزی، سوار بر بال خسته‌ وازگان بی‌قرار، به‌سوی امامی رهسپار می‌شود که همچون خورشیدی تابان، بر گستره آسمان پهناور خراسان پرتوافشانی می‌کند. نغمه سبز دل‌دادگی به امام رضا^(ع) در پهنه خرم ادراک و شعور عزیزی آن‌گونه طنین‌انداز شده که وی را از خود بی‌خود کرده تا جایی که شاعر، در تصویری زیبا، از محنت دلبستگی و حقیقت عشق‌ورزی خویش به‌عنوان یکی از شیفتگان امام^(ع) این‌گونه پرده‌برداری می‌کند:

ای بهارِ خرمِ ادراکِ من

مادرِ مریم‌نشینِ پاکِ من

کاش شیرِ گلِ نمی‌دادی مرا

کاش در شبنمِ نمی‌زادی مرا

قتل‌گاهِ عطر شد پیراهنم

سوخت از این عشقِ مورثی تنم

کاش می‌خواهید در من این خروش

من نمی‌بردم ازین پس رنجِ هوش (۴/۴۲۹ - ۱).

در بوستان خشک و خزان‌زده عشق احمد عزیزی، رنج فراق از امام رضا^(ع) بسیار سخت و جانکاه است و رطوبت هیچ شبنمی نمی‌تواند از سوز این جدایی بکاهد تا مرهمی بر دل دردمند وی بنهد:

رو به هر شب در گشودن مشکلت

عشق را از نو سرودن مشکلت

مشکلت این داغ را شبنم زدن

در خزانِ عشق از گلِ دم‌زدن (۳/۴۳۰ - ۲).

عزیزی با شکوه از خردگریزی نسل امروزین در فاصله گرفتن از ارزش‌های معنوی، بی‌مبالاتی سبک‌اندیشان باورستیز را در بی‌حرمتی به مقدسات مردم و توسل نکردن آنان به

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۱۵

ائمه اطهار^(ع) را این گونه می‌سراید:

از خرد جز بوته‌ای نارس نماند

از عزاداران عرفان کس نماند (۶/۴۳۰).

از آنجا که «متن در ژرف‌ترین لایه معنایی خود به آینه‌ای بدل می‌شود که آسیب‌ها و نژندی‌های روانی آفریننده خود را بازمی‌تاباند» (یاوری، ۱۳۷۴: ۲۴)، احمد عزیزی با یادآوری ضمنی خاطره‌های شیرین کودکی خویش در سفرهای زیارتی به دیار خراسان، حسرت زندگی در سالیانی را تداعی می‌کند که مردم با اعتقاد وصف‌ناپذیر خود در برابر ناملايمات روزگار، به ادعیه قرآنی پشت گرم بوده‌اند:

یاد از آن سالی که رو در روی باد^۱

غرس می‌کردیم باغ «ان یکاد» (۶/۴۳۱).

عزیزی، با انتقاد از ظاهرپرستان امروزین که در بند تعلق‌های کاذب مادی، روزگار می‌گذرانند و هم خود در زیارت امام رضا^(ع) سهل‌انگاری می‌کنند و هم باورهای مردم را به تمسخر می‌گیرند، آنان را کورباطنانی می‌داند که پستی پیشه کرده‌اند و چشم بر عظمت آن حضرت بسته‌اند:

وای بر این مردم ظاهرپرست

وای بر این کورباطن‌های پست (۱/۴۳۴).

شاعر در ادامه با بهره‌برداری از دو استفهام تأمل‌برانگیز و بیدارگر که دربردارنده مفهومی عتاب‌آلود و تحریک‌آمیز است، منکران خورشید خراسان را که در میان ظلمت مهیب گمراهی دست و پا می‌زنند و سعادت زیارت بارگاه مقدس آن حضرت را نمی‌یابند، این گونه ملامت می‌کند:

رو به ظلمت در گشودن تا به کی؟

منکر خورشید بودن تا به کی؟ (۱/۴۳۵).

۱. «باد» در اینجا می‌تواند نمادی از «دشمنی»، «کینه»، «حسادت»، «خشونت» و... باشد.

شور و اشتیاق توصیف‌ناپذیر عزیزی به امام هشتم^(ع)، چنان شاعر را شیفته کرده که تمام خوشه‌های هستی خویش را در پیوند با وجود مبارک آن حضرت احساس می‌کند. پیوندی که در آن، تبسم زیبای امام^(ع)، مهریه شاعری قرار گرفته که عنان دل از دست داده و خود را چون دوشیزه‌ای پنداشته که در آرزوی لبخند رضایت دل حضرت، به عقد سلطان خراسان درآمده است:

من تمام خوشه‌ام پیوندِ توست

پشت عقدِ مهرِ من لبخندِ توست (۵/۴۳۵).

شاعر، امام رضا^(ع) را همیشه در کنار خود حس می‌کند، چون اعتقاد دارد معصومین «در همه حال مترقب رفتار و گفتار ما هستند و در حال ممات هم ارواح ملکوتیشان ناظر بر اوضاع و احوال ماست، ما را می‌بینند، کلام ما را می‌شنوند، سلام ما را جواب می‌دهند و به خواست و نیازهای ما توجه می‌کنند» (برهانی‌شهرستانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹). گویی آن حضرت، همگام با کاروان لحظه‌های شعر و شاعری وی گام برمی‌دارد و طنین روشنی است که نغمه‌های رنجوری وی را از آن سوی کوه، پژواک می‌دهد:

کاروانِ لحظه‌های من تویی

آن ورِ کوه صدای من تویی (۸/۴۳۵).

دل‌گویه‌های شاعر با امام رضا^(ع) در مثنوی «مادرِ آهوان»

می‌توان ادعا کرد، عصری که در آن زندگی می‌کنیم:

عصر سیطره دغدغه‌های ذهنی بر روان انسان است که منجر به ایجاد انفعال و بروز حالات عاطفی گوناگونی از قبیل یأس و امید، مهر و کین، شادی و اندوه و شگفتی شده است. به همان اندازه که شخصیت انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارد، کیفیت بروز این عواطف نیز متفاوت است. این حالات که بیانگر ویژگی‌های درونی و روانی شخص بوده، در شعر و ادبیات به طرز نمایان‌تری انعکاس یافته است (محکی‌پور و کشاورز، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۱۷

از این منظر، مثنوی «مادرِ آهوان» مجالِ مناسب برای بیان دل‌گویه‌های دردمندانۀ احمد عزیزی با امام رضا^(ع) فراهم آورده که از راه پیوند با لایه‌های پنهان و پیدای زندگی امروزین، جلوه‌ای ویژه یافته است. می‌توان گفت، دردی که پیکرۀ این مثنوی اندوهبار را رنجور کرده و بر چهره احساس مخاطبان، خراشی از غم کشیده، دردی عمیق است که بر دوش انسان معاصر سنگینی می‌کند و شاعر را به دردِ دل با امام هشتم^(ع) واداشته که،

اگرچه حرم امام رضا^(ع) حرم امام رئوفی است که کریمانه عنایت می‌کند؛ اما معرفت کامل به مقام ولایت در درک صحیح مقام ولایت ایشان است. اگر به این مقام نزدیک شوی، درخواهی یافت که در حریم ولایت امام رضا^(ع) - که ... تمام عالم امکان است - جایی برای گنه‌کاری نیست و آنگاه بر غربت امام رضا^(ع) خواهی گریست که به حکم لطف و رأفت خویش، بر سر زائرانی دست محبت می‌کشد. که گاه فراموش می‌کنند در حریم ولایت گناه ممنوع است، چه رسد به حریم حرم (شوبکلایی، ۱۳۸۸: ۳۲ - ۳۱).

عزیزی در تنهایی مهیب روزگار مغرور که فریاد بلند بیداد از رنجوری، چون زمزمه‌ای گنگ و نامفهوم شده، به امامی دل‌خوش کرده که بارگاه مقدس او اجابت‌گاه دعای بی‌پناهانی است که آهوی دل دردمند خویش را در گسترۀ مهربانی‌های آن رها کرده‌اند. در چنین ساحتی، اندوه حسرت‌آمیز عزیزی بر سرگشتگی‌های امروزین آدمی، آن‌چنان وی را افسرده‌خاطر کرده که این‌گونه زبان به شکوه می‌گشاید و ضامن آهو را به یاری می‌طلبد:

می‌چکد از سینه‌ام خون نفس

ضامن آهو! به فریادم برس (۵/۴۴۰).

تجارب ناگوار زندگی و عوامل ناخوشایندی که از بی‌مهری‌های پیرامونی در ژرفای وجدان عزیزی رسوخ کرده، اندیشه‌ی وی را به سمتی سوق داده که دردهای خویش را با امامی در میان بگذارد که بارگاه اجابتش در سرزمین مادریش قرار دارد. جریان ندای عریان و بی‌شائبۀ شاعر در مثنوی «مادرِ آهوان» با سلطان خراسان آن‌چنان دوستانه در حرکت است که خوانندگان را در صمیمیت سیال خود شناور می‌کند و نیز تلمیحی پنهان به حدیث

قدسی سلسله‌الذهب دارد که فرمود: «منم خدایی که خدایی جز من نیست، پس مرا پرستش کنید. هر کس از شما که بیاید و شهادت (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) را با اخلاص بگوید، وارد قلعه و حصار من شده است و هر کس که داخل در قلعه و حصار من بشود از عذاب من ایمن خواهد بود» (ابن بابویه، ۱۳۳۸ ب، ج ۲: ۳۷۵). شیخ صدوق در ادامه این حدیث می‌گوید: «چون مرکب ایشان [امام رضا^(ع)] به حرکت درآمد، حضرت ندا دادند: «وَبَشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» و شیخ در توضیح آن نوشته که از شروط آن اقرار به امامت حضرت رضا^(ع) است. به این معنی که امامی از جانب خداوند عزوجل بر بندگان اوست و اطاعت از او بر بندگان واجب است» (همان) و شاعر جان‌آگاه ما «گل الهام» شاعرانگی خویش را محصول «بذر کرامت» امامی می‌داند که از سرچشمه‌های فیض آبشخور دارد، چنان‌که می‌گوید:

ای گلِ الهامِ من از بذرِ تو

ای تمامِ لاله‌هایم نذرِ تو

من هم از آدابِ دانانِ توأم

از زیارت‌نامه‌خوانانِ توأم

جاری‌ام کُن جاری‌ام کُن در جمال

ختم کُن قلب مرا با خط و خال (۴۳۶/۴-۲).

مثنوی «مادرِ آهوان» سرگذشت تلخ انسانی منتقد بوده که محکوم است مرگِ هموعان بی‌گناهش را در عصری سیاه و شوم به نظاره بنشیند. شاعر در تنگنای سنگین چنین لحظه‌ای، امام رضا^(ع) را در کانون نگاه خویش قرار داده و افسوس عمیق خویش را از نابرابری‌ها (استخدامِ آدم‌شورها) و ناخالصی‌ها (مسمومیتِ انگورها) به گوش آن حضرت می‌رساند:

ضامنِ آهو! در این عصرِ سیاه

عصرِ قتلِ آهوانِ بی‌گناه

عصرِ استخدامِ آدم‌شورها

عصرِ مسمومیتِ انگورها (۴۴۰/۷-۶).

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۱۹

عزیزی که دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی، دژخیمان بعثی عراق را علیه ایران با تمام وجودش تجربه کرده، با گریزی هدفمند به بمباران شیمیایی شهر مرزی «سردشت»، به گستره تمام شهرهای آسیب‌دیده از جنگ، کودکان مظلوم و بی‌دفاع این دیار را به بچه‌آهوani تشبیه کرده که در فصل گُلگشتِ لاله‌ها، بار دیگر در پناه امام رضا^(ع) آرامیده‌اند:

لاله‌های فصلِ گُلگشت آمدند

بچه آهوهایِ سردشت آمدند (۱/۴۴۱).

شاعر با اشاره به تجاوز مکرر هواپیماهای بعثیان عراقی در یورش به شهر دزفول، هول و هراس مردم این سرزمین مقاوم را در ایام جنگ این‌گونه برای امام رضا^(ع) بازگو می‌کند:

آمدیم از دره هول آمدیم

آمدیم از دفن دزفول آمدیم (۴/۴۴۱).

امام غریبان، غم سوز ساز غربت را در عاطفه‌ای عمیق و احساسی دقیق تجربه کرده است، چون:

حضور امام^(ع) در سرزمین غربت (خراسان) تصویر غم‌باری است که نقش سوزناک آن‌را دوری از اهل و عیال تکمیل کرد. از این منظر، زمانی اوج غربت امام^(ع) ترسیم خواهد شد که صحنه تشیع پیکر مطهر امام رضا^(ع) را به یاد آری که کسی از اهل و عیال حضرتش پای تابوت ایشان حضور ندارد و چه غربتی از این بیشتر که به جای خاندان امام رضا^(ع)، مأمون پای تابوت حضرتش بر سر می‌زند (شوبکلایی، ۱۳۸۸: ۲۸).

این وجه مشترک (غم غربت) در حیات امام رضا^(ع) و زندگی عزیزی که خود را جنگ‌زده‌ای ملول و آزرده‌دل می‌داند، شاعر را بر آن داشته است رنج سفر را از دیار غبارآلود مرزهای غرب ایران به بارگاه امن خراسان پذیرا باشد تا اندوه جانسوز مادران و پدران داغدار دیار غروب آهوان سوگوار را به عرض امام رضا^(ع) برساند:

آمدَم من آمدَم من از غبار

از غروبِ آهوانِ سوگوار (۹/۴۴۰).

❖ ۲۰ فرهنگ رضوی

زبان گویای شاعر، امام رضا^(ع) را مورد خطاب قرار داده و مظلومیت بی‌پناه هموطنانش را در برابر گروه متجاوزان، در پوشش تشبیهی دقیق به تصویر می‌کشد. در ساختار این تشبیه تمام‌نما، دشمنان پلید این مرز و بوم، بسان صیادانی بی‌رحم متصور شده‌اند که مظلومیت مردم ایران را شکار غرور و زیاده‌خواهی خود کرده‌اند:

صید صیادان بی‌رحمیم ما

ضامن آهوا! زبان فهمیم ما (۲/۴۴۱).

دردمندان مظلومی که در دنیای معاصر دست به دامن امام رضا^(ع) شده‌اند، آهوان (پدران و مادران) و بچه‌آهوایی (کودکان) هستند که در اوج قساوت جهان‌خواران و مزدورانشان، قربانی غفلت آنها از لحظه‌های بی‌بازگشت زندگی شده‌اند:

آهوان شیرخوار تشنه‌لب

آهوان زخم‌های نیمه‌شب (۳/۴۴۱).

افزون بر این، جشن ولادت خورشید خراسان در آسمان نگاه عزیزی آن‌چنان نورافشانی می‌کند که طبیعت را نیز به وجد می‌آورد تا جایی که آذینی از عشق بر خود می‌بندد و هر آنچه را که در آسمان و زمین است به میهمانی فرامی‌خواند. بر شکوه چنین محفلی که طبیعت در بزم میلاد امام رضا^(ع) برپا کرده، رود همساز با گل، نغمه شادی سر می‌دهد و نسیم معطر تبسم، از چشمان تیز باد به مشام می‌رسد:

باد بوی پونه می‌آرد ز کوه

نم‌نمک پروانه می‌بارد ز کوه

رودها آواهای دلکش خوانده است

گل، سرودِ سرخ آتش خوانده است

(۱/۴۳۹ و ۹/۴۳۸).

شاعر، کبودستان دل‌دردمند خویش را لبریز از شور و شوق به جشن میلاد پیشوایان دینی می‌داند و خود را مسافری مشتاق از اهالی عشق‌آباد (محبان ائمه اطهار^(ع)) معرفی می‌کند:

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۲۱

آن کبودستان، پُر از میلاد بود

آن مسافر، اهلِ عشقِ آباد بود (۲/۴۳۹).

در زلال لحظه‌های میلاد خورشیدی که در آسمان فقاہت خراسان پرتوافشان است، شاخه‌های انبوه برکت، شبنم شادی می‌افشانند و فرشتگان لاله‌پوش، بال در بال یکدیگر، گرد حرم محبت آن حضرت چرخ می‌زنند و از فرط شوق، با لهجۀ سبز طراوت، نغمه‌پردازی می‌کنند:

سرخ‌پوشان، سبزخوانی می‌کنند

شاخه‌ها شبنم‌فشانی می‌کنند (۳/۴۳۹).

در نگاه شاعر، زائرانی که همه وجودشان را به مشبک‌های ضریح بخشندگی امام رضا^(ع) دخیل بسته‌اند، چشم به سیمای طلایی گنبدی دوخته‌اند که بارقه‌های اجابت را بر دل‌های آنان بازتاب می‌دهد:

گنبدی اینجاست از روح طلا

زائران قرن آتش الصلا (۸/۴۳۹).

گنبد رؤیاهای شاعر در پهنه کویری سوزان واقع شده که خنکای چشمه‌هایش در شب، عطش را از لب آهوان تشنه برمی‌گیرد و رنج طاقت‌فرسای سفر را بر آنان هموار می‌کند:

گنبدی در چشمه‌های سردِ شب

زائرانش، آهوان تشنه‌لب (۹/۴۳۹).

در حریم امن وصال به حرم مبارک امام رضا^(ع)، دستان آرزومندان بی‌شماری از آهودلان بی‌پناه، روزنه‌های ضریح کرامت را محکم فشرده‌اند تا سایه اندوه خویش را در پرتو خورشید کرامت آن حضرت، مضمحل کنند، چون «نور الهی همان نور و شعله‌های ایمان و هدایت به عنوان «مصباح» است که در قلب انسان‌های کامل، شایسته و والا، از پیامبران و امامان گرفته تا مؤمنان ... آشکار می‌گردد و فروغ هدایت از آن منتشر می‌شود» (جوان

❖ ملکوتی، ۱۳۸۶: ۷۱). بنابراین، شاعر در نور ضریحی چنگ می‌زند که فولادش از ینایع الحکمة «الله نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ...» (نور/ ۳۵) شعشه یافته است تا زخمه‌ای بر چنگ دل زند که به مصداق روایت جابرین عبدالله از امیرالمؤمنین، علی^(ع) «و لا غریبه، علی بن موسی است» (جوان ملکوتی، ۱۳۸۶: ۶۸) که عزیزی خطاب به حضرتش می‌گوید:

ای تب عرفان! تنم را لمس کن

سایه‌ام را مضمحل در شمس کن (۳/۴۳۶).

امام رضا^(ع) می‌فرماید: «اگر در زندگی دچار سختی و گرفتاری شدید، به‌وسیله ما از خدا کمک بگیرید» (مروجی طبسی، ۱۳۹۳: ۱۸۱). بدین دلیل، خیل عظیم زائرانی که عاشقانه چون غزالان رو به‌سوی بارگاه ملکوتی امام هشتم^(ع) در حرکت‌اند، به‌حدی است که شاعر، آنان را به انبوه ریگ‌هایی تشبیه می‌کند که به طرز زیبایی در دریای عظمت آن حضرت، شناورند. غزالانی که سر در گریبان درخواست‌های گوناگون فرو برده‌اند، بدان امید که پذیرفته و شکار دوست شوند:

ریگ دارد رو به دریا می‌رود

این غزالستان چه زیبا می‌رود! (۶/۴۳۹).

ازدحام آهوان تشنه‌لبی (مشتاقان بی‌قرار) که بر لب چشمه جود و کرم امام رضا^(ع) گرد آمده‌اند، چنان فراوان است که هر یک بیم آن دارند که در پیشتازی عشق‌ورزانه از رقیبان عقب بمانند و از نوشیدن جرعه‌های آب اجابت، بی‌نصیب شوند یا کمتر بهره گیرند:

آهوان تشنه‌لب! راهم دهید

جرعه‌ای از چشمه ماهم دهید (۱/۴۴۰).

عزیزی، شاعرانی را که با خلوص‌نیت به امام رضا^(ع) دل می‌سپارند و مروارید کلام خویش را نثار خصال والای آن حضرت می‌کنند، به کاهنانی تشبیه می‌کند که شراب عشق الهی می‌نوشند و زبان به عظمت آفتاب خراسان می‌گشایند:

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۲۳

زیر گُل‌ها، کاهنان^۱ آفتاب

شعر می‌نوشتند همراه شراب (۵/۴۳۹).

زائران و دوستداران علی بن موسی الرضا المرتضی^(ع) از جمله شاعر جان‌سوخته، احمد عزیزی، برآند که حضرت، آهوئی رمیده از مردی شکارچی را ضمانت کرده و به ایشان فرمودند: «ای مرد این آهو بچه‌هایی دارد که منتظرش هستند، بچه‌هایش گرسنه‌اند، ... آهو به طرف امام رضا^(ع) رفت، امام^(ع) دستی روی سرش کشید، ... دوباره ایستاد، ... به آقا نگاهی کرد و رفت ...» (یزدان‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۳۷). عزیزی با اعتقاد به این روایت، در ادامه شعرش به ضامن آهو التماس می‌کند که توفیق زیارتش را به شیفتگان عطا کند و غزالان بی‌پناه و بی‌کس را در مرتع بی‌خار مهر و محبت خویش مأوا دهد:

ضامنِ آهو! تو ما را بار ده

مرتعی در جلگه بی‌خار ده (۵/۴۴۱).

نوری منقول از شعشعه کلام خورشید خراسان بر دهلیز دل صاحب‌کمالان می‌فرمایند: «هرکس مرا با دوری وطنم زیارت کند، در روز قیامت در سه مورد به یاری او خواهم شتافت: هنگام توزیع نامه اعمال، هنگام عبور از پل صراط و در پای میزان» (عطاردی، ۱۳۶۸: ۳۰۷). عزیزی با الهامی برخاسته از این روایت در پایان مثنوی معنوی خویش، امام رضا^(ع) را ضامنی مطمئن برای شیفتگانی می‌داند که دل به او بسته‌اند و اعتبار ضمانت‌نامه آن حضرت را در حق آهوان بی‌پناه دنیای امروز، به رخ صیادان ستم‌پیشه‌ای می‌کشد که در پس لحظه‌ها به کمین آنها نشسته‌اند:

تو به ما حق حضانت داده‌ای

تو به آهوها ضمانت داده‌ای (۶/۴۴۱).

۱. می‌توان گفت، این کاهنان، شاعرانی هستند که سروده‌هایشان را از واژگان ملکوتی، معطر کرده‌اند و با پرتویی از خصال ویژه امام رضا^(ع)، عشق خود را به حقیقت و شعاع بی‌کران آن حضرت نمایان ساخته‌اند.

❖ نوآوری خوشه‌های تصویری مثنوی «مادرِ آهوان»

ماهیت ویژه شعر که بیش از هر نوع ادبی دیگر، عرصه ظهور عواطف و احساسات هنرمند است، موجب شده تا بیش از قصه، رمان، نمایش‌نامه و دیگر انواع ادبی، جایگاه اصلی تصویرپردازی قلمداد شود.

تصویر به آن دسته از فعالیت‌های ذهنی گفته می‌شود که در فرایند آفرینش هنری، در قوه خیال کشف می‌گردد. تصویر، عناصر بیگانه طبیعت را به هم پیوند می‌دهد و با ابداع حس و فهم مشترک، نسبت میان انسان و طبیعت را از سطح «این نه آنی» به سطح «این همانی» ارتقا می‌دهد. این سطح از صورت‌بندی‌های خیال، فقط زمانی گریبان شاعر را می‌گیرد که شاعر، منطقی متعارف مکالمه و مفاهمه را فاقد قابلیت لازم برای حسی کردن معانی و مضامین شهودی و انتزاعی و تجارب ناب ببیند، لذا زبان را با انحراف هنرمندانه از هنجار منطقی محاوره و منطقی مکاتبه که مبتنی بر دلالت مطابقی و کارکرد ارجاعی است، خارج می‌سازد و در سطح کارکرد شاعرانه، بازسازی می‌نماید (مدرسی و یاسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

با نگاهی به مثنوی «مادرِ آهوان» از این منظر درمی‌یابیم که تکاوی عمیق تخیل سیال احمد عزیزی در بهره‌برداری از امکانات زبانی و قابلیت‌های موجود در آن، به خلق تصاویری بدیع منجر شده که بسان جویباری روان در بسترهای کلام، جاری شده‌اند و خواننده را از ارتباطی صمیمی و سیال با شعر بهره‌مند ساخته‌اند. چون

عاطفه در تصویر یعنی تزریق روح انسانی در اشیاء، یعنی تجسم حالات روحی و عاطفی مانند دلهره، غم، تشویش، شور و اشتیاق، عشق و نفرت در اشیاء و اجزاء تصویر. ... هنرمندان از آن رو که عاطفی‌اند با تخیل رابطه عمیق‌تری دارند. آفرینش صورت خیالی متعلق به عرصه هنر است، هنر یعنی اندیشیدن با صور خیالی (فتوحی، ۱۳۸۶: ۵۴).

درواقع باید گفت، تصاویر ذهنی شاعر در این مثنوی، امام هشتم^(ع) را با بحران‌های سیاسی و اجتماعی امروزمین همگام می‌کند و با فراخوان معنویت فرامود شخصیت امام^(ع)

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۲۵

در فضای مه‌آلود عصر خویش، امام مهربانی‌ها را خطاب قرار می‌دهد تا با زبانی شیکوه‌آمیز، جلوه‌هایی از دردهای انسان معاصر را در میان بگذارد.

عزیزی در اثنای توصیف عظمت حضرت رضا^(ع) و عرض ارادت خویش به شأن والای ایشان، با پرده‌برداری از تصاویر بدیع، توان انتقال کلام خویش را به مخاطبان افزونی می‌دهد، چون یکی از عواملی که به برجسته‌سازی کلام در شعر امروز یاری رسانده، کاربرد متفاوت و هنرمندانه زبان بوده که بخشی از آن با توسل به شگردهای گوناگون نوزایی در گستره معنایی تحقق یافته است. این شگردها با خصلت ابهام‌آفرینی در متن، درک سریع مخاطب را با درنگ مواجه کرده و پیش‌فرض‌های متعارف ذهن او را برهم می‌زنند. بنابراین «اصول، تکنیک‌ها و ضوابط شعری در هیچ زمانی از قواعد ثابت و تغییرناپذیر تبعیت نداشته است. در هر دوره‌ای، استعداد تبدیل شدن و تغییر کردن با شعر بوده و عرصه آن مجالی برای اعمال سلیقه‌های تازه از سوی شاعران بوده است» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۲۱) که تداعی‌های غیرمنتظره‌ای را در ذهن ایجاد می‌کند. ذکر واژگان «سلطان» و «مسعود» در محدوده یک مصراع در بیت زیر، در نگاه نخست، نام «سلطان مسعود غزنوی» را برای خوانندگان تداعی می‌کند؛ این در حالی است که تأمل در ژرفای کاربرد واژگان در این بیت، با در نظر گرفتن سیاق محتوایی بیت‌های پیشین، به‌خوبی نشان می‌دهد که واژه «سلطان» به یکی از القاب امام رضا^(ع) دلالت دارد و واژه «مسعود» اسم خاص نیست، بلکه در مفهوم وصفی خود به معنای خوش‌یُمی و فرخندگی است:

یاد از آن سالی که شبنم، رود بود

سالِ سلطان، سایه مسعود بود (۵/۴۳۱).

شاعر به تأثیر از شگرد شاعرانه «حس‌آمیزی» که از ترفندهای مورد علاقه شاعران معاصر است و در آفرینش «هنجارگریزی معنایی»، نقشی عمیق دارد و «می‌تواند ذهن و عواطف خواننده را به مسیری غیرقابل پیش‌بینی سوق دهد و او را به دریافتهای غریب از امور عادی رهنمود سازد» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۸۱)، آفرینشی تازه در زبان هنری و ادبی مثنوی «مادر

❖ آهوان» ایجاد کرده است و در بیت زیر رعشه‌های مضطرب ترنم نیازهای شاعرانه را در گوش اجابت‌پذیر امام رضا^(ع) زمزمه می‌کند، چنان‌که تلفیق غیرمنتظره واژه «صدا» که محسوس حس شنوایی است، با فعل «دیدن» که محسوس حس بینایی به‌شمار می‌آید، افزون بر اینکه نمودی از برجستگی استعاره مکینیه را عرضه می‌کند، از آرایه زیبای حس‌آمیزی نیز بهره می‌گشاید:

ای صدا! لرزیدنِ ما را ببین

زیر و بمِ رقصیدنِ ما را ببین (۳/۴۳۵).

شاعر در بیت زیر نیز، با پرده‌برداری از چند آرایه بدیع ادبی، زیبایی سیمای ظاهری امام رضا^(ع) را این‌گونه به سرایش درآورده است:

ای می‌ایهام، چشم چون شبت

گل، مراعات‌النظیری از لب (۸/۴۳۷).

ذهنیت خلاق شاعر از مجرای کاربرد دقیق گونه‌های تشبیهی و آگاهی از کارکرد معنایی آن در بیت، به کلام برجستگی خاصی بخشیده است که شرحی از آن در ادامه می‌آید:

– تشبیه بلیغی که در ترکیب «می‌ایهام» نمود یافته است؛

– همانندی سیاهی چشمان امام رضا^(ع) به تاریکی شب که یکی از فواید آرایه تشبیه را

در علم بیان، یادآوری می‌کند و همان زیبایی چشم سیاه در سنت ادبی است؛

– تشبیه مقلوب که در همانندی «گل» به «لب» تجلی یافته است.

افزون بر این، از زیبایی‌های نهفته در بیت آن است که هوش سرشار شاعر، اصطلاح «مراعات‌النظیر» را که از زیبایی‌های علم بدیع به‌شمار می‌آید، در حوزه علم بیان وارد کرده و از آن در جایگاه ابزار یا ادات تشبیه بهره جسته است.

شان و شوکت بی‌همتای امام رضا^(ع)، در بیت دیگری نیز شاعر را بر آن می‌دارد تا با تکیه بر هنجارگریزی معنایی که شگردهای زبان ادبی در این رویکرد، «وظایف آشنای خود را رها می‌نمایند و به وظایفی نامتعارف روی می‌آورند تا شاعر را به اغراضی رهنمود سازند

زخمه‌ای بر چنگِ دل ... ❖ ۲۷

که ترکیبات عادی از رسیدن به آن اغراض، ناتوان هستند» (الصائع، ۱۹۹۷م: ۱۳۶)، در یک آشنایی‌زدایی زبانی با بهره‌برداری از آرایه‌هایی چون: استعارهٔ مکنیه و مصرحه در کنار صنعت بدیعی «جناس» و «تلمیح» به زبان شاعرانهٔ خویش، جلوه‌ای ویژه بخشد:

نور طغیان کرد، نور طور کو؟

نغمه می‌بارد، گلِ تنبور کو؟ (۴/۴۳۶).

شاعر در بیت مذکور با استفاده از شگردهای زیر به زیبایی زبان خویش و شخصی‌سازی آن یاری رسانده است:

۱. «طغیان کردن نور»، نمایی کامل از سازه‌های استعارهٔ مکنیه را در برابر خواننده ترسیم می‌کند؛

۲. فعل «باریدن» در اینجا در معنای «منتشر شدن» نمودی از تحقق استعارهٔ تصریحیه تبعیه را به مخاطب انتقال می‌دهد و به برجستگی زبان شاعر کمک کرده است؛

۳. مراد شاعر از کاربرد واژگان «نور» و «طور» در کنار هم، بازتاب زیبایی صنعت بدیعی تناسب در کنار آرایه‌های علم بیان بوده است؛

۴. «نور» و «تنبور» به سازوارهٔ تقویت موسیقی بیت کمک می‌کند، چون با هم، سجع مطرف می‌سازند که از عوامل ایجاد موسیقی در بدیع لفظی است.

آن‌گونه که می‌بینیم گرایش عمیق احمد عزیزی به گریز از تصویرپردازی‌های تکراری و جنبش بی‌وقفهٔ ذهن وی در خلق تشبیه‌ها و استعاره‌های بدیع در مثنوی «مادرِ آهوان»، طیفی موج از تصاویر نوین نمادین را با مفهومی آیینی-ولایی به مخاطبان ارائه کرده است.

نتیجه‌گیری

مثنوی آیینی «مادرِ آهوان» احمد عزیزی نمادی است فراگیر از غم و اندوه بی‌پناهان ستمدیده و رنجور دنیای امروز که دردمندی احساس خویش را با توسل به نام مبارک امام رضا^(ع) و همدردی با آن حضرت، مرهم می‌نهند. جریان موج واژگان این مثنوی در

بیت‌های آغازین، انبوهی از دردواژه‌ها را در برابر دیدگان، شناور می‌سازد. دردهایی که از عمق لحظه‌های تنگ زندگی انسان معاصر سر برآورده‌اند و عزیزی، زبانی گویا برای ابلاغ شاعرانه آنها شده است. شاعر در ادامه، عشق و دلدادگی سرگشتگان آهوصفت و بی‌قرار را در آیینۀ سیمای تابناک معشوق خویش، امام رضا^(ع)، به تصویر می‌کشد.

کجاوه اندوه عاشقان سینه‌چاکی که در مثنوی «مادرِ آهوان» رو به‌سوی معشوق نهاده است، سوار بر دوش واژگان، در بارگاهی فرود می‌آید که گنبد طلایی آن، بسان خورشیدی که بدر نور می‌افشاند، آسمان خراسان را منور کرده است. در سایه‌سار آسمان این شهر است که عزیزی نیز مانند دیگر شیفتگان آن امام همام^(ع)، هستی خویش را به مشبک‌های ضریح مبارکش دخیل می‌بندد و حسرت سوزناک خویش را از جولان بی‌عدالتی بر زمین و رسوخ ناخالصی در نیت، به گوش آن حضرت می‌رساند.

در مجموع می‌توان گفت، این مثنوی، نغمۀ نمادین انسان امروزمین است که در سکوت تلخ تنهایی و غربت، به امامی پناه برده که همانند مادری مهربان، دامن محبت بی‌شائبه خویش را از فرزندانش دریغ نمی‌کند. در حقیقت، شاعر در این مثنوی آیینی، مروری بر گذشته‌ای خوش دارد و تنهایی کنونی خویش و هموعانش را با امامی در میان می‌گذارد که مرقدش از دیگر امامان دور شده و به‌نوعی به فراق از آنان مبتلا شده است. در این رهگذر، کاربرد ساختارهای خطابی استوار، بهره‌مندی از صور خیال، به‌ویژه تشبیه و استعاره در کنار استفاده معتدل از آرایه‌های لفظی، از ویژگی‌های بلاغی این مثنوی آیینی در بازتاب مؤلفه‌های شخصیتی امام^(ع) و فرهنگ رضوی محسوب می‌شود.

منابع و مأخذ

- آقاحسینی، حسین و زینب زارع، (۱۳۹۰). «تحلیل زیبایی‌شناختی ساختار شعر احمد عزیزی بر اساس *کشف‌های مکاشفه*». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال چهارم، شماره اول (پیاپی ۱۱): ۳۰۹-۳۲۸.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۳۸ ب). *عیون اخبار الرضا*^(ع). مترجم محمدتقی اصفهانی، چاپ سوم، تهران: علمیه اسلامی.
- اکبری، منوچهر و صدیقه غلامزاده، (۱۳۹۱). «کارکردهای هنری و بلاغی کنایه در *کشف‌های مکاشفه* احمد عزیزی؛ سبکی بدیع در مضمون‌آفرینی». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال پنجم، شماره ۱: ۳۵۱-۳۷۰.
- اکرمی، میرجلیل و محمد خاکپور، (۱۳۹۰). «نقد و بررسی شعر نو آیینی پیش از انقلاب اسلامی». *پژوهش‌های ادب عرفانی*، سال پنجم، شماره سوم (پیاپی ۱۹): ۳۳-۵۶.
- الصائغ، وجدان عبدالله، (۱۹۹۷ م). *الصورة البيانية في شعر عمر أبي ريشة*. الطبعة الأولى، لبنان: دار مكتبة الحياة، مؤسسة الخليل التجارية.
- برهانی شهرستانی، محمدعلی، (۱۳۸۹). «زیارت امام رضا^(ع) از دیدگاه فریقین». *سفیر فلسفه و کلام*، شماره ۱۶: ۱۵۹ - ۱۵۷.

۳۰ ❖ فرهنگ رضوی

- بهداروند، ارمغان، (۱۳۸۸). *این روزها که می‌گذرد: زیباشناسی و سیر تحول شعر قیصر امین‌پور*. چاپ اول، تهران: نقش جهان.
- جلیلی، فروغ، (۱۳۸۷). *آیینهای بی‌طرح: آشنایی‌زدایی در شعر شاعران امروز*. چاپ اول، تبریز: آیدین.
- جوان‌ملکوتی، عبدالله، (۱۳۸۶). «بررسی حقیقت نور در عالم هستی از دیدگاه قرآن». *علوم اسلامی (ادیان و عرفان)*، سال دوم، شماره ۶: ۷۲-۵۳.
- حاتمی، سعید و فاطمه محقق، (۱۳۹۱). «بررسی سیمای زن در آثار احمد عزیزی». *زن و فرهنگ*، سال چهارم، پیاپی ۱۴: ۸۳-۹۳.
- شعبان‌زاده، مریم، (۱۳۹۰). «نگاهی به شعر احمد عزیزی» *پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان (زبان و ادبیات فارسی)*، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۸): ۱۴۸-۱۳۱.
- شعبان‌زاده، مریم، (۱۳۹۲). «فناوری در زبان امروز: جستاری در تأثیر تکنولوژی بر شعر احمد عزیزی». *پژوهشنامه فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۸): ۱۴۰-۱۲۳.
- شوبکلائی، مسلم، (۱۳۸۸). «غربت‌های امام رضا^(ع)». *مربیان (فلسفه و کلام)*، سال نهم، شماره ۳۴: ۲۲-۳۶.
- عزیزی، احمد، (۱۳۶۷). *کفش‌های مکاشفه*. چاپ اول، تهران: شقایق.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۳۶۸). *اخبار و آثار حضرت رضا^(ع)*. تهران: صدر.
- فتوحی، محمود، (۱۳۸۶). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- محکی‌پور، علیرضا و وفادار کشاورز، (۱۳۹۰). «تأملی در زمینه‌های عاطفی شعر شاملو و ماغوظ». *مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال پنجم، شماره ۱۷: ۱۱۱-۱۳۴.
- مدرسی، فاطمه و امید یاسینی، (۱۳۸۸). «تحلیل تحول آرایه‌های زیباشناختی در شعر معاصر». *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱۳: ۱۶۲-۱۳۷.
- مروجی طبسی، محمدجواد، (۱۳۹۳). *حکمت‌های رضوی*. مترجم عباس پورعبادی، چاپ اول، قم: معروف.
- ناطق، خجسته، (۱۳۸۴). «گفتگو با احمد عزیزی شاعر معاصر». *روزنامه قدس*، سوم خرداد: ۵.
- یاوری، حورا، (۱۳۷۴). *روان‌کاوی و ادبیات*. تهران: تاریخ ایران.
- یزدان‌بخش، حمیرا، (۱۳۸۵). «قدم‌های آسمانی». *مجموعه بهشت هشتم*، شهرکرد: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۷-۱۵۲.

نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع)

بر جامعه شیعه

حسین خاکپور* - مرضیه محمودی** -

منصوره سعیدی گراغانی***

چکیده

مدیریت فرهنگی اسلامی به معنای تربیت انسان‌ها بر اساس آرمان‌های قرآن و اهل بیت^(ع) است. در بینش شیعه، ضرورت و اهمیت مدیریت را باید در اصل استوار امامت جستجو کرد. در عصر امام رضا^(ع) - به‌ویژه با توجه به جریان ولایتعهدی - فرصتی فراهم آمد تا ایشان با مدیریت فرهنگی، جان تازه‌ای به کالبد نیمه‌جان شیعه بخشیده و اسلام ناب محمدی را احیا کنند.

بر این اساس، نوشته حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد روایی - تاریخی به بررسی نقش و تأثیر مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) بر جامعه شیعه پرداخته و نتایج را در قالب موارد ذیل بیان می‌دارد: نقش تعالی بخشی به جایگاه قرآن و اهل بیت^(ع) در جامعه، احیاءکنندگی سنت رسول خدا^(ص) و ائمه اطهار^(ع)، تبیین و تثبیت به‌ویژه در اصل مهم امامت، بالندگی و توسعه بخشی، نخبه‌پروری، ساماندهی، حفاظت و هدایت، روشنگری، بصیرت‌افزایی و

واژه‌های کلیدی

امام رضا^(ع)، مدیریت فرهنگی، شیعه

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۴

dr.khakupur@yahoo.com

*. دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

** . دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان

marzieh.mahmoodi69@gmail.com

m.saidi51@ymail.com

*** . دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

❖ مقدمه

انبیاء و اولیای الهی مبعوث شده‌اند تا با «مدیریت فرهنگی» جامعه را به کمال برسانند.

خداوند می‌فرماید:

أَقْدَمَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خداوند را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آلاشی پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت را بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند (آل عمران/ ۱۶۴).

اهمیت مدیریت چنان است که خداوند در قرآن به تدبیرکنندگان امور قسم یاد می‌کند «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات/ ۵).

امام رضا^(ع) - وارث انبیاء و اولیای الهی - با مدیریت فرهنگی و تلاش چشمگیر، نقش بسزایی در اعتلا و حفظ فرهنگ شیعه داشتند. ایشان با اصرار مأمون مجبور به پذیرش ولایتعهدی شدند، مقارن همین ایام - به دنبال نهضت ترجمه - برای پیروان دیگر مذاهب فرصتی پیش آمد تا به نشر افکارشان پردازند و شبهه‌های زیادی را وارد دین اسلام کنند. پذیرش ولایتعهدی و قبول زحمت سفر گرچه با اکراه صورت گرفت، اما یکی از ابعاد مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) است، چون اگر این سفر مخفیانه و بدون اعلام عمومی حکومت بود و از بُعد اطلاع‌رسانی تقویت نمی‌شد، شاید تعداد کمی از شیعیان نزدیک، از حضور امام^(ع) در شهرها باخبر می‌شدند، اما این سفر و هجرت به خراسان در حالی صورت گرفت که حکومت آن‌را برنامه‌ریزی کرده بود و چون قصد بهره‌برداری سیاسی از هجرت و واگذاری ولایتعهدی داشت، در بُعد اطلاع‌رسانی آن نیز سرمایه‌گذاری کرد. امام^(ع) با حضور فعال در مناظره‌ها و بحث‌های علمی، به نشر معارف اسلامی پرداختند و با صبر و حوصله در برخورد با شبهه‌ها، نقش مهمی در ابطال نظر نادرست و جلب نظر دانشمندان سایر مکاتب داشتند و در عمل با «مدیریت فکری و فرهنگی» باعث نشر عقاید شیعه شدند.

مدیریت مدبرانه هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت باعث تعالی جایگاه قرآن

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۳۳

و عترت در جامعه شد، ایشان با احیای اسلام ناب محمدی، به تبیین اصل امامت پرداخته، باعث رشد علمی و فرهنگی و توسعه شیعه شدند. امام رضا^(ع) ضمن سازمان‌دهی عقاید و باورهای شیعه، مبانی کلامی تشیع را به کمال رسانده، در عین حال شیعه را از طوفان‌های آسیب و انحراف، محفوظ داشتند که نوشته حاضر به آنها می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی

۱. مدیریت

مدیریت در مفهوم خاص به معنای گرداندن یک سازمان در جهت هدف خاص خود است (نیلی‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۳) و به تعبیر دیگر مدیریت، فرایند کار کردن با دیگران و استفاده کارآمد از منابع محدود برای تحقق بخشی اهداف سازمانی است (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۶). اما در معنای عام شامل هدایت و رهبری جامعه بوده که در اینجا این مفهوم مورد نظر است. از واژگان مدیریت در منابع اسلامی می‌توان به «امامت» و «ولایت» اشاره کرد که برجسته‌ترین و بنیادی‌ترین معنای به‌کارگیری آن در مفهوم مدیریت و رهبری است (نیلی‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۳). پس مدیریت در پرتو اصل امامت به معنی رهبری جامعه بر اساس قرآن و سنت پیامبر^(ص) و هدایت جامعه به سوی کمال است (الوانی، ۱۳۷۴: ۳۶).

۲. فرهنگ

در زبان فارسی، «فرهنگ» واژه‌ای بسیط و رساننده مفهوم ادب، تربیت، حکمت یا هنر و ... است (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۷) و در مفهوم رایج آن، به شیوه‌های زندگی که افراد یک جامعه می‌آموزند، در آن مشارکت دارند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، اطلاق می‌شود (کوئن، ۱۳۸۸: ۷۲). استواری و ماندگاری جامعه به حفظ، تثبیت، پالایش، انتقال و ترویج فرهنگ بستگی دارد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۹).

۳. مدیریت فرهنگی

مدیریت فرهنگی اسلامی به معنای تربیت انسان‌ها بر اساس آرمان‌های قرآن و اهل

۳۴ ❖ فرهنگ رضوی

❖ بیت^(ع) است (نیلی‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۹). اسلام برای رهبری و مدیریت، جایگاه مهم و شامخی قائل است و آنرا به‌عنوان اساسی‌ترین محور جامعه و یکی از اصول مهم اسلام می‌داند. در بینش شیعه، ضرورت مدیریت را باید در اصل استوار امامت جستجو کرد. مشروعیت مدیریت در جامعه اسلامی به این دلیل است که با امامت پیوند دارد و هرگاه این ارتباط قطع شود تمام حرکت‌ها خاصیت خود را از دست می‌دهند (تقوی‌دامغانی، ۱۳۶۸: ۵۱). در این مورد امام رضا^(ع) می‌فرمایند: «بالامام تمام الصلاة و الزکاه و الصیام و الحج و الجهاد و توفیر الفیء و الصدقات و امضاء الحدود و الاحکام و منع الثغور و الاطراف؛ به‌وسیله امام نماز و زکات و روزه و حج و جهاد تمام و خراج و صدقات افزون و حدود و احکام اجرا و مرزها و مناطق حفظ می‌شوند» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۶۷۶؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۴۳۸). در عصر امام رضا^(ع) - با توجه به جریان ولایتعهدی - فرصتی فراهم آمد تا ایشان با مدیریت فرهنگی اسلام، به‌ویژه جامعه شیعه، نقش مهمی در بازشناسی اسلام ناب محمدی و شیعه به مردم داشته باشند. در ادامه به گوشه‌هایی از این نقش و تأثیر اشاره می‌شود.

نقش تعالی‌بخشی

رسول خدا^(ص) بارها در حدیث ثقلین بیان فرمودند که راه نجات امت، تمسک به ثقلین یعنی قرآن و عترت است؛ اما پس از ارتحال قطب عالم هستی^(ص)، عترت عملاً توسط حکام کنار گذاشته شد و قرآن هم نقش حاشیه‌ای به خود گرفت، از کارهای مهم امام رضا^(ع) تعالی بخشیدن به جایگاه این دو ثقل بود.

۱. تعالی جایگاه قرآن

در مکتب معارف رضوی، قرآن به‌عنوان کلام وحی، اصیل‌ترین منبع شناخت حقایق دین و مضامین هدایتی، تربیتی و معرفتی است. امام علی‌بن موسی^(ع) به گونه‌های مختلفی، ارجمندی قرآن را به امت اسلامی یادآوری کرده‌اند.

استدلال به قرآن

یکی از روش‌های امام^(ع) در نشان دادن جایگاه قرآن، استدلال متعدد به آیات قرآن - چه در مناظره‌ها و چه در سایر بحث‌های علمی - است و سخن قرآن را تردیدناپذیر می‌دانستند. البته استناد به آیات قرآن در مناظره‌ها، هنگامی است که مخاطب، مسلمان بوده و حقانیت قرآن را قبول داشته، در مواردی که مخاطب به ادیان دیگری ایمان داشته یا اصولاً به هیچ دینی پایبند نبوده است، امام^(ع) به منابع مورد قبول آنان یا به دلایل عقلی استناد می‌جستند، چنان‌که آن حضرت در مناظره با جاثلیق مسیحی، به مطالب/تجیل (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۴۲۷ - ۴۲۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۱ - ۴۱۶) و در مناظره با متکلمی چون عمران صابئی (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۴۴۱ - ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۵ - ۴۲۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۶۸۰ - ۶۷۷) که اصولاً معتقد به پروردگار هستی نبود، به دلایل عقلی تکیه کرده‌اند. حال آنکه وقتی در مناظره با مدعیان مسلمان به اثبات عصمت انبیاء می‌پردازند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹۳ - ۹۰ و ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۹۶ - ۳۸۹) یا در گفتگو با سلیمان مروزی (همان، ۱۳۹۸ق: ۴۵۴ - ۴۴۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۰۳ - ۴۰۱) برخی صفات و افعال الهی را بیان می‌کنند، سخنان خود را به آیات قرآن مستند می‌سازند.

اهتمام به قرائت، تأمل و تدبر در قرآن

علاوه بر این شیوه، حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) با اهتمام به قرائت قرآن و تأمل و تدبر در آن، جایگاه و اهمیت آن را به شیعیان متذکر می‌شدند. از امام رضا^(ع) سؤال شد: «ای فرزند رسول خدا^(ص) نظر شما درباره قرآن چیست؟ امام^(ع) فرمودند: قرآن کلام خداست از آن پا فراتر ننهید، از رهنمودهایش تجاوز نکنید و هدایت را از غیر آن مجویید، زیرا اگر از کتاب و منبع دیگری جز قرآن طلب هدایت کنید گمراه می‌شوید» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۴۶ و ۱۳۹۸ق: ۲۲۴). امام^(ع) تمام مطالب خود را به آیات قرآن مستند می‌کردند. ایشان در هر سه شبانه‌روز، یک مرتبه قرآن را ختم می‌کردند و می‌فرمودند: «اگر بخواهم، سریع‌تر از این نیز

❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

می‌توانم قرآن را ختم کنم، اما از هیچ آیه‌ای نمی‌گذرم مگر اینکه در آن تأمل می‌کنم» (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۳۸؛ اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۶).

۲. تعالی‌بخشی و بازشناسی جایگاه عترت

امام رضا^(ع) از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا جایگاه رفیع عترت را برای مردم بازشناسانند. ایشان می‌فرمایند: «الائمة خلفاء الله عزوجل فی ارضه؛ امامان، خلفای خدای عزوجل در زمین هستند» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۷۵). امام^(ع) در این بیان، مسئله امامت اهل بیت^(ع) را امری متصل و جداناپذیر دانسته و بر مقام خلیفه‌اللهی آنها تأکید می‌کنند. ایشان، امام را وسیله احیای نماز، زکات، روزه و حج دانسته که باعث اجرای حدود الهی شده و از حد و مرزها نگاهبانی می‌شود (رک: ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶۷۶؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۴۳۸). امام رضا^(ع) در حدیث دیگری، مقصود از میزان در آیه «وَالسَّامَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (رحمان / ۲) را امام علی^(ع) می‌دانند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۰۹؛ اربلی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۲۸) و ده‌ها حدیث دیگر که مجال پرداختن به آنها نیست.

نقش احیاکنندگی

امام رضا^(ع) از هر فرصتی برای احیای سنت رسول خدا^(ص) و ائمه اطهار^(ع) استفاده می‌کردند تا انحراف‌هایی را که حکام در جامعه به وجود آورده بودند، اصلاح کنند. از جمله وقتی مأمون دستور داد تا آن حضرت نماز عید را با مردم بخوانند، امام رضا^(ع) ابتدا نپذیرفتند، ولی چون مأمون اصرار کرد، ایشان فرمودند به شرطی نماز می‌خوانند که اجازه دهند همان‌گونه که رسول خدا^(ص) و علی^(ع) نماز می‌خواندند، بخوانند. مأمون پذیرفت و آن حضرت با پای پیاده و برهنه همراه با شیعیان خود به راه افتادند، صدای تکبیر در شهر پیچید و جمعیت زیادی با آن حضرت همراه شدند. فضل بن سهل احساس خطر کرد و از مأمون خواست تا دستور بازگشت امام رضا^(ع) را صادر کند (مسعودی، ۱۳۶۲: ۳۹۷-۳۹۶؛ قتال‌نیشابوری، ۱۳۶۶: ۳۷۴-۳۷۳؛ مفید، بی‌تا، ج ۲: ۲۵۷-۲۵۶).

از این مسئله، به تلاش و کوشش امام رضا^(ع) برای احیای اسلام اصیل و میزان توجه و تمرکز مردم به ایشان پی می‌بریم.

نقش تبیینی و تثبیتی: (تبیین اصل امامت)

امامت، بی‌تردید محوری‌ترین جایگاه و نقش را در منظومه اندیشه کلامی شیعه امامیه داراست. اعتقاد به «نص» و «عصمت» از یک‌سو و نقشی که امامیه برای جایگاه معنوی امام، یعنی مرجعیت انحصاری دینی امامان قائل بودند نشانگر اهمیت این جایگاه است (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۴۵۳). پافشاری بر عصمت امام، مبین کوشش برای انطباق صلاحیت‌های رهبری بر ویژگی‌های پیامبر^(ص) بوده و اعتقاد به نص، مبین اصرار بر حفظ موقعیت اقتدار الهی رهبران جامعه است.

از صدر اسلام و پس از رحلت پیامبر^(ص)، درباره جانشینی و امامت، در بین مسلمانان اختلاف به وجود آمده است. قدرت‌های حاکم و نیز طمع‌کاران منصب امامت و رهبری، به این اختلاف‌ها دامن زده، در نتیجه امت اسلام پراکنده و به مذاهب گوناگون و متضاد تقسیم شده است. مهم‌ترین این مذاهب که اصل به‌شمار می‌آیند و مذاهب دیگر از آنها منشعب شده‌اند دو مذهب است. یکی تسنن که پیروان آن اعتقاد دارند پس از پیامبر^(ص)، خلافت از آن ابوبکر و سه خلیفه پس از اوست. دیگری تشیع یا امامیه که پس از رحلت رسول خدا^(ص)، امامت را خاص علی بن ابی‌طالب^(ع) و پس از آن ۱۱ فرزندش می‌دانند. هر یک از این مذاهب درباره حقانیت و درستی اعتقاد خود و رد دیگر مذاهب، دلایل و براهینی دارند. اما دلایل اهل بیت^(ع) در احق و اولی بودن خود به خلافت و امامت، مستند به نصوص صریح و روشن از پیامبر^(ص) بوده و صلاحیت و شایستگی‌های پیشوایان تشیع، آنان را شایسته احراز مقام امامت کرده است.

با توجه به حضور و فعالیت جریان‌های فکری مختلف در عصر امام رضا^(ع)، اختلاف اصلی شیعه با دیگر فرق و مذاهب اسلامی و یکی از عقاید مهمی که در معرض آسیب قرار

داشت، مسئله امامت شیعی بود. امام رضا^(ع) با درک این واقعیت به معرفی و تبلیغ امامت شیعی پرداختند و منزلت ائمه^(ع) را با تفصیلی تمام، روشن ساختند. در نتیجه تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی آن حضرت، جایگاه امامت در اندیشه شیعه نهادینه شد. از این‌رو این مسئله یکی از ثمره‌های مهم مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) به‌شمار می‌آید.

امام رضا^(ع) نه تنها به‌عنوان رهبر دینی و اخلاقی گروهی خاص، بلکه به‌عنوان ارائه‌کننده نظریه امامت و ولایت به بررسی تمام ابعاد و زوایای مسئله رهبری در اندیشه شیعی پرداختند. ایشان با استفاده از هر فرصتی، سؤال‌ها و شبهه‌های پیرامون امامت و ولایت ائمه^(ع) را پاسخگو بودند، به‌گونه‌ای که مردم در مراجعه به ایشان، محوریت سخن و پاسخگویی در ناحیه اعتقادات و احکام را حضرت علی بن موسی^(ع) می‌دانستند، تا آنجا که نظر سایر فرق را به‌لحاظ صحت و سقم به امام^(ع) ارائه می‌دادند و در پاک‌سازی اندیشه‌ای سایر فرق از ایشان استمداد و استدلال می‌جستند.

باید اذعان داشت امام رضا^(ع) مانند دیگر امامان شیعه، بخش برجسته دعوتشان را موضوع امامت تشکیل داده است. گویای این امر هم روایت‌های فراوانی است که ادعای امامت را از زبان امام رضا^(ع) با صراحت نقل می‌کنند که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

– محمد بن فضیل می‌گوید: «از حضرت رضا^(ع) پرسیدم: آیا ممکن است زمین بدون امام باشد؟ امام^(ع) فرمودند: «لا إذا لساخت بأهلها؛ هرگز، در آن وقت زمین اهل خود را فرو خواهد برد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹۸).

بنابر احادیث متعددی که از ائمه^(ع) رسیده، وجود امام عادل و عالم در زمین ضروری است تا حجت خدا بر انسان‌ها و راهنمای آنان به تعالیم دین باشد و کسی را جای اعتراض بر خدا نباشد.

– امام رضا^(ع) فرمودند:

رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا. قُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ يَتَعَلَّمُ عِلْمُونَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا، لَاتَّبَعُونَا؛ خُدا، رحمت کند کسی را که امر ما را زنده

❖ نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۳۹

کند. گفتیم: زنده نمودن امر شما به چیست؟ امام^(ع) فرمودند: علوم و معارف ما را فراگیرد و به مردم تعلیم دهد، زیرا اگر مردم زیبایی‌های سخن ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند. (همان، ۱۴۰۳ق: ۱۸۰ و ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۲۰).

امام^(ع) در هنگام اشاعه و تبلیغ این مطلب در مرحله‌ای از مبارزه قرار داشتند که می‌بایست به‌طور مستقیم و صریح، حکام زمان را نفی و خویشان را به‌عنوان صاحب واقعی ولایت و امامت به مردم معرفی کنند. امام^(ع) در مواردی به اثبات امامت برای خویشان بسنده نمی‌کنند، بلکه همراه نام خود نام امامان به حق و اسلاف پیشین خود را نیز یاد می‌کنند. در حقیقت مسئله امامت اهل بیت^(ع) را امری متصل و جدایی‌ناپذیر مطرح می‌سازند. امام رضا^(ع) با این بیان، امامت خود را نتیجه قهر مترتب بر امامت گذشتگان می‌شمارند و سلسله امامت خود را به پیامبر^(ص) متصل می‌کنند. در این زمینه روایت‌های بسیاری وارد شده که ذکر همه آنها از مجال بحث خارج است. از جمله این روایت‌ها می‌توان به حدیث سلسله‌الذهب اشاره کرد (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۲۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۷۰؛ طبسی، ۱۳۹۱: ۴۳؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۶۸). بر اساس این روایت‌ها شرط ورود به توحید، امامت بوده و این نمونه معدودی از اهتمام امام رضا^(ع) در تبیین و تثبیت مسئله امامت شیعی است که در نتیجه تلاش‌های ایشان موضوع امامت در سرلوحه عقاید شیعی قرار گرفت.

نقش بالندگی و توسعه‌ای

رشد، توسعه و بالندگی تشیع در تمامی ساحت‌ها، پس از امام صادق^(ع)، مدیون اندیشه و مدیریت متعالی امام رضا^(ع) است.

۱. رشد علمی و فرهنگی تمدن اسلامی و تشیع

یکی از نتایج مهم مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) ارتقاء سطح علمی و فرهنگی جامعه اسلامی است. جایگاه مهم علم و دانش در میان ارکان و عناصر تمدن‌ساز، امری روشن و

❖ نقش مؤثر آن در شکل‌گیری و تداوم تمدن‌های بشری، جای تردید ندارد. ارتباط تنگاتنگ میان مقوله علم با فرهنگ و تمدن اسلامی که آموزه‌های اصیل آن بیشترین تأکید را بر تعلیم و تربیت داشته و دانشمندانی بزرگ پرورش داده بیشتر نمایان است. البته علی‌رغم اهتمام دین اسلام به دانش‌پروری و انگیزه مسلمانان برای توسعه و پیشرفت‌های علمی، به دلیل وجود برخی موانع سیاسی و اجتماعی در سده اول و اوایل سده دوم، فضای مساعدی برای توسعه علمی وجود نداشت؛ اما امام رضا^(ع) با استفاده از تاکتیک‌های مدبرانه، راه علم و فرهنگ را در جامعه اسلامی و به‌ویژه تشیع فراهم آوردند که برخی از آنها به شرح ذیل است:

تصحیح نگرش مسلمانان (نسبت به دین، علم و مبانی شیعه)

به‌خاطر وجود مکاتب مختلف فقهی، کلامی و ... عصر قبل از امام رضا^(ع) به جولانگاه افکار انحرافی تبدیل شده بود. ازجمله، انحراف‌های ناشی از ترجمه کتاب‌های بیگانه نیز اعتقادهای اصیل دینی را هدف قرار داده بود. بهینه‌ترین اقدام در این وضعیت، ترویج فرهنگ دینی و عقاید اصیل اسلامی با ارائه روش‌های شناخت حق از باطل و درواقع کاری معرفت‌شناختی درخصوص عقاید رایج در راستای تثبیت عقاید حقه بود که امام رضا^(ع) با انجام مسافرت‌هایی به مراکز پخش این اندیشه‌های انحرافی از قبیل بصره و کوفه و انجام مناظره با آنها، تأثیری مهم در تصحیح نگرش مسلمانان به مسائل دینی و علمی داشتند (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۸۳۰).

علی بن موسی الرضا^(ع) طی دوران اقامت خود در مرو، مرکز علمی و اداری خراسان، تلاش گسترده‌ای را برای ترقی اندیشه و اعتقادهای مردم خراسان به‌عمل آوردند. در دوران ولایتعهدی امام رضا^(ع) در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی اتفاق‌های بسیاری رخ داد و روز به روز عظمت و محبوبیت امام^(ع) بیشتر شد، گرچه در ظاهر به نظر دشمنان، چنین تصور می‌شد که حرکت امام^(ع) از مدینه به خراسان بهره‌چندانی نداشته است، ولی اگر این جریان به‌درستی مطالعه و تحلیل شود درمی‌یابیم که این حرکت برای شیعیان مفید بوده است. در مجموع امام^(ع) در این سه سال انقلاب فرهنگی و سیاسی، فعالیت‌های عمیق و

وسیعی به نفع تشیع انجام دادند که بعد از نهضت علمی امام صادق^(ع) در تاریخ تشیع نظیر ندارد. همین انقلاب فرهنگی، مبانی اصیل تشیع را در سطح عالی تبیین کرد. مجالسی که به دستور مأمون تشکیل می‌شد و امام^(ع) با دانشمندان اسلامی و غیراسلامی بحث می‌کردند مفید بود. بسیاری از دانشمندان مادی از بیان امام رضا^(ع) قانع می‌شدند و به سستی مبانی خود اعتراف می‌کردند. بسیاری از علمای اهل تسنن در برابر پاسخ‌های امام^(ع) متحیر و بی‌جواب می‌ماندند (رک: ابن‌بابویه، ۱۳۹۸ق، ۴۲۷-۴۲۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۱-۴۱۶ و...) همین امر موجب تقویت و استحکام فرهنگ شیعی شد.

تعلیم و تربیت همگام با هدایت و ارشاد

مأمون در تظاهر به تشیع، امام^(ع) را در بیان و گسترش مبانی تشیع آزاد و تأیید می‌کرد. در این دوره با روی کار آمدن مأمون که خود دانشمندترین خلیفه بنی‌عباس بود و نسبت به دانش‌افزایی جامعه اسلامی نظر مساعدی داشت موقعیتی به وجود آمد که در آن علم و معرفت به آسانی می‌توانست رشد و نمو کند. امام رضا^(ع) در این دوره، دو مسئله را هم‌زمان پیش بردند: از یک‌سو ارشاد و هدایت آحاد مردم و سوق دادن آنان به قرآن و سیره پیامبر^(ص) و از سوی دیگر تعلیم و تربیت مردم و توجه دادن آنان به علم و دانش و مبارزه با انواع شبهه‌ها که در نهایت باعث اعتلا و گسترش فرهنگ و مبانی تفکر شیعی شد.

توسعه همه‌جانبه علوم

باید توجه داشت علوم مورد بحث در مدرسه امام رضا^(ع) فراتر از تشیع است. ازجمله، گسترش علم پزشکی در زمان امام رضا^(ع) را می‌توان از ویژگی‌های آن دوره دانست. نقش اول در اهتمام به علم طب و گسترش آن، مربوط به امام رضا^(ع) است که با ارائه بحث‌ها و مکتوبات مهمی در این زمینه ازجمله رساله ذهبیه، حکام عباسی را بر آن داشت تا مردم را به تحقیق در این زمینه تشویق کنند و خود نیز در این خصوص اقدام‌هایی انجام دادند (رک: علی‌بن موسی^(ع)، ۱۴۰۲ق).

همچنین علم کلام یکی از برجسته‌ترین رشته‌هایی بود که به‌شدت مورد توجه قرار گرفت و مباحث گوناگونی از سوی طیف‌های مختلف متکلمان در دفاع از باورهای خویش طرح و بحث می‌شد که خود این قضیه روحیه تحقیق و تتبع در مسائل کلامی را در طالبان حقیقت تقویت کرد، هر چند در این برهه از تاریخ اسلام، شاهد پیدایش یا اشاعه فرق مختلفی هستیم که به‌نوعی گرفتار انحراف‌های عقیدتی بودند و برای تثبیت ادعاهای خویش، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند و متأسفانه تأثیر افکار انحرافی چنین گروه‌هایی برای برخی افراد قابل کتمان نیست، نقش اساسی حضرت رضا^(ع) و اصحاب و شاگردان ایشان در ابطال برهانی و عقلانی مبانی این فرقه‌ها، افشای انحراف‌های آنها و هدایت مردم حائز اهمیت است.

ایجاد فضای مناسب علمی

زمانی که از نقش امام رضا^(ع) در توسعه علم و شکوفایی معارف اسلامی بحث می‌شود، نباید به این بسنده کرد که امام رضا^(ع) شاگردان بزرگی را در علوم مختلف تربیت کردند. زیرا این برداشت ساده‌ای از مدیریت فرهنگی ایشان است. نقش عمده امام^(ع) در زمینه توسعه علم، ایجاد فضای علمی مناسبی برای طرح نظریه‌ها و اندیشه‌های مخالف بود، تا در سایه آزادی بیان، مطالبی طرح شود و سپس مورد نقد و بررسی منطقی و عقلانی قرار گیرد. بدین ترتیب سده سوم و چهارم ق. شاهد اوج تمدن اسلامی در سه وجه مسائل فرهنگی، توسعه علمی و همچنین پیشرفت‌های صنعتی و فناوری است.

۲. گسترش تشیع در عصر امام رضا^(ع)

رشد مذهب تشیع یکی دیگر از آثار مهم مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) به‌شمار می‌آید. گرچه بعد از جریان عاشورا تا حدی احساس مردم، به‌خصوص شیعیان به سمت اهل بیت^(ع) معطوف شد و امام سجاد، امام باقر و امام صادق^(ع) فعالیت‌های فرهنگی مهمی در جهت توسعه مبادی شیعه انجام دادند. امام کاظم^(ع) با وجود زندانی بودن از هر فرصتی

برای گسترش فرهنگ شیعی استفاده کردند؛ اما تبلیغات امویان و عباسیان علیه شیعه شدیدتر از آن بود که تشیع دست کم به طور علنی رشد کند. این حکومت‌ها در صحنه سیاسی و اجتماعی برخورد سختی با شیعیان داشتند. همچنین در بُعد فرهنگی با جعل احادیث و تحریف آنها به طور مداوم در تخطئه شیعه می‌کوشیدند. اما در زمان امام رضا^(ع) فرصتی پیش آمد و آن مطرح شدن مسئله ولایتعهدی است. امام^(ع) در دوران ولایتعهدی با آزادی بیانی که در عصر مأمون عباسی داده شده بود و با استفاده از مناظرهای علمی با اهل کتاب و نحله‌های فکری گوناگون زمینه اعتلای معرفت، بینش دینی و گسترش تشیع این منطقه را فراهم کردند. آن حضرت با تشکیل محافل علمی، کلامی و حدیثی به دفاع از اصول اسلام و فرهنگ اهل بیت^(ع) پرداختند و به ایرادها و شبهه‌های فِرَق مختلف پاسخ دادند. امام^(ع) برای تبیین و تحکیم مواضع شیعه و رفع شبهه از آن، گام‌های اساسی برداشتند و تحول‌های فرهنگی چشمگیری را در جامعه ایجاد کردند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۷۳-۳۵۱).

جامعه شیعی عصر امام رضا^(ع) در اکثر مناطق به خصوص در خراسان رو به افزایش بود. اگر به دوره قبل بازگردیم توسعه شیعه معلول عوامل مختلفی از جمله اعزام مبلغانی به نقاط مختلف خراسان بود تا مردم را با جریان اصیل امامت آشنا کنند. عامل دیگر توسعه شیعه در خراسان، حضور دعوات عباسی در این منطقه است که با شعار «الرضا من آل محمد^(ص)» وارد میدان شده بودند. همچنین حضور امام رضا^(ع) در مرو، مرکز علمی و اداری خراسان، در منصب ولایتعهدی زمینه رشد و گسترش شیعه را در خراسان فراهم کرد. مردم خراسان که از پیش به خاندان رسالت علاقه‌مند بودند، پس از حضور آن حضرت، عشق و محبتشان به اهل بیت^(ع) و علویان بیشتر شد، به گونه‌ای که مدفن امام رضا^(ع) به یکی از پایگاه‌های مهم تشیع در طول تاریخ درآمد و بر تاریخ فرهنگ، هنر و اقتصاد ایران تأثیر عمیقی بر جای گذاشت.

با توجه به آنچه در منابع تاریخی آمده است علاوه بر منطقه خراسان، توسعه شیعیان در مناطق مدینه، کوفه، بغداد و قم در دوره امام رضا^(ع) قطعی به نظر می‌رسد (ابن شهر آشوب

❖ مازندرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۲۲۰). به همین دلیل در جریان حرکت امام رضا^(ع) از مدینه به مرو، ایشان را از مسیر اصلی که از میان شهرهای معروف شیعی چون کوفه و قم می‌گذشت عبور ندادند بلکه راه بصره را که راه فرعی و طولانی‌تری بود انتخاب کردند. در مجموع دوران امامت امام رضا^(ع) به‌ویژه دههٔ دوم آن، دوران آزادی و آسایش نسبی شیعیان است. در این مقطع زمانی، شیعیان و سادات از اطراف برای دیدن و بهره بردن از محضر ایشان به خراسان روی آوردند. بی‌شک عقاید، اندیشه و فقه شیعه در این دوران گسترش درخور توجهی داشت.

نقش نخبه‌پروری

امام رضا^(ع) طی ۱۸ سال امامت در مدینه و دو سال اقامت در ایران با تشکیل کلاس‌های درس به تربیت نخبگان پرداختند که جمع آنها را ۳۱۸ نفر دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۷۳-۳۵۱). این آمار نشانگر توسعهٔ چشمگیر شیعیان و ظهور افراد ویژه با استعدادهای درخشان در مکتب امام رضا^(ع) و نقش بی‌بدیل ایشان در نخبه‌پروری است، کسانی که هر کدام به تنهایی عدهٔ کثیری را با جامعهٔ شیعی همراه کردند.

یکی از شاگردان امام^(ع)، حسن بن محبوب سواد، از کسانی است که علما به صحت احادیث او اجماع کرده‌اند و آثار بسیاری مثل: کتاب، حدود، دیات، مشیخه، فرائض، نکاح، طلاق و ... از او به یادگار مانده است (ابن ندیم، بی‌تا: ۲۸۶).

شاگرد دیگر ایشان، صفوان بن بجلی بوده که در باب‌های مختلف فقه و دیگر مباحث اسلامی بیش از ۳۰ جلد از او باقی مانده است (نجاشی، ۱۳۶۵؛ ۱۹۷؛ طوسی، ۱۳۵۱: ۱۱۳). امام جواد^(ع) می‌فرماید: خداوند از صفوان بن یحیی و محمد بن سنان - به‌خاطر رضایتی که من از آنان دارم - راضی است، آنان هیچ‌گاه با من و پدرم مخالفت نورزیدند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۹۹؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۹).

زکریا بن آدم از دیگر شاگردان امام^(ع) است که حضرت مردم را - هنگامی که به حضرت دسترسی نداشتند - به او ارجاع دادند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۹۵-۵۹۴). علی بن اسماعیل میثمی

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۴۵

در بحث‌های اعتقادی و فن مناظره از قدرت بالایی برخوردار بود. وی شاگرد آستان آن حضرت است که با قلم و زبانش از حقوق اهل بیت^(ع) دفاع می‌کرد (صدر، بی‌تا: ۳۵۳؛ اشعری، ۱۳۶۲: ۹۲).

نقش سازمان‌دهی و سامان‌بخشی

سازمان‌دهی، سامان‌بخشی و نظام‌مند شدن ساختار جامعه شیعه، از آثار ویژه مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) به‌شمار می‌آید که در مؤلفه‌های زیر قابل طرح است:

۱. بستن پرونده فرقه‌گرایی

امام رضا^(ع) پرونده فرقه‌گرایی را در شیعه بستند. عظمت وجودی و مقام علمی بالای ایشان که از منبع وحی سرچشمه می‌گرفت، رفتار محبت‌آمیز امام^(ع) و دیگر عوامل باعث شد تا فرقه‌های شیعه، جمع شده و تقریباً همه - به‌جز فرقه اسماعیلیه - امامی‌مذهب (شیعه اثنی‌عشری) شدند (رک: نوبختی، بی‌تا: ۶۸ و ...).

۲. نظام‌مند شدن ساختار عقاید و باورهای شیعی

ازجمله آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) شکل‌گیری و تداوم عقاید و باورهای شیعی است. عصر امام^(ع) بنا به دلایلی ازجمله انحراف‌های ناشی از ترجمه کتاب‌های بیگانه و آشنایی مسلمانان با علوم دیگر ملل و نحل، خاصه ایرانیان، یونانیان و عقاید رایج در این دو منطقه و مذاهبی چون یهودیت، مسیحیت، زردشت، مانوی، مزدکی و مکاتبی چون عرفان‌گرایی (آیین گنوستیک)، رواقی‌گری و دیگر مکاتب رایج در سرزمین‌های مفتوحه، عصر شکوفایی بحث‌های کلامی و عقیدتی بود. جریان‌های مختلف با رویکردهای متفاوت و در مواردی با عقاید انحرافی در جامعه اسلامی حضور داشتند که اعتقادهای اصیل دینی را هدف قرار داده بودند. متفکران، اندیشمندان و امام هر مذهب به تشخیص خویش به این‌گونه شبهه‌ها پاسخ می‌دادند. اختلاف در نوع برخورد با شبهه و پاسخ‌های ارائه‌شده، امری طبیعی بود اما به هر حال در گسترش اختلاف‌های عقیدتی هر فرقه با فرقه دیگر نقشی تعیین‌کننده داشت.

بهینه‌ترین اقدام در این وضعیت، ترویج فرهنگ دینی و عقاید اصیل اسلامی یا ارائه راه‌های شناخت حق از باطل و درواقع کاری معرفت‌شناختی در خصوص عقاید رایج در راستای تثبیت عقاید حقه بود. امام رضا^(ع) با تبیین ابعاد مختلف عقاید شیعی، چارچوب فکری و عقیدتی را ترسیم کرده و جامعه شیعی را در باورها و عقاید به کمال رساندند. امام^(ع) در دفاع از حقانیت اسلام، توجیه‌های عقلی ارائه می‌دادند و در همین زمینه نیز شاگردانی که رسالت آنها دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بود تربیت شدند.

۳. ساماندهی مبانی کلامی شیعه

به قدرت رسیدن عباسیان مقارن با شکل‌گیری رسمی مذاهب کلامی در عالم اسلام است. نیمه اول قرن دوم ق. برای همه مذاهب و فرق اسلامی عصر کسب استقلال عقیدتی و کلامی است. پس از آنکه معتزله اصول خمس خود را مدون و ارائه کردند، دیگر مذاهب اصلی هم ناگزیر از ارائه اصول اعتقادی خود شدند و به مرور، مکاتب و مذاهب عقیدتی به وجود آمدند. اوج‌گیری مباحث کلامی در عصر امام رضا^(ع)، فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای جامعه اسلامی در پی داشت. امام رضا^(ع) در چنین شرایطی، از فرصت‌های موجود برای تبیین مواضع خود در موضوع‌های کلامی بهره برده، تهدیدهای حاصل از فعالیت جریان‌های فکری گوناگون را به فرصت مبدل ساخته و به ساماندهی مبانی کلامی شیعه پرداختند. در این هنگام، تحت تأثیر شرایط سیاسی جامعه اسلامی در دوره انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس و پس از آن تا به قدرت رسیدن مأمون، اصلی‌ترین مبحث کلامی جامعه اسلامی که به شدت مورد علاقه هر دو جریان بوده، موضوع امامت و رهبری و مباحث متفرع بر آن است. دیگر بحث‌های کلامی این دوره مباحثی چون توحید، قدر، جبر، جایگاه مؤمن و کافر و ... تحت‌الشعاع این مبحث قرار گرفت (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۴۱۷). از دیگر مسائل کلامی مطرح‌شده در آن زمان، مسئله رؤیت خداوند بود. امام^(ع) در رد این برداشت فرمودند: «اگر کسی بتواند خدا را به چشم ببیند، پس به او احاطه علمی پیدا کرده و خدا مورد معرفت قرار گرفته است» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۱۰).

روایت‌های متعددی نیز از امام رضا^(ع) درباره قضا و قدر و مسئله جبر و اختیار وارد شده است. ایشان در این مورد معتقد به «امر بین امرین» بودند که این مفهوم نشانگر داشتن اختیار از سوی انسان است. از سوی دیگر، امام رضا^(ع) روایت‌های مورد ادعا در مباحث کلامی و غیر آنرا بررسی کرده و قسمتی را از اساس غیر صحیح خوانده و برخی را نیز با استفاده از آیات و روایت‌های دیگر و مقدمات عقلی توجیه کردند (همان: ۳۹۰-۳۵۹). شکل‌گیری مذاهب کلامی و مشخص شدن حدود و ثغور این مذاهب در اواخر دوره اموی و اوایل حکومت عباسی به مرور مناقشه‌های عقیدتی را به مجادله‌های مذهبی مبدل کرد، به‌طوری‌که در اوایل دوره عباسی، مذاهب در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و این به نفع حکام عباسی بود، چراکه روشنفکران جامعه را که به‌طور معمول اصلی‌ترین مزاحمان اقتدار هم هستند، متوجه یکدیگر کرد. شاید سیاست ویژه خلفای عباسی برای تشکیل جلسه‌های مناظره و مباحثه در جهت تأمین همین هدف راهبردی برای حکومت بوده است. البته ضرورت‌های زمان و آشنایی مسلمانان با آثار فکری و معرفتی دیگر جوامع هم در ایجاد این تحول بی‌تأثیر نبوده است. امام رضا^(ع) در مقابل شبهه جریان‌های الحادی به موضوع‌های مطرح‌شده در حوزه‌های کلامی، با نگرشی اعتدال‌گرا نگرسته‌اند. ایشان با موضع‌گیری‌های سازنده، مبانی عقیدتی جامعه اسلامی را در برابر شبهه‌ها بیمه کردند و احاطه علمی حضرت در موضوع‌های مختلف کلامی، زمینه شکل‌گیری کلام شیعی را فراهم آورد.

۴. ساماندهی قیام‌های علویان

بعد از درگیری امین و مأمون، هرج و مرج بیشتر شهرهای اسلامی را فراگرفت و ناامنی و اضطراب بر جامعه حاکم شد. این نابسامانی زمینه را برای تحرک دیگر مخالفان فراهم ساخت و قیام‌هایی را در پی داشت. مهم‌ترین این قیام‌ها، قیام‌های علویان بودند که عبارت‌اند از: قیام محمد بن ابراهیم بن طباطبا (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۶۴-۴۶۱)، قیام زید بن موسی^(ع) (زیدالنار) (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۲۵۵-۲۵۱)، قیام ابراهیم موسی بن جعفر^(ع) (همان: ۲۵۶؛

طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۳: ۵۶۳۸)، قیام ابن‌افطس (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۴۱؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۳: ۵۶۴۰-۵۶۳۸) و قیام محمد بن جعفر صادق^(ع) (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۴۴-۴۳۹؛ اصفهانی، بی‌تا: ۴۴۱-۴۳۸).

هارون با توجه به ملاحظه‌های سیاسی و برای حفظ حاکمیت خود پس از شهادت امام موسی کاظم^(ع) از کشتار و شکنجه علویان دست کشید و از فشار سیاسی و اجتماعی علیه امام^(ع) کاست، به همین علت ایشان مبارزه خود را به گونه‌ای دیگر ادامه دادند. در این دوران سادات به شورش‌هایی علیه حکومت دست زدند که گاه شخصیت امام^(ع) نیز پشتوانه آنان بود و به سفارش حضرت از ریختن خون شورشیان جلوگیری می‌شد، از سوی دیگر ایشان به نشر بیشتر فرهنگ اسلامی و پرورش شیعیان پرداختند. پس از این دوره در زمان حکومت مأمون، شورش و نافرمانی سراسر قلمرو عباسی را فراگرفت. درحالی‌که امین تنها بر بغداد مسلط بود و مأمون بر خراسان، علویان با دعوت «الرضا من آل محمد^(ص)» به‌زودی بر حجاز، یمن، کوفه، بصره، واسط و اهواز مسلط شدند و دعوتشان در تمام این مناطق گسترده شد. مهم‌ترین این شورش‌ها قیام ابوالسرایا به رهبری ابن طباطبا بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۲۵۳-۲۴۸؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۶۴-۴۶۱). البته اشکال اساسی علویان که همان نداشتن اتحاد بود مانع موفقیت آنها می‌شد. در ظاهر امام^(ع) در زمینه قیام با علویان ارتباط نداشتند ولی مأمون احتمال می‌داد که شخصیت برجسته‌ای که دور از مرکز حکومت است اقدامی علیه وی انجام دهد و قیام‌های علویان زمینه را برای امام^(ع) فراهم سازد. لذا مأمون برای رفع خطر علویان در پی چاره‌ای اساسی و همیشگی برآمد و تصمیم گرفت برای فرونشاندن قیام‌های پی در پی علویان، امام رضا^(ع) را از مدینه به مرو احضار کند و به اجبار ایشان را ولیعهد خود سازد (حسینی، ۱۳۷۷: ۱۴۱). عرضه خلافت به امام رضا^(ع) معنایش این نبود که مأمون از هرگونه امتیازی چشم پوشیده بود و دیگر سهمی از حکومت نمی‌طلبید، بلکه برعکس می‌خواست بر مسند حکومت، مقامی ظاهری و صوری بنشانند و در باطن همه کارها به‌دست او باشد، در این صورت نه تنها از قدرتش کاسته نمی‌شد بلکه موقعیتی قوی‌تر

می‌یافت. مأمون با تفویض خلافت به امام^(ع) در پی این نبود که خلافت خود را از دست بدهد، بلکه می‌خواست از علویان اعتراف بگیرد که حکومتش قانونی است لذا درصدد بود بزرگ‌ترین شخصیت آنان را به این بازی وارد سازد (همان: ۱۶۱). سرانجام مأمون با ولیعهدی امام^(ع)، از طرف علویان آسوده‌خاطر شد، آنها به‌خاطر امام^(ع) آرام گرفتند. در تاریخ هیچ شهادتی از حرکتی علیه مأمون طی فاصله‌ای که امام^(ع) به‌عنوان ولیعهد در دستگاه حکومتی حضور داشتند وجود ندارد. بنابراین یکی از پیامدهای قیام علویان تغییر جهت خلافت عباسی در مورد جایگاه امامان^(ع) بود و اینکه آنان نیز در امر خلافت دارای حق هستند. ولایتعهدی امام^(ع) به علویان هیچ‌گونه اذیت و آزاری نرساند و وضعیت زندگی آنها بهبود یافت، کما اینکه مأمون تعداد زیادی از علویان را با اینکه از نظر وی جرم‌های بزرگی مرتکب شده بودند از جمله «زیدالنار» برادر حضرت رضا^(ع)، عفو کرد. اما بعد از شهادت امام^(ع) با توجه به خطری که از جانب علویان احساس می‌کرد، سیاست خود را تغییر داده تعداد زیادی از آنها را کشت و بقیه متواری شدند.

باید توجه داشت که امام رضا^(ع) از مشارکت مستقیم در قیام بر ضد حکومت‌های زمان خودداری می‌کردند و در این امر بر ایشان انتقاد و اعتراضی وارد نیست، زیرا آنان با ارزیابی وضعیت موجود می‌دانستند که شورش و قیام بر ضد حکومت جز شکست چیز دیگری نصیب شیعیان نمی‌کند، بنابراین ائمه^(ع) برای آگاه‌سازی افراد جامعه و هدایت و تربیت آنها کوشش داشتند. امام رضا^(ع) انقلاب‌های علویان را نه به‌طور کامل تأیید و نه آنها را رد می‌کردند. این نهضت‌ها از آن روی که گامی در جهت آگاهی بخشیدن به توده‌ها برای مخالفت با خلفا به‌شمار می‌آمد مورد تأیید ضمنی امام^(ع) بود؛ اما در مرحله عمل دیدگاه امام^(ع) با سران این نهضت‌ها تفاوت داشت.

نقش روشنگری و بصیرت‌افزایی

امام رضا^(ع) در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ شیعه به امامت رسیدند. فضای فعال فرهنگی و رونق مباحث علمی، بحران مشروعیت سیاسی و دینی و نیز انشعاب‌های درون‌فرقه‌ای

۵۰ ❖ فرهنگ رضوی

❖ شیعه، سبب شد امام رضا^(ع) با ابزارهای مختلفی به روشنگری امت بهت‌زده و تشنه معرفت آن دوره دست بزنند. بیان فلسفه احکام، صدور روایت‌های عقیدتی، تألیف کتاب‌ها و رساله‌های مختلف و موضع‌گیری‌های سیاسی و تاریخی امام^(ع) همه در همین جهت برنامه‌ریزی شده‌اند.

لازم به ذکر است بصیرت‌افزایی امام رضا^(ع) از سه طریق انجام شد:

۱. مناظره‌ها

مناظره‌های امام رضا^(ع) بستر مناسبی برای روشنگری بود، این مجالس بر خلاف تصویر برگزارکنندگان آن، مرتب به نفع امام^(ع) خاتمه می‌یافت و زمینه ترسیم شخصیت واقعی ایشان را فراهم می‌کرد. پس می‌توان این مباحث را مهم‌ترین عامل بصیرت‌افزایی و توسعه مذهب تشیع دانست، چون به این بحث به شکل کافی پرداخته شده، به همین اندک بسنده می‌شود (رک: ابن بابویه، ۱۳۷۲ و ۱۴۱۴ق؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۳۸۷-۳۸۱ و ...).

۲. مکاتبه

قلم، کارآمدترین ابزار برای انتقال پیام‌ها و قوی‌ترین وسیله برای ماندگاری ایده‌ها، عقاید و اندیشه‌هاست. علاوه بر مناظره‌ها، مجموعه نامه‌های امام^(ع) به افراد مختلف در توضیح مبانی شیعه و روشنگری، نقش مهمی داشت. نامه‌هایی از قبیل تبیین جایگاه اهل بیت^(ع) در کتاب و سنت (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۹۰-۲۸۴)، برخی از مسائل کلامی (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۲۹)، مسائل اختلافی میان شیعه و اهل سنت مثل ایمان ابوطالب (فیض کاشانی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۷۶)، توضیح مصداق شیعه (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۲۰۶-۲۰۳) و معنای «اولوالامر» (عیاشی، بی‌تا، ج ۱: ۳۶۰ و).

۳. مهاجرت‌های هدف‌دار دینی و فرهنگی

امام^(ع) قبل از مهاجرت به مرو، به منظور معرفی خود، اثبات امامت و برای از بین بردن

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۵۱

شبهه و بصیرت‌افزایی، به بصره و کوفه سفر کردند و در آنجا با گروهی از مسلمانان از جمله عمرین هدا ب که گرایش ناصبی داشت و معتزلی‌مذهب بود و دیگران مناظره‌هایی داشتند (رک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق).

نقش حفاظتی-هدایتی

حفظ جامعه شیعه از انواع آسیب‌ها و هدایت آنها در مسیر درست، یکی از مهم‌ترین آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) بر تشیع است.

۱. حفظ جامعه شیعه از آسیب (سیاسی، فرهنگی و علمی)

درواقع آنچه که زمینه توسعه هر چه بیشتر مجموعه رو به رشد شیعه را فراهم کرد، طرح‌ها و تدابیر حفاظتی بود که امام رضا^(ع) به کار بستند. این مسئله به‌خصوص در دوره مأمون که حکومت عباسی از قدرت بالایی برخوردار بود و امام رضا^(ع) در منصب ولایتعهدی (هر چند بر حسب ظاهر) بودند اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد. در این دوره که مسائل فکری و عقیدتی و همچنین مباحث فقهی در جامعه اسلامی اوج گرفته و شبهه‌های گوناگونی در زمینه‌های دینی و غیردینی مطرح می‌شد، تشنگی علمی و معرفتی شدیدی میان مردم به‌وجود آمد. پیروزی در مناظره‌ها، عظمت علمی، مقام معنوی و اخلاق عملی باعث جذب مردم به‌سوی امام رضا^(ع) شد. ابهت علمی ایشان همه جا را فراگرفت به‌گونه‌ای که مأمون به آن اعتراف کرد.

این مسائل امری نبود که حکومت نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد. در چنین فضایی، امام رضا^(ع) برای حکومت، حساسیت‌زا و سوءاستفاده از وجهه اجتماعی ایشان از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت بود. همچنین جماعت شیعه که از نفوذ و تأثیر زیادی برخوردار بودند و سردمداران قیام‌های علوی که به‌صورت مخفیانه زندگی می‌کردند و در مناطق دورافتاده، متواری بودند، با استفاده از موقعیت و پست حکومتی امام رضا^(ع) وضعیت زندگی آنها بهبود یافت و از آزادی نسبی بهره‌مند شدند. این مسئله برای حکومت نگران‌کننده و حساسیت‌زا بود.

با توجه به این موضوع، تاکتیک‌های امام رضا^(ع) در دو جهت اصلی باید اجرا می‌شد:

۱. اجتماع و جامعه شیعی چگونه کنترل و هدایت شود تا آسیب نبیند؛
۲. رهبری شیعه چگونه خود و راه فکری‌اش را از آسیب محفوظ نگه دارد.

۲. دور کردن شیعیان از خطرهای سیاسی

در دوره مأمون عباسی با توجه به جریان ولایتعهدی، امام رضا^(ع) کوشیدند جامعه شیعی را از اهداف پشت پرده خلیفه آگاه کنند تا از سوق یافتن شیعیان در گرداب‌های سیاسی که خلیفه نقش اول آن‌را بر عهده داشت جلوگیری کنند. در چنین شرایطی که دشمن آشنایی کاملی با جامعه شیعه داشته و با مهم‌ترین شخصیت آن یعنی امام رضا^(ع) رابطه دارد، نیاز به تاکتیک‌های جدید و متفاوت بود. اگر امام^(ع) ولایتعهدی را نمی‌پذیرفتند، مأمون به این بهانه ایشان را از صحنه بیرون می‌کرد. بنابراین امام رضا^(ع) کوشیدند تا تهدیدهای مذکور را به فرصت تبدیل کرده و با جلوگیری از هدر رفتن نیروها، جماعت شیعه را به سمت ایجاد انقلاب فکری و فرهنگی هدایت کنند.

نتیجه‌گیری

امام رضا^(ع) با مدیریت فرهنگی، جان تازه‌ای به کالبد نیمه‌جان شیعه بخشیدند که پس از نهضت علمی امام صادق^(ع) در تاریخ شیعه نظیر ندارد. نقش و تأثیر این انقلاب فرهنگی بر جامعه شیعه را می‌توان در موارد زیر دانست: نقش احیاکنندگی هشتمین اختر تابناک امامت احیاگر اسلام ناب محمدی، قرآن و سنت علوی است که باعث تعالی جایگاه تقلین در جامعه شد، نقش تبیینی و تثبیتی امام^(ع)، محوری‌ترین اصل در منظومه کلام شیعه یعنی اصل امامت را به‌خوبی تبیین و باعث تثبیت آن در افکار مسلمین شدند، ایشان با ارتقاء سطح علمی و فرهنگی جامعه، تصحیح نگرش مسلمانان، توسعه همه‌جانبه علوم و ایجاد فضای مناسب علمی، نقش بالندگی و توسعه‌بخشی به شیعه داشتند. در کنار سایر مسائل پیش‌گفته، نقش نخبه‌پروری، سازمان‌دهی و سامان‌بخشی، حفاظتی - هدایتی، بصیرت‌افزایی

❖ ۵۳ نقش و آثار مدیریت فرهنگی ...

❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

و... از دیگر آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) است. در کنار همه شیوه‌های نوین، روش گفتمان و گفتگو که امام رضا^(ع) از آن بهره بردند، در این عصر پاسخگوی معضلات فرهنگی جامعه است، آن چیزی که سبب می‌شود، آگاهی داشتن از خوبی‌های افراد است و این احساس زمانی بیشتر تقویت می‌شود که علم و معرفت ما نسبت به مسئله یا فرد بیشتر شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲). *عیون الاخبار الرضا*^(ع). مترجمان حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶). *الامالی*. مترجم محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۲). *الخصال*. مترجم یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: کتابفروشی مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق). *التوحید*. مترجم هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*. مصحح علی اکبر غفاری، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق). *اعتقادات الامامیه*. چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۸۲). *تحف العقول*. مترجم احمد جنتی، تهران: امیرکبیر.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۴۰۵ق). *مناقب آل ابی طالب*^(ع). مصحح و تعلیق هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دار الاضواء.

ابن ندیم، محمد، (بی تا). *الفهرست*. مصحح رضا تجدد، بیروت: دار الاستقامه.

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۵۵

- احمدی، مسعود، (۱۳۸۲). *مبانی سازمانی و مدیریت*. تهران: ویرایش.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۲). *کشف القمه*. مترجم علی بن حسین زواره‌ای، چاپ سوم، تهران: اسلامیه.
- اشعری، علی بن اسماعیل، (۱۳۶۲). *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*. مترجم محسن مؤیدی، تهران: امیرکبیر.
- اصفهان‌ی، ابوالفرج علی بن الحسین، (بی تا). *مقاتل الطالبین*. محقق احمد صقر، بیروت: دارالمعرفه.
- الوانی، مهدی، (۱۳۷۴). *مدیریت عمومی*. تهران: نی.
- تقوی دامغانی، رضا، (۱۳۶۸). *نگرشی بر مدیریت اسلامی*. بی جا: اسلامی.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، (۱۳۸۵). *مدیریت فرهنگی*. چاپ سوم، قم: هاجر.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی، جعفر مرتضی، (۱۳۷۷). *زندگی سیاسی هشتمین امام^(ع)*. مترجم خلیل خلیلیان، تهران: فرهنگ اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم: آل البیت^(ع).
- صدر، حسن، (بی تا). *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام*. تهران: منشورات الاعلمی.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. محمدباقر خراسان، مشهد: مرتضی.
- طبرسی، فضل بن سهل، (۱۳۹۰). *زندگانی چهارده معصوم^(ع)*. مترجمان اعلام الوری و عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران: اسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. مترجم ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.
- طیسی، محسن، (۱۳۹۱). «اهل سنت و حدیث سلسله الذهب». *امامت پژوهی*، سال دوم، شماره ۵: ۳۵-۷۳.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۷۳). *رجال*. مصحح جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۵۱). *الفهرست*. محقق محمدصادق آل بحر العلوم، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- علی بن موسی^(ع)، (۱۴۰۲ق). *طب الامام الرضا^(ع) (الرساله النذیه)*. مصحح محمد مهدی نجف، قم: دارالخیام.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (بی تا). *تفسیر العیاشی*. تهران: علمیه اسلامیه.

- فیض کاشانی، محمد، (۱۴۰۷ق). *الوافی*. قم: معارف اسلامی.
- قتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۶۶). *روضه الواعظین*. مترجم محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، (۱۴۱۶ق). *ینایع الموده لذوی القری*. محقق سیدعلی جمال اشرف الحسینی، قم: دارالسوه.
- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *رجال کشی - اختیار معرفه الرجال*، محقق محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹). *اصول کافی*. مترجم جواد مصطفوی، تهران: علمیه اسلامی.
- کوئن، بروس، (۱۳۸۱). *درآمدی بر جامعه شناسی*. مترجم محسن ثلاثی، چاپ هجدهم، تهران: توتیا.
- محمدزاده، مرضیه، (۱۳۸۸). *علی بن موسی^(ع)، امام رضا^(ع)*. چاپ پنجم، قم: دلیل ما.
- مرتضوی، محمد، (۱۳۷۵). *نهضت کلامی در عصر امام رضا^(ع)*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۶۲). *اثبات الوصیه لعلی بن ابی طالب^(ع)*. مترجم محمدجواد نجفی، چاپ دوم، تهران: اسلامی.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. مترجم ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مفید، محمد بن محمد، (بی تا). *الارشاد*. مترجم هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: اسلامی.
- نائینی، علی محمد، (۱۳۸۹). *درآمدی بر مدیریت فرهنگی*. تهران: ساقی.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. چاپ ششم، قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.
- نویختی، ابو محمد حسن بن موسی، (بی تا). *فرق الشیعه*. مصحح محمدصادق بحر العلوم، بیروت: دارالاضواء.
- نبلی پور، مهدی، (۱۳۹۰). *مهندسی و مدیریت فرهنگی*. چاپ دوم، اصفهان: مرغ سلیمان.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*. مترجم محمدابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.

جستاری بر جایگاه حدیثی امام رضا^(ع) در منابع فریقین (با محوریت فراوانی و گستردگی موضوعی روایت‌ها)

مصطفی احمدی فر* - حمید حسین نژاد**

چکیده

روایت‌های امام رضا^(ع) که در قالب احادیث، مناظره‌ها و مباحث علمی سامان یافته، در منابع حدیثی از اهمیت و امتیاز خاصی برخوردار است. امام^(ع) علاوه بر اینکه برای پرسش‌های مختلف عالمان ادیان و مکاتب، پاسخی درخور داشتند، بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب سخن می‌گفتند و استدلال می‌کردند و این مهم، یکی از مظاهر توانمندی علمی - معرفتی ایشان بود.

در این مقاله به فراوانی و گستردگی موضوعی روایت‌های امام^(ع) در منابع فریقین پرداخته شده است. با مقایسه آماری در منابع، در اغلب منابع اهل سنت، با وجود اینکه از راویان معاصر امام^(ع) روایت‌های زیادی نقل شده است، اما در مورد روایت‌های امام^(ع) خلأ روایی دیده می‌شود.

با بررسی حاضر مشخص شد که موضوع‌های فقهی و اخلاقی، گستره وسیعی از روایت‌های امام^(ع) را در منابع حدیثی شیعه دربر می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

احادیث، امام رضا^(ع)، تدوین احادیث، منابع اهل سنت، کتاب‌های اربعه

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۹

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه واحد

Ahmadifar65@yahoo.com

مشهد (نویسنده مسئول)

Hamid.hma@iran.ir

** .استادیار گروه عمومی و استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه واحد مشهد

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

امام رضا^(ع)، مانند اجداد و نیاکان وارسته‌شان، از مقام علمی والایی برخوردار بودند، تا آنجا که ایشان را «عالم آل محمد^(ص)» لقب داده‌اند. به‌رغم محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و... جایگاه حدیثی حضرت والا^(ع)ست، آن‌سان که بزرگان و اندیشمندان اهل تسنن و شیعه، از این دریای علم، گهرها یافتند و کتاب‌های حدیثی خویش را بدان زینت بخشیدند. برای تبیین گستردگی موضوعی و فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع)، ابتدا باید احادیث حضرت از چند جهت بررسی شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های احادیث امام^(ع)، جامعیت آنهاست، بدین‌سان که حضرت در تمام ابعاد و عرصه‌های زندگی شخصی و اجتماعی، دستورها و رهنمودهایی دارند که اندکی از آنها در کتاب‌های شیعه و اهل سنت منعکس شده است.

ناگفته پیداست، با توجه به فضای فتنه‌گری و آشوب‌طلبی گروه‌های مختلف، وارد کردن شبهه و اندیشه‌های التقاطی توسط فرقه‌ها و اندیشمندان دیگر ادیان، توطئه‌های نهانی دستگاه حکومتی و...، نقش حضرت در بصیرت‌زایی مردم در تمیز حق از باطل، پاسخ به شبهه‌ها، مناظره با بزرگان و اندیشمندان داخلی و خارجی، افشاگری توطئه‌های دستگاه حکومتی و... نقشی درخور توجه و حائز اهمیت به‌شمار می‌رود.

امام^(ع) همواره با تشویق اصحاب برای نوشتن احادیث، گردآوری میراث مکتوب حدیثی و ارائه اصول و قواعد در شناخت احادیث صحیح، سعی در گسترش و حراست از احادیث را داشته تا بدین‌سان آیندگان، از این میراث گرانبها بهره گیرند. در این نوشتار، نقش‌آفرینی امام رضا^(ع) در تدوین و تبیین احادیث و گونه‌های حدیثی به اختصار مطرح شده و با روش‌های آماری سعی شده فراوانی و گستردگی موضوعی احادیث ایشان، در ۱۱ کتاب مهم اهل سنت و کتاب‌های اربعه شیعه بررسی شود.

شایان ذکر است که درباره تاریخچه و پیشینه، تاکنون نگرستن میدانی به این نحو دیده نشده و در مقایسه آماری، نقاط مخفی بسیاری کشف می‌شود.

اهتمام امام^(ع) در تدوین و تبیین حدیث

از مهم‌ترین تلاش‌های علم‌الحديثی امام رضا^(ع)، تدوین حدیث و تشویق و ترغیب اصحاب و خواص به این امر مهم است. امام^(ع) همواره اصحاب خویش را به نگاشتن، حفظ و نگهداری احادیث دعوت و تأکید می‌کردند که سخن حق را بر روی پوستی بنگارند تا به این طریق ارمغان و میراثی برای آیندگان باشد.

عصر ایشان، عصر فتنه‌های مذهبی و چندگانگی عقیدتی بود. دوچهره‌گان همواره بر آن بودند که امامت حضرت را غیرواقعی جلوه داده (کشی، ۱۴۰۴ق: رقم ۱۰۴۴) و فضایی غبارآلود و تردیدآمیز برای مردم ایجاد کنند.

امام^(ع) در چنین فضایی با رهنمودها، مکاتبه‌ها، مناظره‌ها، سؤال‌ها و جواب‌های حضوری و... توانستند بسیاری از فریب‌خوردگان را به راه صحیح بازگردانند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۷۱) و با اقدام‌هایی، فتنه‌ها را خنثی سازند (نک: عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۴۵). حضرت در این باره فرمودند، من با تأسی به رسول خدا^(ص)، امامت خود را اظهار و اطمینان دارم که از گزند هارون در امان هستم (کشی، ۱۴۰۴ق: رقم ۸۸۴-۸۸۵). از مهم‌ترین دغدغه‌های ایشان، نگاشتن، حفظ و نگهداری میراث گرانبهای حدیث بود که این مهم در روایت‌های علی بن اسباط (نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۵۹)، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۴۵) و روایت‌های دیگر، منعکس شده است. البته برخی از محققان، آثار و تصنیف‌هایی را به ایشان نسبت داده‌اند که این خود، گواه بر فعالیت‌ها و تلاش‌های امام^(ع) در این عرصه است (نک: معارف، ۱۳۷۴: ۲۳۳-۲۱۶).

از دیگر فعالیت‌های امام^(ع) در عرصه حدیث، تبیین و توضیح احادیث بود. برداشت‌های مختلف و کج‌فهمی‌ها در تعبیر یک حدیث، باعث می‌شد تا امام^(ع) به تبیین و توضیح روایت بپردازند. ایشان با تبیین مجمل‌ها و متشابه‌ها، شیعیان را از سردرگمی خارج و به‌سوی راه مستقیم راهنمایی می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۸۷).

ازجمله فعالیت‌های امام^(ع) برای تبیین احادیث، ارائه قواعد، اصول و معیارهای تمییز

احادیث صحیح از جعلی بود، چراکه پس از ممنوعیت نقل و نگارش حدیث در عهد خلفا (نک: ذهبی، بی تا، ج ۱: ۳ و ۵؛ ابوریه، بی تا: ۵۳) و پیدایش و گسترش اسرائیلیات و قصه پردازی ها (نک: ابوریه، بی تا: ۱۲۴؛ صالح، ۱۳۶۳ق: ۲۸۶؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۲۵۶) و به وجود آمدن فرق گوناگونی چون غلات (نک: کشی، ۱۴۰۴ق: رقم ۱۷۴-۱۷۰) و دیگر جریان های منحرف فکری (نک: دینوری، ۱۴۰۷ق: ۲۷۷-۲۸۵؛ حیدر، بی تا، ج ۳: ۴۶-۲۷)، پدیده نامبارک حدیث جعلی رو به فزونی یافت. لذا ائمه اطهار^(ع) در زمان امامت خود، مقیاس هایی برای تشخیص حدیث صحیح از جعلی، ارائه می کردند. در این بین، امام رضا^(ع) نیز در عصر خویش، معیارهایی چون ارجاع حدیث به قرآن، سنت نبوی و مخالفت با احادیث عامه را معرفی کردند (نک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۳۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۱۸).

یکی از مسائل مورد توجه در تعالیم امام رضا^(ع)، حمله آن بزرگوار به رأی، قیاس و استحسان و در مقابل طرح این مسئله بود که هیچ حکمی نیست مگر آنکه ریشه ای در کتاب و سنت دارد.

ناگفته نماند که قیاس به عنوان یکی از مصادر فقهی اهل سنت، در تمام فرق پذیرفته شده است و دانشمندان این مذاهب در کتاب های فقهی و اصولی خود همواره از آن دفاع و بر صحت آن احتجاج کرده اند (نک: ابوزهره، بی تا: ۲۲۰).

در مورد سیر رواج رأی و قیاس نیز باید گفت که استفاده از آنها در میان اهل سنت، از دوران صحابه متداول شد و در عهد تابعین، طرفداران زیادی یافت و هرچه زمان می گذشت بر حجم استفاده از آن افزوده می شد به طوری که در عهد صادقین^(ع)، مکتب مستقلی با عنوان مکتب رأی و قیاس شکل گرفت و طرفداران آن عمدتاً در عراق به سر می بردند (نک: مکی عاملی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۲).

اینک برای روشن تر شدن اقسام روایت های امام رضا^(ع)، اشاره ای گذرا به گونه های حدیثی حضرت می شود.

گونه‌های حدیثی امام رضا^(ع)

۱. مناظره‌های حضرت با صاحبان افکار و عقاید مختلف

یکی از مهم‌ترین گونه‌های حدیثی امام^(ع)، مناظره با دانشمندان ادیان و متفکران بود که در طول حیات حضرت، همواره رخ می‌داد و بسیاری از دانشمندان و علما ادیان دیگر توسط ایشان به دین مبین اسلام می‌گرویدند (نک: ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۵۸). این مناظره‌ها به صورت مستقیم و رسمی در حضور خلیفه یا به صورت غیرمستقیم و سؤال و جواب بود، حضرت با براهین عالی نشئت گرفته از تعالیم اسلامی، عقاید و باورهای ناصواب آنان را بر همگان آشکار می‌ساختند و بسیاری از حقایق اسلامی و مبانی مذهب اهل بیت^(ع)، کشف و قدر و منزلت آن بزرگوار بر همگان روشن می‌شد (نک: همان: ۴۲۷). در هر حال نتیجه تلاش‌های امام^(ع) آن شد که به گفته هاشم معروف، آثار گرانبهایی از ایشان در عرصه فقه و حدیث باقی ماند (نک: حسنی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۴۱۱). گستره مناظره‌های آن حضرت بسیار وسیع و متنوع گزارش شده که از آن جمله، مناظره با دانشمندان ادیان در کوفه و بصره (نک: راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۵۱-۳۴۱)، با جاثلیق رومی، بوداییان (نک: علوی، ۱۳۷۹: ۶۰)، واقفیه و... است.

۲. احادیث و روایات‌ها

بزرگ‌ترین گونه حدیثی امام^(ع) را روایت‌ها و احادیثی تشکیل می‌دهند که در قالب پرسش و پاسخ در مجالس درس صادر شده است و دامنه این احادیث در کتاب‌های اهل سنت نیز یافت می‌شود. حتی می‌توان ادعا کرد که تأثیر ایشان در کتاب‌های حدیثی اهل سنت بیشتر از صادقین^(ع) بوده است (نک: ذهبی، ۱۴۰۲ق: ۳۹۳ - ۳۸۷).

روایت‌های فقهی

پرواضح است که یکی از مهم‌ترین اهداف و رسالت ائمه^(ع)، تبیین احکام شرعی است. لذا از امام^(ع)، روایت‌های فقهی فراوانی به ارث رسیده و کتاب‌های فقهی شیعه، مالمال از

احادیث فقهی ایشان بوده، از این روی، تدوین فقه شیعه در مقایسه با سایرین سرعت بیشتری داشته است (نک: عبدالرزاق، بی تا: ۲۰۵)، بدین سان هاشم معروف حسنی می گوید: «کمتر پیش می آید پژوهشگری، بابتی از باب های فقه یا بخشی از بخش های آن را بررسی کند و در آن روایتی از امام رضا^(ع) نیابد. چه بسا در باب های فقهی به ده ها حدیث از ایشان برخورد کند» (۱۴۱۱ق، ج ۲: ۱۴۵).

نمونه ای از روایت های فقهی: «وَقَالَ الرَّضَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى النَّاسِ فِي الْوُضُوءِ أَنْ تَبْدَأَ الْمَرْأَةُ بِيَاطِنِ ذِرَاعِهَا وَالرَّجُلُ بِظَاهِرِ الذَّرَاعِ؛ امام رضا^(ع) فرمودند: خداوند عزوجل بر مردمان چنین مقرر ساخته است که در وضو، زن از درون دست شروع بکند و مرد از پشت دست» (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۴۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۸۵)، یعنی مرد باید برای وضو از برآمدگی آرنج و زن از گودی داخل آرنج آب ریزد.

روایت های کلامی

عصر صادقین و امام رضا^(ع)، عصر تنوع و گسترش جریان های فکری، فقهی و کلامی و ورود افکار و اندیشه های مختلف به حوزه جهان اسلام بود (نک: دینوری، ۱۴۰۷ق: ۲۸۵ — ۲۷۷؛ صفی زاده، ۱۳۸۲، ج ۲: ۹۷۴) و جریان نهضت ترجمه که با حمایت مأمون شدت گرفت (نک: دورانت، ۱۳۶۸: ۳۰۸؛ محقق، ۱۳۶۹: ۱۴۶؛ امین، بی تا، ج ۲: ۶۲)، بر این مهم، افزود. در این بین نقش امام^(ع)، در مواجهه با این گونه افکار و عقاید حائز اهمیت است. امام^(ع) مباحث کلامی فراوانی مطرح کردند. در این بین، مباحث مربوط به توحید که اصل دین و اشرف علوم بوده (ارموی، بی تا: ۳۵) از اهمیت خاصی برخوردار است و این خود، عظمت علمی ایشان را می رساند. احادیث توحیدی امام رضا^(ع)، درباره موضوع هایی چون قضا و قدر، جبر و تفویض، میزان قدرت و استطاعت انسان و... است که درباره هر یک، پاسخ های مستدلی در سخنان حضرت یافت می شود (نک: محبی پور، ۱۳۸۸: ۹۲—۷۷). ازجمله می توان به روایت حسین بن خالد مروی از ایشان در موضوع تشبیه و جبر اشاره کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۴۳).

روایت‌های تفسیری

نقش عمده امام^(ع)، تبیین و تفسیر مجمل‌ها و متشابه‌های قرآن کریم است. لذا امام رضا^(ع) نیز مانند دیگر ائمه اطهار^(ع) در تفسیر قرآن بسیار می‌کوشیدند و در مناظره‌ها و سؤال‌های مختلف اعتقادی، کلامی، فقهی و... به آیات قرآن تمسک می‌جستند (نک: عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۳۸۵؛ عامر شبراوی، ۱۳۶۳: ۱۶۵؛ شبلنجی، بی‌تا: ۱۵۲). بدین‌سان میراث تفسیری ایشان یکی از ذخایر ارزشمند در حوزه تفسیر است، مانند:

... عَنْ الْوُشَاءِ قَالَ سَأَلْتُ الرَّضَا (ع) فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَسُئِلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل / ۴۳) فَقَالَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ قُلْتُ فَأَنْتُمْ الْمَسْئُولُونَ وَنَحْنُ السَّائِلُونَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ حَقًّا عَلَيْنَا أَنْ نَسْأَلَكَمَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ حَقًّا عَلَيْكُمْ أَنْ تُجِيبُونَا قَالَ لَا ذَاكَ إِلَيْنَا إِنْ شِئْنَا فَعَلْنَا وَإِنْ شِئْنَا لَمْ نَفْعَلْ أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ و شاء گوید، به حضرت رضا^(ع) عرض کردم، قربانت کردم «اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید» یعنی چه؟ فرمودند: ما ئیم اهل ذکر و ما ئیم پرسش‌شوندگان. عرض کردم: شما پرسش‌شونده و ما پرسش‌کننده‌ایم؟ فرمودند: آری. عرض کردم: بر ماست که از شما بپرسیم؟ فرمودند: آری. عرض کردم: بر شماست که به ما پاسخ دهید؟ فرمودند: نه، اختیار با ماست، اگر خواستیم پاسخ دهیم و اگر نخواستیم پاسخ ندهیم، مگر نمی‌شنوی قول خدای تبارک و تعالی را، «این است بخشش بی حساب ما، خواهی بخش یا نگهدار» [این بخشش ماست، خواهی بخش یا نگهدار حسابی بر تو نیست] (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۱۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۹ق: ۱۴).

احادیث اخلاقی

بخش بسیار بزرگی از احادیث معصومان^(ع)، اخلاقی است، چراکه پیامبر اکرم^(ص) هدف از رسالت خویش را، رسیدن به کمال اخلاقی انسانی معرفی کردند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۸۷) و ائمه معصومین^(ع) که تجلی رفتار پیامبر اکرم^(ص) هستند، ایشان را الگوی خویش قرار دادند و با عمل خویش، مردم را به رفتار و منش صحیح ترغیب کردند (نک:

❖ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۹؛ بحرانی، ۱۳۵۹ق، ج ۲: ۳۴۳.

امام رضا^(ع)، همواره با فعل، قول و تقریر خویش، شیعیان را به اجرای این گونه اعمال تشویق می کردند. برای نمونه، به حدیث ذیل بنگرید:

... قَالَ مَا رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا^(ع) جَفَا أَحَدًا بِكَلِمَةٍ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يُفْرَغَ مِنْهُ وَمَا رَدَّ أَحَدًا عَنْ حَاجَةٍ يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَلَا مَدَّ رَجُلًا بَيْنَ يَدَيِّ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَلَا اتَّكَأَ بَيْنَ يَدَيِّ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ شَتَمَ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيهِ وَمَمَالِيكِهِ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ تَقَلَّ وَلَا رَأَيْتُهُ يَهْتَفُهُ فِي ضَحِكِهِ قَطُّ بَلْ كَانَ ضَحِكُهُ التَّبَسُّمَ وَكَانَ إِذَا خَلَا وَنَصَبَ مَائِدَتَهُ أَجْلَسَ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِهِ مَمَالِيكُهُ وَمَوَالِيَهُ حَتَّى الْبُؤَابِ السَّائِسِ وَكَانَ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ يُحِبُّ أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى الصُّبْحِ وَكَانَ كَثِيرَ الصِّيَامِ فَلَا يُفَوِّتُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ وَيَقُولُ ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ وَكَانَ كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَالصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ وَكَثُرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى مِثْلَهُ فِي فَضْلِهِ فَلَا تَصْدُقْ [تَصَدَّقْ]؛ جعفر بن نعیم بن شاذان از ابراهیم بن عباس روایت کرده که گفت: هرگز ندیدم حضرت رضا^(ع) با کلامی در گفتارش به کسی جفا یا درشتی کند. هیچ گاه ندیدم سخن کسی را قطع کند، صبر می کرد تا طرف مقابل سخنش تمام شود و بعد اگر لازم می دید کلامی می گفت. ندیدم کسی از او حاجتی بخواهد، مقدور آن حضرت باشد و رد کند. هرگز پای خود را نزد کسی دراز نمی کرد و در برابر همنشین تکیه نمی داد. هرگز ندیدم از خدمتکاران و کارگزاران خود بد بگویم و دشنام دهد یا پیش چشم کسی آب دهان بیندازد. هرگز ندیدم در خندیدن قهقهه کند، بلکه خنده اش تبسم بود. چون خلوت می شد و سفره طعام برای او می گسترده اند همه غلامان و خدمتکاران را بر سر سفره می خواند، حتی دربان و مهتر را و او بسیار کم خواب بود، بسیار بیداری می کشید و بیشتر شب را با بیداری به سر می برد، از اوّل تا دمیدن صبح. بسیار روزه می گرفت و سه روز روزه هر ماه از وی فوت نمی شد و می فرمود، این روزه مانند روزه گرفتن همه سال است. بسیار پنهانی صدقه می داد، احسان می کرد و این کار را بیشتر، شب های تاریک انجام می داد. هر کس گمان می کند که در فضل مانند او را دیده است از او باور نکن (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۸۴).

۳. مکاتبه‌ها و مسائل حدیثی

به حدیثی که توسط امام به صورت نوشتاری بیان شده باشد، مکاتب گویند، خواه امام ابتدای آنرا نوشته باشند یا در پاسخ سؤال راوی بیان کرده باشند (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۲۸۳). برخی، تعریف دیگری از مکاتب ارائه داده‌اند، مکاتب عبارت است از: حدیثی که آخرین طبقه آن، از توقیع معصوم و مکتوب به خط ایشان باشد (سبحانی، ۱۴۱۲ق: ۸۰). مکاتب امام رضا^(ع) در زمینه‌های گوناگون فقهی (نک: ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۶۸)، سیاسی (نک: اربلی، ۱۳۱۸ق: ۱۲۳ - ۱۲۱؛ علم‌الهدی کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۸۸؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۳)، اعتقادی و... نگاشته شده که در مقابل مسائل و مشکلات مردم یا درخواست آنان، این مهم را انجام داده‌اند و میراثی مکتوب برای آیندگان به یادگار گذاشته‌اند. از دیگر گونه‌های حدیثی امام^(ع)، مسائل حدیثی است. در حدیث شیعه، مسائل به دو مفهوم متفاوت به کار رفته و در این دو که در نهایت به یک نتیجه می‌رسد، مخاطب اصلی سؤال‌ها، امامان^(ع) بوده‌اند و پاسخ آنان مانند دیگر روایاتشان حجت است (معارف، ۱۳۷۴: ۳۳۹). این مسائل به دو گونه تقسیم‌بندی شده است:

۱. مسائل آزمودنی که فقهای اصحاب ائمه^(ع)، به تدریج فراهم کرده بودند و با استفاده از آن، امامت امامان شیعه^(ع) را می‌آزمودند (نک: مفید، ۱۴۱۰ق: ۲۹۱). محمدبن عیسی یقطینی در این باره می‌گوید: وقتی مردم درباره حضرت رضا^(ع) اختلاف کردند، من ۱۵ هزار مسئله‌ای که ایشان پاسخ داده بودند، جمع‌آوری کردم (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۸)؛
۲. مسائل شرعی یومیه، آن دسته از سؤال‌های شرعی است که شیعیان به‌طور روزمره و با شرفیابی به محضر ائمه^(ع) یا از طریق مکاتبه، حکم آنرا دریافت کرده‌اند (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۶۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۹۳)، اگرچه این کار به‌سختی انجام می‌گرفت، چراکه خلیفه عملاً دیدارهای مردمی را محدود کرده بود (نک: فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۱۰۲).

روایت‌های امام رضا^(ع) در منابع اهل سنت و کتاب‌های اربعه شیعه

این قسمت از نوشتار براساس کتاب‌های صحاح شش‌گانه اهل سنت (مسند احمدبن

حنبل،^۱ صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، سنن ابوداود، سنن ترمذی، سنن نسایی، سنن الدارمی، المستدرک حاکم نیشابوری، سنن بیهقی، کنز العمال متقی هندی و کتاب های اربعه شیعه (الکافی کلینی، من لایحضره الفقیه ابن بابویه، التهذیب شیخ طوسی، الاستبصار شیخ طوسی) سامان یافته است.

۱. روایت های امام رضا^(ع) در منابع اهل سنت

عده ای از علمای اهل سنت، امام رضا^(ع) را از راویان طبقه هشتم برشمرده اند (ابن جوزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۴۷۰). گروهی دیگر، حضرت را در طبقه دهم قرار داده اند (بنداری، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۸۵). آنان با واژه های متعددی چون صدوق، ایشان را ستوده اند که برشمردن آنان از مجال بحث خارج است (همان). ولی با این همه در مقام نقل، روایت های انگشت شماری از حضرت نقل کرده اند. این نکته جای تأمل دارد که اهل سنت روایت های فراوانی از اتباع تابعین هم عصر امام^(ع) نقل کرده اند. این مهم تعصب و عناد برخی از علمای اهل سنت را می رساند که خود نیاز به پژوهش جداگانه ای دارد.

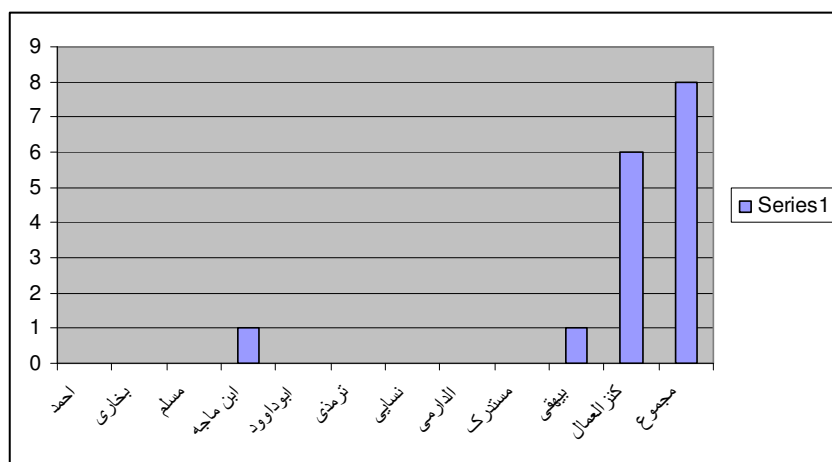
جدول ۱. فراوانی روایت های امام رضا^(ع) در منابع اهل سنت

مجموع	فرائد	ت. ر.	ابن ماجه	مسلم	ترمذی	ابن حبان	ابن کثیر	ابن عساکر	ابن الاثیر	ابن الجوزی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	احمد
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	بخاری
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	مسلم
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	ابن ماجه
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ابوداود
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	ترمذی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	نسایی

۱. این کتاب در شمارگان صحاح سته قرار نمی گیرد اما چون از کتاب های معتبر اهل سنت بوده از آن استفاده شده است.

ادامه جدول ۱. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در منابع اهل سنت

مجموع	فضائل	آداب	ادعیه	طب	تربیه	اخلاق	تفسیر	عقاید	فقه	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	الدارمی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	حاکم نیشابوری
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	بیهقی
۶	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۰	متقی هندی
۸	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۳	۱	مجموع با حذف تکرارها

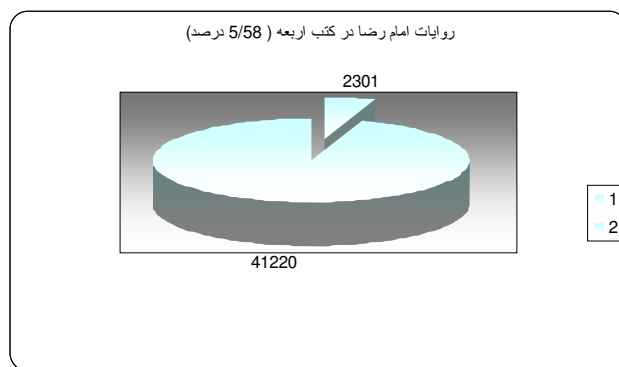


نمودار ۱. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در منابع اهل سنت

ناگفته پیداست که بزرگان اهل سنت، به‌رغم توصیف‌های متعدد (نک: همان)، از این دریای علم، بهره‌اندکی جستند. در بین دانشمندان اهل سنت، فقط ابن‌ماجه، بیهقی و متقی‌هندی از حضرت روایت کرده‌اند. ابن‌ماجه و بیهقی هر کدام یک روایت و متقی‌هندی نیز تنها هفت روایت از ایشان نقل کرده‌اند که یک روایت تکراری است و این قلت احادیث، جای بسی تأمل دارد.

۲. روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب اربعه شیعه

منابع حدیثی شیعه، مالا مال از روایت‌های گهربار امام رضا^(ع) بوده و این خود مایه خرسندی، افتخار و عظمت شیعیان است. در این بخش از نوشتار حاضر، جستاری در فراوانی و گستردگی موضوعی روایت‌های آن امام همام^(ع) در مهم‌ترین منابع حدیثی شیعه یعنی کتاب‌های اربعه، انجام می‌گیرد. شمارش احادیث کتاب‌های اربعه بر اساس شمارش مرحوم علی‌اکبر غفاری، صورت گرفته است.^۱ در کتاب‌های اربعه، در مجموع ۲ هزار و ۳۰۱ روایت از آن حضرت نقل شده که شامل ۵/۵۸ درصد کتاب اربعه بوده و جزئیات آن به شرح نمودار (۲) است.



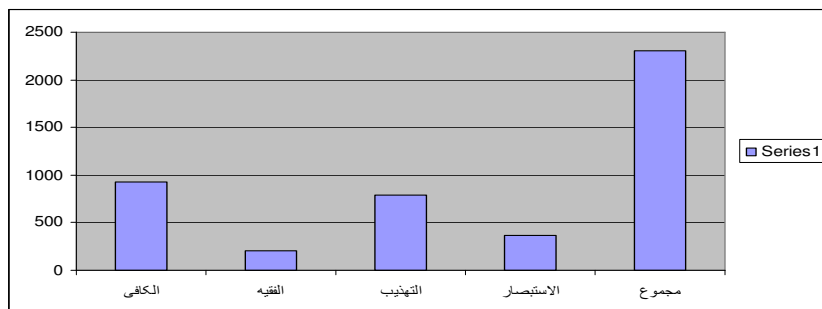
نمودار ۲. نسبت سنجی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب‌های اربعه شیعه

جدول ۲. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب‌های اربعه شیعه

کتاب‌های اربعه	الکافی	من لایحضره الفقیه	التهذیب	الاستبصار	مجموع
تعداد روایت‌های امام رضا ^(ع)	۹۲۸	۲۰۸	۷۹۳	۳۷۲	۲۳۰۱

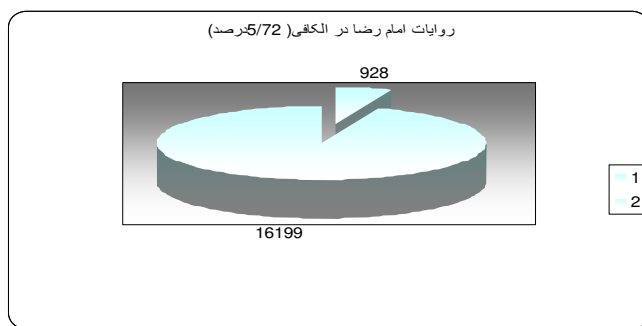
۱. کتاب مسند الامام الرضا^(ع)، تنها بخشی از روایت‌های مربوط به امام رضا^(ع) در کتاب‌های اربعه را نقل کرده است. لذا مؤلف، برای اتمام و استحکام در این نوشتار، تک تک روایت‌های کتاب‌های اربعه را مورد بررسی و تفحص قرار داده و روایت‌های مربوط به امام رضا^(ع) را استخراج کرده، در پایان آنها را با نرم‌افزار تطبیق داده و بدین‌سان در این بررسی، ضریب خطا اگر وجود داشته باشد، بسیار اندک و جزئی است.

❖ ۶۹ جستاری بر جایگاه حدیثی ... ❖



نمودار ۳. فراوانی روایت‌های امام رضا(ع) در کتاب اربعه شیعه

الكافي، ۹۲۸ روایت (۵/۷۲ درصد)

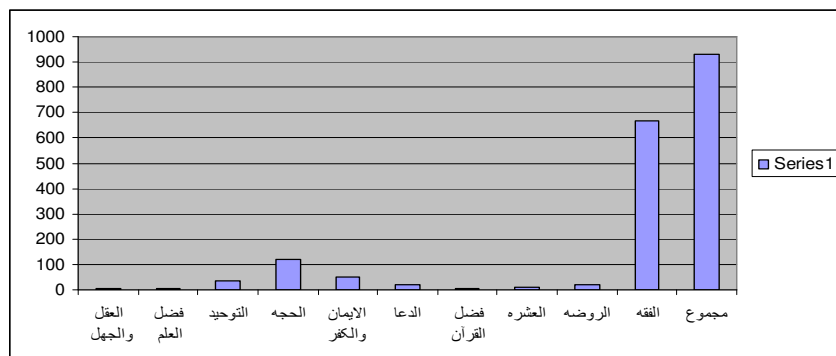


نمودار ۴. نسبت سنجی روایت‌های امام رضا(ع) در کتاب الكافي

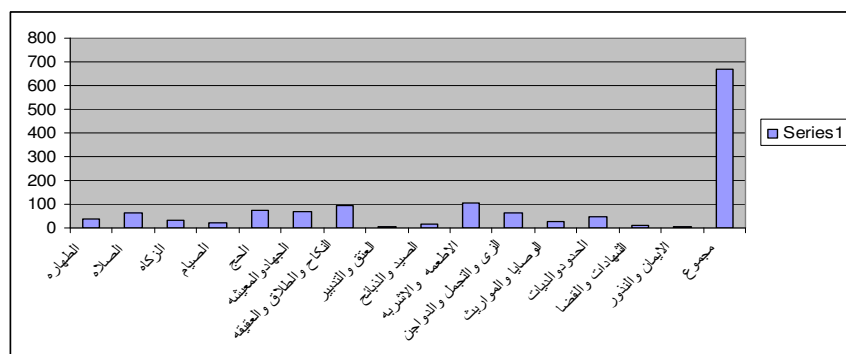
همان‌طور که ذکر شد، کتاب شریف الكافي، ۹۲۸ روایت از امام رضا(ع) را دربر دارد که شامل ۵/۷۲ درصد از کتاب است. فراوانی و گستردگی موضوعی روایت‌های حضرت در باب‌های مختلف این کتاب شریف به شرح جدول (۳) است.

جدول ۳. فراوانی روایت‌های امام رضا(ع) در کتاب الكافي

کتاب الكافي	العقل والجهل	فضل العلم	التوبه	الجمعه	الايمان والكفر	الدعا	فضل القرآن	العباده	الصلاه	الزكاه	العلم	الجم
	۴	۴	۳۶	۱۱۸	۴۹	۱۹	۳	۸	۳۶	۶۴	۲۲	۷۴

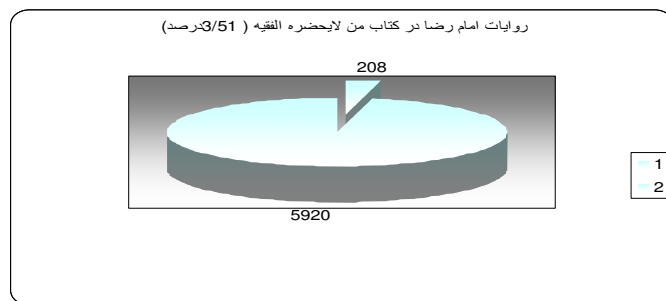


نمودار ۵. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب الکافی



ادامه نمودار ۵. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب الکافی (بخش فقه)

من لا يحضره الفقيه، ۲۰۸ روایت (۳/۵۱ درصد)



نمودار ۶. نسبت سنجی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب من لا يحضره الفقيه

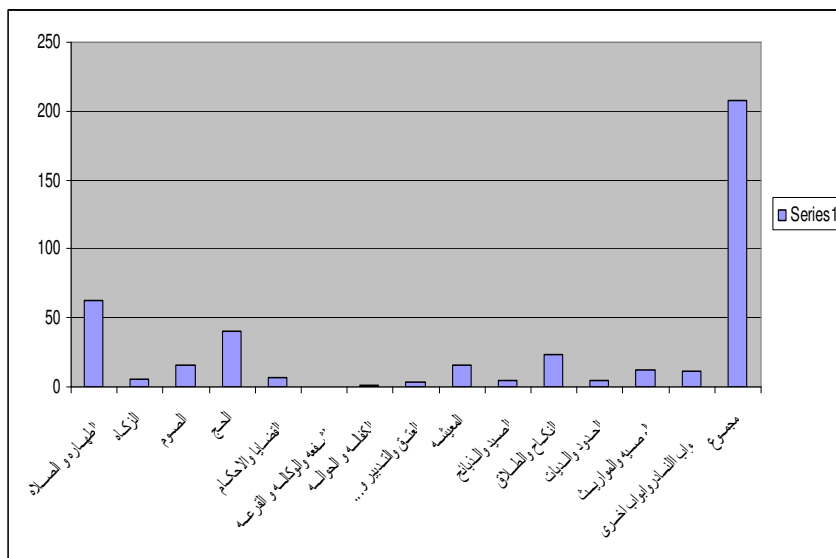
جستاری بر جایگاه حدیثی ... ❖ ۷۱

من لا یحضره الفقیه یکی از کتاب‌های اربعه است که شیخ صدوق، ۲۰۸ روایت از روایت‌های امام رضا^(ع) را نقل کرده و شامل ۳/۵۱ درصد از کتاب می‌شود. فراوانی و گستردگی موضوعی روایت‌های حضرت در باب‌های مختلف این کتاب شریف به شرح جدول (۴) است.

جدول ۴. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب

من لا یحضره الفقیه

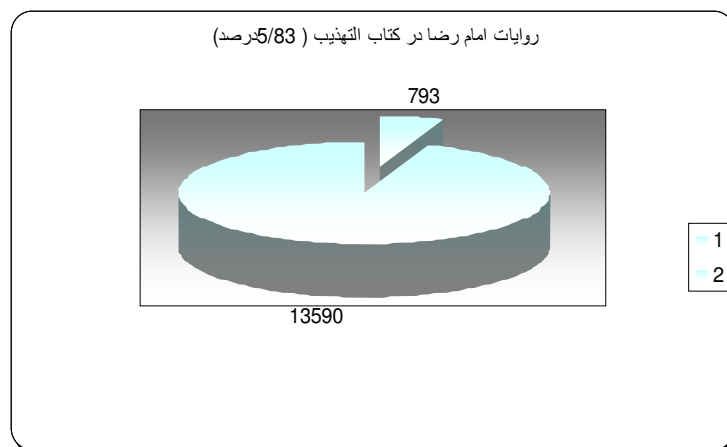
کتاب الفقیه	الطهارة والصلاة	الزكاة	الصوم	الحج	القضايا والاحكام	الشفعة والوكالة والقرعة	الكفالة والحواله	المق والتبذير...	المیسه	الصید والنباغ	النکاح و الطلاق	الحدود والديات	الوصیه والموارث	ابواب التادر والابواب الاخری	مجموع
	۶۳	۶	۱۶	۴۰	۷	۰	۱	۳	۱۶	۵	۲۳	۵	۱۲	۱۱	۲۰۸



نمودار ۷. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب من لا یحضره الفقیه

//تهذیب، ۷۹۳ روایت (۵/۸۳ درصد)

❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳



نمودار ۸ نسبت سنجی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب التهذیب

کتاب شریف //تهذیب، ۷۹۳ روایت از امام رضا^(ع) دارد که ۵/۸۳ درصد کتاب را به خود اختصاص داده است.

جدول ۵. فراوانی موضوعی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب التهذیب

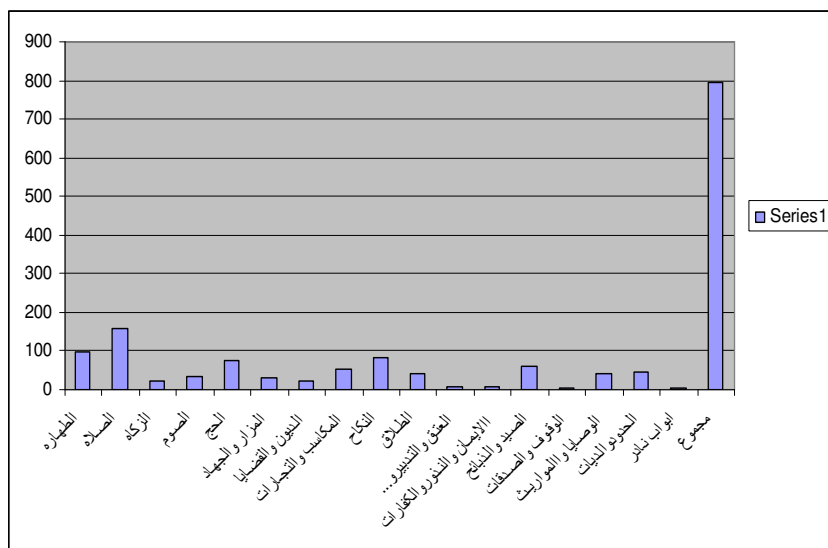
کتاب	الطهاره	الصلاه	الزکاه	الصوم	الحج	المزار والجهاد	الديون والتقضايا	المكاسب والتجارات	النكاح
//تهذیب	۹۹	۱۵۸	۲۳	۳۵	۷۷	۳۰	۲۲	۵۳	۸۲

ادامهٔ جدول ۵. فراوانی موضوعی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب التهذیب

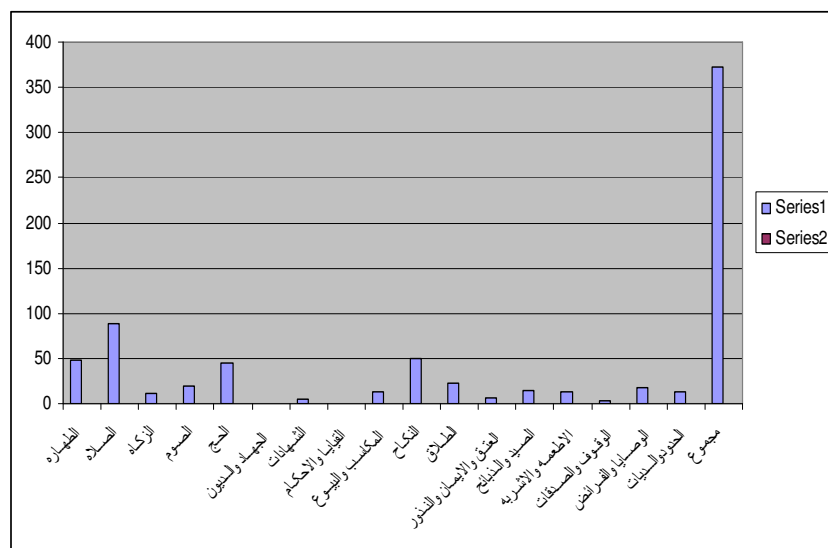
الطلاق	العق والتدبير	الايمان و النذور والكفارات	الصيد والذبايح	الوقوف والصدقات	الوصايا و الموارث	الحدود والديات	ابواب نادر	مجموع
۴۱	۸	۷	۶۲	۵	۴۱	۴۵	۵	۷۹۳

❖ ۷۳ جستاری بر جایگاه حدیثی ...

❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

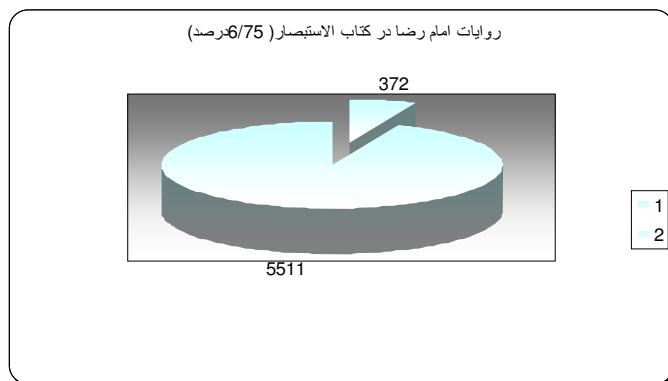


نمودار ۹. فراوانی روایت‌های امام رضا(ع) در کتاب التهذيب



ادامه نمودار ۹. فراوانی روایت‌های امام رضا(ع) در کتاب التهذيب

الاستبصار، ۳۷۲ روایت (۶/۷۵ درصد)



نمودار ۱۰. نسبت سنجی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب الاستبصار

در کتاب الاستبصار به عنوان آخرین کتاب از کتاب‌های اربعه، ۳۷۲ روایت از امام رضا^(ع) دیده می‌شود که ۶/۷۵ درصد این کتاب را تشکیل می‌دهد.

جدول ۶. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب الاستبصار

کتاب الاستبصار	الطهارة	الصلاة	الزكاة	الصوم	الحج	الجهاد والديون	الشهادات	القضايا والاحكام	المكاسب والبيع
	۴۸	۸۹	۱۲	۱۹	۴۵	۰	۵	۰	۱۲

ادامه جدول ۶. فراوانی روایت‌های امام رضا^(ع) در کتاب الاستبصار

النكاح	الطلاق	العتق والايمان والنذور	الصيد والذبايح	الاطعمة والاشربة	الوقوف والصدقات	الوصايا والفرائض	الحدود والديات	مجموع
۵۰	۲۳	۷	۱۴	۱۳	۳	۱۸	۱۳	۳۷۲

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین تلاش‌های علم‌الحدیثی امام رضا^(ع)، تبیین و تدوین حدیث، ارائه قواعد، اصول و معیارهای تمیز احادیث صحیح از جعلی و مبارزه با رأی، قیاس و استحسان است. بدین‌سان امام^(ع) در حفظ و حراست این میراث گرانها برای آیندگان، نقشی مهم و مؤثر داشتند.

از مهم‌ترین گونه‌های حدیثی در احادیث حضرت می‌توان به مناظره با صاحبان افکار و عقاید مختلف، احادیث و روایت‌ها، مکاتبه‌ها و مسائل حدیثی اشاره کرد.

بزرگان اهل سنت، به‌رغم توصیف‌های متعدد، از این دریای علم، بهره‌اندکی جستند. در بین دانشمندان اهل سنت، فقط ابن‌ماجه، بیهقی و متقی‌هندی از حضرت روایت کرده‌اند. ابن‌ماجه و بیهقی هر کدام یک روایت و متقی‌هندی نیز تنها هفت روایت از ایشان نقل کرده‌اند که یک روایت نیز تکراری است. در این میان، نکته قابل تأمل این بوده که بزرگان اهل سنت از محدثان مقارن زمان امام^(ع)، احادیث فراوانی نقل کرده‌اند اما از امام^(ع)، با وجود شخصیت علمی، روایی و وجود مناظره‌های علمی بسیار ارزشمند و احادیث پرگهر، حدیث نقل نکرده‌اند و به تعدادی انگشت‌شمار، بسنده شده، اما منابع حدیثی شیعه، پر از روایت‌های امام رضا^(ع) است (جدول و نمودار ۲ و ۳).

در کتاب‌های اربعه در مجموع ۲ هزار و ۳۰۱ روایت از حضرت نقل شده که شامل ۵/۵۸ درصد کتاب‌های اربعه است (نمودار ۲). کتاب *الکافی* ۹۲۸ روایت (۵/۷۲ درصد) (نمودار ۴)، *من لایحضره الفقیه* ۲۰۸ روایت (۳/۵۱ درصد) (نمودار ۶)، *التهذیب* ۷۹۳ روایت (۵/۸۳ درصد) (نمودار ۸) و *الاستبصار* ۳۷۲ روایت (۶/۷۵ درصد) (نمودار ۱۰) که میزان فراوانی و گستردگی روایت‌ها به تفصیل ذکر شد.

در میان منابع مذکور اهل سنت، بیشترین روایت در کتاب *کنز العمال* و در کتاب‌های اربعه شیعه، کتاب *الکافی* بود که بخش اعظم این روایت‌ها، فقهی است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن اثیر، عزالدین، (۱۴۰۹ق). *اسد الغابہ فی معرفہ الصحابہ*. بیروت: دارالفکر.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۰). *علل الشرایع والاسلام*. مترجم و محقق محمدجواد ذہنی، قم: مؤمنین.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۰ق). *عیون اخبار الرضا^(ع)*. مصحح علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق). *معانی الاخبار*. تهران: مکتبه الصدوق، قم: مکتبه الصدوق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۵ق). *من لا یحضرہ الفقیہ*. مصحح سیدحسن موسوی خراسانی، بیروت: دارالاضواء.
- ابن جوزی، یوسف بن قزاغلی سبط، (۱۴۲۶ق). *تذکرہ الخواص من الامہ بذکر خصائص الائمہ^(ع)*. محقق حسین تقی زاده، چاپ اول، قم: مجمع جهانی اهل بیت.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۴۱۲ق). *مناقب آل ابی طالب^(ع)*. محقق یوسف بقاعی، بیروت: دارالاضواء.
- ابوری، محمود، (بی تا). *اضواء علی السنہ المحمدیہ او دفاع عن الحدیث*. بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
- ابوزہرہ، محمد، (بی تا). *اصول الفقہ*. بی جا: دارالفکر العربی.

- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۱۸ق)، *كشف الغمه فی معرفه الائمه^(ع)*. تبریز: مکتب بنی هاشم.
- ارموی، سراج الدین محمد، (بی تا). *الطائف الحکمه*. محقق غلامحسین یوسفی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- امین، احمد، (بی تا). *ضحی الاسلام*. بیروت: دارالکتب الکتب العربی.
- بحرانی، سید هاشم، (۱۳۵۹ق). *حلیه الابرار فی فضائل محمد وآله الاطهار*. قم: دارالکتب العلمیه.
- بنداری، عبدالغفار سلیمان، (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الکتب الستہ*. مصحح سید حسن کسروی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حراغلی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق). *تفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ*. قم: آل البیت لاحیاء التراث.
- حسینی، هاشم معروف، (۱۴۱۱ق). *سیره الائمه الاثنی عشر^(ع)*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- حیدر، اسد، (بی تا). *الامام الصادق^(ع) والمذاهب الاربعہ*. بیروت: دارالکتب العربی.
- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق). *معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*. قم: مدینه العلم.
- دورانت، ویل، (۱۳۶۸). *تاریخ تمدن*. مترجمان ابوالقاسم پاینده و ابوطالب صارمی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دینوری، محمد بن عبدالله، (۴۰۷ق). *المعارف*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، شمس الدین محمد، (۴۰۲ق). *سیر الاعلام النبلاء*. محقق کامل خراط، بیروت: الرساله.
- ذهبی، شمس الدین محمد، (بی تا). *تذکره الحفاظ*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- راوندی، قطب الدین، (۴۰۹ق). *الخراج والخراج*. قم: امام مهدی^(ع).
- سبحانی، جعفر، (۴۱۲ق). *اصول الحديث واحکامه فی علم الدرايه*. قم: حوزه علمیه.
- شبلنجی، مؤمن بن حسن، (بی تا). *نور الابصار*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صالح، صبحی، (۱۳۶۳ق). *علوم الحديث و مصطلحه*. قم: رضی.
- صفی زاده، صدیق، (۱۳۸۲). *تاریخ پنج هزار ساله ایران*. تهران: آرون.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق). *الغیبه*. محققان عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: المعارف الاسلامیه.
- عامر شبراوی، عبدالله بن محمد، (۱۳۶۳). *الاتحاف بحب الاشراف*. قم: رضی.
- عبدالرزاق، مصطفی، (بی تا). *تمهید تاریخ الفقه الاسلامیه*. قاهره: لجنه.

- عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق). *مسند الامام الرضا^(ع)*. مشهد: المؤتمر العالمي للامام الرضا^(ع).
- علم الهدی کاشانی، محمدبن محسن، (۱۴۰۹ق). *معادن الحکمه فی مکاتیب الائمه^(ع)*. تعلیقات علی احمدی میانجی، قم: اسلامی.
- علوی، سهراب، (۱۳۷۹). *امام رضا^(ع) در رزمگاه ادیان*. قم: مسجد جمکران.
- فضل الله، محمدجواد، (۱۳۶۹). *تحلیلی از زندگی امام رضا^(ع)*. مترجم محمد عارف، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- کشی، ابوعمرو محمدبن عمر بن عبدالعزیز، (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفه الرجال*. به تعلیق میرداماد رجایی، قم: آل البيت^(ع).
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۳). *الکافی*. محقق علی اکبر غفاری، تهران: الاسلامیه.
- مامقانی، عبدالله، (۱۴۱۱ق). *مقیاس الهدایه فی علم الدرايه*. قم: بی نا.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار^(ع)*. بیروت: الوفاء.
- محبی پور، صغری، (۱۳۸۸). *نقش امام رضا^(ع) در حدیث شیعه*. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- محقق، مهدی، (۱۳۶۹). *دومین ۲۰ گفتار در مباحث ادبی، تاریخی، فلسفی و کلامی*. تهران: مطالعات اسلامی.
- معارف، مجید، (۱۳۷۴). *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*. تهران: ضریح.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، (۱۴۱۰ق). *الارشاد*. بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
- مکی عاملی، سیدحسین یوسف، (۱۴۰۷ق). *عقیده الشیعه فی الامام الصادق^(ع) وسائر الائمه^(ع)*. بیروت: دارالزهرا.

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت مردم سالاری دینی (مطالعه موردی: سیره رضوی)

غلامرضا خواجه‌سروی* - سید جواد حسینی**

چکیده

امروزه آزاداندیشی به عنوان مطالبه‌ای عمومی مطرح است. از این رو برای ترویج آن در نظام جمهوری اسلامی ایران نیازمند الگو و تباری معین و مشخص هستیم. سؤال اصلی این است که آیا در سیره اهل بیت^(ع) که به نوعی الگوی مبنا برای نظام جمهوری اسلامی ایران است می‌توان به شیوه و تبار معینی از آزاداندیشی رسید؟ سیره رضوی به دو دلیل این الگو را در اختیار ما قرار می‌دهد. حیات فکری و سیاسی امام رضا^(ع) باعث شده تا ایشان از روش و الگوی آزاداندیشی برای ترویج معارف اهل بیت^(ع) بهره گیرند. از طرف دیگر روش مناظره‌ها به عنوان متن الگوی آزاداندیشی، خود زمینه‌ساز ترویج و نشر معارف اسلام شده است. به نظر می‌رسد تشابه وضعیت جامعه امروز با جامعه معاصر امام رضا^(ع) نیز می‌تواند دلیل دیگری بر کاربردی بودن نوشتار حاضر باشد. در این مقاله با استفاده از روش مطالعات درون‌دینی و بررسی کتابخانه‌ای و همچنین با مراجعه به متون اصلی تلاش شده تا به سؤال مطرح شده پاسخ داده شود.

واژه‌های کلیدی

آزاداندیشی، مناظره‌ها، حیات فکری و سیاسی، سیره رضوی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۰۶

*. دانشیار گروه علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی^(ه) khajehsarvy@gmail.com

** . دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی^(ه)، مدرس و پژوهشگر دانشگاه امام صادق^(ع)
S.j.hosseini66@gmail.com

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

امروزه سخن از آزاداندیشی و آزادی بیان، شاهبیت گفتار سخنگویان سنت مردم‌سالاری غربی و همچنین دینی ایرانی است. در این بین، بیش از همه، سنت مردم‌سالاری دینی ایرانی مورد بی‌مهری و هجوم حامیان سنت مردم‌سالاری غربی واقع شده است. رسولان سنت مردم‌سالاری غربی به‌طور کلی، منکر وجود آزاداندیشی و آزادی بیان و نتایج آزادی بیان در سنت مردم‌سالاری دینی ایران شده‌اند و حتی در مواجهه با مظاهر عینی آزاداندیشی، با تنزل از موضع اولیه خود، آن‌را صوری، فرمایشی و نمایشی خوانده‌اند.

علاوه بر آن، چنان بر این ادعا پافشاری شده، که در کشور ما کمتر باور به وجود آزادی بیان و آزاداندیشی در محاوره‌های سیاسی، فرهنگی و اعتقادی شکل گرفته است و به هنگام سخن از آزادی بیان و آزاداندیشی باید تلاش کرد وجود چنین چیزی را اثبات کرد و آنگاه از نتایج و فواید آن سخن گفت.

درواقع همین شکل نگرفتن باور وجود آزادی بیان و آزاداندیشی در جامعه ایران امروز، نتایج نامناسبی را به دنبال داشته و دارد. پیامدهای نامطلوبی چون ترس از گفتار آزادمنشانه، کناره‌گیری از دخالت واقعی در امور سیاسی، رواج روحیه عافیت‌طلبی، بی‌تفاوتی، احساس بی‌نیازی به اجرای اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - اصل امر به معروف و نهی از منکر - به‌خصوص بخش امر به معروف و نهی از منکر مردم به دولت، رواج دورویی به‌ویژه در حوزه سیاست که از نبود باور آزاداندیشی حاصل شده، بر تعمیق شکاف قدیمی دولت - ملت مؤثر واقع شده است.

شاهد مثال اینکه با توانمندی شگرفی که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در حوزه «مردمی بودن» سیاست در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد کرده است، قاعدتاً می‌بایست این شکاف به حداقل ممکن خود رسیده باشد، این در حالی است که هنوز هم در ایران امروز، مظاهر و بروزهایی از چنین ضایعه تاریخی در سیاست کشور وجود دارد. بنابراین محوری‌ترین مسئله نوشتار حاضر «باور به وجود آزادی بیان و فضای آزاداندیشی

در ایرانی است که نظام جمهوری اسلامی بر آن حاکمیت دارد»، نظامی که نام آن همواره قرین آزادی و استقلال بوده، مردم ایران بر تحقق هم‌زمان هر سه مؤلفه تأکید و اصرار کرده‌اند، توقع تحقق هر سه مؤلفه را در طول زمان دارند و سعادت خود را در این امر دیده‌اند.

برای حل این مسئله، باید راه‌حل‌های متعددی یافت و به کمک آنها مشکل را حل کرد. نظر به اینکه حل مسئله مهم مذکور که دارای ابعاد متعددی است، در این مختصر نمی‌گنجد، به‌ناچار باید به حل بخشی از آن رضایت داد. اگر بتوان نشان داد که آزاداندیشی از تباری دینی برخوردار است و امامان معصوم^(ع) هم از آن استقبال کرده‌اند و برای تبیین حقایق بهره‌جسته‌اند، آنگاه به بسترسازی نهادینه شدن تدریجی آزاداندیشی در ایران کمک شایانی شده است و البته چنانچه این قضیه به‌درستی نشان داده شود آنگاه چنین نتیجه خواهد داد که همین نحوه آزاداندیشی و رفتاری که توسط اولیای دین مبین اسلام در این‌باره صورت گرفته است می‌تواند «الگوی هادی و پشتیبان» چارچوب آزاداندیشی باشد.

بر همین اساس تلاش می‌شود به این پرسش اصلی پاسخ داد که «چه شواهد و دلایلی حاکی از دینی بودن تبار آزاداندیشی در سنت مردم‌سالاری دینی ایرانی وجود دارد». استدلال ما هم این است که وجوه آشکار و نهان دین اسلام با آزاداندیشی ممزوج است و دقیقاً به همین خاطر است که امامان شیعیان و مسلمانان، همواره از برگزاری مناظره‌های آزاد استقبال کرده‌اند و همواره هم پیروز آن بوده‌اند.

برای نشان دادن صحت استدلال بالا، از روش «واکاوی یک الگو» و تعمیم نتایج حاصل از این جزء به کل بهره‌برداری می‌شود. الگوی مورد مطالعه در این بحث، سیره آزاداندیشانه امام رضا^(ع) است که به علل مختلف قابلیت بازنمایی ویژگی‌های کلیت آزاداندیشی در دین اسلام را دارد. شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان حیات آن امام^(ع)، فضایی را ایجاد کرده بود که قابلیت مطالعه کلیت دوره را می‌دهد. در حقیقت هدف اصلی نوشتار حاضر آن است که با کندوکاو سیره سیاسی امام رضا^(ع) در حوزه آزاداندیشی، به الگویی جامع برای

❖ سنت مردم‌سالاری دینی رسید. برای دستیابی به این مهم، روش نیز مهم است. در تحقیقات سیره سیاسی ائمه^(ع) رهیافت‌های متعددی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- مطالعات درون‌دینی؛
- مطالعات برون‌دینی؛
- مطالعات تلفیقی.

معنی هر یک از رهیافت‌های بالا روشن است پس به شرح و توضیح آنها پرداخته نمی‌شود اما در رهیافت مطالعات تلفیقی باید توجه داشت که وجود الگوی پژوهشی مدون و معین، ضرورت دارد، زیرا در غیر این صورت خطر انحراف و التقاط وجود دارد. در هر حال، رهیافت مورد نظر این بررسی، رهیافت درون‌دینی بوده و با مراجعه مسئله‌محورانه به منابع تاریخی، روایی و حدیثی و توجه به عقل در چارچوب آموزه‌ها و متون دینی است (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۲۸). از آنجایی که بررسی مستقیم همه منابع و استنباط شخصی برخی نصوص از عهده پژوهشگر عادی خارج بوده لذا برای حل این مسئله، به منابع دست اول تاریخی و مجامع روایی معتبر مراجعه شده است.

کالبدشکافی مفهومی

در این بخش ابتدا به مفاهیم اساسی و پایه پرداخته می‌شود. برای پرهیز از غوطه‌ور شدن در اختلاف‌های لفظی، تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی از مهم‌ترین واژه در این خصوص یعنی اصطلاح «آزاداندیشی»، مدنظر قرار می‌گیرد، زیرا نهاد مذکور، عالی‌ترین سازمان در ایران بوده که وظیفه اصلی آن هدایت زیرساخت‌های فرهنگی و حمایت رسمی از جریان آزاداندیشی است. از نظر شورا: «آزاداندیشی، نشستی است که در آن، افرادی از دانشگاهیان به صورت آزاد، نظام‌مند، مؤدبانه، محترمانه، عقلانی و منطقی در باب موضوع‌های معین و در حضور حضار به اظهار نظر، تبادل آراء و گفتگو همراه با استدلال یا ارائه مستندات می‌پردازند.»

دومین واژه مورد بحث، «سیره» بوده که منظور از آن در این نوشتار، گفتار، کردار و تأیید

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۸۳

حضرت رضا^(ع) در این باره است. در مورد سیره، تعاریف لغوی و اصطلاحی مطرح شده که مشهورترین آن بر این مبناست: سیره بر وزن فعله و مشتق از واژه سیر بوده و مراد از سیر رفتن، جریان داشتن و در حرکت بودن است و بر همین اساس، بسیاری، سیره را به نوع حرکت و روش نظری و عملی تعبیر کرده‌اند.^۱ در باب مفهوم‌شناسی سیره، شهید مطهری^(ره) بیش از دیگران سخن گفته است. ایشان سیره با هیئت فعله را دلیل بر این قرار داده که این هیئت معنای خاصی به آن می‌بخشد و آن معنا عبارت از نوع و سبک خاص رفتار است. به نظر ایشان هر رفتاری را نمی‌توان اصطلاحاً سیره نامید؛ بلکه رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره خواهد بود. دو معنا از تعاریف مختلف مربوط به سیره به دست می‌آید: یکی معنای عام سیره که عبارت از ثبت وقایع تاریخی و سرگذشت افراد بوده، دوم معنایی خاص که سبک و قاعده رفتار است. تفاوت این دو معنا علاوه بر میزان شمول و فراگیری، در این جهت نیز ظاهر می‌شود که سیره به معنای اول، یکی از مصادر سیره به معنای دوم است، یعنی از بررسی عملکرد افراد در طول زندگی او، می‌توان به سبک و روش رفتاری وی دست یافت. از این منظر استاد شهید مطهری^(ره) نیز سیره را این‌گونه تعریف می‌کند: «سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. مهم شناختن سبک رفتار است» (۱۳۷۷: ۴۶). هنگام تأمل در سیره سیاسی ائمه اطهار^(ع) باید توجه داشت که روش‌ها و رفتارهای آنان در درجه اول، ملهم از وحی و منطبق با آموزه‌های شریعت است. رفتار و روش امام بر مبنای علم، عصمت و حکمت الهی بوده، تفاوت در روش، تنها به ظاهر امور مربوط است و در اصول کلی و روح جریان امامت هیچ تفاوتی وجود ندارد، همان‌طور که در روایت هم آمده است (کلهم نور واحد...) (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۱۷).

سومین واژه، «مناظره» است. برای پرهیز از افتادن در دام برداشت‌های متفاوت از این مفهوم، باز هم تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی مدنظر قرار می‌گیرد. بنا بر تعریف شورا، مناظره:

۱. برای مطالعه بیشتر، به این منبع مراجعه کنید: الزبیدی، محمدمرتضی، ۱۳۷۳، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالمکتبة الحیاء.

به هرگونه مباحثه رو در رو، روشمند و منطقی میان دو صاحب‌نظر که به گونه نقدانه، دیدگاه‌ها و نظرهای یکدیگر را درباره موضوعی خاص به چالش می‌کشند تا دیدگاه برتر، محرز شود، گفته می‌شود و حسب مورد براساس آیین‌نامه‌های شکل‌های اسلامی دانشگاهیان یا هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی برگزار می‌شود (به نقل از korsiha.ir).

پیشینه

ادبیاتی غنی و با قدمت به‌نسبت طولانی درباره آزادی عقیده، بیان و مطبوعات وجود دارد. تقریباً بخش مهم متونی که حوزه سیاست را بررسی و در آن، تحقق و توسعه سیاسی را جستجو می‌کنند، انواع آزادی و به‌ویژه آزادی بیان مورد بحث قرار می‌گیرد. اما «آزاداندیشی» به شکل مدنظر این نوشتار، کاملاً تازگی دارد و تنها در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و پس از آن در جراید و رسانه‌ها موجود است. اما تاکنون جز مصاحبه‌ها و گفتارهای نه‌چندان عمیق، نوشتاری به سبک علمی، آن هم با رویکرد حل مسئله در این باره وجود ندارد. بنابراین چنین نوشتاری در نوع خود جدید بوده و تازگی دارد. در بیانات مقام معظم رهبری، آزاداندیشی جزو سنت فکری تشیع بوده و تبارشناسی آزاداندیشی در تفکر تشیع، به سیره و روش ائمه معصومین^(ع) نسبت داده شده است. «آزادفکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم، مایه افتخار ماست. تفکرات شیعه، عقلانی است. ما از اول تشیع در تعالیم ائمه^(ع) به‌سوی عقل، منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین‌طور هم باید عمل بکنیم» (به نقل از www.farsi.khamenei.ir).

همچنین در مقام گسترش فرهنگ آزاداندیشی در نظام جمهوری اسلامی، ایشان در جمع دانشجویان نخبه علمی به این موضوع مهم اشاره داشته‌اند:

فکر کنید، بگوئید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید، آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من ۱۰۰ بار - با کم و زیادش - تأکید کردم، راه بیندازید و اینها را همی آنجا بگوئید، این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به‌وجود آمد،

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۸۵

همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند، این همان چیزی است که شما می‌خواهید. بنابراین اگر چنانچه این کاری که شما مثلاً در فلان نشست، در فلان مجموعه دانشجویی تان کردید، فکری که کردید، ترجمه عملیاتی نشد، به صورت یک قانون یا به صورت یک دستورالعمل اجرایی درنیامد، شما مأیوس نشوید، نگوئید پس کار ما بی‌فایده بود، نخیر. من به شما عرض بکنم در این ۱۵، ۱۶ سال اخیر، همین حرکت علمی‌ای که آغاز شده، همین جور آغاز شده، همین جور امروز علم شده یک ارزش، چند سال قبل این‌جوری نبوده. ما همین‌طور روزه‌روز هی پیش رفتیم (به نقل از

(www.farsi.khamenei.ir).

نتیجه آنکه به‌رغم وجود تباری روشن و غنی از آزاداندیشی در سنت و سیره معصومین^(ع) و خطوط فکری تشیع، همچنین تلاش مقام معظم رهبری برای گسترش فرهنگ آزاداندیشی در سنت مردم‌سالاری دینی و در بطن نظام جمهوری اسلامی ایران، هنوز برای این منظور، کار درخور توجهی انجام نشده است.

در این بخش برای تبارشناسی آزاداندیشی، سیره امام رضا^(ع) به‌عنوان یک الگوی مبنایی واکاوی می‌شود. وضعیت فکری و فرهنگی جامعه معاصر ایشان به‌نوعی متأثر از عوامل سیاسی-اجتماعی بود که روش مناظره و آزاداندیشی در این فضا می‌توانست برای گرایش جامعه به‌سوی معارف اصیل اسلام راهگشا باشد.

حیات سیاسی امام رضا^(ع)

علی بن موسی^(ع) مشهور به رضا، امام هشتم شیعیان در سال ۱۴۸ ق. در مدینه زاده شد (ابن بابویه، ۱۳۷۷ ق، ج ۱: ۱۸؛ حسینی، ۱۳۷۵: ۳۴). وی دوران کودکی و نوجوانی را زیر نظر پدر خود سپری کرد و از نزدیک شاهد فراز و فرودهای زندگی پدر و قیام‌ها و نهضت‌های دوران وی بود. اوج مشکلات ایشان زمانی بود که هارون، امام موسی^(ع) را گرفتار زندان ساخت و از شهری به شهر دیگر انتقال داد تا آنکه سرانجام در سال ۱۸۳ ق.

دور از خانه و فرزندان، در بغداد به شهادت رسیدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۵۱). از آن پس عموم شیعیان بر گرد امام رضا^(ع) اجتماع کردند و امامت وی را گردن نهادند. ایشان در سایه فرصتی که در زمان امامت بعد از شهادت پدرشان به وجود آمد، هدایت بی سر و صدای شیعیان را بر عهده گرفتند و با برپایی مجالس درس و بحث در مدینه، یاد و خاطره محافل علمی جدشان امام صادق^(ع) را در اذهان زنده کردند. دوران امامت امام رضا^(ع) مقارن با خلافت هارون، امین و مأمون عباسی بود، تا آنکه در سال ۲۰۴ ه.ق با توطئه مأمون در سناباد طوس به شهادت رسیدند و کنار مدفن هارون به خاک سپرده شدند (نوبختی، ۱۳۵۵ق: ۸۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۷ق، ج ۱: ۱۹ - ۱۸؛ خضری، ۱۳۹۱: ۱۹۲-۱۹۱).

از بررسی منابع تاریخی چنین برمی آید که هارون پس از شهادت امام کاظم^(ع) برای رهایی از ننگ بدنامی و اتهام قتل فرزند پیامبر اکرم^(ص)، خاندان و فرزندان ایشان را وانهاد و امام رضا^(ع) را به حال خود در مدینه رها ساخت. هارون از ترس شعله ور شدن حرکت های اعتراضی علویان، پس از شهادت امام هفتم^(ع) تصمیم گرفت از فشار بر شیعیان بکاهد و حتی در پاسخ کسانی که وی را به قتل امام هشتم^(ع) تحریک می کردند، چنین می گوید: «بس نیست برای تو آنچه نسبت به پدرش انجام دادیم، می خواهی همه اینها را بکشم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۱۳). امام رضا^(ع) با آگاهی از این مسئله، ارتباطات از هم گسیخته شیعیان را از نو برقرار ساختند و با تشکیل محافل علمی به نشر و گسترش معارف دینی و اخلاقی پرداختند. پس از درگذشت هارون و خلافت امین، به دلیل آغاز درگیری های خاندانی و جنگ برادرکشی میان امین و برادر بزرگ ترش مأمون بر سر خلافت، امام رضا^(ع) و شیعیان از تعرض دستگاه خلافت در امان ماندند و بدین ترتیب مجالس درس و ارتباطات ایشان با شیعیان با آسودگی خیال برپا می شد (همان). آزادی نسبی مهیاشده برای حضرت در این شرایط، سبب شد ایشان امامتشان را به صراحت اعلام کنند (عطاردی، ۱۳۶۸: ۲۶۸). فعالیت های فرهنگی و علمی وسیع امام رضا^(ع) و تربیت شاگردان بی شمار، از جمله رویدادهای این دوره است (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۲۷). اما پس از قتل امین و آغاز خلافت

مأمون به ناگهان تحولی شگرف و باورنکردنی در برخورد دستگاه خلافت با امامان شیعی به وقوع پیوست و آن، اقدام مأمون برای سپردن جانشینی خود به امام رضا^(ع) بود که نه تنها شیعیان و عباسیان، بلکه حتی عامه مردم را در شگفتی فرو برد. آنچه که روشن است اینکه هم‌زمان با آغاز خلافت مأمون و به دنبال درگیری طولانی مدت وی با برادرش امین، تشیع در ایران، عراق و حجاز گسترش چشمگیری یافت. زمانی که امام رضا^(ع) در راه مرو وارد نیشابور شدند، علاوه بر تعداد زیاد استقبال‌کنندگان، ۲۰ هزار کاتب، حدیث سلسله‌الذهب را نوشته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۵). همچنین این کلام امام رضا^(ع)، از گستردگی شیعیان در آن زمان حکایت دارد: «لقد كنت بالمدينة و کتابی ینفذ فی المشرق و المغرب ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۵۹). گستردگی و نفوذ شیعیان تا آنجا پیش رفته بود که گزارش شده تعدادی از شیعیان در دستگاه خلافت عباسی صاحب مقام بوده و برخی از آنها صاحب منصب قضاوت بوده‌اند (امین، ۱۴۰۳ق: ۳۲۴). این گسترش معلول دو چیز بود:

۱. ستیز میان امین و مأمون که مدتی دستگاه خلافت را به خود مشغول ساخت و بدین ترتیب فرصت مناسبی برای گسترش تبلیغات و انجام فعالیت گروه‌های مختلف شیعی فراهم شد (مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۴۱۵)؛

۲. انتقال پایتخت عباسیان از بغداد به مرو که از سوی مأمون انجام گرفت. وی مادری ایرانی داشت و خود پیش از خلافت نیز فرمانروای عباسیان در ایران بود، پس از قتل برادر و دستیابی به خلافت برای جلب رضایت آنان، پایتخت خود را به مرو منتقل کرد و بدین‌گونه، بغداد، پایتخت افسانه‌ای عباسیان را به حال خود رها ساخت. با آنکه مرو پیش از آن مرکز فرمانروایان عباسی در خراسان بود، دوری آن از مراکز مهم اجتماعی و سیاسی در عراق، حجاز و شام و به تبع آن دوری مأمون از حوادث و رویدادهایی که در آن مناطق در حال وقوع بود، موجب شد تا بار دیگر کانون‌های شیعی در عراق و حجاز به جنبش درآیند و قیام‌های متعدد شیعی یکی پس از دیگری به ظهور رسد (اصفهانی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۷۱۴ - ۷۰۴؛ خضری، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

هنگامی که مأمون گسترش تشیع در ایران و عراق را مشاهده کرد، از خطر جنبش‌های علوی نسبت به خلافت و حکومت خود بیمناک شد و پس از چاره‌اندیشی، برای اینکه مردم مناطق یادشده را که پیوسته ترکیب سیاسی خاص و مستقلى داشتند، به مسیری تازه اندازد و آنان را با سیاست خلافت موافق و هماهنگ سازد، به اقدامی کاملاً بدیع دست زد. او، علی بن موسی الرضا^(ع) را در دوم رمضان ۲۰۱ ه.ق ولیعهد و جانشین خود ساخت، شعار سبز علویان را جایگزین شعار سیاه عباسیان کرد و بدین سان یکی از وقایع مبهم و پیچیده تاریخ عباسی را رقم زد (مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۴۴۱). از این رو آشکار می‌شود که مأمون، از روی فریب‌کاری ولیعهدی را به ایشان سپرد تا هم به خلافت خود مشروعیت بخشد، توجه محافل شیعی را به خود جلب کند و آنان را از اندیشه قیام بازدارد و هم با استمالت از علویان، مردم خراسان و عامه ایرانیان را برای یاری خویش یکدل سازد و در نهایت به آن دسته از عباسیان متعصبی که به دلیل تعصب سخت عربی و به بهانه آنکه مادر مأمون کنیزی ایرانی بوده، از امین طرف‌داری و شایستگی مأمون را برای خلافت انکار کرده بودند، پاسخ درخوری دهد (همان: ۳۵۶). شهید مطهری^(ره) نیز در کتاب سیری در سیره ائمه اطهار^(ع) یکی از احتمال‌های طرح مأمون را خلع سلاح علویان، امام رضا^(ع) و شیعیان آن حضرت در بُعد مبارزه سیاسی می‌داند.

احتمال دیگر در باب سیاست مأمون که ابتکار از خودش بوده و سیاستی در کار بوده، مسئله خلع سلاح کردن خود امام رضا^(ع) است و این در روایت‌های ما هست که حضرت رضا^(ع) روزی به خود مأمون فرمودند: «هدف تو این است.» می‌دانید وقتی افرادی که نقش منفی و نقش انتقاد را دارند به یک دستگاه انتقاد می‌کنند، یک راه برای اینکه آنها را خلع سلاح کنند این است که به خودشان پست بدهند. بعد اوضاع و احوال هر چه که باشد، وقتی که مردم ناراضی باشند آنها دیگر نمی‌توانند از ناراضایی مردم استفاده کنند و بر عکس، مردم ناراضی علیه خود آنها تحریک می‌شوند. مردمی که همیشه می‌گویند خلافت حق آل علی^(ع) است، اگر آنها خلیفه شوند دنیا گلستان خواهد شد، عدالت این چنین بر پا خواهد شد و از این

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۸۹

حرف‌ها. مأمون خواست حضرت رضا^(ع) را بیاورد در منصب ولایتعهدی تا بعد مردم بگویند: نه، اوضاع فرقی نکرد، چیزی نشد یا آل‌علی^(ع) را متهم کند که اینها تا دست خودشان کوتاه است این حرف‌ها را می‌زنند ولی وقتی که دست خودشان هم رسید دیگر ساکت می‌شوند و حرفی نمی‌زنند (مطهری، ۱۳۷۷ الف: ۲۰۹).

اما در مقام جمع‌بندی و تبیین این قسمت و برای ورود به تنه اصلی بحث، هدف‌هایی که مأمون در سیاست ولایتعهدی امام رضا^(ع) تعقیب می‌کرد عبارت‌اند از:

۱. زیر نظر گرفتن فعالیت‌های امام^(ع) و جدا کردن وی از پایگاه مردمی‌اش؛
۲. کاشتن بذر شک، بدبینی و شایعه در مورد رهبری اهل بیت^(ع) و اتهام گرایش به قدرت و سازش؛
۳. یافتن آرامش‌خاطر با انحراف مسیر و جهت اعتراض‌ها و شورش‌ها بر ضد امام^(ع)؛
۴. جلب و جذب جنبش‌های علوی؛
۵. داشتن یک رکن نیرومند علمی و معنوی در دستگاه حکومتی خود تا پشتوانه حل مسائل گوناگون باشد؛

۶. در اختیار داشتن امام^(ع)، به‌عنوان برگ برنده در مقابل عباسیان بغداد؛
۷. سوءاستفاده از امام^(ع) در رابطه با شیعیان خراسان، تا هر وقت خواست روی امام^(ع) معامله کرده و به مقاصد خود برسد؛

۸. مهم‌تر از همه، احساس خطر مأمون از سوی امام^(ع) بود که اگر روزی عَلم مبارزه‌ای آشکار برافرازد، دیگر نمی‌توان در مقابلش ایستاد (محدثی، ۱۳۷۷: ۱۸۴؛ قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۸۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۴۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۶۳؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۲۷۷؛ درخشه و حسینی‌فائق، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

مقام معظم رهبری نیز در پیام خود به کنگره بین‌المللی امام رضا^(ع) در سال ۱۳۶۳، روند حیات سیاسی عصر امام هشتم^(ع) را این‌گونه تحلیل می‌کنند:

هنگامی که مأمون در سال ۱۹۱ از جنگ قدرت با امین فراغت یافت و خلافت بی‌منازع را به جنگ آورد، یکی از اولین تدابیر او حل مشکل علویان و مبارزات تشیع

بود. او برای این منظور، تجربه همه خلفای سلف خود را پیش چشم داشت. تجربه‌ای که نمایشگر قدرت، وسعت و عمق روزافزون آن نهضت و ناتوانی دستگاه‌های قدرت از ریشه‌کن کردن و حتی متوقف و محدود کردن آن بود. او می‌دید که سطوت و حشمت هارونی حتی با به بند کشیدن طولانی و بالاخره مسموم کردن امام هفتم^(ع) در زندان هم نتوانست از شورش‌ها و مبارزات سیاسی، نظامی، تبلیغاتی و فکری شیعیان مانع شود. او اینک در حالی که از اقتدار پدر و پیشینیان خود نیز برخوردار نبود و به‌علاوه بر اثر جنگ‌های داخلی میان بنی‌عباس، سلطنت عباسی را در تهدید مشکلات بزرگی مشاهده می‌کرد، بی‌شک لازم بود به خطر نهضت علویان به چشم جلی‌تری بنگرد. شاید مأمون در ارزیابی خطر شیعیان برای دستگاه خود واقع‌بینانه فکر می‌کرد. گمان زیاد بر این است که فاصله ۱۵ ساله بعد از شهادت امام هفتم^(ع) تا آن روز و به‌ویژه فرصت پنج ساله جنگ‌های داخلی، جریان تشیع را از آمادگی بیشتری برای برافراشتن پرچم حکومت علوی برخوردار ساخته بود.

حوادث بعدی نشان داد که مأمون به ظاهر در سیاست خود موفق بوده است، زیرا بسیاری از قیام‌های شیعی با وجود امام^(ع) به‌عنوان ولیعهد خاتمه یافت و روابط ایرانیان و مأمون نیز استوارتر شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۲۶۸؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۳۳). اما این وضع دوام نیافت و روابط مأمون با امام رضا^(ع) به تیرگی گرایید. امام^(ع) در جایگاه ولایتعهدی، وارد امور سیاسی و عزل و نصب‌ها نشدند و از طرف دیگر به‌دلیل سیره خود، روز به روز بر تعداد علاقه‌مندان ایشان علاوه بر شیعیان اضافه می‌شد. بنی‌عباس در بغداد با سیاست‌های مأمون مخالف بودند و پس از ولایتعهدی امام رضا^(ع)، این اقدام مأمون را مساوی با خروج خلافت از خاندان بنی‌عباس می‌دانستند، پس در اقدامی خودسرانه، امیر منصوب مأمون را از عراق خارج ساخت، عموی مأمون را به‌جای وی به خلافت برگزیدند و با وی به‌عنوان خلیفه بیعت کردند (فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۱۲۱). مأمون پس از احساس خطر از جانب علویان و شخص امام^(ع)، برای کنترل اوضاع، مرو را ترک و به‌سوی بغداد حرکت کرد. برای جلب

رضایت عباسیان در کنار زدن ایرانیان و بازگرداندن خلافت به خاندان عباسی، در سرخس فضل بن سهل وزیر ایرانی و قدرتمند خود را در توطئه‌ای به قتل رساند و سپس در سناباد طوس امام رضا^(ع) را شهید کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۵؛ مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۴۴۲).

اگر این مقدمه را بپذیریم که تلاش‌های ائمه^(ع) در هدایت جامعه در بستر مختصات زمانی و مکانی که در آن می‌زیستند قابل تفسیر و بررسی است، حیات سیاسی امام رضا^(ع) مشحون از نکات مختلف سیاسی و اجتماعی برای بهره‌مندی، الگوگیری و استخراج الگویی تمام‌عیار است. از طرف دیگر برای فهم تلاش‌های امام رضا^(ع) در مناظره‌ها، به‌نظر می‌رسد شرایط سیاسی و اجتماعی تأثیری مستقیم بر شکل‌گیری روند آزاداندیشی و کرسی‌های آزاداندیشی دارد. به عبارت دیگر، حیات سیاسی دوران امامت ایشان، این امکان را به حضرت می‌داد که با استفاده از فضای به‌وجود آمده، از آن در گسترش تفکر و فرهنگ شیعه استفاده و در قالب مناظره‌های آزاداندیشانه رضوی، پیام مکتب اصیل اسلامی را منتقل کنند.

حیات فکری امام رضا^(ع)

در دوران امامت امام رضا^(ع) به واسطه تلاش و مجاهدت علمی، اخلاقی و فرهنگی ائمه^(ع) تا حدودی انحراف‌های فکری و اخلاقی بی‌شمار کاسته شده اما مسائل دیگری پیش روی جهان اسلام قرار گرفته است. درگیری‌های امویان، عباسیان و علویان، برای ائمه^(ع) شرایطی را فراهم کرد تا در این بین، ارزش‌ها نشر یابد، انحراف‌ها زدوده شود و به واسطه سازمان وکالت و تربیت شاگردانی گرانمایه، گستره شیعیان افزایش یابد و نیز شبکه ارتباطی آنان با ائمه^(ع) وضعیت بهتری پیدا کند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۳۰). عصر امام رضا^(ع) طوفانی‌ترین عصر فکری برای مکتب تشیع بود (سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۱). کیفیت شهادت امام موسی بن جعفر^(ع)، زمینه پیدایش و رشد فرقه واقفیه را در بین شیعیان به‌وجود آورد (همان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۰۱). از طرفی فعالیت مترجمان و ترجمه آثار که از پایان عصر

بنی‌امیه شروع شده بود، به‌خوبی در جامعه اثر کرده و افکار انحرافی در جامعه اسلامی رسوخ پیدا کرده بود (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۱، ۱۲۴، ۱۲۶ و ۲۰۳). آزادی سیاسی همراه با کار فرهنگی که با تضعیف بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس در جامعه شروع شده بود، نتایج خود را به‌بار آورد. از طرفی، آنان که برای سقوط بنی‌امیه به بنی‌عباس کمک کرده بودند، بعد از روی کار آمدن بنی‌عباس و عملکرد آنان تازه فهمیدند که آنان نیز در جنایت و بی‌رحمی دست‌کمی از بنی‌امیه ندارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۳۹۸؛ درخشه و حسینی‌فائق، ۱۳۹۱: ۱۲۶ - ۱۲۴). لذا درصدد انقلابی بودند و علویان و غیر آنان در گوشه و کنار کشور، مردم را به انقلابی دوباره دعوت می‌کردند. حکومت بنی‌عباس با اختلاف بین مأمون و امین به ضعف گرایید. در این دوران هر فرقه، گروه و جمعیتی درصدد این بود که لیاقت و برتری خود را برای اداره جامعه و به‌دست گرفتن حکومت اثبات کند. در این زمان، مأمون با استفاده از گرایش اعتزالی خود بحث پیرامون عقاید را آزاد گذاشت و مردم نیز با دید عقل‌گرایانه معتزله به همه مسائل اسلامی نگاه می‌کردند. وی برای بیشتر آشفته کردن جو فکری جامعه از راه‌های گوناگون حتی از فرقه‌های کلامی غیرمسلمان نیز برای رسیدن به این اهداف کمک گرفت. در این دوران آشوب سیاسی، ارکان جامعه را فراگرفته و آشفته‌گی فکری همه را سردرگم کرده بود (مسعودی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۰۰).

از این رو پس از سال ۱۸۳ ه.ق که امام کاظم^(ع) توسط هارون‌الرشید به شهادت رسیدند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۲۵۱)، فرصتی مناسب برای فعالیت فرهنگی و علمی امام رضا^(ع) پدید آمد. با این حال مشکلاتی نیز در برابر فعالیت‌های علمی ایشان در دوران امامت وجود داشته که مهم‌ترین آنها مسئله تهاجم فرهنگی درونی و بیرونی و تلاش حکومت عباسی برای انزوای امامت و ولایت است. از طرفی دیگر، شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی در عصر مأمون عباسی موجب شد تا پرسش‌ها و شبهه‌های زیادی ایجاد شود. پیدایش این وضعیت، پاسخگویی و دفاع از کیان اسلام و تشیع را توسط امام رضا^(ع) ایجاب می‌کرد.

توجه به مناظره‌های آن حضرت، عنایت و تلاش مجدانه ایشان را به دفع این شبهه‌ها نشان می‌دهد (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۱، ۱۲۴، ۱۲۶ و ۲۰۳)

هجوم افکار منحرف و نشر آن در جامعه از سوی مکاتب گوناگون از یک‌سو و تلاش دولت عباسی برای نشر افکار مکاتب مختلف در جامعه باعث شد تا بسیاری از جریان‌های فکری و کلامی در جامعه به‌دلیل داشتن پشتوانه سیاسی از سوی خلافت عباسی با نوعی مصونیت همراه باشند. از این گذشته شخص مأمون علاقه فراوانی به ترجمه کتاب‌های مختلف داشت. در منابع تاریخی آمده که مأمون در ترجمه کتاب‌ها کوشید و در این راه بسیار هزینه کرد (فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۹۶). او در کنار تشویق مردم به مطالعه، با حکما معاشرت می‌کرد، به این ترتیب نشر دانش مسئله مطلوب روز شد و صاحبان علم، فلسفه و منطق را گرامی داشتند و مترجمان بسیاری به سمت مرکز خلافت عباسی رهسپار شدند. در میان خلفای عباسی کسی مانند مأمون، عالم و دانش‌دوست نبود و بدین جهت کتاب‌های فلاسفه یونان هم در عهد او به عربی ترجمه شد و بدین وسیله، آرای گوناگون در جامعه اسلامی مطرح شد (همان). مأمون عباسی که به ترجمه کتاب‌های یونانی علاقه داشت به پادشاه روم نامه نوشت و درخواست تعدادی کتاب کرد. پادشاه روم این درخواست را پذیرفت و هیئتی از دانشمندان از طرف مأمون کتاب‌ها را از روم آوردند و به دستور وی به عربی ترجمه کردند و بدین ترتیب این کتاب‌های بیگانگان رواج یافت. بخشی از کتاب‌ها فلسفی بود، با ترجمه این کتاب‌ها، مسلمانان با فرهنگ‌های بیگانه و به‌ویژه با فرهنگ یونان آشنا شدند. علاوه بر هجوم افکار خارج از سرزمین‌های اسلامی، به‌دلیل گرایش مأمون به مکتب اعتزال (سبحانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۴۱)، این جریان فکری در جامعه رونق بیشتری گرفت. از طرف دیگر، مکتب فکری اهل حدیث نیز تلاش کردند در مقابل جریان اعتزال ایستاده و از مکتب فکری خود دفاع کنند. مسائلی نظیر جبر و اختیار، امامت جامعه، عدل الهی، قضا و قدر و ... موضوع‌هایی بودند که هم مکاتب داخل اسلام یعنی اعتزال و اهل حدیث بر سر آن منازعه داشتند و هم مکاتب فکری خارج از اسلام مدعی حل این مسائل بودند. از طرف دیگر

اعتقادات و مسائل کلامی نیز به یکی از دلمشغولی‌های ذهنی افراد جامعه تبدیل شده بود (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۵۰). مشرب‌ها و مکاتب فکری مختلف هر یک تلاش می‌کردند تا از منظومه فکری خود مسائل کلامی جامعه را حل کنند و در بسیاری از موارد، آموزه‌های وحیانی و نبوی تحت الشعاع این هجوم فکری قرار می‌گرفت. در این موقعیت، وجود مترجمانی که پیرو متعصب آیین‌های منحرف شمرده می‌شدند و از ترجمه به‌عنوان ابزار نشر باورهای مسموم خود بهره می‌بردند، مایه نگرانی بود. در این گسیختگی فرهنگی است که وظیفه سنگین امام رضا^(ع) آشکار می‌شود. ایشان در برابر این امواج سهمگین و خطرناک، به دفاع از عقیده و فرهنگ جامعه اسلام برخاستند و با رهبری حکیمانه، جریان‌های فکری جامعه را از خطر التقاط و انحراف آگاه ساختند. از اقدام‌های مهم و قابل توجه ایشان در این زمینه، بهره‌گیری از محافل فراوان مناظره است که میان دانشمندان بزرگ ادیان، مکاتب مختلف و امام^(ع) در خطه خراسان شکل می‌گرفت. مأمون اساس این محافل را سازمان داد. انگیزه اصلی او در این امر مورد اختلاف مؤرخان است، ولی شواهد تاریخی، سیاسی بودن حداقل برخی از آنها را کاملاً تأیید می‌کند و از آنجا که معمولاً مسائل سیاسی انگیزه واحد ندارد، می‌توان سرگرم کردن مردم برای غافل ماندن از مسائل اصلی جامعه و نقاط ضعف حکومت، پایین آوردن مقام امام^(ع) در نظر دانشمندان و به‌مخصوص مردم ایران را بخشی از انگیزه‌های مأمون دانست. زمانی که امام رضا^(ع) در خراسان بودند، مأمون از سلیمان مروزی - از متکلمان خراسان - دعوت کرد تا در مجلس مناظره با حضور امام رضا^(ع) شرکت کند و با وجود اینکه وی اظهار کراهت می‌کند، مأمون اصرار کرده و به صراحت بیان می‌کند که هدف واقعی از برگزاری این مناظره، خوار و خفیف ساختن امام^(ع) است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۰۱). در منابع تاریخی نقل شده روزی مأمون برخی از دانشمندان و متکلمان آن روزگار را گرد خود آورد و از امام^(ع) درخواست کرد که در مجلسی برای مناظره با آنان حاضر شوند. امام رضا^(ع) از نیت مأمون درباره برگزاری چنین جلسه‌هایی آگاهی داشتند و به حسن‌بن نوفلی در این مورد چنین فرمودند که بنای مأمون از تشکیل چنین جلسه‌هایی به رفع

شبهه‌ها و اثبات حقایق بر گمراهان نیست؛ بلکه وی قصد امتحان دارد و پشیمان می‌شود. «علم المأمون أن الذی هو بسبيله ليس بمستحق له فعند ذلک تكون الندامه مه و لاحول و لاقوه إلا بالله العلی العظیم؛ آن دم مأمون نادم شده، می‌داند که آن موضع و مکان که سبیل سلوک در آن است او نه مستحق آن است در آن وقت اظهار ندامت و خجالت کند و لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم» (همان: ۴۱۶ و ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۶). آنچه این احتمال را تقویت می‌کند آن است که دربار مأمون تا پیش از شهادت امام^(ع)، پیوسته محل برگزاری این مناظره‌ها بود، ولی پس از آن، دیگر اثری از این مجالس علمی و بحث‌های کلامی دیده نشد (نصیری، ۱۳۸۹: ۲۵۶ - ۲۵۵). همچنین شیخ صدوق^(ره) نقل کرده است که امام رضا^(ع) در قالب برگزاری جلسه‌های علمی و مناظره، به بیان اصول دینی و مذهبی و گسترش معارف حقه اهل بیت^(ع) می‌پرداختند. هنگامی که مأمون از این مطلب مطلع شد، احساس خطر کرده و تصمیم به تعطیلی این جلسه‌ها گرفت. مأمون، محمد بن عمرو طوسی حاجب خود را مأمور کرد که مانع شرکت مردم در این مجلس شود و آن حضرت را احضار کرد، چون چشمش به ایشان افتاد پرخاش و بی‌احترامی کرد، امام^(ع) با حالتی از پیش مأمون بیرون آمدند که وی را نفرین می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۷۲).

روش‌شناسی مناظره‌های امام رضا^(ع)

آنچه در مناظره‌های امام رضا^(ع) اهمیت بسزایی دارد، موضع برتر ایشان و پیروزی در گفتگوهاست که نتایجی چون تسلیم طرف‌های مناظره و در مواردی تشریف آنان به دین مبین اسلام را در پی داشت. به‌طور کلی ویژگی این مناظره‌ها عبارت‌اند از:

۱. به‌کارگیری استدلال‌های عقلی در کنار بهره‌گیری از کتاب و سنت و نیز استناد به اشتراک‌های بین ادیان مختلف به شیوه‌های عقلانی؛
۲. نشان دادن و آشکار شدن روح آزادمنشی اسلام و وسعت نظر امام رضا^(ع) در همهٔ مباحث؛

۳. بهره‌گیری امام^(ع) از زبان‌های مختلف؛

۴. ایفای رسالت برای مبارزه با انحراف‌ها و اثبات جامعیت امام رضا^(ع) در تمام زمینه‌ها و مباحث علمی؛^۱
۵. امام رضا^(ع) برای حفاظت از حریم دین و پیشگیری و پیراستن دامن پاک آن از تحریف عالم‌نمایان، همواره با روش‌های ایده‌آل و جذاب علمی و فرهنگی می‌کوشیدند تا مناظره‌ها، همیشه در مسیر عزت و سربلندی اسلام و تشیع، نتیجه‌بخش و سودمند باشد؛
۶. الزام طرف مناظره با استفاده از دانسته‌های وی؛
۷. برانگیختن نیروی خرد طرف مناظره؛
۸. اثبات عقلانی احکام و اهمیت تفکر؛
۹. اجازه پرسش و آزادی بحث؛
۱۰. تأکید بر رعایت انصاف؛
۱۱. درس عملی برای اجرای فرائض؛
۱۲. احترام و تکریم متقابل؛
۱۳. استفاده از شیوه جدل برای ارشاد و هدایت؛
۱۴. بهره‌گیری از تمثیل و تشبیه؛
۱۵. تکیه بر دلایل متقن؛
۱۶. بیان اصول و معیارهای کلی و عقلانی؛
۱۷. عمیق و در عین حال کوتاه؛
۱۸. نظم منطقی مباحث و سامانه علمی آن؛
۱۹. الزام طرف مقابل به پذیرش اشتباه خود (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۴۰؛ فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۲۰۵).

با توجه به نکته‌های پیش‌گفته، تفوق علمی امام رضا^(ع) در همه مناظره‌ها چنان چشمگیر بوده است که مخاطبان در برابر کمال‌های معنوی و مقام علمی شامخ ایشان، سر تسلیم فرود

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب گرانسنگ عیون اخبارالرضا^(ع) و قسمت مناظره‌های آن مراجعه کرد.

تبیارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۹۷

آوردند و آن بزرگوار نیز همانند دیگر امامان پیش از خود با سعه صدر و استفاده از اصول عقلانی و منطقی به دفاع از دین و مذهب پرداختند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۱۲۸). این امر خود موجب شهرت علمی امام^(ع) و اطلاع مسلمانان از احاطه ایشان بر همه مسائل و در نتیجه، سبب تبلیغ اسلام و ترویج مذهب تشیع شد، آن هم در زمانه‌ای که باورهای دینی از هر سو مورد هجوم قرار داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۲۶۷ - ۲۶۳). به‌درستی می‌توان ادعا کرد که بیانات امام^(ع) در عرصه این مناظره‌ها از دو جنبه روش و محتوا، نه فقط در آن مقطع تاریخی که در همه روزگاران می‌تواند پاسخگوی شبهه‌ها در موضوع‌های مختلف دین باشد. استقبال اهل بیت^(ع) از محافل مناظره، بیانگر تأیید تبادل اندیشه و بحث‌های آزاد و اعتقاد به استدلال‌پذیر بودن مبانی اعتقادی اسلام است. از این رو، با عنایت به نیاز عصر حاضر برای پاسخگویی به شبهه‌ها، بازخوانی مناظره‌های امام رضا^(ع) ما را به موارد ذیل رهنمون می‌سازد:

۱. تولید علم در گروه تضارب آراء و مقایسه اندیشه‌هاست. تشکیل کرسی‌های نقد و مناظره و گفتگوهای هدایت‌شده موجب بالندگی معارف اسلامی می‌شود. حتی مناظره‌های نوشتاری در قالب وبلاگ‌های اینترنتی و تالارهای گفتگو و حتی وبسایت‌هایی که بدین منظور طراحی شده‌اند می‌توانند روش‌های پیشوایان دین را سر لوحه خود قرار داده و تلاش‌های نافرجام جریان‌های فکری برای ایجاد شبهه‌ها را پاسخ گویند، چراکه تضارب آرای فکری با شیوه گفتگو و تعامل و فارغ از هرگونه غوغا سالاری، امروزه نیز از مؤثرترین شیوه‌های تبلیغ به‌شمار می‌رود و در تولید علم، نظریه‌سازی و نواندیشی نقش اساسی ایفا کرده، ابرهای تیره را از پیش روی خورشید حقیقت کنار می‌زند؛

۲. مجالس مناظره، میدان مبارزه‌ای بوده که پیروزی در آن محتاج توانمندی و بضاعت است و مدعیان بی‌مایه و ناتوان، در این عرصه قافیه را می‌بازند.

اثمه^(ع) برای تبلیغ دین، با توجه به موقعیت‌های سیاسی و فرهنگی خویش، در مکان‌ها و به شیوه‌های مختلف به تبلیغ دین و ایراد حدیث می‌پرداختند. با توجه به قرائن و شواهدی

❖ که در کتاب‌های حدیثی و تاریخی وجود دارد، محافل علمی امام رضا^(ع) نیز متنوع بوده است. مدینه به عنوان پایگاه علمی، در زندگی اکثر ائمه^(ع) نقش مهمی داشته است. امام رضا^(ع) نیز بیشتر دوران امامت خویش را در این شهر گذراندند. نگاهی به تنوع مکانی مناظره‌ها نشان از اهمیت روش مناظره در ترویج فرهنگ آزاداندیشی دارد. این نکته در موضوع مورد بحث یعنی آزاداندیشی در سنت مردم‌سالاری دینی اهمیتی دوچندان می‌یابد.

۱. مسجدالنبی

مسجد مدینه در زمان صادقین^(ع) محل درس این بزرگواران بود. چنانچه طبق برخی شواهد، درس‌های امام باقر^(ع) در مسجد مدینه تشکیل می‌شد. امام رضا^(ع) نیز مانند اجداد خویش در مسجد مدینه حلقه علمی و درسی تشکیل می‌داد، به نحوی که برخی، در زمان آن حضرت، از مسجدالنبی به عنوان حوزه علمیه امام^(ع) یاد می‌کنند (همان، ج ۴۹: ۱۰۰). هر چند که به گمان برخی، پس از مجالس مناظره‌ای که در خراسان (به دستور مأمون) برپا شد، علم و دانش امام^(ع) بر همگان آشکار شد، اما باید توجه داشت که مقام علمی امام رضا^(ع) پیش از عزیمت ایشان به خراسان نیز مورد توجه خاص و عام قرار داشت و سفر به خراسان و جلسه‌های مناظره به خواست خداوند به محفلی برای خوار شدن و اعتراف مخالفان اهل بیت^(ع) تبدیل شد. از حضرت نقل شده:

كنت أجلس في الروضة والعلماء بالمدينة متوافرون فإذا أعيال الواحد منهم عن
مسألة أشاروا إلي بأجمعهم وبعثوا إلي بالمسائل فأجيب عنها؛ در حرم پیامبر اکرم^(ص)
می‌نشستم، دانشمندان مدینه اجتماع می‌کردند هر کدام در مسئله‌ای فرو می‌ماندند،
به من اشاره می‌کردند و پیش من می‌فرستادند جواب آنها را می‌دادم (همان).

۲. منزل امام^(ع)

امام رضا^(ع) در منزل خویش به صورت جمعی یا فردی پذیرای مراجعان بودند و ضمن دیدار با آنها، به سؤال‌ها یا اشکال‌های آنها پاسخ می‌دادند. حتی هنگامی که منزل را خلوت

تبارشناسی آزاداندیشی در سنت ... ❖ ۹۹

می‌دیدند، غلامان و اطرافیان خود را از کوچک و بزرگ جمع می‌کردند و برای آنان حدیث می‌گفتند (سلمان نژاد، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۳).

۳. سفر به مراکز علمی

سفر به مراکز علمی از جمله بصره، کوفه و ایران و دیدار با مردم این شهرها، سبب تشکیل محافل علمی می‌شد و حضرت رضا^(ع) در این مراکز به ایراد حدیث می‌پرداختند، در حالی که چنین موقعیتی برای هیچ‌یک از پدران آن حضرت پیش نیامده بود. حاکم نیشابوری در تاریخ خود می‌نویسد: امام رضا^(ع) در سال ۱۹۴ ق. به بصره رفتند و به درس حدیث و نشر علم پرداختند (فضل‌الله، ۱۳۶۹: ۲۰۸؛ مجبی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۶).

مناظره و آزاداندیشی؛ الگوی مبنا در مردم‌سالاری دینی

عوامل سیاسی و اجتماعی جامعه معاصر امام رضا^(ع)، زمینه را برای نشر و ترویج افکار و مکاتب اندیشه‌ای مختلف و متعدد فراهم ساخت. در این بین، روش مناظره آزاداندیشی می‌توانست بهترین روش برای اثبات حقانیت تفکر اسلام و معارف اهل بیت^(ع) باشد. اینکه امام رضا^(ع) می‌فرمودند حاضر هستند با عالم هر دینی با مقبولات همان دین محاجه کنند دلیلی بر این مدعاست.

قال^(ع): إذا سمع احتجاجی علی أهل التوراة بتوراتهم، وعلی أهل الانجیل بانجیلهم، وعلی أهل الزبور بزبورهم، وعلی الصابین بعبرانیهم، وعلی الهراذلة بفارسیتهم، وعلی أهل الروم برومیثهم، وعلی أهل المقالات بلغاتهم، فإذا قطعت کل صنف، ودحضت حجته، وترک مقالته، ورجع إلی قولي، علم المأمون ان الذی هو بسبيله لیس بمستحق له، فعند ذلک تكون الندامة منه، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظيم (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۶).

بنابراین حداقل‌های آزادی بیان لازمه شکل‌گیری کرسی‌ها و محافل آزاداندیشی و نظریه‌پردازی بوده و نقشی جدی و شگرف در شکل‌گیری فرهنگ این مهم دارد. از طرف

❖ دیگر فضای باز سیاسی خود باعث پدید آمدن زمینه تداوم بحث‌ها و به تبع آن زمینه‌ساز رشد معارف مختلف خواهد شد.

فضای باز سیاسی عصر امام رضا^(ع) خود فرصتی بود که برای ائمه^(ع) قبل از ایشان وجود نداشت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹، ج ۱۱۳) و از طرف دیگر به دلیل فعالیت‌های علمی شخص خلیفه یعنی مأمون و شکل‌گیری حجم انبوهی از سؤال‌های اعتقادی، کلامی و معرفتی در بین عوام و خواص جامعه باعث شد تا بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه تشنه معرفت‌نابی شوند که بتواند آنان را از این وضعیت حیرت و ضلالت‌رهایی دهد (عاملی، ۱۳۶۵: ۲۳۴). امام رضا^(ع) در این فضا با بهره‌گیری از فضای آزاداندیشی تلاش کردند تا زمینه نشر معارف اهل بیت^(ع) را فراهم کنند و در میدان مناظره و گفتگو، حقانیت معارف ایشان را به صورت استدلالی و منطقی و شفاف و روشن بیان کرده و نشر دهند. از این‌رو در بین ائمه^(ع)، ایشان از سوی دوست و دشمن به عالم آل محمد^(ص) ملقب شدند و دریایی عظیم از سخنان و احادیث گرانسنگی از این امام^(ع) باقی ماند.

قَالَ أَبُو الصَّلْتِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ^(ع) كَانَ يَقُولُ لِبَنِيهِ هَذَا أَخُوكُمْ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَالِمُ آلِ مُحَمَّدٍ^(ص) فَسَلُّوهُ عَنْ أَذْيَانِكُمْ وَ احْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرِ بْنَ مُحَمَّدٍ^(ع) غَيْرَ مَرَّةٍ يَقُولُ لِي إِنَّ عَالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ^(ص) لَفِي صَلَاحٍ وَ لَيَتَنِي أَدْرِكُهُ فَإِنَّهُ سَمِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ^(ع)؛ اسحاق بن موسی بن جعفر^(ع) می‌گفت: پدرم به فرزندان‌ش می‌فرمودند: این برادر شما علی عالم آل محمد^(ص) است، مسائل خود را از وی بپرسید و مطالب او را نگهداری کنید، من از پدرم جعفر بن محمد^(ع) شنیدم که مکرر می‌گفتند: عالم آل محمد^(ص) در صلب توست کاش او را می‌دیدم، وی با امیرالمؤمنین^(ع) همانم است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹، ج ۱۰۰).

از این‌رو اخبار و احادیث باقی‌مانده از این امام^(ع) قابلیت تبویب و فهرست‌بندی داشته و از قرن سوم در میراث شیعی به صورت عناوین مجزا تألیف و تدوین شده است (مفید، ۱۴۱۳: ۲؛ ۲۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹، ج ۱۵۹). به عبارت دیگر سنت و سیره امام

رضا^(۴) یک نمونه و الگوی زنده از نشر و ترویج معارف اهل بیت^(ع) مبتنی بر روش و الگوی آزاداندیشی است که توانسته در بستر فکری و سیاسی جامعه و عصر خود مفید باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی برآمده از اندیشه سیاسی تشیع و مبتنی بر سنت مردم سالاری دینی می تواند با الگوگیری از این سیره و روش، انبوه شبهه های فکری، معرفتی، اعتقادی، سیاسی و ... را پاسخ داده و مدیریت کند. سیره و سنت امام رضا^(ع) این گزاره را اثبات می کند. بهترین روش برای نشر معارف حقیقی و ناب در بستر شرایط فکری و سیاسی متلاطم، روش آزاداندیشی بوده و بی شک این مهم در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای اولویت نیز است.



نمودار ۱. تأثیر و تأثر مؤلفه های مختلف در شکل گیری عرصه آزاداندیشی

❖ نتیجه‌گیری

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

۱. امروزه آزاداندیشی به‌عنوان آرمان مدنظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه علم و دانش در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است؛
۲. از طرف دیگر برای رسیدن به این آرمان، نیازمند الگو و روشی برخاسته از مکتب و منبع دینی هستیم. به عبارت دیگر باید برای ترویج و نشر فرهنگ آزاداندیشی در نظام مردم‌سالار دینی از تبار و ریشه‌ای دینی بهره برد؛
۳. حیات سیاسی و فکری امام رضا^(ع) به دلایل مختلف و متعدد سیاسی و اجتماعی، زمینه شکل‌گیری الگو و روشی منطقی و مستدل را برای آرمان و هدف آزاداندیشی فراهم آورده است؛
۴. فضای باز سیاسی نسبی عصر امام رضا^(ع) در مقایسه با ائمه^(ع) پیشین، هجمه افکار و شبهه‌ها به دلیل ترویج مکاتب مختلف فکری و اعتقادی باعث شد تا امام رضا^(ع) برای ترویج معارف اهل بیت^(ع) از روش مناظره و آزاداندیشی بهره بگیرند؛
۵. از این منظر، سنت و سیره رضوی برای سنت مردم‌سالاری دینی می‌تواند از یک طرف به عنوان تبار و ریشه و از طرف دیگر به عنوان یک شاخص و الگو مطرح شود؛
۶. برای بهره‌گیری از این الگو، کنکاش و تحلیل عمیق و دقیق حیات سیاسی و فکری عصر امام رضا^(ع) و همچنین استخراج روش مناظره‌های ایشان به عنوان متن آرمان آزاداندیشی باید مطمئن نظر باشد.

منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا*^(ع). تصحیح علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: صدوق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۷ق). *عیون اخبار الرضا*^(ع). به کوشش سیدمهدی حسینی لاجوردی، چاپ اول، قم: جهان.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق). *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*. حسین زوائی، تبریز: اسلامیه.
- اصفهانى، ابوالفرج علی بن الحسین، (۱۳۴۷). *مقاتل الطالبیین*. به کوشش بهزاد جعفری، تهران: جعفری راد.
- امین، احمد، (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*. تحقیق حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۱). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*^(ع). قم: انصاریان.
- حسینی، جعفر مرتضی، (۱۳۷۵). *زندگی سیاسی هشتمین امام*^(ع). مترجم سیدخلیل خلیلیان، تهران: فرهنگ اسلامی.
- خضری، سید احمد رضا، (۱۳۹۱). *تشیع در تاریخ*. تهران: معارف.
- درخشه، جلال و سیدمهدی حسینی فائق، (۱۳۹۱). *سیاست و حکومت در سیره امام رضا*^(ع). تهران: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا^(ع).
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۱ق). *الملل والنحل*. قم: لجنه الاداره الحوزه العلمیه.

سلمان نژاد، مرتضی، (۱۳۹۱). *جستاری در ادعیه رضویه با تکیه بر الصحیفه الرضویه الجامعه*. دبیر علمی مهدی ایزدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
سلمان نژاد، مرتضی، (۱۳۹۲). *ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا^(ع)*. دبیر علمی. احمد پاکتچی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).

طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. مشهد: مرتضی.
عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۶۵). *زندگانی سیاسی امام رضا^(ع)*. قم: اسلامی.
عطاردی، عزیزالله، (۱۳۶۸). *اخبار و آثار حضرت امام رضا^(ع)*. تهران: کتابخانه صدر.
فضل الله، محمدجواد، (۱۳۶۹). *تحلیلی از زندگانی امام رضا^(ع)*. مترجم سید محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

قرشی، باقر شریف، (۱۳۸۲). *پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا^(ع)*. تهران: دارالمکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
محبی‌پور، صغری، (۱۳۸۸). *نقش امام رضا^(ع) در حدیث شیعه*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
محدثی، جواد، (۱۳۷۷). *تاریخ سیاسی ائمه^(ع)*. تهران: مدرسه برهان.
مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۴۷). *مروج الذهب*. مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
مطهری مرتضی، (۱۳۷۷الف). *سیری در سیره ائمه اطهار^(ع)*. تهران: صدرا.
مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷ب). *سیری در سیره نبوی*. تهران: صدرا.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی المباد*. تحقیق موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، الطبعه الأولى، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.

موحدی ساوجی، علی، (۱۳۸۰). *ولایتعهدی حضرت رضا^(ع)*. تهران: سهاره.
نصیری، محمد، (۱۳۸۹). *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*. تهران: معارف.
نویختی، حسن بن موسی، (۱۳۵۵ق). *فرق الشیعه*. به کوشش محمدصادق بحر العلوم. نجف.
نوحه‌خوان، محمدحسین، (۱۳۸۹). *الگوهای فردی و اجتماعی امام رضا^(ع)*. تهران: گنجینه یاد.

<http://korsiha.ir/page/regulations.php>

بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان. ۱۳۸۵/ ۱۷/۰۸..

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17466>

سیره ارتباطی امام رضا^(ع) از مدینه تا مرو

کریم خان محمدی^{*}، محدثه یوسفی^{**}

چکیده

امروزه عصر ارتباطات انسانی است و ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات فرهنگی اجتماعی جامعه، بی توجهی به ارتباط صحیح با دیگران است. دقت در سیره زندگی اهل بیت^(ع) و تأسی به شیوه رفتاری و سبک زندگی آن بزرگواران همواره می تواند ما را در رسیدن به الگوی مطلوب و اتخاذ روش صحیح زندگی و ارتباط صحیح با دیگران رهنمون سازد. از میان تاریخ تحولات شیعه، بدون شک سفر امام رضا^(ع) به ایران از مهم ترین حوادث محسوب می شود. هرچند این سفر با اصرارهای مأمون، خلیفه وقت عباسی، صورت پذیرفت؛ اما در عمل دارای آثار و پیامدهای درخشانی برای ایران بود. در مقاله حاضر تلاش شده است با نگاهی تحلیلی بر مدل ارتباطات انسانی «برلو» به عنوان نظریه پرداز حوزه ارتباطات، سیره ارتباطی امام رضا^(ع) در سفر مدینه تا مرو بررسی شود. مطابق این مدل، چهار ویژگی اصلی ارتباطگر یعنی مهارت ارتباطی، نگرش ها، سطح دانش و موقعیت فرهنگی و اجتماعی فرد، در سیره رفتاری ایشان در این سفر قابل مشاهده است.

واژه های کلیدی

سیره ارتباطی، امام رضا^(ع)، از مدینه تا مرو، مدل برلو، ارتباطات انسانی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۳۰

*. استادیار دانشگاه باقرالعلوم^(ع)

khanmohammadi49@yahoo.com

** . دانشجوی کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم^(ع)

mohyee.1367@gmail.com

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

در منابع تاریخی، گستره تاریخی زندگانی ائمه^(ع) ۲۶۰ سال ذکر شده است؛ اما ابعاد وسیع فرهنگی - اجتماعی آن تا قرن‌ها ادامه دارد. نقش تاریخی و جغرافیایی ائمه^(ع) در زندگانی ما، زمانی درک خواهد شد که امامت آنها را الگویی تبیینی از هدایت تکوینی و تشریعی دین در چارچوب مکان و زمان بدانیم؛ بدان معنا که فهم مکان و زمان در زندگانی ائمه^(ع)، ارکان فرهنگی - اجتماعی سیره ایشان را ترسیم خواهد کرد. از آنجاکه برای شناخت فرهنگ به شناخت زمان یعنی تاریخ و شناخت مکان یعنی جغرافیا نیاز است، مطالعه تاریخ و جغرافیای زندگانی ائمه^(ع) به شناخت فرهنگی ایشان منجر خواهد شد. پس شناخت سیره ارتباطی زندگانی ائمه^(ع) از طریق شناخت ساختار زندگانی ایشان درگذر زمان و مکان حاصل می‌شود (فیاض، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

باید گفت که هر یک از ائمه^(ع) در زندگی دارای نوعی ساختار ارتباطی وابسته به شرایط مکانی و زمانی عصر خویش بودند تا بتوانند رسالت دینی خود را انجام دهند. امام رضا^(ع) نیز برهه‌ای از تاریخ و جغرافیای شیعه را ترسیم کرده که برای ما ایرانیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر ما این ساختار جغرافیایی و تاریخی را به‌دست آوریم، می‌توانیم به سیره ارتباطی ایشان دست یابیم.

هجرت تاریخی - سیاسی امام هشتم^(ع) از شهر مدینه به مروه و شهادت آن بزرگوار در این خطه، تأثیر شگرفی در فرهنگ این سرزمین، به‌ویژه در پدیدار شدن فرهنگ والای رضوی داشته است. مسیر هجرت امام رضا^(ع) پرسشی است که در منابع تاریخی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته؛ اما مشکل و مسئله مهم، پرداختن به حوادث و وقایع در طول سفر ایشان است که تقریباً می‌توان گفت منابع در این موضوع، مگر در چند مورد از وقایع مهم‌تر مانند حدیث سلسله‌الذهب، مسکوت مانده‌اند.

هجرت تاریخی - سیاسی امام رضا^(ع) از مدینه به مروه، واقعه بزرگ تاریخی است که موجب تحول و دگرگونی‌های فراوانی در ایران ازجمله در فرهنگ و تمدن ایرانیان آن عصر

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۰۷

شده است، اما به طور کلی تعیین مسیر دقیق سفر امام (ع) به واسطه گزارش‌های متعدد و متناقض تاریخی، دشوار است.

درباره مسیر حرکت ایشان دو نقل متفاوت در تاریخ ذکر شده است که این نوشته مجالی برای بررسی آنها ندارد، اما آنچه مسلم و قطعی است اینکه چون امام رضا (ع) شخصیت مهم و برجسته‌ای در جهان اسلام بودند، مأمون تلاش می‌کرد تا ایشان را از شهرهای شیعه‌نشین و مکان‌های معروف عبور ندهد تا مهرورزی مردم به ایشان، پایه‌های حکومت او را به خطر نیندازد. لذا بصره، نیشابور و سرخس به لحاظ موقعیت جغرافیایی که داشتند، از جمله شهرهایی هستند که بی‌گمان امام (ع) از آنجا عبور کرده‌اند.

با تکیه بر حوادث در طول سفر ایشان و رفتار امام (ع) در برخورد با این حوادث، به تحلیل سیره ارتباطی ایشان پرداخته می‌شود. برای این امر از مدل ارتباطات انسانی برلو بهره برده خواهد شد. منطق محقق برای انتخاب مدل برلو در تحلیل سیره ارتباطی امام رضا (ع) این بوده که این مدل مبتنی بر رفتارگرایی است، به وجوه روان‌شناختی ارتباطات توجه ویژه‌ای دارد و فرایند یادگیری و تفسیر را در ارتباط، امری دائمی بیان کرده است. او در مدل خود برای ارتباطات انسانی علاوه بر چهار عنصر اصلی ارتباط (منبع، پیام، گیرنده و کانال) دو عنصر رمزگذار و رمزخوان را نیز معرفی می‌کند. از آنجا که هدف نوشتار حاضر، بررسی سیره ارتباطی امام رضا (ع) به عنوان یک ارتباط‌گر یا رمزگذار بوده، نگاه روان‌شناسانه او به ویژگی‌های منبع در فرایند ارتباط انسانی برای ما قابل استفاده است. لذا از این پس به تحلیل جزئیات مدل برلو در مورد منبع پرداخته می‌شود. دیوید برلو^۱ منبع ارتباط را فردی می‌داند که بعد از تعیین روش تأثیر روی گیرنده، پیامی را به قصد تولید هدف مورد دلخواهش رمزگذاری می‌کند. برلو چهار ویژگی یا عامل را در منبع، موجب افزایش صحت منبع می‌داند که عبارت‌اند از:

۱. مهارت‌های ارتباطی؛

1. David k. Berlo 1929

❖ ۱۰۸ فرهنگ رضوی

۲. نگرش‌ها؛

۳. سطح دانش؛

۴. موقعیت فرهنگی - اجتماعی فرد.

این نوشته تلاش می‌کند با بررسی و تحلیل متون و اسناد تاریخی هجرت امام رضا^(ع)، به آنچه در متون تاریخی، مقاله‌ها و کتاب‌های نگارش شده مغفول مانده است، یعنی ابعاد مختلف این چهار ویژگی در سیره ارتباطی امام رضا^(ع) در سفر مدینه تا مرو بپردازد.

مفهوم‌شناسی

۱. سیره

واژه «سیره» در زبان عربی از «سیر» است. سیر یعنی حرکت و راه رفتن؛ اما «سیره» یعنی نوع راه رفتن. پس سیر یعنی رفتار و سیره یعنی نوع و سبک رفتار. امام رضا^(ع) تنها امام شیعیان است که مدتی از عمر با برکت خود را در ایران سپری کرده‌اند. سبک و نوع ارتباط ایشان با مردم در مسیر هجرت تاریخی‌شان از مدینه به مرو، تأثیرهای فرهنگی و اعتقادی عمیقی در قلوب مردم ایران گذاشته و خود می‌تواند الگوی مطلوب و مناسبی برای عالمان و مبلغان دین باشد.

۲. ارتباطات انسانی

فرایند دوطرفه ارتباط انسان با انسان را ارتباطات انسانی می‌نامند که به چهار دسته اساسی تقسیم می‌شود: ارتباط درون فردی، میان فردی، گروهی و جمعی. ارتباط درون فردی همان ارتباط با خود است و هر یک از ما با خود یک ارتباط درونی برقرار می‌کنیم. این ارتباط می‌تواند مبنای تمام انواع ارتباطات انسانی قرار گیرد. ارتباط با خود عملی مداوم، پیوسته و فراگیر در زندگی روزمره همه انسان‌هاست. ارتباط میان فردی بر ارتباط رودرروی دو نفر دلالت دارد (گیل و ادمز، ۱۳۸۴: ۲۶). این ارتباط شامل گفتگو، مصاحبه و مذاکره شده و هدف از برقراری این ارتباط می‌تواند حل

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۰۹

مسائل خود با دیگران، رفع تعارض‌ها و نیازهای اجتماعی و رد و بدل کردن اطلاعات باشد. ارتباط گروهی به ارتباط میان افراد یک گروه یا ارتباط میان گروه‌های مختلف اطلاق می‌شود (همان: ۴۰) مانند سخنرانی در مجامع عمومی یا جلسه‌های اداری. «ارتباط جمعی اساساً یک‌طرفه است و شیوه مؤثری برای دریافت بازخوردها وجود ندارد» (همان: ۲۸). این نوع ارتباط عمدتاً نهادمند و سازمان‌دهی شده و به‌صورت غیرمستقیم است.

چارچوب نظری

در نوشتار پیش رو با بررسی انواع نظریه‌ها و مدل‌های ارتباطات انسانی، مدل ارتباطات انسانی برلو به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب شد تا ما را در بررسی و تحلیل یافته‌ها یاری دهد. در بررسی اجمالی باید گفت که ارتباطات انسانی با سه مدل کلی تحلیل می‌شود که پایه و اساس تحلیل مدل‌های ارتباطی بوده و عبارت‌اند از: خطی، تعاملی و تبادلی. مدل برلو، سیر تعاملی را طی می‌کند و از این‌رو در اینجا موردنظر قرار گرفته است.

دیوید ک برلو (۱۹۲۹) در مدل ارتباطات انسانی خود در کنار چهار عنصر اصلی ارتباط یعنی منبع، پیام، گیرنده و کانال، رمزگذار و رمزخوان را نیز معرفی کرده است و بر تعاملی و دوسویه بودن ارتباط تأکید دارد. او در معرفی اجزای عناصر اصلی ارتباط، برای منبع چهار جزء مهارت‌های ارتباطی، نگرش‌ها، سطح دانش و موقعیت فرد را معرفی کرده است. وی به‌طورکلی پنج نوع مهارت ارتباط کلامی را برمی‌شمارد که شامل نوشتن و گفتن (رمزگذاری)، خواندن و شنیدن (رمزخوانی) و تعقل است. او می‌گوید هر چه مهارت‌های ارتباطی فرد در سطح بالاتری باشد، فرد ارتباط‌گر در انتقال هدف خود توانایی بیشتری دارد، رمزگذاری او از صحت بالاتری برخوردار بوده و بیان معنا از سوی وی کامل‌تر است. مهارت دیگر، نگرش فرد است که ذیل مهارت تعقل بیان می‌شود و آنرا نگرش منبع نسبت به خود، مطلب خود و گیرنده معرفی می‌کند. مهارت بعدی، سطح دانش فرد است که میزان اطلاعات

❖ او را در نظر می‌گیرد. آخرین جزء موقعیت فرد شامل پایگاه و موقعیت او در محیط زندگی است. اینکه فرد برای برقراری ارتباط، پیام خود را چگونه رمزگذاری می‌کند و تمایل او نسبت به موضوع و مخاطب چگونه بوده، همه متأثر از موقعیت اجتماعی و فرهنگی وی در آن دوران است (سپنجی و مؤمن‌دوست، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

منطق محقق در انتخاب نظریه مذکور، به برخی ویژگی‌های این نظریه مرتبط است که شامل:

۱. نگاه تعاملی و دوسویه بودن او به ارتباط (هرچند او مدل ساده‌ای از ارتباطات انسانی را بیان کرده) است که قابلیت و کارایی این نظریه را بالا می‌برد؛
۲. توجه اصلی او به انسان به‌عنوان منبع یا گیرنده پیام بوده، لذا در ارتباطات انسانی قابل تحلیل و استفاده است؛
۳. ارتباطات را امری پویا و پیوسته معرفی می‌کند؛
۴. «تأکید اصلی او بر پاسخ و بازتاب پیام در محیط است» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۹: ۴۰۱).

سیره ارتباطی امام رضا^(ع) در سفر مدینه تا مرو

طبق مدل برلو، چهار ویژگی ارتباط‌گر که (در بخش‌های قبلی هم بیان شد) می‌تواند موجب صحت ارتباط باشد شامل: مهارت‌های ارتباطی، نگرش‌ها، سطح دانش و موقعیت ارتباط‌گر است. در ادامه با تأسی به سیره امام^(ع) در این سفر، با دقت در موارد جزئی‌تر به تحلیل این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود.

۱. مهارت‌های ارتباطی

مهارت‌های ارتباطات اجتماعی و انسانی، شامل دو دسته درون‌فردی و برون‌فردی می‌شود. ارتباطات درون‌فردی به معنی ارتباط فرد با خود است و ارتباطات برون‌فردی خود شامل سه دسته ارتباط میان‌فردی، گروهی و جمعی است. در ادامه به بیان انواعی از مهارت‌های ارتباطی امام رضا^(ع) در حوزه ارتباطات برون‌فردی پرداخته می‌شود.

دانستن زبان مخاطب

مسیری که امام (ع) از مدینه تا مرو پیمودند، قابل تأمل است، چراکه ایشان را از مسیر و شهرهایی به مرو آوردند تا کمترین برخورد را با مردم و شیعیان داشته باشند، اما ایشان از همان آغاز حرکت، راه ارتباطی خود را پیدا کردند. اولین راه ارتباطی زبان است. حضرت در هر منطقه ایران و به هر شهر و دیاری که رسیدند، با زبان مردم آن دیار سخن گفتند. ایشان به زبان‌های سندی، هندی، مغولی، فارسی با مردم دیار مختلف صحبت کردند. در کتاب‌های روایی به نقل از یکی از اصحاب حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به نام علی بن ابی حمزه بطائی آمده است:

روزی در محضر مبارک آن حضرت بودم که تعداد ۳۰ نفر غلام حبشی در آن مجلس وارد شدند. پس از ورود، یکی از ایشان به زبان و لهجه حبشی با امام رضا (ع) سخن گفت. حضرت نیز به زبان حبشی و لهجه محلی خودشان پاسخ او را بیان کردند و لحظاتی با یکدیگر به همین زبان سخن گفتند.

آنگاه حضرت، مقداری پول - درهم - به آن غلام عطا کردند، مطلبی نیز به او فرمودند، سپس همگی آنها حرکت کردند و از مجلس خارج شدند. من با حالت تعجب به آن حضرت عرضه داشتم: یا ابن رسول الله! فدایت گردم، مثل اینکه با این غلام به زبان حبشی و لهجه محلی صحبت می‌فرمودی؟! او را به چه چیزی امر نمودی؟ امام (ع) فرمودند: آن غلام را در بین تمام همراهانش، عاقل و باشخصیت دیدم، لذا او را برگزیدم و ضمن تذکراتی، به او توصیه کردم تا کارها و برنامه‌های سایر غلامان و دوستان خود را بر عهده گیرد و در حق آنها رسیدگی کند. نیز هر ماه مقدار ۳۰ درهم به هر کدام از ایشان بپردازد و او نیز نصایح مرا پذیرفت و مقدار دراهمی به او دادم تا بین دوستانش طبق توصیه تقسیم نماید.

بعد از آن، امام رضا (ع) افزودند: امام، علومش بی‌متها است و هرکسی نمی‌تواند به تمام مراحل علمی و اطلاعات او دست یابد (حمیری، بی‌تا: ۱۴۴؛ مجلسی، ۱۳۵۶، ج ۲۶: ۱۹۰).

در روایت دیگری آمده است:

شخصی به نام ابواسماعیل سندی از هند به دنبال حجت خدا آمده بود. او را به حضرت رضا^(ع) راهنمایی کردند. وی می‌گوید: من نزد حضرت رفتم اما عربی نمی‌دانستم، به زبان سندی سلام کردم، حضرت به زبان خودم پاسخ دادند. با حضرت سخن گفتم و او به زبان خودم با من سخن می‌گفت؛ گفتم: به دنبال حجت خدا در عرب آمده‌ام. فرمودند: منم آن (حجت خدا)، هر چه می‌خواهی بپرس. من مسائل خود را پرسیدم و حضرت به زبان خودم پاسخ دادند.

در شهر بصره نیز وقتی یکی از مخالفان به نام عمرو بن هذاب از ایشان خواست تا ادعای خود را در مورد دانستن هر زبان ثابت کند و با رومیان، هندوها، فارسیان و ترک‌زبان‌ها که در شهر هستند سخن گوید، حضرت فرمودند: آنها را بیاورید. عده‌ای از اهل زبان‌های گوناگون را آوردند و حضرت با همه آنها به گونه‌ای روان سخن گفتند که همگی به دانش و فصاحت حضرت اعتراف کردند و مردم از دیدن این منظره شگفت‌زده شدند، زیرا واضح بود که حضرت رضا^(ع) هرگز در این مورد استادی ندیده و نزد کسی زبان‌های گوناگون را یاد نگرفته و با این افراد در مدینه معاشرتی که سبب یادگیری این همه زبان با این فصاحت باشد، نداشته‌اند (نجفی یزدی، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۲).

مرحوم شیخ صدوق، علامه مجلسی و دیگر بزرگان به نقل از اباصلت هروی حکایت

می‌کنند:

یکی از روزها به آن حضرت عرض کردم: یا ابن رسول‌الله! شما چگونه به همه زبان‌ها و لغت‌ها آشنا شده‌ای و این چنین ساده، مکالمه می‌نمایی؟ امام^(ع) فرمودند: ای اباصلت! من حجت و خلیفه خداوند متعال هستم و پروردگار حکیم کسی را که می‌خواهد بر بندگان خود حجت و راهنما قرار دهد، به تمام زبان‌ها و اصطلاحات آشنا و آگاه می‌سازد که زبان عموم افراد را بفهمد و با آنها سخن گوید و بندگان خدا بتوانند به راحتی با امام خویش سخن گویند. سپس امام رضا^(ع) افزودند: آیا فرمایش امیرالمؤمنین، امام علی^(ع) را نشنیده‌ای که فرمودند: به ما اهل بیت^(ع) فصل الخطاب

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۱۳

عنایت شده است و بعد از آن، اظهار نمودند: فصل الخطاب یعنی معرفت و آشنایی به تمام زبان‌ها و اصطلاحات مردم و بلکه عموم خلائق در هر کجا و از هر نژادی که باشند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۲۸).

امام رضا (ع) افزودند:

توجه داشته باش که همانا امام و علوم او، همچون دریای بی‌منتهایی است که پایان‌ناپذیر باشد و درون آن مملو از انواع موجودات و جواهرات گوناگون خواهد بود و چون، پرنده‌ای، قطره‌ای از آب آن را بردارد، چیزی از آب آن کم نخواهد شد. امام، علومش بی‌انتهاست و هر کسی نمی‌تواند به تمام مراحل علمی و اطلاعات او دست یابد.^۱ (پیوسته، ۱۳۹۱: ۳۷).

تحریک عواطف و احساسات

یکی دیگر از مهارت‌های ارتباطی، تحریک احساسات و عواطف حقیقت‌جویانه مردم است. امام رضا (ع) در نیشابور زمانی که همگان برای شنیدن صحبت‌های ایشان جمع شده بودند و از ایشان تقاضا داشتند تا حدیثی بخوانند، با نحوه قرائت حدیث، احساسات مردم را برای شنیدن سخن حق برانگیخته و امامت و ولایت خود را در سایه این حدیث گهربار بیان فرمودند.

نیشابور با افغانستان، هندوستان و ... در ارتباط بود و راه حیاتی معرفتی در آن زمان به‌شمار می‌رفت و متفکران بزرگی در آنجا بودند. بنابراین آنچه در نیشابور رخ داده یک فرایند ارتباطی ویژه داشته است. مردم آن شهر به مکاتب و مذاهب آشنا بودند، لذا امام (ع) در یک فرایند ارتباطی دقیق، توحید را با امامت همگام کرده و اصل وحدت و ولایت را ملازم هم بیان کردند.

لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی، بشرطها وشروطها و انا من شروطها:
کلمه «لا اله الا الله: هیچ معبودی به‌جز الله نیست» دثر و حصار من (خدا) است پس

۱. علامه مجلسی به نقل یکی از اصحاب حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، به نام علی بن ابی حمزه بطنانی حکایت می‌کند که امام رضا (ع) در ادامه این جمله‌ها را فرمودند.

هر کس به دژ و حصار من داخل شود از عذاب من امنیت خواهد یافت و این شروطی دارد و من (علی بن موسی الرضا^(ع)) یکی از آن شرطها هستم. امام^(ع) با ایهامی دقیق با توسل به سلسله ائمه^(ع)، امامت و ولایت خود را شرط ورود به دژ محکم الهی دانستند و مبدأ و معاد انسانها را در پذیرش مطلق ولایت خلاصه کردند. با توجه به بستر تاریخی - جغرافیایی این شهر، امام^(ع) از شیوه ایضاح بعد از ایهام در ارتباط با مردم برای تبیین جایگاه امامت ولایت خویش، استفاده کردند (فیاض، ۱۳۹۰: ۲۶۶).

در تاریخ آمده است:

وقتی امام رضا^(ع) در مسیر مدینه به مرو به شهر نیشابور رسیدند، مردم زیادی به استقبال ایشان شتافتند و از وی درخواست کردند تا آنها را با حدیثی از پدران خود خشنود سازند. فرمودند: حدیث کرد مرا پدرم حضرت موسی بن جعفر کاظم^(ع)، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم جعفر بن محمد صادق^(ع)، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم محمد بن علی باقر^(ع)، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم علی بن حسین، زین العابدین^(ع)، فرمود: حدیث گفت مرا حسین بن علی^(ع) شهید سرزمین کربلا، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم امیرمؤمنان علی بن ابی طالب^(ع) شهید سرزمین کوفه، فرمود: حدیث فرمود مرا برادرم و پسرعمویم محمد رسول خدا^(ص)، فرمود: حدیث کرد مرا جبرئیل، فرمود: شنیدم حضرت رب العزه سبحانه و تعالی فرمود: «کلمه لا اله الا الله حصار من است و هرکس آنرا بگوید، داخل حصار من شده و هرکس داخل حصار من شود از عذاب من در امان است» (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۴).

وقتی امام^(ع) این حدیث قدسی را فرمودند همین که کاروان حرکت کرد ایشان دستور توقف دادند، قافله ایستاد، مجدداً پرده کجاوه کنار رفت و حضرت در اینجا سخنی دارند که مربوط به خود ایشان است و فرمودند: «وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا». امام رضا^(ع) در ادامه این حدیث می فرمایند تنها اعتقاد به خدا کافی نیست و مسائل دیگری نیز وجود دارد که رعایت مجموعه اینها از سوی فرد، او را دین دار می کند. در این حدیث نشان داده می شود که ارتباط بشر در گرفتن پیام از ذات احدیت اصل است یعنی توحید و خدااباوری یک اصل

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۱۵

اعتقادی است که باید به باور برسد و پذیرش رهبری بشری از میان انسان‌ها به نام پیامبر (ص) در این حدیث مستتر است.

امام (ع) با بیان این حدیث در جمع مردم نیشابور که اکثراً سنی‌مذهب بودند و از جمله مهم‌ترین شهرهای ایران و پایگاه فرهنگی اهل سنت بود، مسئله ولایت امیرمؤمنان (ع) بعد از خاتمیت رسالت پیامبر (ص) و نیز امامت و رهبری امامان معصوم (ع) را دوباره مطرح و با صدای بلند تأکید می‌فرمایند: ای کسانی که اهل نماز، قرآن و ... هستید، بدانید اگر از ولایت خاندان پیامبر (ص) و امامت ما دور باشید اعمال عبادی شما بی‌ارزش خواهد بود و نجات بخش نیست.

درواقع حدیث سلسله‌الذهب نشانه رد شیعیان سه، پنج یا هفت‌امامی از سوی امام رضا (ع) است. ایشان با بیان جمله «بَشْرُوطُهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»، انحراف تمام احزاب و فرقی را که پرچم مخالفت با امام کاظم، امام صادق و امام رضا (ع) و حتی قبل از آنها را برافراشته بودند، گوشزد می‌کنند.

توجه به شرایط روز و رصد اتفاق‌های زمانه از شیوه‌های ارتباط جمعی است. امام (ع) با توجه به شرایط فرهنگی-اجتماعی نیشابور در آن زمان از فن برجسته‌سازی که یکی از شیوه‌های ارتباط جمعی مؤثر است، بهره بردند.

نمونه‌ای دیگر از تحریک احساسات حقیقت‌جویانه مردم، زمانی است که امام (ع) خود را از سفر به خراسان ناگزیر یافتند. ایشان در چند نوبت کنار مرقد پیامبر (ص) به شکل خداحافظی با قبر ایشان، ناخرسندی خویش را از این سفر آشکار ساختند تا دیگران نیز بدانند امام (ع) برای انجام این سفر مجبور بودند. ایشان، حضرت جواد (ع) را نزد قبر رسول خدا (ص) بردند و به جد خود عرضه داشتند: ای رسول خدا (ص) او را به شما سپردم و به اصحاب فرمودند: سخن او را گوش کنید، با وی مخالفت ننمایید و نزد ثقات اصحاب خویش بر امامت و جانشینی وی تأکید کردند (مسعودی، ۱۳۴۳ق: ۳۴۹؛ ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۵ق: ۱۹۶).

یکی از راویان حدیث که از نزدیک شاهد ماجرا بوده است، چنین می‌نگارد:

هنگامی که فرستاده مأمون وارد مدینه شد، من نیز در مدینه بودم. امام^(ع) برای وداع با پیامبر^(ص) وارد حرم شریف نبوی شدند. حضرت درحالی که می‌گریستند چندین نوبت با پیامبر^(ص) و مرقد پاک او خدا حافظی کردند. جلو رفتم و به امام^(ع) سلام کردم. حضرت پاسخ سلام مرا دادند. آنگاه امام^(ع) را به خاطر سفری که در پیش داشتند تهنیت گفتم ولی آن حضرت فرمودند: مرا به حال خود واگذار که من از جوار جام خارج شده و در غربت از دنیا خواهم رفت (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۷).

امام^(ع) هنگام بیرون رفتن از مدینه تمام خویشان خود را فراخواندند و در جمع آنان فرمودند: بر من گریه کنید، زیرا دیگر به مدینه باز نخواهم گشت (طبری، بی تا: ۱۷۶).

گواه دیگر بر کراهت و ناخرسندی امام^(ع) از این سفر، مسیر تعیین شده از سوی دستگاه خلافت بود، به گونه ای که از برخی مناطق، امام^(ع) مخفیانه عبور داده می شدند (بیهقی، ۱۳۶۸: ۱۷۱) و نیز از ورود ایشان به کوفه و قم جلوگیری به عمل آمد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۹). در صورتی که اگر امام^(ع) به این سفر راضی بودند و مسیر را با اشتیاق می پیمودند دلیلی نداشت تا مأمون مسیر آن حضرت را از این دو شهر دور بدارد.

۲. نگرش‌ها

دیوید برلو در مدل ارتباطی خود ذیل بحث نگرش، سه دسته نگرش را برای ارتباط گر ضروری می‌شمارد: نگرش نسبت به خود، نسبت به مطلب خود و نگرش نسبت به مخاطب و می‌گوید اگر ارتباط گر در این سه نوع نگرش از مهارت بالایی برخوردار باشد، بیشترین تأثیر را بر مخاطب می‌گذارد. در ادامه، دو نمونه از سیره امام^(ع) در تکمیل مدل برلو بیان می‌شود.

نماز باران

یکی از حوادث مهمی که باعث محبوبیت بیشتر امام رضا^(ع) در میان مردم خراسان و شیعیان شد، نزول باران رحمت بر اثر دعای ایشان بود. هنگامی که حضرت به ولایتعهدی مأمون منصوب شدند، منطقه خراسان دچار کم آبی شد و مزارع و باغات در معرض خطر

۱. البته در برخی نقل‌ها ورود به این دو شهر تأیید شده است.

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۱۷

قرار گرفت. عده‌ای این اتفاق را به‌علت حضور امام (ع) در مرو بیان می‌کردند، لذا مأمون از امام (ع) خواست دعا کنند و از خداوند بخواهند تا باران رحمت خود را نازل کند. امام (ع) به خواسته مأمون پاسخ مثبت دادند و پذیرفتند که در پیشگاه الهی دعا کنند. سرانجام حضرت در موعد مقرر در جمع مردم زیادی در بیابان بر فراز منبر قرار گرفتند و پس از حمد و ثنای پروردگار عرض کردند:

بارالها! تو قادر و منزلت اهل بیت (ع) را بالا بردی و به آنان بزرگی و عظمت بخشیدی، مردم به امید فضل و رحمت تو به ما متوسل شده‌اند، از تو درخواست دارم حاجت آنها را برآوری و باران رحمت را نازل نمایی، بارانی که ویرانی و زیان به بار نیاورد، بارانی که شروع آن موقعی باشد که مردم از صحرا برگشته و به منازل و قرارگاه‌های خود رسیده باشند (همان: ۱۷۹-۱۸۳).

سرانجام دعای حضرت همان‌طور که از پیشگاه الهی درخواست کرده بودند مستجاب شد. نزول باران رحمت بر اثر دعای ایشان موجب قدرشناسی مردم شد و همه یک‌زبان می‌گفتند: بزرگواری‌ها و کرامت‌های حضرت باری تعالی بر فرزند پیامبر اسلام (ص) گوارا باد. هدف مأمون این بود که دعای امام (ع) در پیشگاه الهی پس از حضور در بیابان به اتفاق انبوهی از مردم مستجاب نشود و ایشان را در میان عامه مردم تحقیر کند. اما با استجاب دعای حضرت، موقعیت مأمون نیز تضعیف و این حادثه برای وی گران تمام شد. استجاب دعای حضرت و نزول باران رحمت، از یک‌سو موجب فزونی محبوبیت و علاقه‌مندی به امام رضا (ع) در افکار عمومی شد و از دیگر سو، زمینه نفوذ تشیع و گرایش به آنرا به‌خصوص در افرادی که معرفت و علاقه‌مندی آنها به امام (ع) ریشه‌دار و عمیق بود، فراهم کرد.

در اینجا باید دقت کنیم که نگرش امام (ع) نسبت به خود که می‌داند وکی خدا بر روی زمین است و درخواست او از سوی خدا اجابت خواهد شد. همچنین با آگاهی از درخواست مردم و رعایت شرایط و لوازم استجاب دعا و با آگاهی از مردمی که انتظار می‌کشند با

اجابت یا عدم اجابت دعای ایشان، تأیید یا تکفیر کنند، درخواست مأمون را برای خواندن نماز باران می‌پذیرند. اما مأمون با ناآگاهی و ناباوری تمام خیال می‌کند دعای ایشان مستجاب نشده و جایگاهشان نزد مردم کم‌رنگ خواهد شد و از حضرت تقاضا می‌کند تا نماز باران بخواند و این امام رضا^(ع) است که با آگاهی کامل از نگرش‌های خود و مخاطبان و با امید به عنایت حق تعالی پیروز میدان می‌شوند.

مژده بهشت

شخصی به نام موسی بن سیار می‌گوید: با حضرت رضا^(ع) بودم (در سفر به خراسان) نزدیک شهر طوس، چون دیوارهای شهر نمایان شد، صدای نوحه و عزا شنیدم، به دنبال صدا رفتم، دیدم جنازه‌ایست. در این هنگام حضرت رضا^(ع) از اسب فرود آمدند، به طرف جنازه رفتند، به آن خو گرفتند و مأنوس شدند. آنگاه رو به من کردند و فرمودند: ای موسی بن سیار، هر که جنازه یکی از اولیای ما را تشییع کند، از گناهان بیرون می‌رود آن‌گونه که از مادر، بدون گناه متولد شده است و چون جنازه آن مرد را کنار قبر نهادند، حضرت رضا^(ع) نزدیک آمدند، مردم را کنار زدند، دست مبارک را بر سینه آن مرد نهادند و فرمودند: ای فلانی، مژده باد تو را به بهشت، بعد از این دیگر ترسی بر تو نیست. عرض کردم: فدایت شوم، آیا این مرد را می‌شناسید؟ شما که تا امروز به این سرزمین نیامده‌اید؟

فرمودند: ای موسی بن سیار، آیا نمی‌دانی که اعمال شیعیان ما، در صبح و شام بر ما عرضه می‌شود، هر کوتاهی که در اعمال آنها باشد، از خداوند متعال می‌خواهیم که از صاحبش درگذرد و هر چه از کارهای عالی باشد، از خداوند برای صاحبش شکرانه درخواست می‌کنیم (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۴۱، رک: مجلسی، ۱۳۵۶، ج ۴۹: ۹۸).

در اینجا نیز امام^(ع) احاطه خود را بر کلام خود و نگرش مخاطب نشان می‌دهند. ایشان از شیوه ارتباط میان فردی برای اعلام اطلاع اهل بیت^(ع) از اعمال شیعیان، استفاده کرده و تلاش دارند از این طریق به اثبات ولایت اهل بیت^(ع) بر مردم بپردازند.

۳. سطح دانش

در مدل برلو، سطح دانش به میزان آگاهی و اطلاعات ارتباطگر برمی گردد. امام رضا (ع) با داشتن این ویژگی باعث جذب قلوب مؤمنان می شدند. در ادامه دو مورد بیان می شود.

اطلاع قبلی از مخاطب

در مسند الامام الرضا (ع) آمده است: امام (ع) از قادسیه بیرون شدند، از طریق بادیه به طرف بصره حرکت کردند و پس از چندی به ناحیه نجاج رسیدند. شیخ صدوق در روایتی از ابو حبیب نجاجی ورود حضرت را به نجاج چنین شرح می دهد^۱:

ابو حبیب نجاجی می گوید: در عالم رؤیا دیدم که رسول اکرم (ص) به نجاج تشریف آوردند و در مسجدی که حجاج فرود می آیند، وارد شدند. بر آن حضرت سلام کردم و پیش روی او ایستادم. طبقی از خرما صیحانی نزد ایشان بود و حضرت مشتی خرما برداشتند و به من دادند. آنها را شمردم، ۱۸ دانه بود. ۲۰ روزی از این جریان گذشت و شخصی نزد من آمد و گفت: ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) از مدینه آمده و در مسجد نزول اجلال فرموده است. به خدمت حضرت رفتم و دیدم آن جناب در همان موضعی نشستند که رسول اکرم (ص) نشسته بودند و طبقی از خرما صیحانی مانند آنچه نزد پیامبر (ص) بود، پیش روی ایشان قرار داشت. سلام کردم و امام رضا (ع) پاسخ دادند. سپس مشتی از خرما به من دادند. آنها را شمردم، ۱۸ دانه بود. عرض کردم یا بن رسول الله زیادتیر از این به من عطا فرما، فرمودند: اگر رسول خدا (ص) زیادتیر از این به تو عطا فرموده است، ما هم زیادتیر از این به تو عطا کنیم (۱۳۸۷، ج ۲: ۴۵۷-۴۵۸).

گزارشی دیگر از ابن شهر آشوب در المناقب است که آن حضرت هنگام عزیمت از مدینه به مرو، در بصره توقف داشتند. راوی این قول، ابن علوان است. اما آنچه او نقل می کند همان

۱. شرح این ماجرا با کمی اختلاف در کتابهای دیگر آمده است: بنگرید به: مسعودی، اثبات الوصیه: ۴۱۵-۴۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲: ۷۱۰؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال: ۳۰۲؛ نجفی یزدی، مناقب اهل بیت، ج ۲: ۱۷۷.

ماجرایی است که ابوحبیب نباجی در ورود حضرت به نباج نقل کرده و به نظر می‌رسد روایت در اصل یکی است؛ اما در آخر روایت ابن علوان، ماجرای افزون بر آنچه ابوحبیب نباجی گفته دارد. ابن شهر آشوب در ادامه روایت، به نقل از ابن علوان اضافه می‌کند:

حضرت پس از چند روز نزد من فرستاده از من ردایی با اندازه‌های معین خواستند. گفتم چنین ردایی نزد من نیست. حضرت رضا^(ع) فرمودند: آن در بقیه فلانی است، کسی را نزد عیالت بفروست و آن را بخواه. کسی را فرستادم و نشانی دادم. او رفت و آنچه حضرت فرموده بودند، آورد^۱ (۱۳۷۵ ق، ج ۲: ۳۹۷).

صفوانی در روایتی دیگر می‌گوید: قافله‌ای از خراسان به طرف کرمان حرکت می‌کرد. در بین راه، دزدان بر اهالی کاروان حمله کردند و مردی را که گمان می‌کردند ثروتمند است گرفتند و روزهای زیادی او را در میان برف حبس کردند، دهانش را پر از برف کردند تا مجبور شود جای پول‌هایش را بگوید.

سرانجام زن یکی از دزدان بر این مرد ترحم کرد و او را آزاد ساخت. مرد فرار کرد ولی در اثر شکنجه، دهان و زبان‌ش به شدت آسیب دیده بود، به طوری که دیگر قادر به سخن گفتن نبود. شبی در خواب دید که مردی می‌گوید حضرت رضا^(ع) وارد خراسان شده، نزد او برو و دواي درد خود را بخواه. او هم در خواب نزد امام^(ع) رفت و ایشان فرمودند: «زیره، سیسنبه و نمک را بکوب و در دهان خود نگاه‌دار تا خوب شوی.» مرد از خواب بیدار شد ولی به خواب خود اعتنایی نکرد و سرانجام خود را به نیشابور رساند. به او گفتند امام^(ع) از نیشابور رفته و اکنون به رباط سعد رسیده است.

مرد به رباط سعد رفت و خدمت امام^(ع) رسید، با سختی فراوان جریان دزدان را تعریف کرد و از ایشان خواست او را شفا ببخشند. امام^(ع) بلافاصله فرمودند: «برو همان دستوری را که در خواب به تو دادم، عمل کن.» مرد به دستور عمل کرد و خوب شد (مجلسی، ۱۳۵۶، ج ۴۹: ۱۲۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۱).

۱. مسعودی در اثبات الوصیه و ابن بابویه در عیون اخبار الرضا^(ع) با تفصیل بیشتری شرح داده‌اند.

اطلاع از عقاید مخاطب

امام (ع) در بصره تشکیل جلسه دادند و سعی کردند این مجلس با مسیحیانی مثل جاثلیق، زیدیه و معتزله یهودیان (رأس جالوت) تشکیل شود و هدف خود را معرفی نشانه‌های امامت اهل بیت (ع) قرار دادند (مجلسی، ۱۳۵۶، ج ۴۹: ۷۴). چون در ارتباط بین فردی، بهترین شیوه برای برقراری ارتباط مؤثر با مردم، داشتن اطلاعات دقیق از عقاید مخاطبان است، امام (ع) در این جلسه از این شیوه استفاده کردند.

امام (ع) در مناظره‌هایی که مأمون در مرو برای ایشان ترتیب می‌داد، روش ارتباطی خود را با جدل شروع می‌کردند و بر مبنای کتاب‌های آنها، علیه‌شان استدلال می‌کردند. این از فنون مناظره است که بر دلایل اعتقادی طرف مقابل استناد شود، به این ترتیب او نمی‌تواند به سادگی از ارتباط فرار کند، چون بایستی از *تورات* و *انجیل* فرار کنند که مبدأ اعتقادی خودشان است. استفاده از مفاهیم مشترک دو مذهب برای غلبه بیشتر در ارتباطات است، مثل مقدس بودن عیسی (ع) در میان شیعه و مسیحی (همان: ۷۸) که امام (ع) از این فن نیز استفاده کردند. مبلغان دینی ما باید توجه کنند که این روش می‌تواند مبنای ارتباطات میان‌دینی آینده جهان را تشکیل دهد.

مأمون برای شکستن شخصیت علمی حضرت، اقدام به تشکیل مجالس مناظره و مباحثه با دانشمندان ادیان مختلف می‌کرد تا شاید از این رهگذر بتواند در مباحثه‌های علمی که بین آنها به وجود می‌آید شکستی برای امام رضا (ع) ایجاد کند و از محبوبیت آن وجود مقدس در بین مردم، بکاهد. اما سرانجام توفیق نیافت و دانشمندان برجسته تمام ادیان و مذاهب از مراکز علمی جهان با امام (ع) به بحث و گفتگو نشسته و همه عالمان مذاهب، صاحبان افکار و آرای مختلف به بزرگواری و احاطه علمی آن حضرت اعتراف کردند. پیروزی‌های حضرت در مباحثه‌ها، مأمون را ناامید کرد.

از شیوه‌های ارتباط میان فردی مؤثر، اطلاع قبلی از مخاطب و عقاید اوست. ایشان با تعبیر یافتن رویای ابوحیب نباجی و احاطه کامل بر عقاید مخاطبان، از این شیوه برای اثبات

❖ حقانیت امامت خود استفاده می‌کردند. اینها نمونه‌هایی از علم و آگاهی بی‌نهایت امام^(ع) بوده که موجب جذب قلوب مؤمنان، در ارتباطات ایشان با مردم بوده است.

۴. موقعیت فرهنگی - اجتماعی ارتباط‌گر

برلو می‌گوید هیچ ارتباط‌گری به‌عنوان فرد آزاد و بدون تأثیر از شرایطی که در سیستم فرهنگی - اجتماعی اطرافش دارد، نمی‌تواند رفتار کند. هرچه طبقه اجتماعی و فرهنگی ارتباط‌گر با مخاطبان نزدیک‌تر باشد، ارتباط کامل‌تر و بهتری صورت می‌گیرد. توجه به این نکته ما را بر آن می‌دارد که بیان کنیم، هرچند در ظاهر، امام رضا^(ع) از مدینه عازم مرو بودند و خلق و خوی اعراب را با خود به همراه داشتند، اما بررسی سیره ایشان در این سفر نشان می‌دهد که نه تنها ارتباط بسیار هم‌رنگ و قوی با مخاطبان خود داشتند بلکه باعث جذب قلوب آنان هم شدند. امام رضا^(ع) با رعایت اخلاق اسلامی و برخورد انسانی با افراد، مرزهای فرهنگی و اجتماعی مردم ایران را شکستند و با افراد در قوم و قبایل متفاوت، ارتباط مطلوب و کامل برقرار کردند مانند موارد زیر:

توجه به وضعیت اخلاقی و فرهنگی مردم

حاکم نیشابوری از مجلس ضیافت و میهمانی یاد می‌کند:

یکی از بزرگان شهر به افتخار حضرت ترتیب داد و افاضل و علمای شهر را نیز دعوت کرد و با وجود اینکه جای افاضل و اشراف و به‌خصوص جای حضرت رضا^(ع) را در صدر جلسه و همراه با متکا و نمارق (بالشت و پشتی) مصفوفه مقرر کرده بودند، حضرت التفاتی به صدر مجلس ننموده و در کنار مجلس که نوع میهمانان نشسته بودند؛ جلوس فرمودند. از آن پس سیره بر آن شد که جای افاضل کنار مجلس باشد نه صدر آن (۱۳۳۹: ۳۴).

این قضیه که گویای تواضع حضرت بود، نهایت الگوپذیری مردم از ایشان و نفوذ عمیق آن حضرت را در قلب و فکر مردم ایران نشان می‌دهد.

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۲۳

توجه به وضعیت مادی و رفاه مردم

نمونه‌هایی دیگر از اشراف امام (ع) بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی ایران، در وضعیت رفاهی مردم و به‌خصوص شیعیان در دوران حکومت مأمون بود. بنی‌عباس تا قبل از ورود امام (ع) به ایران عرصه زندگی را بر شیعیان سخت می‌گرفت به‌طوری‌که عده زیادی از شیعیان و حتی سادات علوی، سیادت و شیعه بودن خود را مخفی نگه می‌داشتند. اما امام (ع) در نمونه‌هایی متعدد برای ایجاد رفاه مردم در مسیر حرکتشان تلاش کردند. مثلاً در منطقه ده سرخ که خشک و کم‌آبی بوده است، امام (ع) برای وضو آب طلب می‌کنند و چون اطرافیان آب نداشتند، با دستان خود گودالی حفر می‌کنند که آب از زمین می‌جوشد.

بنا بر روایت عبدالسلام ابن صالح هروی وقتی حضرت به ده سرخ رسیدند، به ایشان عرض کردند که خورشید از دایره نصف‌النهار گذشت و وقت نماز ظهر شد. آن جناب فرود آمدند و فرمودند: آب بیاورید. گفتند: آب با ما نیست. حضرت با دست خویش زمین را اندکی حفر کرده، چشمه‌ای می‌جوشد که تاکنون موجود است^۱ (صحاب، ۱۳۳۴: ۲۵۶).

در روایتی دیگر ابوصلت هروی گزارش کرده:

امام رضا (ع) چون به سناباد رسیدند تکیه کردند بر کوهی که دیگ‌ها از آن می‌تراشند و دعا کردند: خداوندا! سود ببخش به این کوه و برکت عطا کن در ظرف‌هایی که از این کوه می‌تراشند و فرمودند: که از برایش دیگ‌ها از سنگ تراشیدند و فرمودند: غذایش را در همان دیگ‌ها تهیه کنند. غذای آن حضرت اندک بود و آهسته غذا می‌خوردند. از آن روز مردم به آن کوه رو آوردند و دیگ‌ها و ظرف‌ها از سنگ آن تراشیدند و برکت یافتند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۱).

در کوه سنگی نیز، امام (ع) برکت سنگ‌های این ناحیه را که از آن، دیگ‌ها و ظروف سنگی می‌تراشیدند طلب می‌کنند که تا امروز نیز همچنان این شغل در این ناحیه برجاست.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: ابن بابویه، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲: ۳۷۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲: ۱۱۳.

در روایتی دیگر شیخ صدوق، گزارش داده که امام رضا^(ع) در نیشابور در محله قزوینی منزل و در آنجا حمامی بنا کردند که امروز به گرمابه رضا مشهور است. آنجا چشمه‌ای کم‌آب بود. ایشان کسی را واداشتند که آب آن را بیرون آورد تا فراوان شد. امام^(ع) در بیرون دروازه در زیر زمین، حوضی ساختند که چند پله پایین می‌رفت و آب چشمه بدان می‌ریخت. حضرت، داخل حوض شدند و بیرون آمدند و سپس به روی آن نماز گزارند، سپس مردم می‌آمدند، از آن چشمه برای تبرک نوشیده، در آن حوض غسل می‌کردند، بر روی آن نماز گزارده، دعا می‌کردند و از خداوند حاجت خواسته و حاجاتشان برآورده می‌شد. امروز، آن چشمه را «عین کهلان» می‌نامند و مردم تا به امروز به سراغ آن چشمه می‌روند (همان: ۱۳۶). «بنابر آنچه مورخان معاصر ذکر کرده‌اند، این چشمه که بعد از آن به حمام امام رضا^(ع) معروف شد همچنان در شهر نیشابور وجود دارد» (عرفان‌منش، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

توجه به وضعیت اعتقادی مردم و تبیین ولایت اهل‌بیت^(ع)

نمونه‌ای دیگر از اشراف امام^(ع) بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی و شرایط زمان خود، در سرخس اتفاق می‌افتد.

یکی از نشانه‌های پذیرش تحمیلی ولایتعهدی از سوی امام رضا^(ع) حادثه حبس و زندانی شدن آن حضرت در سرخس است. متأسفانه منابع اولیه، اطلاعات کافی در مورد چگونگی این زندانی شدن نداده‌اند. از برخی گزارش‌ها استفاده می‌شود که امام^(ع) مدتی در سرخس تحت نظر [و شاید بازداشت خانگی] بوده‌اند. امام^(ع) تلاش می‌کنند تا با توجه به موقعیت پیش‌آمده و ارتباط نداشتن ایشان با مردم، به تبیین مسئله امامت و ولایت اهل‌بیت^(ع) برای ابوصلت هروی پردازند تا او سخن حضرت را به گوش مردم برساند. این، نمونه‌ای از ارتباط میان‌فردی امام^(ع) است. در گزارشی از ابوصلت هروی در این‌باره چنین ثبت شده است:

به در خانه‌ای که حضرت رضا^(ع) در سرخس در آن زندانی بودند آمدم. از زندانبان اجازه ملاقات خواستم. گفت: راهی به آن نیست. گفتیم: چرا؟ گفت: او چه‌بسا در

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۲۵

شب و روز هزار رکعت نماز می‌گزارد و ساعتی در آغاز روز و پیش از غروب در مصلای خود نشسته و با پروردگار خود مناجات می‌کند.

گفتم: در وقتی از این اوقات برایم اجازه دیدار بگیر و او اجازه گرفت. نزد حضرت رضا (ع) رفتم. ایشان در جای نماز خود نشسته و در اندیشه فرو رفته بودند.

به امام (ع) گفتم: یابن رسول‌الله این چیست که مردم از شما حکایت می‌کنند؟ فرمودند: چه می‌گویند؟ گفتم: از شما نقل می‌کنند که فرموده‌اید: مردم، بندگان ما هستند. فرمودند: خدا آفریننده آسمان‌ها و زمین است و دارای پنهان و آشکار. تو شاه‌دی که من هرگز این سخن را نگفته‌ام و هیچ‌گاه از پدران خود چنین سخنی شنیده‌ام. تو دانایی به ستم‌هایی که از این امت بر ما اهل‌بیت وارد شده است و تو دانایی به اینکه این اتهام نیز از همان ستم‌هاست. سپس حضرت رضا (ع) رو به من کردند و فرمودند: ای عبدالسلام! اگر مردم آفریده ما باشند، چنان‌که حکایت می‌کنند، پس برای چه کسی ما از ایشان بیعت می‌گیریم. گفتم: یابن رسول‌الله راست گویی. سپس فرمودند: آیا تو منکری آنچه حق تعالی برای ما از ولایت و امامت واجب گردانیده، چنان‌که غیر تو منکر است. گفتم: پناه بر خدا، من اقرار دارم به ولایت و امامت شما^۱ (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۲۷-۴۲۶).

در مرو نیز وقتی امام (ع) مجبور به پذیرش ولایت‌عهدی می‌شوند برای مأمون شروطی می‌گذارند و با تقریض^۲ متن عهدنامه، منظور خود را از پذیرش، بر همگان آشکار می‌سازند

۱. گفتگوهای میان حضرت رضا (ع) و عبدالسلام و پاسخ حضرت، واقعه نیشابور را قوت بخشد و احتمالاً این شایعه‌ها واکنشی است در برابر «أنا من شروطها» که امام (ع) خود را شروط کلمه «لا اله الا الله» قرار دادند و عاملان حکومت و دشمنان خاندان عصمت، به جفا، ادعای الوهیت را به ایشان نسبت دادند (عرفان‌منش، ۱۳۹۰: ۲۱۰). البته برخی از پژوهشگران می‌گویند بازداشت امام (ع) در مسیر رفتن به مرو بوده است (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۸۴). اگر چنین باشد، شاید این کار برای تحت فشار قرار دادن ایشان برای تحمیل ولایت‌عهدی مأمون با شرایط دلخواه آنان باشد. سخنان امام (ع) در طول سفر و استقبال باشکوه مردم نیشابور از ایشان، زنگ خطر را برای بنی‌عباس به صدا درآورد و مأمون از سرپیچی امام (ع) از برنامه خود واهمه داشت. ایشان بی‌واهمه در مناسبت‌ها، مشروعیت حکومت عباسیان را زیر سؤال می‌بردند و با نقل روایت‌های جدشان پیامبر (ص)، ضرورت اطاعت از اهل‌بیت (ع) را برای مردم شرح می‌دادند. از این‌رو، دور نیست که مأمون برای آماده کردن شرایط پذیرش ولایت‌عهدی، ایشان را محترمانه در زندان خصوصی قرار داده و مردم را از ملاقات بازداشته باشد (عرفان‌منش، ۱۳۹۰: ۲۱۰-۲۰۸).

۲. امام (ع) در پشت عهدنامه اولین سطر را با این عنوان آغاز می‌کنند: «ستایش مخصوص خداوندی است که آنچه بخواهد انجام می‌دهد.» و می‌افزایند: «و از خیانت‌های چشم و آنچه در دل‌هاست آگاه است و درود بر محمد (ص) و خاندان پاکش.» اشاره به ﴿

و پس از آن، سیاست دوگانه‌ای در نظر می‌گیرند. اول اینکه از راه ولیعهدی و ارتباطات بین‌فردی به تبلیغ شیعه و امامت پردازند و از حکومت ظلم دوری کنند و دیگری اینکه از راه ارتباطات جمعی به ترویج شیعه و امامت پردازند. تبدیل لباس از مشکی که رنگ رسمی لباس عباسیان بود به رنگ سبز که مربوط به ائمه اطهار^(ع) است، ضرب سکه به نام حضرت، ترویج شیعه با اشعار شعرا و صله دادن به آنها و نماز عید مشهور امام^(ع) در مرو از جمله تلاش‌های ایشان در ارتباطات جمعی بود (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ق، ج ۸: ۲۷۸-۲۶۰) که با توجه به آگاهی از عهد و زمان خویش انجام می‌دادند.

روش‌شناسی ارتباطات امام رضا^(ع)

۱. روش نفی و اثبات

در این روش، ارتباط‌گر سعی می‌کند همه شیوه‌های مشابه و پیام‌های رقیب را نفی و شیوه و پیام مطلوب خود را اثبات کند. نکته قابل توجه در اینجا، دقت در تمایز روش نفی و اثبات و روش استدلال است. در روش نفی و اثبات، همه پیام‌های رقیب زمینه اثبات پیام مطلوب است؛ درحالی‌که در روش استدلالی، از اصول منطبق برای اثبات پیام مطلوب

﴿آگاهی خداوند از خیانت‌های آشکار و پنهان در مقدمه کلام و نیز درود بر پیامبر^(ص) و خاندانش که درواقع شهادت به حقانیت آل علی^(ع) است در آن زمان پراهمیت بود و این اقدام هیچ‌گاه در مجالس و اسناد رسمی آن زمان معمول نبود. حضرت با عبارت «امیرالمؤمنین (مأمون) حق ما را که دیگران نشناختند شناخت»، اثبات حقانیت خاندانشان را کامل می‌کنند. عبارت اخیر گرچه در ظاهر، ستایش مأمون است زیرا که به «حقانیت خاندانش» آگاهی یافته، اما در حقیقت نکوهش آنانی است که حق خاندانش را ضایع کردند و منظور از «دیگران» در کلام حضرت یا به تعبیر بهتر «حق‌ناشناسان»، پدران و خاندان مأمون است که به حقانیت اهل بیت^(ع) آگاهی نیافتند و رهبری و امامت مسلمانان را که حق آنها بود غصب کردند. امام^(ع) در عهدنامه ولایتعهدی می‌نویسند: «مأمون ولایتعهدی و خلافت را در اختیار من قرار داد، تا اگر بعد از او زنده ماندم این منصب از آن من باشد.» به دنبال آن می‌افزاید: «هر کس پیمانی را بشکند و عهدی را نقص کند احترام خود را از بین برده و موقعیت خود را از دست داده است، زیرا چنین شخصی بر امام خود ستم روا داشته و حرمت اسلام را مورد تجاوز قرار داده و به همین روش در گذشته عمل شده...» نقض پیمان و پیمان‌شکنی بعد از عبارت «مأمون خلافت را در اختیار من قرار داده» عبارت «اگر بعد از او زنده بمانم» را پررنگ و معنی‌دارتر می‌کند. شیخ صدوق می‌نویسد: امام^(ع) در مجلس ولایتعهدی در ادامه فرمودند: «... پیشینیان، عهد امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب^(ع) را نقض کردند و آن جناب صبر کردند و بعد از آن اعتراض فرمودند بر کسانی که این‌گونه اعمال شنیع مرتکب شدند...» و سپس حضرت رضا^(ع) فرمودند: «تمی‌دانم نسبت به من چگونه رفتار کنند و نسبت به شما (شیعیان) چه نوع عمل شود» (رک: ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۵، ق، ج ۳: ۴۷۴-۴۷۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۸۵-۳۸۶).

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۲۷

استفاده می‌شود، هرچند ممکن است اثبات پیام مطلوب خود نافی همه پیام‌های رقیب باشد. به عبارت دیگر در روش نفی و اثبات، نخست کار نفی پیام‌های رقیب صورت می‌گیرد تا زمینه‌ای برای اثبات پیام مطلوب پدیدار شود.

امام رضا (ع) در مناظره با رهبران و پیروان ادیان از این روش بهره می‌بردند. مثلاً برای اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص)، از نفی دلایل پیروان یهود برای نپذیرفتن نبوت ایشان استفاده کردند.

دانشمند یهودی در پاسخ امام رضا (ع) درباره چگونگی اثبات نبوت حضرت موسی (ع)، به معجزه‌هایی از قبیل شکافتن دریا، اژدها شدن عصا در دست وی، بیرون آوردن ید بیضا و جاری ساختن چشمه آب از سنگ با زدن عصای خود، استناد کردند.

امام رضا (ع) با پذیرش این معجزه‌های حضرت موسی (ع)، پرسیدند: آیا هر کس در تأیید ادعای نبوت خویش معجزه بیاورد، او را تصدیق می‌کنید؟ عالم یهودی گفت: خیر، فقط در صورتی می‌پذیریم که معجزه‌هایی همانند معجزه‌های حضرت موسی (ع) بیاورد. امام (ع) فرمودند: پس چگونه به نبوت پیامبران پیش از موسی (ع) ایمان دارید، درحالی‌که هیچ‌کدام از آنها معجزه‌های یادشده برای حضرت موسی (ع) را نیاوردند. دانشمند یهودی که در پاسخ حضرت رضا (ع) درمانده بود، با تغییر حرف خود، گفت: اگر کسی معجزه‌هایی بیاورد که فراتر از قدرت افراد عادی باشد، تصدیق نبوت او لازم است. در این هنگام، حضرت رضا (ع) با اشاره به زنده شدن مردگان، شفای کور مادرزاد و بیماران مبتلا به پستی به دست حضرت عیسی (ع) و زنده شدن پرنده گلین با دم مسیحایی آن حضرت، پرسیدند: پس چرا نبوت او را تصدیق نمی‌کنید؟ وقتی عالم یهودی گفت: می‌گویند که وی چنین کارهایی می‌کرده است، ولی ما که آن را ندیده‌ایم، امام (ع) پرسیدند: مگر معجزه‌های حضرت موسی (ع) را به چشم خود دیده‌اید؟ آیا جز این است که افراد مورد اطمینانی، آنها را دیده و نقل کرده‌اند و با اخبار متواتر به شما رسیده است؟ معجزه‌های حضرت عیسی (ع) هم توسط افراد مورد وثوقی دیده شده و در قالب اخبار متواتر گزارش شده است،

پس چرا نبوت او را تصدیق نمی‌کنید؟ درباره حضرت محمد^(ص) نیز این مسئله صادق است. بر اساس اخبار متواتر، آن حضرت نزد هیچ آموزگاری درس نخواندند و چیزی نیاموختند، ولی به‌رغم امی و درس ناخوانده و مکتب نرفته بودن، کتابی آوردند که درباره سرگذشت پیامبران و اقوام گذشته و نیز درباره آینده سخن گفته است. پس چرا نبوت او را نمی‌پذیرید؟ عالم یهودی، که جوابی نداشت، محکوم شد و سکوت اختیار کرد (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۲۰۴-۲۰۳).

۲. روش تذکر و یادآوری

در برابر هشیاری انسان دو حالت وجود دارد: یکی جهل و دیگری غفلت. جهل، آنجا صادق است که چیزی اصلاً به ذهن وارد نشده و فرد نسبت به آن هیچ‌گونه آگاهی ندارد؛ اما آنجا که چیزی به ذهن آمده اما پس از مدتی به‌دلایلی از خاطر رفته است فراموشی و غفلت مطرح می‌شود و برای رفع این حالت تذکر و یادآوری لازم است. غفلت و فراموشی از ویژگی‌های انسانی است و باید تذکر و تنبیه در کار باشد تا غافلان را بیدار کند، مسلماً چون خفته را بیدار ساختن خود به راه خواهد افتاد. خداوند به پیامبر^(ص) دستور می‌دهد: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» پس تذکر بده که تو (به‌عنوان رسول) تنها تذکردهنده‌ای» (غاشیه / ۲۱).

امام رضا^(ع) همانند پدران بزرگوار خود، توجه ویژه‌ای به حفاظت شیعیان از انحراف‌های فکری و عملی داشتند. آن حضرت روزی به یکی از شاگردان خود به نام ابوهاشم جعفری فرمودند: «چرا با عبدالرحمن بن یعقوب همنشینی می‌کنی؟» گفت: عبدالرحمن دایی من است. حضرت فرمودند: «او درباره ذات پروردگار مطالبی می‌گوید که ساحت مقدسش از این موارد پاک است یا با او همنشین باش و ما را ترک کن یا با ما نشست و برخاست کرده، او را از خود دور کن». ابوهاشم گفت: عقاید و گفتار او چه آسیبی به من می‌زند، درحالی‌که من بر عقیده حق خود استوار بوده و از عقاید او دوری می‌کنم؟ حضرت فرمودند:

آیا نمی‌ترسی که بلایی به او برسد و تو نیز به بلای او بسوزی؟ پدر یکی از

یاران حضرت موسی^(ع) از یاران فرعون بود. هنگامی که سپاه فرعون به سپاه حضرت

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۲۹

موسی^(ع) رسید، او نزد پدرش رفت تا او را اندرز دهد، ولی هنگام نزول عذاب بر سپاه فرعون، او هم همراه پدرش غرق شد. حضرت موسی^(ع) فرمودند: وقتی عذاب الهی فرود آید، از آن کس که نزدیک گناه کار است دفاعی نخواهد شد (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۳۷۵-۳۷۴).

درجایی دیگر آمده است گروهی از مردم خراسان به حضور امام رضا^(ع) رسیده و از حضرت خواستند آنها را از پرداخت خمس معاف داشته و خمس اموالشان را به آنان ببخشند. حضرت که می دانستند آنان شایسته بخشش نیستند و با نیرنگ می خواهند این وظیفه الهی را ترک کنند، فرمودند: «این چه نیرنگی است که به کار می برید؟ شما با زبان خود به ما اظهار اخلاص و دوستی می کنید، ولی از حقی که خداوند آنرا برای ما قرار داده کوتاهی می نمایید» (جلیلی همدانی، ۱۳۸۴: ۱۶).

۳. روش همراهی

گاهی فرد یا جامعه آن چنان به یک عقیده یا عادت خو گرفته و بدان پایبند شده که دور کردنش از آن به طور یکباره بس دشوار است. در این گونه موارد باید با تیزبینی و شناخت کامل نسبت به روحیه ها و عقاید جامعه ارتباط برقرار کرد و در این باب بهترین روش همراهی است.

در این روش، ارتباط گر با مخاطب همراه می شود و با او ارتباط برقرار می کند، حتی در قسمتی از عقاید و مسیر فکری با مخاطب خود همراه می شود و این همراهی را تا لحظه ای که زمان نشان دادن حقیقت فرارسد ادامه می دهد و پس از آن با تکیانی شدید در وجود مخاطب، او را بیدار می کند.

این روش در سیره امام رضا^(ع) در برخورد با مخالفان به خوبی قابل نمایش است. ایشان در مناظره ها از این روش بهره می بردند. از سویی دیگر، ایشان همواره در ایران تلاش می کردند تا با آگاهی کامل از زبان مخاطبان و سخن گفتن به زبان آنها، زمینه همراهی با افراد و تلطیف روحیه آنها را فراهم آورده و از این طریق به بیان توحید و امامت بپردازند.

❖ در این حالت مخاطب بیشترین تأثیر را می‌پذیرد.

حضرت رضا^(ع) در پاسخ به درخواست عالم یهودی برای اثبات نبوت حضرت محمد^(ص)، بر اساس کتاب مقدس آنان به فرازی از *تورات* استناد کردند که دارای قرائن روشنی بود و به‌خوبی بر مدعای آن حضرت دلالت می‌کرد. ازجمله فرمودند: آیا می‌دانی که حضرت موسی^(ع) به بنی اسرائیل وصیت کرد: پیامبری از میان برادرانتان به‌سوی شما خواهد آمد، او را تصدیق کنید و به سخنانش گوش فرا دهید؟ هنگامی که عالم یهودی وجود این بشارت را در *تورات* تأیید کرد، حضرت فرمودند: آیا بنی اسرائیل برادرانی غیر از بنی اسماعیل دارند؟ و آیا از میان فرزندان اسماعیل^(ع) پیامبری جز حضرت محمد^(ص) مبعوث شده است؟ دانشمند یهودی به هر دو پرسش، پاسخ منفی داد^۱ و این گونه امام^(ع)، دانشمند یهودی را در پذیرش نبوت حضرت محمد^(ص) همراه کرد. این شیوه می‌تواند بهترین نوع ارتباط با مخالفان باشد.

۴. روش استدلال یا ارتباط متقاعدگرانه

اصطلاح ارتباط متقاعدگرانه^۲ را می‌توان شامل طرح هر پیامی دانست که به قصد شکل دادن، تقویت یا تغییر پاسخ‌های شناختی، عاطفی و رفتاری دیگران طراحی شده باشد. به بیانی دیگر، شامل هرگونه ارتباطی است که به‌منظور تأثیرگذاری بر دیگری تنظیم شده باشد. بدین ترتیب اصطلاح متقاعدگرانه را صفت هر ارتباطی می‌توان شمرد که با هدف نفوذ و تأثیرگذاری طراحی شده باشد (حکیم‌آرا، ۱۳۷۴: ۶).

با ورود مباحث نگرش‌ها و متقاعدسازی به حوزه مطالعات ارتباطی، پاره‌ای از صاحب‌نظران کوشیده‌اند تا تعریف مستقلی از ارتباط متقاعدگرانه به‌دست دهند. در یک جمع‌بندی، ارتباط متقاعدگرانه بدین‌گونه تعریف می‌شود: کوششی آگاهانه و فعال به‌منظور تغییر نگرش باورها یا رفتار آدمی که از طریق ارسال پیامی انجام می‌شود که به‌همین منظور طراحی شده است.

۱. این فقره مورد استناد حضرت که با اندکی تفاوت در چند جای عهد قدیم و جدید آمده، در نسخه‌های کنونی آن نیز وجود دارد، ازجمله در اعمال رسولان، ۳: ۲۲ آمده است: موسی به اجداد گفت که خداوند، خدای شما، نبی‌ای مثل من از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیزخت (رک: تثنیه، ۱۸: ۱۵ و ۱۸: ۱۹ - ۱۸).

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۳۱

با این تعریف باید بیان کرد که آنچه در سیره امام رضا (ع) دیده می‌شود، از این نوع ارتباط است، چراکه ایشان همواره سعی در ارتباط کامل و هدفمند با مخاطبان خود داشتند. از رجاءبن ضحاک نقل شده است:

لا ينزل بلدا الا قصدہ الناس يستفتونه فی معالم دینهم فیجیبهم و یحدثهم الكثير عن ابيه، عن آبائه، عن علی، عن رسول الله (ص)؛ حضرت در هیچ سرزمینی وارد نمی‌شدند. مگر اینکه مردم به جنابشان رجوع کرده و در مسائل دینی از ایشان نظرخواهی می‌کردند، حضرت هم پاسخ آنان را می‌دادند و بر ایشان از طریق پدران بزرگوارشان احادیث پیامبر (ص) را به صورت فراوان نقل می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۹۶).

این نقل از رجاءبن ضحاک که تمام طول مسیر را با امام (ع) بوده نشان‌دهنده ارتباط کامل و متقاعدگرایانه امام (ع) با مردم است که شهر به شهر به تعداد این مردم افزوده می‌شد تا جایی که در نیشابور به حد اکثر خود رسید و حضرت از فرصت استفاده کرده و حدیث معروف سلسله‌الذهب را نقل کردند.

۵. روش سکوت

همان‌طور که سخن گفتن، ارائه پیام و تأثیر در ذهن مخاطب است، سخن نگفتن یا سکوت به موقع هم می‌تواند به نوعی ارسال پیام به مخاطب باشد و حتی بعضاً اثرگذارتر هم خواهد بود. درواقع سکوت، پیامی اعجازگر در امر ارتباط و یکی از جنبه‌های مهم ارتباط است، مشروط بر اینکه حاوی پیامی باشد.

در سیره خطبا و آیین سخنوران برای جلب توجه خاص مخاطبان در زمان ارائه نکات مهم و دقیق، از این روش استفاده می‌شود. امام رضا (ع) نیز از این روش در حدیث معروف سلسله‌الذهب که برای اثبات امامت و ولایت اهل بیت (ع) بر مردم بود، استفاده کردند.

همان‌طور که قبلاً بیان شد، امام (ع) در نیشابور در جمع عظیم مشتاقان اهل بیت (ع)، پس از طرح حدیث «لا اله الا الله حصنی، فمن دخل حصنی امن من عذابی»، سکوت کردند و کجاوه ایشان به حرکت درآمد؛ اما ایشان دستور توقف دادند و درحالی که همه متوجه این رفتار

حضرت شده و منتظر سخن دیگر باره ایشان شدند، فرمودند: «بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» در واقع امام^(ع) پس از این سکوت معنادار، به مردم نشان دادند که این بخش از مطلب، مهم‌تر و قابل تأمل‌تر از بخش قبلی بود و در حالی که توجه ویژه همگان را برانگیخته بودند، این مطلب را بیان کرده و ولایت خود را شرط وارد شدن به دژ محکم الهی یعنی توحید دانستند.

۶. روش اصلاح اندیشه‌ها

«اصلاح» و «طلب اصلاح» از دیدگاه منابع اسلامی در ذات دین قرار دارد و از ارکان هویت دینی است. اصلاح از طریق تطبیق شرایط زندگی با ارزش‌های دین، در هر عصری حاصل می‌شود. بنابراین بزرگ‌ترین مصلحان جهان، پیامبران هستند که راه صحیح زندگی را به انسان می‌آموزند. امام علی^(ع) می‌فرماید: «خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه، متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جوید و نعمت‌های فراموش‌شده را به یادآورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت را بر آنها تمام نمایند» (رک: نهج/البلاغه، خطبه اول).

لذا از دیدگاه اسلام و قرآن، اصلاح طلب باید در خط انبیا و با تمسک به تعالیم آنان و کتاب الهی به اصلاح جامعه بپردازد. قرآن کریم می‌فرماید: «ما اجر طالبان اصلاح را که با تمسک به کتاب خدا و به‌پا داشتن نماز در جامعه به طلب اصلاح می‌پردازند ضایع نخواهیم کرد» (اعراف/۱۷۰؛ اسماعیلی، بی‌تا: ۱).

علی‌رغم اینکه مأمون همواره در تلاش بود تا به نحوی، از ارزش و قرب و منزلت امام^(ع) در بین مردم کم کند اما شیوه ارتباطی ایشان به گونه‌ای بود که همواره باعث جذب قلوب مخاطبان و ایمان آوردن آنها به دین اسلام می‌شد. امام^(ع) با رفتار اصلاح‌گرا نه خود همواره سعی در بیداری و آگاهی اندیشه‌های مخاطبان داشتند و هرگز برای تخدیر افکار آنان سعی نمی‌کردند.

اگر میراث امام صادق^(ع) بیشتر معطوف به مباحث فقهی بوده، میراث امام رضا^(ع) بیشتر

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۳۳

متوجه جنبه‌های الهی و کلامی دین است. غیر از احادیث فقهی ارزشمند منقول از آن امام (ع)، مناظره‌ها و احادیث متعددی در این زمینه وجود دارد که پژوهشگران مسائل عقیدتی از آن استفاده می‌کنند. در این دسته احادیث، مباحثی همچون توحید و صفات خدا، نبوت و شناخت پیامبران، امامت و منزلت امامان وجود دارد.

نتیجه‌گیری

آنچه گفته شد سیره ارتباطی امام رضا (ع) در مسیر هجرت ایشان از مدینه به مرو مطابق با مدل ارتباطات انسانی برلو بود. اطلاع قبلی از مخاطب، دانستن زبان مخاطب، اطلاع دقیق از عقاید مخاطب، توجه به شرایط روز و رصد اتفاق‌های زمانه از جمله شیوه‌های ایشان در ارتباطات انسانی به صورت میان‌فردی، گروهی و جمعی بود که به اختصار در این نوشته مورد بررسی قرار گرفت. آنچه مهم است اینکه امام (ع) از انواع ارتباطات انسانی به تناسب شرایط زمان و مکان و نیاز مخاطب استفاده می‌کردند و این می‌تواند الگویی برای مدیران و مبلغان ما در ارتباط مؤثر با افراد باشد.

منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۷). *عیون اخبار الرضا^(ع)*. مترجم محمدتقی آقا نجفی اصفهانی، چاپ اول، قم: پیام علمدار.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۳ق). *الامالی*. قم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۵ق). *مناقب آل ابی طالب^(ع)*. نجف: المطبعة الحیدریه.
- اسماعیلی، سید محمد، (بی تا). «روش های اصلاحات در قرآن کریم». منتشر شده در سایت پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۰۵/۲۰.
- بیهقی، محمد بن حسین، (۱۳۶۸). *تاریخ بیهقی*. به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ اول، تهران: سعدی.
- پیوسته، مطهره، (۱۳۹۱). «پیشوای هشتم». *اشارات*، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، شماره هشتم: ۱۷۸-۱۸۸.
- جلیلی همدانی، قاسم (۱۳۸۴). *خورشید شرق گلبرگ*، شماره ۶۹: ۱۰۷.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۳۳۹). *تاریخ نیشابور*. مترجم محمد خلیفه نیشابوری، به کوشش بهمن کریمی، تهران: ابن سینا.
- حکیم آرا، محمدعلی، (۱۳۷۴). *ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ*. ویرایش اول، چاپ اول، تهران: سمت.

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۳۵

- حمیری، عبدالله ابن جعفر، (بی تا). *قرب الاسناد*. تهران: کتابفروشی نینوا.
- سپنجی، امیر عبدالرضا و نفیسه مؤمن دوست، (۱۳۹۰). «اقتناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم (ع)». *دین و ارتباطات*، سال هجدهم، شماره دوم: ۱۱۷-۱۴۴.
- سحاب، ابوالقاسم، (۱۳۳۴). *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (ع)*. تهران: اسلامیه.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۶۱). *الاحتجاج*. مصحح محمدباقر موسوی خراسانی، مشهد مقدس: المرتضی.
- طبری، محمد بن جریر، (بی تا). *دلایل الامامه*. نجف: مکتبه حیدریه.
- عرفان منش، جلیل، (۱۳۹۰). *همگام با امام رضا (ع) از مدینه تا مرو*. چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فیاض، ابراهیم، (۱۳۹۰). «الگوی ارتباطی آرمان شهر رضوی در سیره رفتار امام رضا (ع)». *کتاب آرمان شهر رضوی* (مجموعه مقالات ارائه شده به اولین همایش علمی- تخصصی آرمان شهر رضوی)، به کوشش سید محمد عیسی نژاد، مشهد: سازمان فرهنگی- تفریحی شهرداری مشهد، جلد دوم: ۲۶۳-۲۷۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۴). *اصول کافی*. مترجم و شرح جواد مصطفوی و هاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامیه.
- گیل، دیوید و بریجیت ادمز، (۱۳۸۴). *الفبای ارتباطات*. مترجم رامین کریمیان و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۵۶). *بحار الانوار*. مترجم موسی خسروی، تهران: اسلامیه.
- محسنیان راد، مهدی، (۱۳۸۹). *ارتباط شناسی*. چاپ نهم، تهران: سروش.
- مسعودی، ابوالحسن، (۱۳۴۳). *انبات الوصیه*. مترجم محمدجواد نجفی، تهران: اسلامیه.
- نجفی یزدی، سیدخلیل، (۱۳۶۴). *مناقب اهل بیت (ع)*. چاپ دوم، تهران: حیدری.
- نجفی یزدی، سیدمحمد، (۱۳۹۱). *حکایت آفتاب*. چاپ هفتم، مشهد: آستان قدس رضوی.

تکثر و تأثیر آن بر زندگی در سیره رضوی

محمدعلی طاهری نژاد*

چکیده

موضوع سرمایه و انباشتن آن در جامعه بشری از جمله مشکلات ویرانگر در همه اعصار بوده است. امروزه به واسطه ابزارهای جدید، محاسبه‌های رایانه‌ای، ماشینی شدن ابزارهای تولید و مصرف، دامنه تخریب و تأثیرگذاری این بیماری بزرگ اجتماعی، بسیار عمیق‌تر شده است. از رهاوردهای شوم آن می‌توان به جنگ‌ها و نابسامانی‌های گسترده در ابعاد اجتماعی که از طریق انباشتن سرمایه و ایجاد نظام سرمایه‌داری است، اشاره کرد. در این نوشتار که به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته، سعی شده تا نظام سرمایه‌داری و تکثرگرایی که از جهت مفهومی، مصادیقی و کاربرد قرآنی، همان فزون‌طلبی، برتری‌جویی و پیشی گرفتن از دیگران در اندوختن مال است، در سیره قولی و فعلی امام رضا^(ع)، با معیارها و ملاک‌های تکثر به‌طور عام و تکثرگرایی و آثار مادی و معنوی آن بررسی شود. واکاوی سیره و روایت‌های رضوی نشان می‌دهد اصالت دادن به مالکیت انسان، انحصار و احتکار و بیش‌غلط در کسب مال، از مهم‌ترین معیار و ملاک‌های تکثر در آموزه‌های دینی است. از سوی دیگر، رباخواری، کم‌فروشی، استعمار و تجمل‌گرایی، از آثار مادی و ترک کارهای خیر و گرایش به سودجویی، بی‌مسئولیتی و فراموش کردن آخرت نیز در شمار آثار معنوی تکثر بر زندگی شمرده می‌شود.

واژه‌های کلیدی

امام رضا^(ع)، سیره رضوی، تکثر، آثار مادی و معنوی، نظام سرمایه‌داری

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۰۲

*. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن کریم مشهد

M41taherynejad@gmail.com

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

نظام سرمایه‌داری از طریق تکاثر توانسته زمام امور جامعه را بر عهده گیرد و جایگاه اجتماعی خود را با زر و زور در میان اقشار مردم در دوره‌های زندگی بشری ارتقاء بخشد و حاکم بلامنازع مردم در این میان شود. در چنین نظامی، انسان، آزادی لازم و شایسته‌ای در حیات مادی، معنوی و اعتقادی خود ندارد. عملکرد او فقط در چارچوب‌هایی ظاهر می‌شود که نظریه‌پردازان انسان‌گرا از قبل برای وی مقرر کرده‌اند. این بدان معناست که انسان در نظام جدید بشری، به شیوه نو در اسارت و یوغ نظام فکری، فرهنگی، عاطفی و مذهبی به‌سر می‌برد. انسان در چنین نظامی، مسخ و از درون تهی می‌شود. این ضربه سهمگین و جبران‌ناپذیر بر پیکره مقدس انسان الهی، بخشی از رهاورد نظام سرمایه‌داری جدید به شکل تکاثر است و برای نجات، راهی جز شناخت درست این پدیده و منشأ آن در بُعد انسان‌شناسی با توجه به معیارهای اصیل الهی در قرآن و روایت‌ها وجود ندارد. از این‌رو به بخشی از تعالیم امام رضا^(ع) - به‌عنوان مفسر وحی - اشاره شده است.

موضوع‌شناسی

موضوع سرمایه و ثروت، قلمروی زیادی دارد، یکی از آنها در جهان‌بینی توحیدی، تکاثر بوده که از مظاهر حیات مادی شمرده شده و تأثیر بسزایی بر سرنوشت انسان گذاشته است.

۱. سرمایه و ثروت در اسلام

در جهان‌بینی انسانی اسلام، اینکه فرد فقط به بُعد مادی بیندیشد و تمام سعی خود را به جمع‌آوری ثروت (تکاثر) معطوف دارد، مقبول نیست و بارها نسبت به کسانی که همه همت خود را به زندگی مادی گره زده‌اند، هشدار داده شده است. «أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا؛ ای رسول، دیدی حال آن کس را که به آیات ما کافر شد و گفت: من البته مال و فرزند بسیار خواهم داشت» (مریم/۷۷).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۳۹

آیات و روایات، چنین اندیشه‌های غلطی را مایه اسارت و اختناق مادی بشر دانسته و توصیه می‌کنند فریب آن‌را نخورند، چون نتیجه قهری کثرت‌طلبی و تکاثر بی‌حد و مرز، باعث تباهی شده، انسان را کم‌کم به کام هلاکت کشانده و در زمره زیانمندترین مردم در معامله‌ها و نومیدترین آنها در تلاش و سعی قرار می‌دهد (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۵۵۲). قرآن تصویر چنین نمونه‌هایی - مانند فرعون، قارون و ابوجهل - را که مصداق بارز این رفتارهاست بیان می‌دارد. «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا؛ می‌گوید: مال بسیاری تلف کردم» (بلد/۶؛ زخرف/۵۲؛ قصص/۷۸). البته در صورتی که ثروت در خدمت اهداف و انگیزه‌های الهی قرار گیرد، در آموزه‌های دین مورد تمجید و ستایش قرار گرفته (مفضل بن عمر، ۱۳۷۹: ۵۲) و آن‌را موجب تقرب به خدا (سبأ/۳۷)، شاخصی برای جهاد در راه خدا (نساء/۹۵) و فضل خدا (جمعه/۱۰) شمرده است. همچنین نبودن یا کمبود ثروت را برای چنین اهدافی مایه سقوط فرد و جامعه دانسته و آن‌را «موت الاکبر» می‌داند (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۷۱۵) و دوست نداشتن آن، به‌منزله شایستگی نداشتن فرد تلقی می‌شود، امام صادق^(ع) می‌فرماید:

لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحْمَةً؛ در کار کسی که مال را دوست ندارد، برای اینکه به‌وسیله آن، آبروی خود را حفظ کند، بدهی‌های خود را بپردازد و نیز صله رحم انجام دهد، خیر و شایستگی وجود ندارد (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۵: ۷۲).

مفهوم‌شناسی تکاثر

کلمه تکاثر از ریشه «کثره» نقیص «قله» ثلاثی مزید و از باب تفاعل است (ابن‌فارس ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۶۰)، بدین معنا که شخصی به دیگری فخر بفروشد که مال و فرزند بیشتری دارم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۹: ۲۸۸). واژه «تکاثر» و «مکاثره» مترادف هستند و به معنای رقابت و پیشی گرفتن از دیگران در ثروت‌اندوزی است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۰۳). با توجه به این معانی، درواقع تکاثر از طریق مال‌اندوزی، دشمنی خدا را برمی‌انگیزد و به‌وسیله آن بر دوستداران خدا فخر می‌فروشد (فخررازی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۵: ۱۳۴).

خاستگاه و منشأ تکاثر طلبی، قوه شهوانی و تعلق‌های دنیوی است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰: ۲۹). گرایش به آن، این صفت را در وجود آدمی متجلی کرده و او را در جهت مال‌اندوزی و افزون‌طلبی سوق می‌دهد. از دیگر عوامل عمده بروز این حس (قوه شهوانی)، جهل و نادانی نسبت به پاداش‌ها و کیفرهای الهی و بی‌ایمانی به معاد و (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۲۷: ۲۸۱) ناآگاهی نسبت به ضعف‌ها و ناتوانی‌های فردی یا نگرش‌های سیستمی سرمایه‌داری است (صدر، ۱۳۵۰: ۳۰۲).

۱. کاربردهای قرآنی

واژه تکاثر دو بار در قرآن کریم آمده است. در یک سوره (همزه/۱) بدون متعلق آمده و در دیگری (حدید/۲۰) با متعلق آن که اولاد و اموال ذکر شده است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷: ۱۵۳). البته از نگاه قرآن، دامنه و گستره آن مربوط به مصادیقی (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۹۵۳) است که منجر به دوری از خداوند متعال می‌شود (نور/۳۷) و به دنبال آن سرکشی و طغیان فرد (علق/۷) سرلوحه زندگی قرار گرفته و همیشه با نگاه کوتاه‌بین خود، مال و اولاد را پشتوانه خود می‌داند (سباء/۳۴). از این رو، لحن کلام چنین تفکری، بزرگداشت خود و نادیده گرفتن مقام و شأن خدا خواهد بود (کهف/۳۴)، در حالی که اینها در پیشگاه خداوند در روز حساب برای صاحب چنین تفکری منفعت ندارد (شعراء/۸۸).

ملاک و معیارهای تکاثر

کسب ثروت از راه و روش‌های غیرمعمول، مغایر آموزه‌های دینی و در حقیقت به‌عنوان یک ضد ارزش قلمداد شده است (مصباح/الشريعة منسوب به جعفر بن محمد^(ع)، ۱۳۶۰: ۳۸). تعلق انسان به اشیاء که باعث بر هم زدن توازن ثروت در جوامع انسانی شده (مطهری، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۷)، از عمده‌ترین عوامل انحطاط جامعه انسانی است. باید دانست که دلیل این امر ریشه در جهان‌بینی نادرست بشر دارد، چون جهان‌بینی و نگرش افراد، ماهیت زندگی انسانی را شکل می‌دهد و همین امر نادرست، بر هدف، معنا و سبک زندگی تأثیر می‌گذارد.

تکثیر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۱

لذا ملاک و معیارهای غلط، حاکمیت ارزش‌های نظام سرمایه‌داری و مال‌اندوزی، می‌تواند زمینه‌های منجر به پیامدهای خطرناک را به وجود آورد.

۱. اصالت دادن به مالکیت انسان

در جهان‌بینی‌های غیرالهی که مبنای آن بر اصالت نفع فرد (اصالت نفع) قرار دارد (ایروانی، ۱۳۹۱: ۵۶)، همواره مالکیت به‌عنوان پدیده‌ای اثرگذار در طول تاریخ، خود را نشان داده است و توانسته منشأ بسیاری از فسادها و بیدادگری‌ها در عرصه اجتماعی باشد. دلیل اصلی این نقش محوری در مالکیت، به انسان کاملاً نیازمند برمی‌گردد، چون انسان، همیشه درصدد رفع نیازهای خود برآمده و به دنبال تأمین آرامش جسمی، مادی، روحی و روانی خود است. تأمین نیازهای انسانی نیازمند داشتن مال و توانایی‌های دیگر است و همین امر باعث بروز مالکیت در زندگی انسان می‌شود. گرچه مالکیت، رابطه و پیوندی است میان شخص و چیزی که آن را به نحوی به دست آورده (سبحانی، ۱۳۹۱: ۴۷)، اما این امر می‌تواند حس فروز طلبی را در انسان ایجاد کند و اکتفا نکردن به نیازهای کنونی و در نظر گرفتن آینده نیز می‌تواند مزید بر علت این حس که همان تکثیر است، باشد. انباشتن ثروت و گردآوری کالاها از همین معبر رخ می‌دهد و باعث بر هم زدن تمام مقلدات جوامع انسانی می‌شود. امام رضا^(ع) در ذیل آیه «وَاَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسُهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...»

(انفال / ۴۱) فرمودند:

قَطَّوْطٌ عَلَيْنَا بِذَلِكَ امْتِنَانًا مِنْهُ وَرَحْمَةً إِذَا كَانَ الْمَالِكُ لِلنَّفُوسِ وَالْأَمْوَالِ وَسَائِرِ الْأَشْيَاءِ
الْمَلِكُ الْحَقِيقِيُّ وَكَانَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ عَوَارِي وَأَنَّهُمْ مَالِكُونَ مَجَازًا لَا حَقِيقَةً لَهُ؛ وَاز
آن جهت چنین کرد تا با رحمت خود بر ما منت گذارد، زیرا مالک جان‌ها، مال‌ها و
چیزهای دیگر خود اوست که مالکیت حقیقی دارد و آنچه در دست مردم است
عنوان عاریه دارد، مردمان به مجاز مالکند نه به حقیقت و آنچه مردم به دست
می‌آورند (از راه کسب و کار، بازرگانی، صنعت و ...) همه، در حقیقت غنیمت است
(یعنی مالک خمس آن نیستند و باید بپردازند) (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا^(ع)،

۱۴۰۶ق: ۴۳۹).

در این بیان، حضرت، مالکیت حقیقی را ویژه خداوند می‌دانند، یعنی در حقیقت ایشان مالکیت برای غیر خدا را امری اعتباری دانسته و آن را برای خداوند مطلق می‌دانند.

«وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ؛ و آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه ملک خداست» (نجم/۳۱) و مالکیت دیگران محدود و نسبی، یعنی این مفهوم مالکیت، عینیتی در خارج ندارد و فقط اعتباری جعل شده است تا رابطه مالک و مملوک که در خارج از فضای ذهن انسان عینیت دارد، شکل گرفته و باعث رونق و ادامه تصرف و بهره‌مندی شود. به عنوان مثال:

جوانی که به دریا می‌رود، به صید ماهی می‌پردازد و ماهی بزرگی را صید کرده و آن را به بازار فروش حمل می‌کند، روی آن قیمت معینی می‌گذارد و برای فروش و هبه، خود را از تمام افراد، صالح‌تر می‌داند، در حقیقت تصور مالک و مملوک را ترسیم می‌کند و این چیزی غیر از رابطه اعتباری که همان مالکیت باشد، نشان داده نمی‌شود (سبحانی، ۱۳۹۱: ۴۷).

حضرت رضا^(ع) فرمودند: «وَأَنَّهُمْ مَالِكُونَ مَجَازًا لَا حَقِيقَةً لَهُ وَكُلُّ مَا أَفَادَهُ النَّاسُ فَهُوَ غَنِيمَةٌ؛ مردمان، مالک مجازی (عاریتی) هستند که مالکیت آنان حقیقتی ندارد و همه آنها را از راه سود به دست می‌آورند، در حقیقت غنیمت است» (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۵۲).

انسان‌ها به طور تکوینی و تشریعی، مجاز به استفاده از تمام مواهب الهی هستند، ولی اجازه، جنبه وکالتی و امانت‌داری دارد و فقط می‌توانند در نقش وکیل تصرف کرده و از آن بهره ببرند. امام رضا^(ع) در ذیل تفسیر آیه غنیمت فرموده‌اند:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقْيِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ و ای مؤمنان بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید، خمس آن خاص خدا، رسول و خویشان او، یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود در روز فرقان، روزی که دو سپاه روبرو شدند نازل کرده‌ایم، ایمان آورده‌اید و خدا بر هر چیز تواناست (انفال/۴۱).

چون خداوند متعال مالک حقیقی است و آنچه در اختیار انسان است از سفره گسترده

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۳

نعمت‌های الهی برداشته شده، پس در حقیقت، انسان غنیمت‌بردار این خوان است، اموال او همه در حکم غنائم است و دیگران در آن سهیم هستند. پس در هر چیزی که مردم بهره می‌برند، چه کم و چه زیاد باشد (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۶۹۰)، «... وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ...» (حدید/۷) باید بخشی از آنرا انفاق کنید.

۲. انحصار و احتکار

یکی از راه‌های افزایش بی‌رویه ثروت، پدیده زشت احتکار و انحصار است. اقبال عده‌ای به این عمل، می‌تواند کمبود کاذبی پدید آورد، نرخ‌های اجناس و مایحتاج مردم را به‌طور ساختگی بالا برد و باعث افزایش ثروت آنان شود. کاربرد این معیار که بیشتر در جوامع با اقتصاد باز و آزاد جاری است، تمام جریان مولفه‌های اقتصادی را به‌سوی غایت معینی که سود بیشتر و انباشتن ثروت است، سوق می‌دهد. گرچه اسلام نیز، اصل را بر آزادی اقتصادی گذاشته است، ولی این آزادی تحت قیود و ارزش‌های مورد نظر مکتب اسلام است و نه آزادی مطلق، که فضای هرج و مرج را در پیش روی فرصت‌طلبان قرار می‌دهد. دستور اکید خداوند در آیه هفتم سوره حشر به پیامبر^(ص) این است که ثروت به‌دست آمده از جنگ را بین صحابه مهاجر و انصار خود تقسیم کند تا ثروت فقط در دست ثروتمندان قرار نگیرد.

امام رضا^(ع) درباره انحصارطلبی فرموده‌اند: «...وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَهْلِ الْإِسْتِثَارَةِ؛ بَرَاءَتِ از انحصارطلبان در اموال، از اسلام و ایمان است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۲۶؛ عطاردی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۵۰۲).

استثثار (انحصارطلبی) از آثار شوم سرمایه‌داری و شیوه‌های نظام اشرافی و تکاثری است. استثثار در لغت به این معناست که انسان مال و متاع یا چیزی را که مورد میل و رغبت و نیاز دیگران است، ویژه خویش سازد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۲۳۸) و با خودکامگی و استبداد، دست دیگران را از آن کوتاه کند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۹۹).

امام رضا^(ع) در فرازی از نامه خود به مأمون فرموده‌اند: دوستی اولیای خدا واجب است

و دشمنی با دشمنان خدا و بیزاری از ایشان و از پیشوایان واجب است... و بیزاری از انحصارطلبان (لازم است) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۲؛ حکیمی، ۱۳۷۶: ۳۴۳). حضرت علی^(ع) به مالک اشتر فرمودند: مبدا در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی خواهی (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۴). دلیل برائت جستن از چنین افرادی، بیشتر به آثار و تبعات آن دلالت دارد. روحیه تکاثر و افزودن ثروت و انباشتن آن، علاوه بر اینکه بسیاری از مردم را از نیازهای اولیه خود محروم می‌سازد، تبعات شومی مانند رشوه‌خواری که در این آیه بیان شده است: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و خوردن مال حرام، شتاب می‌کنند! چه زشت است کاری که انجام می‌دادند!» (مائده/ ۶۲) و نیز رفع حاجت کسی مشروط به هدیه را نیز به دنبال دارد، زیرا امام رضا^(ع) فرمودند: «الرَّجُلُ الَّذِي يَقْضِي لِأَخِيهِ الْحَاجَةَ - ثُمَّ يَقْبَلُ هَدِيَّةً؛ مردی که حاجت برادر خویش را برآورده می‌کند و سپس هدیه او را می‌پذیرد» (۱۴۰۶ق: ۸۲).

بشری که غالباً با تحصیل و دستیابی به ثروت، رفاه بیشتر می‌یابد، خود به خود به اسارت دنیا درآمده و به همان اندازه از خدا غافل می‌شود، به‌طوری‌که در حالت معمول باید با افزونی نعمت، شکرگزار خداوند بود، اما متأسفانه در این‌گونه افراد، روحیه عیاشی و خوشگذرانی اوج می‌گیرد تا آنجا که از موارد مشروع و مجاز الهی تجاوز می‌کند، یعنی با برخورداری از رفاه و راحتی بیشتر، سر به طغیان می‌گذارد (شوری/ ۲۷) و ادامه، به تعبیر قرآن کریم، این وضعیت منجر به مخالفت‌های زیادی با فرامین الهی می‌شود (سباء/ ۳۴) و در نهایت، آثار فساد این روش، دامن جامعه را می‌گیرد و حتی کسانی که در حاشیه این نوع سبک زندگی هستند به عذاب الهی دچار می‌شوند (اسراء/ ۱۶).^۱

این نتیجه حتمی که محصول نظام سرمایه‌داری است، باعث پدید آمدن جامعه طبقاتی و

۱. «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْنَا الْقَوْلُ فَنَدْمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای مترفین آنجا (و ثروتمندان مست شهوت) بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم» (اسراء/ ۱۶).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۵

گردش ثروت در دست توانگران و استثنای (انحصارطلبی) اموال عمومی به طبقه‌ای خاص می‌شود و در مجموعه آموزش‌های رضوی مردود است. عبدالله بن صلت گوید، مردی از اهل بلخ گفت: در سفر خراسان با امام رضا^(ع) بودم، روزی سفره‌ای انداختند و غلامان سیاه و غیرسیاه را بر سفره گرد آوردند. گفتم: کاش برای اینها سفره‌ای جدا می‌انداختید: فرمودند: خاموش! خدای همه یکی است، مادر یکی، پدر یکی و پاداش هر کس بسته به کردار اوست (کلینی، ۱۳۸۲ق، ج ۲: ۴۸/۲).

۳. بیش غلط در کسب مال

از جمله عواملی که منجر به تکاثر و انباشتن سرمایه می‌شود، نوع نگرش و شناخت فرد نسبت به زندگی فعلی و آینده اوست. وقتی انسان به هر بهانه‌ای، خود را از نظام منسجم و منظم مکتب الهی رها کند، در حقیقت سرنوشت خود را در اختیار نظامی افسارگسیخته و حریص قرار داده است. از این رو، در این مسیر به هر روشی برای رسیدن به هدف که کسب سرمایه است، چنگ می‌زند.

امام رضا^(ع) فرمودند:

...و حُرْمَةُ السَّرِقَةِ لِمَا فِيهِ مِنْ فُسَادِ الْأَمْوَالِ وَ قَتْلِ الْأَنْفُسِ لَوْ كَانَتْ مُبَاحَةً وَ لِمَا يَأْتِي فِي التَّعَاضُبِ مِنَ الْقَتْلِ وَ التَّنَازُعِ وَ التَّحَاسُدِ؛ سرقت تحریم شد چون مایه فساد اموال و کشتن مردمان است و به این علت که دست‌درازی و غضب (اموال دیگران) موجب کشتار، درگیری و حسدورزی است و اینها، مردم را به رها کردن داد و ستد و کسب مال از غیر راه صنعت و کار فرا می‌خواند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۹۷/۲).

در این حدیث شریف که ذکر شد، فساد مالی، تجاوز و قتل روشن است. زیرا با سرقت و غضب، جریان مال در جامعه دچار هرج و مرج می‌شود و امنیت کافی برای کارهای اقتصادی باقی نمی‌ماند. در حقیقت، حرام دانستن چنین درآمدهایی در شریعت که از طریق قمار، غناء، مجالس لهو و لعب و ... به دست می‌آید، همگی برای تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی جوامع انسانی است که از این رهگذر، می‌توان به ایجاد روابط عادلانه و مدیریت

عاقلانه رسید و از پایمال کردن حقوق مردم جلوگیری کرد.

امام رضا^(ع) فرموده‌اند: «...وَإِذَا فَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ وَارْتَكَبَ كُلُّ إِنْسَانٍ مَا يَشْتَهِي وَيَهْوَاهُ مِنْ غَيْرِ مُرَاقَبَةٍ لِأَحَدٍ كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ...» (همان: ۹۹)، زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست زدند، هر کس هر چه دلش خواست کرد، بدون اینکه کسی نظارت کند، مردم همگی به فساد و تباهی دچار می‌شوند (حکیمی، ۱۳۷۶: ۴۸). این حدیث می‌گوید آزادی مطلق در فعالیت‌های اقتصادی مانند به‌دست آوردن پول، فروش کالا به هر قیمت و رفتارهایی که با عقاید، باورها و احکام الهی منطبق نیست، ممنوع است (نساء/ ۲۹)^۱.

تکثرگرایی و تأثیر آن بر زندگی در بیان امام رضا^(ع)

یکی از امتیازهای هر نظام اقتصادی، توانایی آن در تعدیل ثروت و مؤلفه‌های اقتصادی است. نظام اقتصادی که زندگی بشر را شکل می‌دهد، به‌مثابه ارگان‌یسمی دارای حیات، فعالیت می‌کند. گاه و بی‌گاه این پیکر نیز مانند بدن انسان در معرض نوسان‌ها و حوادث ناگهانی و مختلف قرار می‌گیرد. اهمیت و ارزش یک نظام، زمانی روشن می‌شود که بتواند در مقابل تمام شوک‌های مادی و معنوی، مقاومت کند و خود را با شرایط و مقتضیات پیش‌آمده، تطبیق دهد. از این‌رو طبق باور برگرفته از قرآن و مجموعه آموزه‌های معصومان^(ع)، بهترین نظام اقتصادی که می‌تواند در حوزه‌های مختلف برای جامعه بشری تعدیل و اعتدال ایجاد کند، نظام اقتصادی اسلام است. در این بخش به یکی از پدیده‌های جاری، یعنی تکاثر و تأثیر آن از بُعد مادی و معنوی بر زندگی از منظر امام رضا^(ع) پرداخته می‌شود.

۱. آثار مادی تکاثر بر زندگی

توجه به مادیت و افزون‌طلبی، به‌طور غریزی در انسان وجود دارد^۲ (عادیات / ۸). این

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است» (نساء / ۲۹).

۲. «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ؛ و او علاقه شدید به مال دارد!» (عادیات / ۸).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۷

ویژگی در طول تاریخ توانسته است افراد زیادی را سرگرم خود کند و آنان را از هدف متعالی دور سازد. قرآن کریم در این باره به شعار بنی اسرائیل اشاره دارد آنجا که می‌فرماید:

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ
الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا...؛ و نیز به خاطر بیاورید زمانی را
که گفتید: ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفاء کنیم! از خدای خود
بخواه که از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات، خیار، سیر، عدس و پیازش، برای ما
فراهم سازد (بقره / ۶۱).

وقتی آنان قدر نعمت‌های الهی، از جمله نعمت رهبری حضرت موسی^(ع) را ندانستند، تنوع‌طلبی و تکاثرطلبی را پیشه خود ساختند و شعار «لَنْ نَصْبِرَ» را سردادند، خطاب آمد: به شهر درآیید، آنچه می‌خواهید (از تنوع و تکثر رزق) در آنجاست (بقره/۶۱). اما پیامد آن، خواری و ذلت در حیات مادی خواهد بود (همان). چنین روحیه‌ای درباره تمام کسانی که هدف و محور زندگی خود را در مسیر غیرالهی قرار دادند، منطبق است. مانند سرمایه‌داری که از طریق ربا دنبال فزونی مال خویش است و خداوند فرمود: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»؛ خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنه‌کاری را دوست نمی‌دارد» (بقره/۲۷۶).

رباخواری

روحیه تکاثر، انباشتن ثروت و دامن زدن به آن، باعث می‌شود که فرد برای رسیدن به این هدف سرمایه خود را از راه‌های مختلف به کار گیرد. اسلام در حالی که از احتکار، گنج کردن پول و راکد گذاردن آن جلوگیری می‌کند، بهره‌کشی به وسیله پول از طریق رباخواری را نیز ممنوع کرده است (نساء/۱۶۱). نکوهش رباخواری و توصیه به پرداخت حقوق واجب، از جمله زکات (روم/۳۹)، وعده عذاب به یهودیان کافر به خاطر کردار رباخواری (آل عمران/۱۳۰) و اعلام جنگ با خدا و رسولش (بقره/۲۷۸) همه نشان از پیامدهای زشت این عمل دارد.

امام رضا^(ع) در خصوص علت تحریم ربا فرمودند:

وَعَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا إِنَّمَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ لِمَا فِيهِ مِنْ فُسَادِ الْأَمْوَالِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى الدَّرْهَمَ بِالْأَرْهَمَيْنِ كَانَ تَمَنُّ الدَّرْهَمِ دَرَاهِمًا وَتَمَنُّ الْآخِرِ بَاطِلًا فَبَيَعَ الرِّبَا وَكُسَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَلَى الْمُشْتَرِي وَعَلَى الْبَائِعِ فَحَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الرِّبَا لِعَلَّةِ فُسَادِ الْأَمْوَالِ كَمَا خَطَرَ عَلَى السَّقِيهِ أَنْ يَذْفَعَ مَالَهُ إِلَيْهِ لِمَا يُتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مِنْ إِفْسَادِهِ حَتَّى يُؤْنَسَ مِنْهُ رُشْدُهُ فَلِهَذَا أَلَعَلَّتْ حَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا؛ علت حرام بودن ربا؛ خدای بزرگ بدان جهت ربا را نهی کرده که مایه تباهی اموال است، چه اگر آدمی یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای درهم یک درهم است و درهم دوم ناحق است، پس فروختن و خریدن به ربا به هر حال مایه زیان خریدار و فروشنده است. این است که خداوند متعال، ربا را از جهت فسادى که در اموال پدید می‌آورد حرام کرده است، به همان گونه که دادن مال شخص سقیه را به دست او حرام کرده است، چه در اینجا نیز بیم فساد شدن مال می‌رود، تا زمانی که به رشد برسد چنین است و علت تحریم ربا در تأخیر پرداخت بدهی نیز، از بین رفتن معروف و نیکی است و تلف شدن اموال و تمایل مردمان به ربح (بهره) و ترک وام دادن و به کار نیکو پرداختن. اینها همه سبب فساد است و ظلم و نابودى اموال مردمان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۹۴-۹۳).

ایشان در این روایت بر پیامد فساد در اقتصاد ربوی تکیه می‌کنند. چون به ظاهر در جریان ربوی، مال رباخوار فاسد و نابود نمی‌شود، بلکه رشد می‌کند، اما از طرفی دیگر شیوع فساد مالی و نابودی در کل اقتصاد جامعه و اموال توده‌های مردم جریان می‌یابد. اموال باید مانند خون به طور متعادل در تمام اندام اجتماع جریان یابد، چیزی که این جریان را به هم می‌زند و باعث می‌شود در برخی از اندام اجتماع، متراکم و بخشی از اعضا را با کم‌خونی روبرو کند، نظام ربوی است.

امام رضا^(ع) در فرازی دیگر، از عقبه نظام ربوی پرده برداشته و می‌فرمایند:

وَعَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا بِالنَّسِيئَةِ لِعَلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَتَلَفِ الْأَمْوَالِ وَرَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَتَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَصَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ وَلِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفُسَادِ وَالظُّلْمِ وَقَسَاءِ

تکثیر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۹

أَمْوَالٌ...؛ علت تحریم ربا در نسیه (معامله‌های غیر نقدی)، نابودی و تباهی اموال
است... (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۳/۲).

روایت بیان شده، به یک واقعیت حتمی اجتماعی اشاره دارد که سرمایه‌دار با روحیه تکاثرگرایی خود می‌تواند همچون مکنده قوی، خون کل جامعه را بمکد و رفته‌رفته به نابودی بکشاند، بخش عظیمی از بدنه جامعه را تباه کند و جریان حقیقی یک زندگی را که باید همراه با نشاط، پیشرفت و تعالی باشد، منحط سازد.

کم‌فروشی و استعمار

از دیگر مشخصات روحیه افراد افزون‌طلب، کم بها دادن به دسترنج مردم است. به‌طور مثال در مقابل زحمت فراوانی که کارگران برای استخراج مواد اولیه از دل طبیعت و مزارع متحمل می‌شوند، عده‌ای ارزش واقعی کار آنها را پرداخت نمی‌کنند و به تعبیر قرآن کریم اعمال «بخس» می‌کنند (هود/۸۵؛ اعراف/۸۵).

مرحوم طبرسی ذیل آیه «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» می‌گوید: «غرض آیه این است که حق مردم را کم نکنید و ایشان را از حقوقشان محروم مسازید» (۱۳۷۸، ج ۱: جزء ۷ و ج ۸: ۸۰۴).

امام رضا^(ع) فرمودند:

اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ وَ هِيَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْفِرَاقُ مِنَ الزَّحْفِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا وَ أَكْلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلًا بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ بِهِ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ السُّحْتِ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْبَخْسُ فِي الْمِيزَانِ وَ الْمَكْيَالِ وَ قَدْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ الزَّنا وَ اللَّوْاطُ وَ الشَّهَادَاتُ الزُّورُ وَ الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛ از گناهان کبیره مانند آدم‌کشی، کاستن پیمان‌ه و خیانت پرهیز کنید... (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق: ۴۲۲).

سرمایه‌داران از این رهگذر به اموال فراوانی دست می‌یابند و همواره از رشد تصاعدی سرمایه برخوردار و در مقابل، توده‌ها و اقشار جامعه روز به روز ناتوان‌تر می‌شوند.

وَمَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أَجْرَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَحَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ - وَرِيحُهَا يُوجَدُ مِنْ
مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ؛ هر کس به کارگری ظلم کند، خداوند اعمال او را تباه می‌سازد
و نسیم بهشت را بر او تحریم می‌کند، حال آنکه نسیم بهشت از مساحت ۵۰۰ سال
راه به مشام می‌رسد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۱۰۷).

استثمار و بهره‌کشی از فرد، در حقیقت نوعی خوار شمردن اوست. نتیجه این نوع رفتار
علاوه بر پیامدهای روانی، می‌تواند برای قشر عظیمی از جامعه، محرومیت شدید اقتصادی
را به دنبال داشته باشد.

تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی افسارگسیخته می‌تواند نتیجه ثروت‌های بادآورده‌ای باشد که
فرد از طریق تبانی، امتیازهای انحصاری و پرداخت نکردن حقوق شرعی و قانونی به‌دست
آورده است. این امر می‌تواند افراد برخوردار از درآمدهای زیاد را به زندگی اشرافی و
تجمل‌گونه سوق و در مسیر ولخرجی و اسرافکاری قرار دهد. این‌گونه ولخرجی‌ها موجب
می‌شود که بخشی عظیمی از امکانات جامعه در اختیار آنها قرار گیرد و عده زیادی بی‌بهره
و گرفتار فقر و نداری شوند. امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ» (همان، ج ۱۷:
۴۶)، البته اسلام با تحریم اسراف و تجمیع ثروت و تشویق به انفاق، از بروز تضادها و
اختلاف ثروت‌ها جلوگیری می‌کند. اساساً این تحریم‌ها، چنانچه ذکر شد به‌منزله استفاده
نکردن از نعمت‌های الهی نیست. وقتی نعمت‌ها با رعایت شرایط و ضوابط آن مانند حلال
بودن منبع درآمد، اسراف نکردن و ادای حقوق دیگران به‌دست آید، استفاده از آنها از نظر
شرع پسندیده و مطلوب است. ابی طیفور پزشک گفت:

سَأَلَنِي أَبُو الْحَسَنِ (ع) أَيَّ شَيْءٍ تَرَكَبْتُ قُلْتُ حِمَارًا فَقَالَ بِكُمْ انْتَعَتْهُ قُلْتُ ثَلَاثَةَ عَشَرَ
دِينَارًا فَقَالَ إِنَّ هَذَا هُوَ السَّرْفُ أَنْ تَشْتَرِيَ حِمَارًا بِثَلَاثَةِ عَشَرَ دِينَارًا وَتَدْعَ بِرَدِّئِهَا؛ امام
رضا (ع) از من سؤال کردند: سوار چه مرکبی می‌شوی؟ گفتم: الاغ. گفتند: چند

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۵۱

خریدی؟ گفتیم: ۱۳ دینار. گفتند: این خود اسراف است که خری به ۱۳ دینار بخری
و اسب نخری (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۳۰/۲۲).

خداوند متعال در قرآن کریم با تعبیر مختلفی، بهره‌برداری از همه مواهب و امکانات
طبیعی را توصیه کرده است (نحل/۸۰). این بیانات در صورتی راهگشاست که در جامعه،
تعادل و توازن در امور مالی جاری باشد.

از منظر دیگر، امام رضا^(ع) برای جلوگیری از محرومیت عده‌ای از مردم، افراد بهره‌مند و
برخوردار از ثروت را به اداره امور آنان امر می‌کند: «عِلَّةُ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ
أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبُلُوَى» (ابن بابویه،
۳۷۸ق، ج ۱: ۸۹/۲). خدا، توانمندان را مکلف کرده است که امور زندگی بیماران زمین‌گیر
و تیره‌بختان را سامان دهند. نادیده گرفتن این بیانات می‌تواند ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر
پیکره جامعه اسلامی وارد کند. مسئله تورم به عنوان یکی از مشکلات نظام‌های اقتصادی
جهان امروز، رهاورد جریان تکاثری و رشد ناموزون نظام سرمایه‌داری است که منجر به بر
هم زدن تعادل در جامعه می‌شود.

امام سجاد^(ع) در توصیف مردمان چنین روزگاری می‌فرماید:

مردمان در روزگار ما بر شش طبقه‌اند: شیر، گرگ، روبه، سگ، خوک و گوسفند.
شیرصفتان، پادشاهان دنیایند که هر یک دوست دارد (بر همه) چیره باشد و کسی
بر او چیره نشود. گرگ‌صفتان، بازرگانان هستند که هر وقت (کالایی بخواهند) بخرند،
آن را نکوهش و هر گاه خواستند، بفروشند، ستایش می‌کنند. روباه‌صفتان، کسانی
هستند که از راه دینشان نان می‌خورند و آنچه بر زبان توصیف می‌کنند در دل‌هایشان
نیست. سگ‌صفتان، کسانی هستند که با گفتار خود بر مردم زوزه می‌کشند و مردم
از شر زبان‌شان متنفرند. خوک‌صفتان، نامردان و امثال آنانند که بر هر کار زشت و پلیدی
فراخوانده شوند، پاسخ می‌گویند. گوسفند‌صفتان، کسانی هستند که پشم‌هایشان را
می‌چینند، گوشت‌هایشان را می‌خورند و استخوان‌هایشان را می‌شکنند. گوسفند در
میان شیر، گرگ، روباه، سگ و خوک چه بکند؟ (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۲۵/۶۷).

۲. آثار معنوی تکاثر بر زندگی

تکاثر و ترس از انفاق به عنوان پدیده شوم نظام سرمایه‌داری، ریشه در خوی و شیوه تفکر و نگرش فرد دارد (اسراء/۱۰۰)^۱. از این رو برای شناخت ماهیت این پدیده و پی بردن به آثار آن بر زندگی انسان، باید قبل از طرح هر موضوعی به خود انسان بازگشت. معیار تمایز بنیادین بین بینش مکتب اسلام با مکاتب دیگر، این است که تمایل به غذا، گرایش جنسی، حب مال و جاه، تجمل‌خواهی، تکاثرگرایی و ... همگی قبل از تولد فرد، فعالیت خود را در رحم مادر با نیروی جذب غذا آغاز و پس از آمیختگی با مجموعه نظام فرهنگی و تربیتی در جامعه رخ‌نمایی می‌کنند. در مکتب اسلام برای تشخیص آثار و پیامدهای موضوعاتی همچون تکاثر باید به انگیزه درونی فرد، اندیشه‌ها و روحیه او رجوع کرد و با پی بردن به آن معایب، به تهذیب و تربیت پرداخت.

ترک کارهای خیر و گرایش به سودجویی

در نظام سرمایه‌داری، رفتار افراد بر محور سود و رشد ثروت متمرکز می‌شود. کسانی که به روحیه تکاثرگرایی آلوده شده‌اند، در مسائل زندگی تمام هم و غم خود را متوجه زیاد شدن ثروت می‌کنند. امام رضا^(ع) یکی از دلایل تحریم ربا در نسیه را، از دست رفتن نیکوکاری، گرایش مردم به سودخواهی و رها کردن کارهای نیک می‌دانند (عطاردی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۳۰۶).

افراد با چنین روحیه‌ای، هر کار خیری را به منزله ضرر می‌دانند. کار خیر که امری معروف است در نزد آنان، به امری نامطلوب تبدیل می‌شود و امر ناپسندی را که بی‌توجهی به بی‌بضاعت‌ها و ... است، امری پسندیده می‌دانند، یعنی منکر در نزد آنان امری معروف است. یَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَالْمُنْكَرُ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْزَعُهُمْ فِي الْمُعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ؛ و در شهوات سیر می‌نمایند. معروف در میان آنان چیزی است که خود معروف

۱. «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا أَنْتُمْ كُنْتُمْ خَشِيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا؛ بگو: اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید، در آن صورت، (به‌خاطر تنگ‌نظری) امساک می‌کردید، مبدا انفاق، مایه تنگدستی شما شود و انسان تنگ نظر است!» (اسراء/۱۰۰).

تکاثّر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۵۳

دانند و منکر نزدشان همان است که خود منکر می‌دانند. پناهگاهشان در مشکلات، خودشان هستند (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۱).

به‌طور قطع، وقتی در جامعه‌ای، اصالت با ثروت و کسب سود بیشتر شد، بسیاری از فضائل منحصر به فرد انسان که در سایه شخصیت فطری او جریان دارد، منسوخ می‌شود. تمایل به امر خیر و دوری از خودخواهی و افزون‌طلبی، همه بر محور شخصیت انسانی و فطری بشر است. امام صادق^(ع) فرمودند: بی‌تردید پایداری مسلمانان و اسلام در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق را در اموال بشناسند. به معروف در آن عمل کنند و بی‌گمان نابودی اسلام و مسلمانان هنگامی است که سرمایه‌ها در دست کسانی قرار گیرد که نه حق را در آن بشناسند و نه به معروف و نیکی تن دهند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۵۲۱).

از این رو اموالی که دیگران از آن بهره نبرند، برای مؤمن، شایسته نیست و بهتر است که نباشد. رسول خدا^(ص) فرمودند: نابود باد طلا، نابود باد نقره (تا سه مرتبه). موضوع بر اصحاب ایشان گران آمد، عمر پرسید: چگونه مالی داشته باشیم؟ فرمودند: زبان ذکر گو، دل سپاسگزار و همسری مؤمن که شما را یاری کند تا دیتان را حفظ کنید (حویزی عروسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۱۳).

لذا پایداری اسلام، به جریان درست اموال در جامعه بستگی دارد و درستی آن، زمانی است که مردم آن را در راه احیای معروف به کار گیرند. این امر میسر نمی‌شود، مگر اینکه، انسان خود را با مهارت دین مزین کند که در سراسر قرآن به آن اشاره شده است (نک: رعد/ ۲۴-۱۹).

احساس بی‌مسئولیتی

در نظامی که روحیه تکاثرگرایی و رفاه‌زدگی مرسوم شود، فرایض و تعهدات از جمله تعهدات اجتماعی، کم‌کم از جامعه رخت برمی‌بندند و حس مسئولیت در قبال دیگران کمرنگ می‌شود. پیامبر^(ص) جامعه را در برابر یکدیگر مسئول می‌دانند (پاینده، بی‌تا: ۴۵۷).

چون مشکلات مردم و کارهای آنها توسط یکدیگر اصلاح می‌شود، «وَاَعْلَمُ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ

❖ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ؛ آگاه باش که مردم مملکت، گروه‌های مختلف هستند که هر گروه جز توسط گروه دیگر اصلاح نمی‌شود» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۱).

تا زمانی که روحیه مسئولیت‌پذیری و حس همکاری در بین مردم نباشد، کمک به دیگران امکان‌پذیر نخواهد بود. امام رضا^(ع) کمک به زیردستان و نیازمندان را وظیفه افراد توانمند می‌دانند.

اصل تعهد و احساس مسئولیت در قبال خود و دیگران، امری مفروض در مکتب اسلام است. انسان بی تفاوت، در مکتب اسلام جایگاهی ندارد. امام رضا^(ع) فرمودند: با کمک‌رسانی مادی (بی‌بضاعت‌ها را) در امور معنوی نیز مدد رسانید (مجلسی، ۱۳۷۴، ۲: ۹۶/۶).

متأسفانه یکی از مواردی که موجب می‌شود، افراد تکاثرگرا در قبال جامعه بی تفاوت شوند، ارزش‌گذاری آنان با ثروتشان است، در حالی که اساس این ارزش‌گذاری ریشه در دوران جاهلیت بشر دارد. این رویه می‌تواند باعث بالا بردن شخصیت کاذبی برای آنان شود و در مقابل شخصیت افرادی که از مواهب دنیا بهره‌مند نیستند، تحقیر شود. مکتب اسلام با یک برنامه تربیتی همه‌جانبه، کوشیده است تا معیار بودن ثروت را از بین ببرد. از این رو «وَمَنْ أَتَى غَنِيًّا فَوَاضَعَ لَهُ لِنَافَهُ ذَهَبَ ثُلَاثًا دِينَه؛ و هر که ثروتمندی را به‌خاطر ثروتش فروتنی کند دوسوم دینش از دست رفته است» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۸/۵ و ۸). بنابراین اسلام، احترام برای ثروتمند به دلیل ثروتش را محکوم می‌کند. در مقابل، تحقیر فقرا به‌خاطر فقرشان را ممنوع می‌سازد (مجلسی، ۱۳۷۴، ۲، ج ۷۵: ۱۴۲) و همنشینی با ثروتمندان را مایه مردگی دل می‌داند (کلینی، ۱۳۸۳، ۳، ج ۶: ۵۰۰).

امام رضا^(ع) منشأ بی‌توجهی به مردم را در همین روحیه تکاثرگرایی می‌دانند و می‌فرمایند:

لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ يُبْخَلُّ شَدِيدًا وَأَمَلٍ طَوِيلٍ وَحِرْصٍ غَالِبٍ وَقَطِيعَةٍ
الرَّحِيمِ وَإِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ مال دنیا جمع نشود مگر در سایه پنج خصلت: بخل
زیاد، آرزوهای دراز، آزمندگی چیره بر انسان، ترک صله رحم و ترجیح دنیا بر
آخرت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۳۴).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۵۵

این پنج مورد که حضرت اشاره فرمودند، همگی به خصلت مال‌دوستی و گرایش به تجمل و تکاثرگرایی برمی‌گردد. لذا لازم است در برخورد با چنین افرادی، از آنان فاصله گرفت تا با خوش‌باوری کاذب، بر جان و مال مردم سیطره نیابند. امام رضا^(ع) فرمودند: از اسلام خالص این است که از کسانی که اموال را منحصر به خود می‌کنند، بیزاری جست (قمی‌مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۱۷۵).

فراموش کردن آخرت

از جمله آثار زیانبار تکثرگرایی و رفاه‌طلبی، هدف قرار گرفتن دنیا و زندگی آن، در مقابل آخرت است. آنچه در مسیر حرکت مادی این عالم با روح تعالیم ادیان الهی سازگار نیست، پدیده‌های ناهمگون نظام سرمایه‌داری است. وقتی سرمایه که می‌تواند وسیله رفع نیازهای بشر شود، در دست عده‌ای دنیادوست قرار گیرد، نعمت‌های زیادی در بین مردم رخت برمی‌بندد.

قرآن کریم در آیه هفتم سوره یونس، از چنین افرادی که به زندگی دل خوش کرده‌اند، با سرگرم شدن به آن رضایت داده‌اند و از یاد خدا غافل شده‌اند، با نکوهش و ملامت یاد می‌کند. پیامبر^(ص) خطاب به ابن مسعود فرمودند: ابن مسعود، پس از من مردمی می‌آیند که غذاهای خوب و رنگارنگ می‌خورند... خانه‌ها می‌سازند، کاخ‌ها برافراشته می‌دارند و مساجد را تزیین می‌کنند. [ایشان] جز به دنیا نمی‌اندیشند، در آغوش دنیا منزل می‌گزینند و بدان تکیه می‌زنند. شرافت و ارزش آنان به پول بسته است و تنها برای شکمشان می‌کوشند، اهدافشان خوردن است. اینان بدترین بدترینان هستند، فتنه‌ها و حوادث ویرانگر از آنان سرچشمه می‌گیرد و به آنان نیز باز می‌گردد (طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۲: دفتر اول/۴۳۱).

مصادیقی که حضرت فرمودند، همگی در حب و علاقه به دنیا ریشه دارد. امام صادق^(ع) فرمودند: بدان که هر فتنه و حادثه‌ای خاستگاه آن حب دنیا است (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۴۰۴/۴). عشق به دنیا و ادامه آن، فرد را به جمع‌آوری مال تشویق می‌کند. این ثروت می‌تواند دامنه و گستره آرزوهای فرد را قوی کند (تمیمی‌آمدی، ۱۳۸۲: ۴۷). به‌طور

❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳
 قطع هر کس دل به آرزوهای دراز دنیا بندد، عملکردش بد شود (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۶: ۴۷۵) و در نهایت به حالت مغرورانه قیامت را هم تکذیب کند (کهف/۳۵).

نتیجه‌گیری

۱. تکاثر، افزون‌خواهی و برتری جستن بر دیگران، یکی از بزرگ‌ترین عوامل سقوط و غفلت آدمی از یاد خدا و بی‌توجهی به دین، سرپیچی از اوامر و پرهیز نکردن از نواهی الهی است. ارمغان چنین تفکری، برخورداری اندک و فناپذیری از مواهب دنیوی و پیامدهای مادی و معنوی گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت.

۲. کالبدشکافی مفهومی و کاربردهای قرآنی و آثار مادی و معنوی از بررسی مجموع آیات و روایت‌ها و آموزه‌های معصومان^(ع) به‌ویژه در سیره رضوی درباره تکاثر نشان داد که باید به شدت از پرداختن به چنین حس ویرانگری برحذر بود. البته از طرفی دیگر در صورتی که این حس در مسیر صحیح خود، با کنترل و هدایت برگرفته از آموزه‌های دینی قرار گیرد، برای آدمی عاقبت خوبی را در دنیا و آخرت رقم خواهد زد.

۳. مهم‌ترین ملاک و معیارهای تکاثر در آموزه‌های دینی عبارت‌اند از: اصالت دادن به مالکیت انسان، انحصار و احتکار و بینش غلط در کسب مال.

۴. بررسی‌ها در سیره و روایت‌های رضوی نشان می‌دهد رباخواری، کم‌فروشی و استثمار و تجمل‌گرایی، از مهم‌ترین آثار مادی تکاثر بر زندگی است. از سوی دیگر ترک کارهای خیر و گرایش به سودجویی، احساس بی‌مسئولیتی و فراموش کردن آخرت نیز مهم‌ترین آثار معنوی تکاثر بر زندگی است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا^(ع)*. مصحح سیدمهدی حسینی لاجوردی، چاپ اول، تهران: جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. چاپ اول، بی نا: کتابفروشی داوری.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۱۶ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. الطبعة الرابعة، قم: الاسلامی.

ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. محقق عبدالسلام محمد هارون، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی.

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا^(ع)، (۱۴۰۶ق). چاپ اول، مشهد: آل البيت^(ع).

ایروانی، جواد، (۱۳۹۱). *آشنایی با اقتصاد اسلامی*. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

بحرانی حسینی، سید هاشم، (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. الطبعة الاولى، قم: البعثة.

پاینده، ابوالقاسم، (بی تا). *نهج الفصاحه*. گردآورنده و مترجم ابوالقاسم پاینده، بی جا: جاویدان.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۲). *غررالحکم و دررالکلم*. مترجم. محمدعلی انصاری، چاپ دوم، قم: امام عصر (عج).
- حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. مصحح مؤسسه آل‌البت (ع)، چاپ اول، قم: آل‌البت (ع).
- حکیمی، محمد، (۱۳۷۶). *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*. چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی. حویزی عروسی، علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. الطبعة الرابعة، قم: اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. محقق صفوان عدنان داودی، الطبعة الاولى، بیروت: الدار الناقبة.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۹۱). *سیمای اقتصاد اسلامی*. چاپ سوم، قم: امام صادق (ع).
- شریف‌رضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. مصحح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت.
- صافی، محمودبن عبدالرحیم، (۱۴۱۸ق). *الجدول فی اعراب القرآن*. چاپ چهارم، بیروت: دارالرشید مؤسسه الإیمان.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۳۵۰). *اقتصاد ما*. ترجمه محمدکاظم موسوی، چاپ اول، بی‌جا: اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰). *تفسیر المیزان*. مترجم سید محمدباقر موسوی‌همدانی، چاپ سی و یکم، قم: اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۸۹). *مکارم الاخلاق*. تصحیح عبدالرحیم عقیقی‌بخشایشی، چاپ چهارم، قم: نوید اسلام.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۸). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مترجم علی کرمی، تهران: فراهانی.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. به کوشش سید احمد حسینی، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۳۵۱). *مسند الامام الرضا (ع)*. بی‌جا: الصدوق.
- علی بن موسی، امام هشتم (ع)، (۱۴۰۶ق). *صحیفة الإمام الرضا (ع)*. مصحح محمد مهدی نجف، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع)، چاپ اول.
- فخررازی، محمد، (۱۴۲۳ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دارالفکر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.

- قمی، عباس، (۱۴۱۴ق). *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*. چاپ اول، قم: اسوه.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، (۱۳۶۸). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. مصحح حسین درگاهی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۵۰). *الفروع من الکافی*. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۳). *اصول کافی*. مترجم محمدباقر کمره‌ای، چاپ ششم، تهران: اسوه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۲ق). *الروضة من الکافی (گلستان آل محمد)*. مترجم محمدباقر کمره‌ای، چاپ اول، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۴). *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. چاپ سوم، تهران: المکتبه السلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. مصحح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مصباح الشریعة**، (منسوب به جعفر بن محمد^(ع))، (۱۳۶۰). مترجم حسن مصطفوی، چاپ اول، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. چاپ سوم، بیروت، لندن و قاهره: دارالکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی، (بی تا). *مجموعه آثار*. بی جا: بی نا.
- مفضل بن عمر، (۱۳۷۹). *توحید مفضل*. مترجم محمدباقر مجلسی، مصحح ناصر باقری بیدهندی و محمدحسین طباطبایی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۶۶). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۷ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. الطبعة الاولى، قم: آل‌البيت^(ع).
- هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق). *اسرار آل محمد*. مصحح محمد انصاری زنجانی خوئینی، چاپ اول، قم: الهادی.

عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در گفتار و رفتار امام رضا^(ع)

علی خیاط* - علی جانفزا**

چکیده

معصومان^(ع) به عنوان تبیین‌کنندگان کلام وحی، در گفتار و رفتار خود با مخاطبان، به شیوه‌ای اثربخش ارتباط برقرار می‌کردند. با بررسی احادیث ایشان، این شیوه‌ها را در شرایط گوناگون انتقال پیام می‌توان استخراج و دسته‌بندی کرد. هدف از تدوین این نوشتار استخراج و دسته‌بندی بعضی از عوامل رفتاری ارتباط مؤثر در گفتار و رفتار امام رضا^(ع) است. این عوامل در باب‌های مختلف حدیثی امام^(ع) و نه صرفاً باب‌های تربیتی وجود دارد. این نکته مورد تأکید است که دوران امامت آن حضرت به خصوص تنوع سه دوره مختلف و به تبع آن مخاطبان مختلف این دوران می‌تواند الگویی برای شیوه رفتاری مدیران در عصر حاضر باشد. در این مقاله که به شیوه کتابخانه‌ای نگاشته شده، در چند عنوان به عواملی چون بهره‌گیری از نشانه‌های غیرکلامی، انتقال غیرمستقیم پیام، ادب و احترام متقابل، همگامی، هماهنگی قول و عمل، موقعیت‌شناسی در سخن گفتن و سکوت و ارتباط نزدیک اشاره شده است.

معاشرت، زمینه‌سازی برای پیام اصلی، اولویت‌شناسی و موقعیت‌شناسی و بالاخره سطح‌بندی ارتباط از دیگر عوامل رفتاری دارای شاهد مثال در احادیث رضوی است.

واژه‌های کلیدی

ارتباط مؤثر، عوامل رفتاری، امام رضا^(ع)، مخاطب

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۰

*. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی

** کارشناس ارشد علوم حدیث - تفسیر اثری

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۷

khayyat313@gmail.com

janfaza@razavi.ac.ir

❖ مقدمه

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

انسان برای انتقال مفاهیم مورد نظر خود به مخاطب یا مخاطبان، از ابزارهای مختلفی می‌تواند بهره برد. بیان یا کلام به‌عنوان مهم‌ترین عامل برقراری ارتباط مؤثر و البته در دسترس‌ترین آنها به‌عنوان یکی از نعمت‌های الهی مورد تأکید خداوند قرار گرفته است به‌طوری‌که در آیات ۳ و ۴ سوره مبارکه رحمن می‌فرماید: «انسان را آفرید و به او بیان آموخت.» اما آیا گفتار به تنهایی می‌تواند موجب ارتباطی اثربخش باشد؟

بدون شک همواره نمی‌توان از سخن و کلام به‌عنوان ابزار انتقال مفاهیم بهره برد. بهره‌گیری از ابزارها و عوامل رفتاری از بدو کودکی تا ایجاد پیچیده‌ترین ارتباطات انسانی همواره، همگام و همراه انسان بوده و هست. از گریه کودک برای نشان دادن مفهوم مورد تقاضا گرفته تا بهره‌گیری بزرگسال از این ابزار انتقال، محققان علوم ارتباطات اجتماعی را به‌نوعی دیگر از دسته‌بندی درخصوص ابزارها و عوامل ارتباطی رهنمون می‌سازد.

این سؤال مطرح است که آیا این عوامل و ابزارها در فرایند ارتباطی معصومان^(ع) و به‌خصوص امام هشتم^(ع) جایگاهی دارد یا با بررسی شواهد حدیثی امام رضا^(ع) می‌توان به شاهد مثال‌هایی در این خصوص دست یافت؟

در صورت وجود و بهره‌گیری امام رضا^(ع) از این ابزارها، عوامل رفتاری ارتباط مؤثر از دیدگاه ایشان چیست؟

پیش‌زمینه ذهنی ما بر اساس اعتقاد کلامی و همچنین آموزه‌های قرآنی بر این است که خداوند متعال، قرآن کریم را از طریق پیامبر^(ص) برای بهتر زیستن نازل فرموده و ایشان و معصومان^(ع) تبیین‌کنندگان آموزه‌های وحی هستند. از طرفی هنر معصومان^(ع) در برقراری همین ارتباط مؤثر با مخاطبان برای تبیین و فهماندن پیام الهی است و البته با واکاوی در احادیث رسیده از این گوهران تابناک می‌توان به عواملی چند در برقراری ارتباط اثربخش و موانع آن دست یافت.

نکته مهم در این خصوص این است که شیوه برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان که عمدتاً

عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در ... ❖ ۱۶۳

با هدف تربیت مخاطب، تذکار، تبیین کلام وحی و احادیث اجداد گرامی ایشان بوده در متن احادیث نهفته است و پژوهشگر می‌تواند با مطالعه، دسته‌بندی و واکاوی احادیث در تمامی باب‌ها، زیرساخت‌های ارتباطی ایشان با مردم آن عصر را استخراج و دسته‌بندی کند. در منابع علوم ارتباطات اجتماعی و روان‌شناسی، عواملی برای برقراری ارتباط مؤثر برشمرده شده‌اند که ازجمله در این آثار، از «گشودگی» یا «افشای خود» نام برده شده است (فرهنگی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۴). همچنین رعایت ادب و احترام مخاطب از عناوین دیگر است. در توضیح این مورد آمده است حرمت شکنی در گام نخست، حالتی روانی برای مخاطب ایجاد می‌کند که مانع از پذیرش سخنان گوینده و حتی شعله‌ور شدن آتش خشم و تنفر در وی می‌شود (گروه پژوهشی علوم قرآنی و حدیث، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۴۹).

مثبت‌اندیشی (وود، ۱۳۷۹: ۷۴-۷۳)، اعتمادآفرینی، همگامی (ریچاردسون، ۱۳۸۱: ۴۸-۴۷)، رازداری که در روابط میان‌فردی از دو جنبه قابل بررسی است: حفظ اسرار خود و دیگران، اولویت‌شناسی و توجه به سطح فهم مخاطب (گروه پژوهشی علوم قرآنی و حدیث، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۵۶-۴۵۴)، گوش دادن فعال (بولتون، ۱۳۸۸: ۶۱)، حمایت‌گری (فرهنگی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۸) و بالاخره سخن گفتن شایسته را می‌توان از عوامل برقراری ارتباط مؤثر برشمرد (گروه پژوهشی علوم قرآنی و حدیث، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۶۳).

در این منابع، دسته‌بندی خاصی برای این عوامل شمرده نشده، ولی در مقاله پیش‌روی آن دسته از عوامل که ناظر به رفتار کنشگر است به‌عنوان عوامل رفتاری با ذکر شواهد از میراث حدیثی امام رضا^(ع) دسته‌بندی و عرضه شده است.

خصوصیت این عوامل نشان‌دهنده دقت نظر بهره‌گیرنده آن در استفاده به‌جا و تأثیرگذار در انتقال مفاهیم والای مورد نظر آن امام همام^(ع) در برهه خاص امامت ایشان است.

البته نباید از نظر دور داشت عوامل برقراری ارتباط مؤثر بیش از اینهاست و در این نگاشته تلاش شده با محوریت احادیث امام رضا^(ع)، مواردی که دارای شاهد مثال مربوط به عوامل رفتاری است دسته‌بندی و ذکر شود. همچنین بعضی از عوامل برقراری ارتباط مؤثر،

درونی است که خواننده می‌تواند برای اطلاع از شواهد میراث احادیث رضوی به مقاله‌های دیگر که در همین خصوص نگاشته شده مراجعه کند (جانفزا و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰-۲۵).

بهره‌گیری از نشانه‌های غیرکلامی

پاره‌ای از پیام‌ها، کلامی و پاره‌ای دیگر غیرکلامی هستند. در بعضی از کتاب‌ها به نوع غیرکلامی، زبان تن گفته می‌شود (بولتون، ۱۳۸۸: ۱۲۳). اولین ارتباط انسان، با زبان تن است، به‌طوری‌که ما با نخستین علائم و اشاره‌هایی که مخابره می‌کنیم درک می‌شویم، چراکه دوستانه نبودن حرکت‌ها، صحبت خوب و خوشایند را دشوار می‌سازد. به‌طور کل مواردی چون تبسم، بازوان از هم باز، خم شدن به جلو، لمس کردن، تماس چشمی و سر تکان دادن (گابور، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۳) از جمله تسهیل‌کنندگان بُعد غیرکلامی ارتباط هستند.

توضیح این نکته در متون حدیثی گرچه مشکل است و گاهی نیز توضیح اشتباه حالت‌های غیرکلامی، جزء آسیب‌های فهم حدیث به‌شمار می‌رود (مسعودی، ۱۳۸۶: ۲۵۲)، در عین حال با اندکی دقت و تدبیر در فحوای کلام راوی می‌توان به پیام‌های غیرکلامی نقل‌شده از معصوم^(ع) دست یافت. چه بسا اتفاق می‌افتاد امام^(ع) بدون رد و بدل کردن کلام و با اقدامی ویژه، به بهترین شکل پیام خود را به فرد منتقل فرموده است.

اکنون نمونه پیام‌های غیرکلامی امام رضا^(ع) را در ادامه بنگرید:

۱. تبسم

بهره‌گیری از تبسم در فرایند ارتباط، بسیار بااهمیت می‌نماید. گرچه برای لبخند معانی چون تمسخر هم می‌توان در نظر گرفت ولی عمدتاً لبخند حاکی از رضایت است (هارجی، ۱۳۸۶: ۶۴) و طبیعتاً چون می‌تواند باعث قضاوت مثبت درباره افراد شود، در ادامه ارتباط تأثیری بسزا دارد.

در بعضی از احادیث امام رضا^(ع) به‌خصوص زمانی که می‌خواهند به مخاطب آرامش خاطر عنایت فرمایند، تبسم، نمود پیدا کرده و حضرت بعد از فرازهایی، با تبسمی سخن خود را

عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در ... ❖ ۱۶۵

ادامه می‌دهند. به‌طور مثال قبل از یکی از مناظره‌ها که مأمون برای حضرت تدارک دیده بود، امام^(ع) هنگامی که نگرانی نوفلی، یکی از یاران همراهش را دید با تقدیم تبسمی به او وعده پیروزی دادند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۴۱۸).

۲. گریه

اخبار کوچ توأم با اکراه امام رضا^(ع) از مدینه به مرو بسیار نقل شده است. نکته اینکه امام^(ع) برای نشان دادن اکراه از رفتن به سفر، به زیارت قبر پیامبر^(ص) رفتند و در هنگام بازگشت، با صدای بلند گریه کردند (همان، ۱۳۸۷ ق، ج ۲: ۲۱۸). همچنین امام^(ع) ضمن اینکه خانواده خود را به این سفر بی‌بازگشت نبردند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۴۳۷) به آنها نیز فرمودند تا بر ایشان گریه کنند. بعد از تقسیم ۱۲ هزار دینار بین خانواده، پیام خود را در خصوص عدم بازگشت از سفر به اطلاع حاضران رساندند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۱۴۰). در این زمینه استفاده هوشمندانه امام^(ع) از رسانه گریه در پایان دادن به بعضی گمانه‌زنی‌های شیعیان از یک طرف و ناکام گذاشتن پیام فریبکارانه مأمون نقش بسیار مؤثری دارد.

قرائتی دیگر از این روایت از محول سجستانی نقل شده است. در این روایت بر گریستن امام^(ع) با صدایی بلند تأکید شده است:

من در مدینه منوره بودم که مأمورین مأمون وارد شدند و در نظر داشتند که آن حضرت را به خراسان ببرند، حضرت رضا^(ع) وارد مسجد حضرت رسول^(ص) شدند و با جلدشان تودیع کردند، هنگامی که می‌خواستند از مسجد بیرون شوند چند بار به طرف قبر مبارک حضرت رسول اکرم^(ص) برگشتند و با صدای بلند گریه کردند. در این هنگام من خدمت آن جناب رسیدم، سلام کردم و حضرت جواب سلام مرا دادند، من او را تسلی دادم. حضرت رضا^(ع) فرمودند: از من دیدن کنید زیرا من از جوار جدم خارج خواهم شد، در سرزمین غربت از دنیا خواهم رفت و در کنار هارون دفن خواهم شد (همان: ۲۱۷).

۳. حرکت‌ها و حالت‌های بدن

برای نشان دادن اوج احساس، چه‌بسا با یک حرکت به اندازه ده‌ها کلمه بتوان ناراحتی یا خوشحالی خود را به مخاطب منتقل کرد. بر کسی پوشیده نیست که این کار می‌تواند دارای اثربخشی بیشتری نسبت به کلام باشد. راویان احادیث امام رضا^(ع) گاهی اوقات به زیبایی، این‌گونه پیام‌ها را روایت کرده‌اند.

در روایتی از اباصلت هروی، شبهه علی‌بن جهم در خصوص شبهه سهل‌انگاری حضرت داود^(ع) نسبت به نماز و آلوده شدن ایشان به زنا (العیاذ بالله) در حضور حضرت رضا^(ع) مطرح می‌شود و ایشان با زدن دست به پیشانی اوج ناراحتی خود را از این سخن ابراز می‌کنند:

قَالَ فَضْرَبَ الرَّضَا^(ع) يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ وَقَالَ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ لَقَدْ نَسِيتُمْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ إِلَى آتِهَائِهِمْ بَصَلَاتِهِ حَتَّى خَرَجَ فِي آثَرِ الطَّيْرِ ثُمَّ بِالْفَاحِشَةِ ثُمَّ بِالْقَتْلِ؟!؛
حضرت رضا^(ع) پس از شنیدن این سخن ناراحت شدند و دست خود را بر پیشانی‌اش زدند و فرمودند: شما یکی از پیامبران خداوند را به سهل‌انگاری نسبت به نماز متهم کردید به‌گونه‌ای که با قطع نماز، در پی پرنده‌ای روان شده و عاشق زنی می‌شود، بعد با نقشه و فریب، شوهرش را می‌کشد و زن او را تصاحب می‌کند!! (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹۲).

همچنین امام رضا^(ع) در توضیح حالت‌های پیامبر اکرم^(ع) در توصیف قیامت می‌فرمایند: هر گاه ذکر قیامت بر زبان مبارک پیامبر^(ع) جاری می‌شد، صدایشان بلند شده، رخسارشان به سرخی می‌گرایید:

وَكَانَ إِذَا خُطِبَ قَالَ فِي خُطْبَتِهِ: أَمَّا بَعْدُ. فَإِذَا ذَكَرَ السَّاعَةَ أَشْتَدَّ صَوْتُهُ وَاحْمَرَّتْ وَجْهَتَاهُ، ثُمَّ يَقُولُ: صَبَّحْتُكُمْ السَّاعَةَ أَوْ مَسْتُكُمْ، ثُمَّ يَقُولُ: بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَذِهِ مِنْ هَذِهِ- وَ يَشِيرُ بِإِصْبَعِهِ؛ و هر گاه خطبه می‌خوانند در خطبه‌هایشان می‌گفتند: اما بعد و هر گاه ذکر قیامت بر زبان مبارکشان جاری می‌شد، صدایشان بلند می‌شد و رخسارشان قرمز می‌شد و سپس فرمودند: قیامت صبح و شب با شما همراه و بعثت من با قیامت توأم است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۷).

۴. نحوه لباس پوشیدن

بحث شکل ظاهری از دو جنبه حائز اهمیت است. نحوه لباس پوشیدن در مراسم‌های رسمی یا در نزد عموم می‌تواند دارای پیام باشد. این نکته از دید ائمه هدی^(ع) پنهان نبوده است، چه آن زمان که امیرالمؤمنین^(ع) کفش وصله‌زده به پا می‌کنند (ابن‌عقده، ۱۴۲۴ق: ۸۴) و چه آن زمان که امام رضا^(ع) در ظاهر، لباس خز می‌پوشند ولی لباس زیرین را برای تربیت نفس خود خشن به تن می‌کنند (ابن‌شهر آشوب‌مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۶۰). در همه حال تک رفتارهای ایشان مبتنی بر هدایت بشریت است (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۶۱۰). باید توجه داشت که توقع از امام امت این است که عدل و داد برقرار کند، چنان‌که از امام رضا^(ع) منقول است که گروهی از صوفیه خدمت حضرت می‌رسند و می‌گویند:

اکنون که مأمون امور خلافت را به تو واگذار کرده است و تو از همگان به این امر شایسته‌تر هستی، اینک باید لباس پشمی بپوشی و جامه‌های خشن در بر کنی. امام^(ع) فرمودند: از امام، عدل و داد مورد انتظار است. امام هر گاه سخن گفت راست بگوید، هر گاه حکم کرد عدالت داشته باشد و هر گاه وعده کرد به وعده خود عمل کند. خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؛ بگو: چه کسی زینت‌های الهی را برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» (اعراف/۳۲).

یوسف صدیق^(ع) لباس‌های زیبا و گرانبها می‌پوشیدند و بر مخده‌ها و کرسی‌های فرعون تکیه می‌کردند (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۳۱۰).

درخصوص نوع شیوه لباس پوشیدن در مکان‌های رسمی، امام^(ع) در زمان اخذ بیعت، با پوشیدن لباس سبز و عمامه‌ای سفید (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۶۱) مطابق سنت نبوی سعی در نشان دادن جایگاه والای خود در بین مردم دارند. دیگر بار در بحث اصرار مأمون به اقامه نماز عید به وسیله آن حضرت است که امام^(ع) بعد از رد اولیه درخواست مأمون، آنرا به شرط اجرای این امر مانند رسول الله^(ص) می‌پذیرند و سپس مانند ایشان، عمامه‌ای سفید بر تن کرده، جامه خود را تا زانو بالا می‌زنند و به اطرافیان خود نیز چنین دستور می‌دهند

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۸۹؛ ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۱۵۰) و به حرکت می‌افتند. همه این موارد دلالت بر تلاش امام^(ع) به انتقال پیام به این صورت دارد. لازم به تذکر است که ایشان تنها از بُعد لباس از پیامبر^(ص) تبعیت نکردند، بلکه در بُعد کلامی نیز مانند ایشان با تکییر و تسبیح الهی به سوی مصلی حرکت کردند. اما تأثیر لباس به گونه ای بود که اطرافیان نیز به تبعیت به این شکل درآمدند.

۵. آراستن ظاهر

آراستن ظاهر به روش‌های مختلف حاوی پیام‌هایی گوناگون است. همان‌طور که آراستن ظاهر با زیورهای مختلف و نشستن بر فرش‌های گران‌بها می‌تواند باعث غرور و فخرفروشی شود، در زبان احادیث، بعضی از ابزار آراستن، می‌تواند ارتباطی اثربخش برای استفاده‌کننده به ارمغان آورد. امام رضا^(ع) در حدیثی به نقل از دایی خود هندی ابی‌هاله، به تفصیل، شمایل و خصوصیات ظاهری پیامبر^(ص) را توصیف می‌کند و نکته مورد توجه در این حدیث نسبتاً طولانی، نظم و موجه بودن شکل ظاهری پیامبر^(ص) است (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۳۱۶)

همچنین در حدیثی دیگر، ایشان تأثیر خضاب کردن را در ارتباطات و مؤثر بودن بعضی از ارتباطات انسانی برمی‌شمرند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۸۱).

۶. استفاده از بوی خوش

استفاده از عطری خاص می‌تواند حاوی پیام باشد و حتی در فرایند ارتباط نیز تأثیر بگذارد. در آموزه‌های اسلامی به استفاده از بوی خوش تأکید شده است. این موضوع چنان تأثیری دارد که احکام فقهی متنوعی درباره آن وارد شده که دقت نظر اسلام در استفاده از بوی خوش درباره زنان به سبب آثار ارتباطی آن جالب توجه است.

در تعالیم رضوی نیز این مهم به چشم می‌خورد، به طوری که از امام رضا^(ع) مروی است جای امام صادق^(ع) از بوی خوش ایشان شناخته می‌شد.

عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در ... ❖ ۱۶۹

«كَانَ يَعْرِفُ مَوْضِعَ جَعْفَرٍ^(ع) فِي الْمَسْجِدِ بِطَيْبِ رِيحِهِ وَ مَوْضِعَ سُجُودِهِ؛ جایگاه امام جعفر صادق^(ع) در مسجد، از بوی خوش آن و از جای سجودش شناخته می‌شد» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۲).

۷. تأثیر نمادها

امام رضا^(ع) بعد از پذیرش ولایتعهدی تلاش کردند اعمال قراردادی راجع به بیعت را نیز از پیامبر اکرم^(ص) اخذ و بدین وسیله سنت نبوی را اطلاع‌رسانی کنند. منقول است زمانی که مردم برای بیعت نزد حضرت آمدند و به شیوه‌ای غیر از شیوه پیامبر^(ص) با آن حضرت بیعت کردند که البته نشانه فسخ غیبت در زمان حضرت رسول^(ص) بوده نکته جالب توجه در این خصوص این است که امام^(ع) تا پایان مراسم بیعت، عکس‌العملی از خود نشان ندادند تا اینکه جوانی از فرزندان انصار به شکل صحیح با آن حضرت بیعت کرد. اینجاست که امام^(ع) به مأمون فرمودند: «کسانی که امروز با ما بیعت می‌کردند از روی حقیقت و عقیده نبود، جز این جوان انصاری که از روی ایمان با ما بیعت نمود.» مأمون دلیل این سخن را که می‌پرسد امام^(ع) در پاسخ می‌فرمایند: «عقد بیعت از آخر انگشت کوچک است تا ابهام و فسخ بیعت از ابهام تا انگشت کوچک است.» مأمون دوباره دستور داد مردم حاضر شده و به شیوه مورد نظر امام^(ع) بیعت کنند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۹۶).

در بهره‌گیری امام^(ع) از نشانه‌های قراردادی و غیرکلامی ۱. تاکید ایشان بر تبعیت از سنت رسول الله^(ص) است؛ ۲. رعایت تشریفات مرسوم حتی با لحاظ سنت نبوی بودن آن. اولویت اول در خصوص ارتباط ایشان با مخاطبان نبوده است، چرا که نه تنها موجب خشم و کدورت ایشان نشد بلکه با تبسم و با حوصله عمل درست یک نفر را تشویق و کار اشتباه دیگران را که ممکن است به نظر بعضی باعث وهن نیز باشد با ظرافت تذکر دادند.

از دیگر سو امام رضا^(ع) رعایت نمادی که سنت رسول الله^(ص) است را ملاک صحیح یا غیر صحیح بودن بیعت قلمداد می‌فرمایند.

❖ ۸. هدیه

از دیگر عوامل غیرکلامی ارتباط مؤثر، هدیه دادن است. هدیه، تداوم بخش ارتباط و به نوعی تضمین کننده آن تلقی می شود. در گفتار معصومان^(ع) به ویژه امام رضا^(ع) هدیه دادن جایگاه ویژه ای دارد. ایشان از پیامبر^(ص) روایت می فرمایند که هدیه مفتاح نیکی ها است. «نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ وَ هِيَ مِفْتَاحُ الْحَوَائِجِ؛ یکی از چیزهای خوب هدیه است و هدیه کلید گشایش نیازهاست» (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۷۴).

همچنین می فرمایند: «الْهَدِيَّةُ تُذْهِبُ الضَّغَائِنَ مِنَ الصُّدُورِ؛ هدیه، کینه ها را از دل بیرون کند» (همان).

امام^(ع) با ارسال پیش کشی، پیام مورد نظرشان را به شخص انتقال می دادند. در روایت است که امام رضا^(ع) برای یکی از غلات که بر ایشان دروغ می بست و شراب نیز می نوشید یک جانماز و یک دانه خرما فرستادند که شخص فهمید منظور امام^(ع) از ارسال جانماز، توصیه ایشان به نماز خواندن و از فرستادن دانه خرما توصیه ایشان به ترک شراب خواری اوست (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۵۴) بدون اینکه امام^(ع) حتی کلامی به آن فرد ابراز کنند.

۹. ارتباط نداشتن

برقرار نکردن ارتباط یا رفت و آمد نکردن با شخصی خاص خود دارای پیام است. گاهی اوقات به مصلحت نیست که به صورت کلامی دیگران را از ارتباط با شخصی خاص بر حذر داشت بلکه با انجام رفتاری می توان پیام مورد نظر را در آن خصوص انتقال داد.

در حدیثی از امام رضا^(ع) است که در حضور ایشان از محمد بن جعفر عموی آن حضرت سخن به میان می آید و امام^(ع) می فرمایند مرا با او کاری نیست. راوی با خود می گوید این شخص ما را به نیکی کردن به ارحام امر می کند چرا خود با عمویش چنین رفتاری دارد. در این هنگام امام^(ع) به وی می فرمایند: «این قطع ارتباط، خود صله ارحام است، محمد هر گاه نزد من بیاید مردم او را تصدیق خواهند کرد، هر گاه نزد من نیاید و من نزد او نروم مردم گفته های او را نخواهند پذیرفت» (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۲۰۴).

انتقال غیرمستقیم پیام

گاهی اوقات انتقال غیرمستقیم پیام به مراتب مؤثرتر از انتقال مستقیم پیام است. در فرایند انتقال پیام چه بسا فضای حاکم بر جلسه به خوبی می تواند مشابَهت معنایی در ذهن گیرنده ایجاد کند. امام رضا^(ع) به این نکته توجه داشتند، به طوری که روزی یکی از اصحابشان از ایشان تقاضای هدیه ای به اندازه جوانمردی امام^(ع) می کند و حضرت این شرط را امکان پذیر نمی دانند و بعد از آنکه فرد مطابق با جوانمردی خودش از ایشان تقاضا می کند، ایشان به غلامشان دستور پرداخت ۲۰۰ دینار می دهند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۰).

همچنین از نکات ظریف در احادیث رضوی در این خصوص می توان به روایت علی بن محمد بن سیار در خصوص دعای باران به وسیله امام رضا^(ع) اشاره کرد. در این حدیث، امام^(ع) بعد از دعای باران و گذشتن زمان و آماده تر شدن مخاطبان و در نهایت بعد از نزول باران، از موقعیت به وجود آمده برای انتقال پیام های عالی دین استفاده کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق: ۱۷۲-۱۶۸).

ادب و احترام متقابل

یکی از مهارت های رفتاری ارتباط مؤثر، رعایت ادب و احترام است. رعایت این مقوله، در نفوذ کلام در مخاطب تأثیر فراوانی دارد. این تأثیر در اطرافیان که به عنوان شخص سوم، این فرایند را مشاهده می کنند نیز جاری است. رعایت نکردن ادب و احترام چه بسا، با وجود اقناع طرف مقابل باعث کینه در دل مخاطب یا شکست وی در بحث های مناظره ای شود.

در منش ارتباطی امام رضا^(ع) به تکرار، مؤلفه ادب و احترام را می توان مشاهده کرد. نمونه بارز آن در مناظره حضرت با جاثلیق رومی است. آنجا که امام^(ع) ابتدا از وی اعتراف می گیرند که لوقاء، مراقبوس و متی از علمای/نجیل هستند و سپس با استفاده از فرایندی عقلی، نظر جاثلیق را از صدق ایشان برمی گردانند. در نهایت با توجه به تقدسی که مسیحیان

برای این افراد قائلند و تقاضای جاتلیق از صرف نظر کردن از این بحث، در نهایت ادب به عقاید وی احترام گذاشته و از ادامه بحث در این خصوص صرف نظر می کنند.

جاتلیق گفت ای عالم مسلمانان دوست دارم مرا در این مورد و از گفتگو در باره این اشخاص معاف بدارید و از این بحث درگذرید.

فرمودند ما از این گذشتیم اینک هر چه در نظر داری سؤال کن، گفت دیگری سؤال های خود را مطرح کند به مسیح سوگند در میان علماء مسلمانان مانند شما کسی نیست (همان، ۱۳۹۸ق: ۴۲۷)

همگامی

در متون ارتباطات اجتماعی، از همگامی به همدلی نیز تعبیر می شود. در شرایط بحرانی، انسان نیازمند یاری دیگران است تا خود را از بحران نجات دهد (شرفی، ۱۳۸۸: ۶۸). با توجه به اینکه برخورد با باورهای اشخاص درواقع برخورد با حقیقت آنهاست. انگیزه و نظر ما هرچند قرین به خیرخواهی و حتی درست باشد آنگاه که برای بیان اشتباه طرف مقابل باشد چه بسا در ادامه روند ارتباط اختلال ایجاد کرده و واکنش مخاطب را به دنبال داشته باشد که برای جبران این امر می توان از این روش استفاده کرد (ریچاردسون، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸).

در کلام رضوی این مهارت را می توان در دلداری امام رضا^(ع) با یونس بن عبدالرحمن که از بدگویی اهل قبیله اش دلگیر بود مشاهده کرد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۸۷).

همچنین یسع بن حمزه از امام^(ع) نقل می کند روزی مردی که در سفر حج زاد و توشه خود را از دست داده بود مشکل را با امام^(ع) مطرح و از ایشان درخواست کمک می کند. امام^(ع) به منزل رفته و از پشت در بدون اینکه آن مرد چهره حضرت را ببیند به او مبلغی پرداخت می کنند (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۶۱). چنان که در این واقعه مشاهده می شود امام رضا^(ع) با درک وضعیت فرد، به گونه ای عمل می کنند که ضمن ابراز همدردی و امداد به وی، از شرمندگی او نیز جلوگیری شود.

عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در ... ❖ ۱۷۳

نمونه قرآنی همگامی را می‌توان در محاجه پیامبر اکرم^(ص) با مشرکان دید. آنگاه که قرآن کریم به ایشان می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ بگو: کیست که شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد؟ بگو: خدا و در حقیقت یا ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم» (سباء/۲۴).

با اینکه می‌دانیم گوینده سخن به‌خوبی مهتدین و گمراهان را از یکدیگر بازمی‌شناسد، با اتخاذ شیوه همگامی، مخاطب را از گارد تدافعی خارج می‌کند و با در نظر داشتن اینکه مخاطب تنها اندیشه و خرد نیست و بلکه گرد آمده‌ای از عواطف و احساسات است سعی در اقناع بُعد عاطفی وی با استفاده از این شیوه دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۸۷).

هماهنگی قول و عمل

هماهنگی قول و عمل به‌خصوص در پایداری ارتباط اثربخش، تأثیری بسزا دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟» (صف/۲).

خطاب آیه به مؤمنان است نه همه مردم. پس این مطالبه‌ای است از جانب خداوند برای مؤمنان. از طرفی در فرهنگ رضوی نیز ایمان تنها اقرار به زبان نیست بلکه شرط ایمان، عمل به ارکان نیز است:

«الایمان عقد بالقلب و لفظ باللسان، و عمل بالجوارح، لا یكون الايمان إلّا هكذا؛ ایمان دارای سه رکن است: پیوند قلبی، تلفظ به زبان و عمل به اعضاء و جوارح، ایمان بدون اینها تحقق نمی‌پذیرد» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۲۲۷).

به راستی سخن فردی که قول و عملش با یکدیگر یکی نیست فاقد اثربخشی لازم است. حدیث معروف پیامبر^(ص) درباره اکل رطب نیز گویای همین مطلب است.

از طرفی، انسان عقایدی بر زبان جاری می‌سازد که نشان از اعتقاد قلبی وی به آنهاست. چنانچه در فرایند ارتباط، مخاطب بین دل و زبان گوینده ناهماهنگی ببیند طبیعتاً نیز از قول

❖ ۱۷۴ فرهنگ رضوی

❖ او تأثیری نمی‌گیرد. در رفتار امام رضا^(ع) این موضوع در حساس‌ترین مواقع نیز بروز می‌کند. منقول است که در یکی از مناظره‌های امام رضا^(ع) با اصحاب ادیان، ایشان ضمن حوصله فراوان در مناظره، از هنگام صبح تا اذان ظهر، به محض رسیدن وقت نماز بحث را تعطیل و نماز می‌گزارند. سپس به دلیل وعده‌ای که با کسی کرده بودند مکان بحث را ترک می‌کنند و طبق قولی که به اصحاب مناظره داده بودند فردای آن روز به محل بحث بازمی‌گردند (طوسی، ۱۴۱۹ق: ۱۹۳).

در حدیثی از امام رضا^(ع) به نقل از نبی اکرم^(ص) آمده است: «لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ، وَلَا قَوْلَ وَ عَمَلٍ إِلَّا بِنِيَّةٍ، وَلَا قَوْلَ وَ عَمَلٍ وَ نِيَّةٍ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ؛ گفتار بدون عمل بی‌فایده است و عمل بدون نیت، نتیجه‌ای ندارد و نیت هم باید مطابق سنت باشد» (همان، ۱۴۱۴ق: ۳۳۷).

موقعیت‌شناسی سخن و سکوت

مسلم است که برای برقراری ارتباط، اولین مسئله‌ای که به ذهن متبادر می‌شود سخن گفتن است. بیان، نعمتی بزرگ است که خداوند آنرا شایسته یادآوری به انسان می‌داند. «خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْقَبِيَّانَ» (رحمن/۴-۳). در عین حال این سؤال مطرح است که آیا در آموزه‌های دینی، سخن گفتن اولی است یا سکوت؟ امام رضا^(ع) در توصیف سکوت می‌فرماید:

من علامات الفقه الحکم و الصمت، إِنَّ الصمت باب من أبواب الحکمة، إِنَّ الصمت

یکسب المحبة و هو دلیل علی الخیر؛ از نشانه‌های فقه و بصیرت، حلم و بردباری و

سکوت است. سکوت یکی از درهای حکمت بوده، ایجاد محبت کرده و راهنمایی

به سوی خیرات است (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۶۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۶).

از دیگر سو باید گفت سخن و سکوت هر یک جایگاه خود را دارند و نمی‌توان هیچ‌یک را بر دیگری رجحان داد. در عین اینکه می‌دانیم زبان خود در معرض آسیب‌های مختلفی است و تأکید معصومان^(ع) بر سکوت به دلیل همین خطرهای مترتب بر سخن گفتن است نه اینکه نفس سخن گفتن مورد مذمت باشد، چراکه امام رضا^(ع) از قول جدشان

عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در ... ❖ ۱۷۵

علی^(ع) می فرمایند: «الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ مردم در زیر زبان خود مستور هستند» (ابن بابویه ۱۳۷۶: ۴۴۷). مقصود این است که تا انسان سخن نگوید قدر و اندازه اش معلوم نمی شود.

پس می توان گفت به شرط احتراز از آسیب های سخن، گفتگو بر سکوت رجحان دارد. در هر صورت باید گفت انسان بصیر، موقعیت سخن یا سکوت خود را باید به خوبی تشخیص دهد. نمونه بارز این رفتار، معصومان^(ع) هستند. در گفتار و رفتار رضوی نیز این عامل مؤثر ارتباطی را می توان یافت، به طوری که امام کاظم^(ع) در توصیف فرزندشان امام رضا^(ع) می فرمایند: «قَوْلُهُ حُكْمٌ وَ صَمْتُهُ عِلْمٌ يَبِينُ لِلنَّاسِ مَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ؛ هنگام سخن گفتن، بهترین سخنگو و هنگام سکوت، بهترین دانشمند است و برای مردم اختلافاتشان را بیان می کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۱۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ۲۴).

البته باید توجه داشت بهره گیری به موقع از سخن و سکوت، لازمه حکمت معصومان^(ع) است و طبیعتاً به وسیله خودشان تصریح نمی شود ولی پژوهشگر علوم حدیث از فحوای کلام و در نظر گرفتن موقعیت ذکر حدیث می تواند به این موضوع دست یابد.

این موضوع را به خوبی می توانیم در مناظره های حضرت یا تعامل ایشان با مأمون ببینیم. چه آنجا که امام^(ع) به جای اینکه خود وارد مناظره با سلیمان مروزی شوند پاسخ ها را به یکی از صحابه نومسلمان واگذار می کنند (امینی فر، ۱۳۸۹: ۶۷) و چه آنجا که به هنگام مراجعت، به مرو ضمن پاسخگویی به سؤال های مردم، از ذکر اموری که حساسیت ضحاک نماینده مأمون را تحریک کند، صرف نظر کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۲۹).

از دیگر سو هنگامی که امام^(ع) مصلحت در عدم سکوت می بیند با صراحت تمام مأمون را به تغییر شیوه حکومت داری و عزیمت به مرکز بلاد مسلمین فرامی خوانند (همان، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۱۶۰).

ارتباط نزدیک

نزدیکی به مخاطبان یکی از عوامل رفتاری در مهارت های ارتباطی است. مجاورت از

❖ دو جنبه قابل اشاره است: ۱. از جنبه فیزیکی، به طوری که هر چه قرب مکان بیشتر باشد، ارتباط نیز بیشتر خواهد بود؛ ۲. مجاورت عملکردی است که بستگی به استفاده دو یا چند نفر از محیط یا وسایلی خاص دارد.

قرب جوار در متون دینی ما نیز از جنبه‌های مختلف مورد تأکید بوده است. نحوه انتخاب مکان‌ها به وسیله بزرگان دین می‌تواند تأکید بر این نکته باشد. مشاهده می‌کنیم امیرالمؤمنین علی^(ع) زمانی که ضرورت انتقال پایتخت مسلمین را از مدینه احساس می‌کنند ۱. اینکه پایتخت را به مکانی مسلط به مناطق آزادشده انتقال می‌دهند؛ ۲. مکانی را انتخاب می‌کنند که به سبب وجود مکان‌های شریف دارای اهمیت است.

تفاوت نگرش را می‌توان در نحوه انتخاب پایتخت به وسیله امیرالمؤمنین^(ع) در کوفه، عباسیان در بغداد و سامراء و معاویه در دمشق دید. همچنین در مورد پیامبر اکرم^(ص) که پایتخت خود را به منظور تداوم ارتباط ناشی از عهدی که با انصار بسته بودند مدینه در نظر گرفتند، جای دقت دارد.

بحث مجاورت در آموزه‌های رضوی نیز قابل مشاهده است. در چگونگی هجرت ایشان به مرو، امام^(ع) به همین سادگی راضی به ترک جوار مرقد مطهر پیامبر^(ص) نمی‌شوند. وقتی که با در نظر گرفتن مصالح مسلمین قدم به مرو می‌گذارند بعد از مدتی که می‌توانند با مأمون ارتباط پایدارتری برقرار کنند در واقعه‌ای که مأمون، ایشان را از فتحی در کابل آگاه می‌کند، امام^(ع) موقعیت را برای انتقال این مؤلفه کلیدی به وی مناسب می‌یابد و توصیه می‌کند به جای اینکه به دور از مرکز قلمرو مسلمین به سر برد برای سروسامان دادن به اوضاع حکومت به مرکز بلاد اسلامی نقل مکان کند و در نهایت می‌فرماید: «مگر نمی‌دانی که والی مسلمانان مانند ستون است و همواره باید در وسط جمعیت باشد و هر کس بخواهد، بتواند او را ملاقات کند و دردهای خود را به او بگوید» (همان).

در اینجا امام^(ع) به خوبی اولویت‌های مکانی را برای حکومت و راهبری امت اسلام برای مأمون تشریح می‌کنند.

معاشرت (ارتباط چهره به چهره)

یکی از مهارت‌های ارتباطی، معاشرت و حشر و نشر با مردم است. این صفت، از خصوصیات معصومان^(ع) به‌شمار می‌رود، به‌طوری‌که ایشان علاوه بر تأکید بر عبادت خداوند و رسیدگی به خانواده، وقتی نیز برای معاشرت با مردم می‌گذاشتند. امام رضا^(ع) از پدران خود روایت فرمودند که پیامبر^(ص) اوقات روزانه خود را به سه قسمت تقسیم می‌کرده‌اند: زمانی به ارتباط با خالق، زمانی به خانواده و زمانی نیز به مراوده با مردم اختصاص می‌داده‌اند.

فاذا أوى إلى منزله جزاً دخوله ثلاثة أجزاء، جزء لله تعالى و جزء لأهله و جزء لنفسه، ثم جزاً جزء بينه و بين الناس فيرد ذلك بالخاصة على العامة؛ حضرت رسول^(ص) هر گاه وارد منزلشان می‌شدند، اوقات خود را به سه قسمت تقسیم می‌کردند، قسمتی برای خداوند متعال، قسمتی برای خانواده خود و قسمتی برای خود اختصاص می‌دادند. وقت خود را نیز برای مردم تقسیم کرده بودند. از این وقت چند لحظه برای خواص خود گذاشته بود و با آنها درباره کارهای روزانه مشورت می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج: ۱، ۳۱۷).

همچنین ایشان از پیامبر^(ص) روایت می‌کنند:

امت من همواره در خیر و خوشی هستند مادامی‌که با همدیگر دوست باشند، رفت و آمد کنند، امانت‌ها را ادا نمایند، از حرام دوری کنند، از میهمانان پذیرائی نمایند، نماز بپا دارند، زکات بدهند و هر گاه از این اعمال خودداری کنند به قحط و غلا مبتلا می‌گردند (همان، ج: ۲، ۲۹).

در احوال امام رضا^(ع) آمده است طی سفر ایشان به مرو، هنگامی که به قادسیه می‌رسند از احمد بن ابی نصر بزنطی می‌خواهند خانه‌ای اجاره کند که دارای دو در باشد. دری به حیاط و دری به بیرون که مراجعان به راحتی رفت آمد کنند (صفار، ۱۴۰۴ق، ج: ۱، ۲۴۶). این در حالی است که توصیه مأمون به رجاء این بود که امام^(ع) از اماکن حضور شیعیان مانند کوفه عبور داده نشوند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج: ۲، ۱۸۰).

نکته دیگر در این خصوص تأکید معصومان^(ع) و به تبع آن، امام رضا^(ع) بر صله رحم است. اهمیت معاشرت و صله ارحام به قدری است که پیامبر اکرم^(ص) سوگندی که برای قطع رحم خورده می شود را جایز نمی دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۴۴۰؛ امام رضا^(ع)، ۱۴۰۶ق: ۲۷۰). طبق احادیث حضرت رضا^(ع)، صله رحم باعث افزایش روزی، دوستی خداوند و ورود به بهشت می شود (امام رضا^(ع)، ۱۴۰۶ق: ۳۷) و عمر وی را نیز افزایش می دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۵۰). این موضوع به قدری ارزشمند است که امام رضا^(ع) در دعایی می فرماید:

اللهم صل من وصلنی و اقطع من قطعنی ثم هی جاریة بعدها فی ارحام المؤمنین
ثم تلا هذه الآية: وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْاَرْحَامَ؛ بار خدا یا هر کس با من
ارتباط برقرار کند تو با او ارتباط برقرار کن و هر کس با من قطع رابطه کند تو با او
قطع رابطه کن، سپس همین روش در ارحام مؤمنین نیز برقرار است (همان: ۱۵۱؛
نساء/۱).

در این خصوص امام رضا^(ع) از پیامبر اکرم^(ص) روایت می فرماید که بدترین مردم کسانی هستند که مردم را از عطای خود دور کرده و به تنهایی غذا می خورند: «یا علی إن شر الناس من منع رفته، و اكل وحده، و جلد عبده؛ ای علی بدترین مردم آن کس است که مردم را از عطاهای خود دور کند، به تنهایی غذا بخورد و بنده خود را تازیانه بزند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۸). این نکته نیز حائز اهمیت است که برای پایداری معاشرت می بایست از سخت گیری پرهیز کرد. امام رضا^(ع) از امیرالمؤمنین علی^(ع) روایت می کنند روزی مردی امام^(ع) را به خانه خود دعوت کرد و ایشان در جواب فرمودند در صورتی دعوت شما را می پذیرم که از بیرون چیزی تهیه نکنی و آنچه در منزل داری نزد ما بیاوری و بر عیال خود سخت نگیری (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۲۵۸؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۸).

زمینه سازی برای پیام اصلی

در مطالعه جای جای زندگی حضرت، بحث برخورد دوستانه ایشان با اهل منزل و دوستان ایشان مشهود است. ولی در هنگام ورود ایشان به نیشابور هنگام مواجهه با اهل این

عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در ... ❖ ۱۷۹

شهر، برخورد و مواجهه از سنخ دیگری است. وصف مردم نیشابور در زمان حضور امام^(ع) از حیث علم و حدیث بر کسی پوشیده نیست. در ورود ایشان به نیشابور چند پیام غیرکلامی جلب نظر می‌کند: ۱. اینکه امام^(ع) برای باز کردن پرده کجاوه خود عجله نکردند و تا تقاضای اهل حدیث آن شهر بر قرائت حدیث از پدرانشان، رخ بر مخاطبان نگشادند؛ ۲. پاسخ به ابراز احساسات مردم حاضر به قدر کافی و وافی است، به‌طوری‌که گروهی از اهل حدیث مردم را به گوش فرادادن به پیام حضرت و اذیت نکردن ایشان فراخواندند (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۳۰۸). اینجاست که امام^(ع) بعد از این مقدمه‌چینی غیرکلامی، پیام اصلی خود را که حدیث سلسله‌الذهب بود بر مردم عالم این شهر املاء کرده و بدین‌وسیله پیام ولایت را با نقل سلسله سند ائمه اطهار^(ع) تا رسول الله^(ص) با مؤثرترین شکل به مردم اعلام کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۱۳۴).

اولویت‌شناسی و موقعیت‌شناسی

استفاده به‌موقع از زمان و مکان برای ارائه کلام یکی از مهارت‌های ارتباطی است. چه‌بسا در نظر نگرفتن این مورد موجب اشکال در فرایند ارتباط و حتی بروز سوءبرداشت از سخن فرد شود. لذا مدار بحث بلاغیان در دانش معانی بر همین محور استوار بوده و شرط اساسی بلاغت، رعایت مقتضای حال دانسته شده است (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۲۰). ضرب‌المثل: هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ۵۴۲) نیز گویای همین مهارت است.

با تدقیق در احادیث امام رضا^(ع) نیز می‌توان این عامل ارتباطی را دریافت. در بحث ارائه حدیث سلسله‌الذهب به مردم نیشابور، امام^(ع) با مقدمه‌چینی غیرکلامی در حضور جمع کثیری از مردم و اهل حدیث، این روایت شریف را به مردم حاضر ارائه کردند. جالب اینکه این مطالبه حدیث در مواقع دیگر از امام^(ع) صورت می‌پذیرفت و برخورد ایشان با این موضوع یکسان نبود.

به طور مثال هنگام خروج امام^(ع) از سرخس فردی ایشان را مشایعت می کرد. مسافتی که گذشت، امام^(ع) او را مورد تفقد قرار دادند و از وی خواستند بیش از این به زحمت نیافتد. فرد از ایشان مطالبه حدیث کرد. امام^(ع) قبل از قرائت حدیث به این نکته اشاره کردند که تو از من حدیث می خواهی حال آنکه من با جدا شدن از قبر رسول الله^(ص) از عاقبت خود و رفتار مأمون با خود خبری ندارم. سپس حدیث سلسلهالذهب را قرائت کردند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۱۳۷).

نکته در اینجا است که امام^(ع) حدیث سلسلهالذهب را در دو موقعیت مختلف با در نظر گرفتن اولویت هایی با تقدم و تأخر بیان می فرمایند.

سطح بندی ارتباط

سطح بندی ارتباط در تعامل با افراد مختلف امری ضروری است. این مورد حتی در شیوه لباس پوشیدن که نوعی ارتباط غیرکلامی بوده مورد تأکید ائمه^(ع) است. حدیثی از امام صادق^(ع) معروف است که بر داشتن لباسی که برای حفظ آبرو مورد استفاده انسان است در منزل تأکید دارند و آن را مصداق اسراف نمی دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۴۱).

در فرهنگ رضوی نیز می خوانیم تعامل امام رضا^(ع) در قبال اطرافیان نزدیک حتی تیمارداران و خدمت گزاران با سایر افراد متفاوت بوده و تبلور آن در حدیث یاسر خادم است. در این حدیث، امام^(ع) با اهل منزل، تیمارداران و دلاکان به طور صمیمی و بر سر یک سفره مشغول غذا خوردن بودند که مأمون از در مخصوص وارد شد و امام^(ع) به ایشان دستور دادند فوراً از سر سفره برخاسته و متفرق شوند (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۱۵۹).

این حدیث نمونه تفاوت قائل شدن برای شئون مختلف است که در شاهد مثال فوق، امام^(ع) بین شأن ولایتعهدی و مدیریت در منزل تفاوت قائل شده است.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد به خوبی تأثیر مهارت رفتاری در ارتباط مؤثر با مخاطبان هویدا است که

۱۱ مورد از آن با تأمل در باب‌های مختلف روایت‌های امام هشتم^(ع) به‌عنوان چراغ هدایت به‌دست آمد. این نکات گرچه در احادیث معصومان^(ع) دیگر نیز به چشم می‌خورد ولی - چنان‌که گذشت - در احادیث امام رضا^(ع) با توجه به تنوع مخاطبان آن حضرت و شرایط خاص دوران امامت ایشان، با توجه به دسته‌بندی موجود در علوم ارتباطات مثال‌های ارزنده‌ای یافت می‌شود که برای مخاطبان امروز به‌خوبی نمایانگر این عوامل در ارتباط اثربخش است و می‌تواند برای خوانندگان گرامی الهام‌بخش باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، (۱۴۱۵ق). مترجم محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن کریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا^(ع)*. مترجم حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: صدوق.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق). *التوحید*. مصحح هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶). *الامالی*. چاپ ششم، تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۷ق). *عیون اخبار الرضا^(ع)*. مصحح مهدی لاجوردی، تهران: جهان.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب^(ع)*. قم: علامه.

ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، (۱۴۲۴ق). *فضائل امیر المؤمنین^(ع)*. مصحح حرزالدین، قم: دلیل ما.

اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق). *کشف القمه فی معرفه الائمه*. تبریز: بنی هاشمی.

امام رضا^(ع)، (۱۴۰۶ق). *الفقه المنسوب الی الامام الرضا^(ع)*. مشهد: آل البيت^(ع).

عوامل رفتاری برقراری ارتباط مؤثر در ... ❖ ۱۸۳

امینی فر، حسن، (۱۳۸۹). «روش‌شناسی مناظرات حضرت رضا^(ع)». *مجموعه مقالات همایش زلال اندیشه رضوی: ۵۷-۷۸*.

بولتون، رابرت، (۱۳۸۸). *روان‌شناسی روابط انسانی*. مترجم حمیدرضا سهرابی، چاپ پنجم، تهران: رشد.

تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۱۱ق). *مختصر المعانی*. چاپ اول، قم: دارالفکر.

تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دارالکتب الاسلامیه.

جانفزا، علی و علی خیاط، (۱۳۹۳). «زیرساخت‌های درونی ارتباط مؤثر در احادیث امام رضا^(ع)».

فرهنگ رضوی، شماره ۵، سال دوم: ۲۵-۵۰.

جعفریان، رسول، (۱۳۸۷). *حیات فکری امامان شیعه*. چاپ یازدهم، قم: انصاریان.

حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم: آل البیت^(ع).

ریچاردسون، جری، (۱۳۸۱). *معجزه ارتباط و ان.ال.پی*. مترجم مهدی قراچه‌داغی، چاپ هفتم، تهران: پیکان.

شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۸). *مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*. چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.

صفار، محمدبن حسن، (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد^(ص)*. مصحح محسن کوچه‌باغی، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق). *مکارم الاخلاق*. چاپ چهارم، قم: شریف رضوی.

طوسی، ابن حمزه، (۱۴۱۹ق). *الناقب فی المناقب*. مصحح نبیل رضا علوان، قم: انصاریان.

طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق). *الامالی*. قم: دارالثقافه.

فرهنگی، علی‌اکبر، (۱۳۸۹). *ارتباطات انسانی*. چاپ هفدهم، تهران: رسا.

کشی، محمدبن عمر، (۱۴۰۹ق). *اختیار معرفه الرجال*. مصحح محمدبن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحق، (۱۴۰۷ق). *کافی*. مصحح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گابور، دون، (۱۳۸۹). *مهارت‌های گفتگو*. مترجم مهدی قراچه‌داغی، چاپ هفتم، تهران: پیک بهار.

گروه پژوهشی علوم قرآنی و حدیث، (۱۳۸۷). *فرهنگ روابط اجتماعی*. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

- ❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۸۶). *روش فهم حدیث*. چاپ سوم، تهران: سمت.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. مصحح مؤسسه آل البيت^(ع)، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چاپ دوازدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- وود، جولیان، (۱۳۷۹). *ارتباطات میان فردی روان شناسی تعامل اجتماعی*. مترجم مهرداد فیروزبخت، تهران: مهتاب.
- هارجی، اون و دیگران، (۱۳۸۶). *مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*. مترجم خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، چاپ چهارم، تهران: رشد.

Behavioral Factors to Building Effective Communication in Speech and Behavior of Imam Reza (AS)

Ali Khayat: Assistant Professor at Razavi University of Islamic Sciences

Ali Janfaza: MA in Hadith Studies

Abstract

Impeccable Imams (AS) as those who are in charge of explaining revelation, have communicated in an effective way in speech and behavior with their audiences. Surveying their traditions, we can infer and classify these methods in different situations of communicating messages. The purpose of this paper is to extract and classify some behavioral factors of effective communications in the speech and conduct of Imam Reza (AS). These factors not only can be found in moral chapters of traditions of Imam Reza(AS) but also in all other chapters. It is emphasized that the era of leadership of Imam Reza (AS) especially with the variety of the three different eras and variety of audiences can be as an example for the behavior of authorities. In this article which is written in the library style, several factors such as the use of non-verbal cues, transfer the indirect message, courtesy and mutual respect, company, harmony of word and deed, tactfulness in deed, speaking and silence and close communication can be noted.

Company, preparing background for main message, the priority of the situation and classifying communication are other Behavioral factors in Razavi traditions.

Keywords: Effective Communication, Behavioral Factors, Imam Reza, the Respondent

Multiplication (Takasur) and its Effect on Life According to Razavi Sireh (Conduct)

Mohammad Ali Taherinejad: Assistant Professor at University of Holy Quran Teachings and Sciences, Teacher Training School for Holy Quran, Mashhad

Abstract

The capital and accumulation in the human community have led to destructive issues in every era. The impact and extent of the damage caused by such immense social disease have become further profound today by means of modern instruments, computational calculations, mechanization of production/consumption equipment. One instance of ominous achievement can be the widespread wars and instabilities at every social aspect through capital accumulation and establishment of a capitalist system. This essay intends to examine, in a descriptive-analytical method, the capitalist system and multiplication from a conceptual perspective depicting Quranic examples, i.e. greediness, sense of superiority and outdoing others in accumulation of wealth, as well as oral and practical Sireh of Imam Reza (AS) generally taking into account the criteria of multiplication and its materialistic/spiritual effects. Scrutiny into the Razavi Sireh and narratives demonstrate that excessive valuation of human ownership, monopoly, hoarding and wrong approach to acquiring wealth are among the key criteria of multiplication mentioned in religious teachings. On the other hand, committing usury, using short weights for sale, exploitation and luxury are deemed as materialistic consequences, while quitting good conduct for gaining higher profits, irresponsibility and neglecting the Doom's Day are regarded as the spiritual consequences of the multiplication in human life.

Keywords: Imam Reza (AS), Razavi Sireh (Conduct), Multiplication, Materialistic and Spiritual Effects, Capitalist System

Communication Approach of Imam Reza(AS) from Medina to Marw

Karim Khanmohammadi: Assistant Professor in Baqir al-Olum University

Mohaddese Yousefi: MA Student of Propagation and Cultural Communication in Baqir al-Olum University

Abstract:

Today is the era of human communication, and lack of attention to proper communication with others is the root of many cultural-social problems in the society. Paying attention to life style of Ahl al-bayt (PBUH) and following their behaviors and life styles can always guide us to a desired pattern, right life style and proper communication with others. Among the history of Shia's changes, Imam Reza's (PBUH) journey to Iran is undoubtedly one of the most important events. Although this journey took place due to Al-Ma'mun's (Abbasid caliph) insistence, it actually led to good effects and consequences for Iran.

The present study tries to investigate the communication approach of Imam Reza (PBUH) from Medina to Marw through the analytical study of Berlo's model of human communication as a theorist in the field of communication. According to this model, four main characteristics of the communicator, i.e. communication skill, attitudes, knowledge, and cultural-social status are obvious in his behavior during this journey.

Key words: Communication Approach, Imam Reza (AS) from Medina to Marv, Berlo's Model, Human Communication

Democratic Genealogy in Tradition of Religious Democracy (A Case study on Razavi Sireh (Conduct))

Gholamreza Khajehsarvi: Associate Professor at the Department of Political Science and Faculty Member at Allameh Tabatabaei University

Seyed Javad Husseini: PhD Student in Political Science at Allameh Tabatabaei University, Instructor and Researcher at Imam Sadiq University

Abstract

Nowadays, democracy is discussed as a public demand. Therefore, it requires to be promoted in the Islamic Republic of Iran through a crystal-clear model and genealogy. The main question to be answered in this study involves whether the Ahl-al-Bayt Sireh (conduct), which is somewhat a basic model underlying the Islamic Republic of Iran, provide a certain practice or genealogy about democracy? The Razavi Sireh (conduct) brings us such a model for two important reasons. The intellectual and political life of Imam Reza (AS) helped him promote the Ahl-al-Bayt teachings through democratic practices. On the other hand, debates as the context of democratic model, has set the ground for dissemination of Islamic teachings. It seems that the similarity of today's society to that of Imam Reza's era can also be another reason why this research can be useful. This paper intends to answer the proposed question through inter-religious studies, library studies, and with referring to original scripts.

Keywords: Democracy, Debates, Intellectual and Political Life, Razavi Sireh (Conduct)

**A Query Over the Hadith Status of Imam Reza (AS) in
Resources from Two Sects
(Based on the Frequency and Extent of Thematic Narratives)**

Mostafa Ahmadifar: PhD Student in Quran and Hadith Sciences at Razavi University of Islamic Sciences, Faculty Member at Al-Mustafa International University Mashhad Branch, (Leading Author)

Hamid Hussein-Nejad: Assistant Professor for the General Group, Associate Professor at Al-Mustafa International University Mashhad Branch

Abstract

The narratives from Imam Reza (AS) organized in the form of hadiths, debates and scientific discussions are particularly important. In addition to delivering appropriate answers to various questions raised by scholars from other religions and schools, Imam Reza (AS) spoke and reasoned with his audience based on personal ideology, which contributed to one of his key manifestations of cognitive ability. This paper attempts to examine the frequency and extent to which the Imam Reza's narratives can be found in sources from the two sects. Statistically compared, the majority of Sunni resources, despite numerous narrators from Imam in those days, demonstrate a lack of narrative. This study revealed that juridical and ethical subjects cover a wide spectrum of Imam Reza (AS) narratives in Shia hadith resources.

Keywords: Hadiths, Imam Reza (AS), Compilation of Hadiths, Sunni Resources, Kotob Arbae (Four Books)

The Role and Consequences of Imam Reza's Cultural Management in the Shia Society

Hussein Khakpour: Associate Professor, The University of Sistan and Baluchestan

Marzieh Mahmoudi: M. S. Student of, Quran and Hadith Sciences School, The University of Sistan and Baluchestan

Mansureh Saeedi Garaqani: M. S. Student of History, The University of Sistan and Baluchestan

Abstract

Islamic cultural management means training people based on the ideals set by either Holy Quran or household. According to the Shiism doctrine, both the necessity and importance of management need to be found in the firm principle of Imamah. An opportunity was gained during Imam Reza's (AS) era, regarding his chance to be crown prince of the time Abbasid Caliph, by which he succeeded to revitalize the half-dead body of Shia and to revive the real Islam, proclaimed by the Holy Prophet (PBUH), through cultural management. Accordingly, using the descriptive-analytical method, which is based on the narrative-historical approach, this study analyzes the role and impact of Imam Reza's cultural management on the Shia society. It summarizes the results as follows: the role of elevating the stance of Quran and household in the society, revitalizing the Holy Prophet (PBUH) and infallible Imams' (AS) sunnah (tradition), explanation and confirmation of, especially, the important principle of Imamah, growth and development, elite training, organizing, protecting and directing, illuminating, developing insight, etc.

Keywords: Imam Reza (AS), Cultural Management, Shia

Wound Upon a Heartfelt Harp Khorasan's Luminescent Sun on Masnavi "The Mother of Deers" by Ahmad Azizi

Khalil Baygzade: Assistant Professor of Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah

Reza Kiani: Assistant Professor of Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University

Abstract

Delving into religious themes, the Shia literature has gained a unique status as viewed by lovers of immaculate Ahl al-Bayt family (AS), thus it has turned into a lively mainstream where religious teachings were passed through an effective moral/educational approach and artistic language onto the next generations, those who need the knowledge wellspring and ethics from the Immaculate and Infallible Masumin (AS), therefore it ultimately leads the Shia beliefs of ancestors toward sublime ideals pursued by these leaders to human perfection. From this perspective, it is necessary to consider the distant centuries when the blatant cry from a wretched sounds resembled to the dimmest human voice as the grapes of hope in a bitter silence flushed with infertility and the wilting spot overlaying their lips, it was while Ahmad Azizi set his heart on an Imam whose holy shrine provided a resort for those shelterless people who have released the "deer" of their aching heart before the thornless effects of his perception and they have fixed eyes beyond the cloud of invocation toward a rainfall that could revive their drought-stricken smile. This essay intends to examine, "Mother of the Deers" a masnavi poem composed by Ahmad Azizi in a descriptive-analytical method, in order to answer the question how the Imam Reza's complexion reflected in the ideology of this highly committed poet. The findings show that the symbolic masnavi portrays the call of perplexity in those shelterless people who have, in their desperate loneliness, bound their plea to Imam Reza's sacred burial chamber where they could get away with the heartfelt pains from the oppressive dictators of day.

Keywords: Imam Reza (AS); Kafahueye Mokashefeh (Shoes of Revelation), Ahmad Azizi, Razavi Poetry, Contemporary Poems

Editorial Office

**No.3, Shahid Kamyab 34 St. Shahid Kamyab
Intersection, Mashhad, Islamic Republic of Iran**

Tel: (051) 32283044-9

Approach: with an academic and research approach, this journal accepts articles with their main focus on Imam Reza (PBUH) which are authored in various areas including ideological, theological, juridical (fiqh), interpretive, Hadith, historical and comparative as well as other scientific aspects of the Erudite of Mohammad (PBUH) Family.

In the Name of God

Journal of Razavi Culture

Imam Reza (AS) International Foundation for Cultural and Arts
Vol.2, No.8, Winter 2015

Managing Director: Seyyd Javad Jafari Ahmadabadi
Editor in Chief: Jalal Dorakhshah
Executive Director: Mohammad Nedae

Seyyed Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai: Associate Professor of Imam Reza ^(AS)
International Foundation for Cultural & Arts

Jalal Dorakhshah: Professor of Imam Sadeq ^(AS) University

Ali Soroormajd: Assistant Professor of Imam Reza ^(AS) International Foundation for
Cultural & Art

Mahnaz Shayestehfar: Associate Professor of Tarbiat Modares University

Mahmoud Vaezi: Assistant Professor of Tehran University

Mohammad Hadi Homayoon: Associate Professor of Imam Reza ^(AS) International
Foundation for Cultural & Arts

Seyedeh Razieh Yasini: Assistant Professor of Research Institute of Culture, Art and
Communication

Editing and Layout: Dadeh Gostar Hor Institute

Printing office: Zomorrod

According to the official letter N:3/18/202066,D:11/1/1393 issued by
“Office of Policymaking and Programming in Research Areas” Belonging
to the “Ministry of Science, Research and Technology”, *Razavi Culture*
Quarterly is an Authentic Scientific and Research Journal.